



Perzsa 0. 100.

Digitized by the Library and Information
Centre of the Hungarian Academy of
Sciences





تَوَاتُرُ النَّاسِ فِي سَبِيلِ الْعِبَادَةِ
هَذَا بِرَحْمَةِ الْمَلِكِ الْمُسْتَعِينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْعِبَادَةَ وَسَبِيلَةَ نَيْبِ السَّعَادَةِ
فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِ الْوَرَى مُحَمَّدٍ
وَعِتْرَتِهِ أُمَّةً الْهُدَى مَا بَعْدَ بَنِي خَاطِئِ مُحَمَّدٍ أَقْرَبِينَ
مُحَمَّدٌ تَقَى عَفَى اللَّهُ عَنْ جِرَائِمِهِمَا بِالْوَأْحِ إِزْوَاحِ صَافِيَةٍ
بِرُطْنِ الْإِيمَانِ وَاخْلَافِ رَوْحَانِي مِينَارِدِكُمْ جَوْنِ بِنَاتِ
أَقْدَمِ بِنْدِ تَعَالَى شَانِ بَرَايِ هِدَايَتِكُمْ كَرَكْتُمْ كَانِ بِنَادِي
جِهَالِكُمْ وَضَلَالَتِ طَرِيقِ صَوْمِ وَصَلَاةٍ وَدُعَاؤِ عِبَادَةٍ
كَهْ أَشْرَفِ وَأَقْرَبِ طَرِيقِ نَيْبِ سَعَادَاتِكُمْ تَقَرَّرِ كَرَكْتُمْ
وَأَزْ حَضْرَتِ رَسُولِ خُدَاوَانِ هُدَى صَلَوَاتِ اللَّهِ

عليهم

2

علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که
کتب عاشقوت زانها و این خادم اخبار آنمه اظهار
علیهم صلوات الله الملك الغفار اکثر در کتاب بحار
الانوار ایراد نموده ام و اکثر خلق را باعتبار اشغال
با انواع اشغال نبوت و غیرها تحصیل آنها و عمل مجامع
نهامیت نیست خواستم منجی از اعمال ساق فضايل
ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که با سائید صحیح و معتبر
وارد شده است در این رساله ایراد می نمایم که عامه
خلق از برکات آنها محروم نباشند شاید این بنده عالم
را بدغای مغفرت یاد نمایند و مسی می گردانیدم انرا
بزرگ المعاد عسی الله ان ینفعنا و ایاهم الی سبیل الرشاد
و چون اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجله در زمان
دولت عدالت ثمر و اوان سلطنت سعادت اثر
اعلی حضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین
دوران شهر ازیم اوزاق ملک دین نقاوه احفاد سید
الموسلین ابی رنک کلسنامه مصطفوی چشم و چراغ
دودمان مرتضوی سلطان جم خادم و خاقان فرشته
حشم شجاعت نژادی که تیغ ابدارش برای سرهای
کفار نهر نیست بسوی اربابوار و حسام التمش بادش

برای خرمین عمر خاندان و معاندان مصدوقه برسل علیها
 شواطئ من نار و دستهای آغبان مزید و معتشان در
 استناد و بیع البیئانش با کف الخضیب همداستان
 و خروش صوفیان صفوتشان بر زمزمه دعای خلود
 ابد تو امان با عند لیبار اغضان سدن المنتهی
 همدستان هر که تیغ خلاف از تنبام کهن بر کشید
 چون بید بر خود بگرزد و هر که چهار ایدنه نفاق
 در بر کشید صورت مریک خود زان دید کرده چین
 قهرش عقد کشای کره های کار بستگان کشادگی
 کف که با نوالش بحاب مزایع املهای بر مردگان
 مؤسس قواعد متک و دین مروج شریعت باء ظاهر
 حیا و ساحت درگاه خلا بق پناهش از یقیل شفاء
 سلاطین زمان لبریز و خواقین دوزان در صرح ممد
 غرت و جلالتش تر زبان بندای قدمنا الضرابها
 الغریز اعنی السلطان الاعظم و الخاقان الاکبر الایکرم
 ملیا الاکاسره و ملاذ القیصره محیی مر اسم الشریعه
 الغراء و مشید القواعد المله البیضاء السلطان ابن
 السلطان و الخاقان ابن الخاقان **الشیخ السلطان حسین**
 الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لالاک

و ايات دولت و مرفوعه و هائات اعداء مقومعه
 ميتر کرد بد تحفه آن بارگاه خلاق اميد گاه گردانيد
 اميد که مقبول طبع اشرف کرد و ان اعلحضرت از فوايد
 آن منتفع گردند بجمه و اله الطاهرين و الله الموفق والمعين
 و اين رساله مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه

باب اول در بيان فضائل و اعمال ماه مبارك
 فصل اول در فضائل مبارك و در بيان فضائل مبارك

در بيان فضائل و اعمال ماه مبارك
 و جبه عبادات است بدانكه اين ماه و ماه شعبا و ماه
 رمضان بهترين ماههاي سالند و از حضرت رسالت
 صلى الله عليه و اله منقولست كه هر كه حرمت ماه حجب
 و شعبان ابدارد و وصل نمايد روزه آنها را برون ماه
 مبارك رمضان اين ماههاي مبارك در روز قيامت
 گواهان او باشند نزد حق تعالي و در آن روز سناد
 از فوق اعلى ندا كند كه اي حجب و شعبان و ماه رمضان
 چگونه بوده است عمل اين بندگ در شماها و طاعت
 او از براي خدا هم اين ماهها كو ببد كه اين بندگ
 گرفت در ماهها بپاري بر طاعت تو و استمداد فضل
 و رحمت از تو نمود و سعي بپار در طلب خوشنودي
 تو كرد و ناتوانست اهتمام در تحصيل محبت تو نمود

پس گواهی دهند ملک که موکلند در اینها که ما
نیافتیم این بند را مگر طلب کنند طاعت و خشنودی
تو و امید واری رحمت و امرزش تو بود و آنچه زانجا کرد
بودی ترک کرد و آنچه را از او طلبید بودی بسوی آنها
مسارعت نمود و روزی کامل از برای تو داشت و شک
و فرج و کوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام
کرده بودی اجتناب کرد و روزها را با تشکیک برین
و در شبها خود را بتعب انداخت برای بندگی تو و تصدق
بفقر او مساکین بسیار داد و احسان نسبت به بندگان
تو نمود و با اینها مصاحبت بسیار بنک کرد و چون
از اینها جدا شد و داع بنک کرد و بعد از رفتن آنها
پیرامون محرمات تو نکردید و بنک نبود این بند
پس چون دعا فرماید که بپرید این بند را بسوی بهشت
استقبال کنند و از ملک خدا با تحفهها و کرامتها و او
را بر شتران و اسبها نورسوار کنند و بپرند بسوی
بهشت و نعتی که هرگز زوال ندارد و خانه که هرگز فانی
نشود و سرائی که جوانانش بپرند میشوند و شادی و خوش
حالی او زوال ندارد و هرگز ایشان را بعی نمیباشد
و از عذاب این کردد و مشقت حساب از برای ایشان

4
نیست **وَابْضًا** از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه
بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت بان نبی
رسد و قتال در این ماه با کافران حرام است و رجب
خداست و شعبان ماه منک و در رمضان امت من و
کسی که بگردد از ماه رجب روزی دارد مستوجب خوش
نودی بزرگ او گردد **وَابْضًا** معتبر از حضرت موسی ابن
جعفر علیهما السلام منقولست که هر که بگردد از ماه رجب
از روزه دارد ایش جهت یکساله راه از او دور گردد
و هر که سه روز روزه دارد بهشت از برای او واجب
گردد **وَابْضًا** فرمود که رجب نام نهریست در بهشت است
شیر سفید تر و از غسل شیرین تر هر که بگردد از
رجب روزی دارد البته از آن نهر پیاشامد **وَابْضًا**
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رجب ماه
استغفار است منست پس بسیار طلبد مرزش کند
که خدا امر زند و مهترانست و رجب اصعب میگویند
زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار و رحمت
میشود پس بسیار بگویند استغفر الله و استغفر
التوبة **وَابْضًا** معتبر از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که هر که سه روز از ماه رجب روزه دارد
 به هر روز ثوابی و نیکسالی برای او بنویسند و هر که
 هفت روز از آن روزه بدارد هفت درجه تهن بر روی او
 بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه دارد هشت
 درجه تهن بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز
 از آن روزه بدارد خدا او را حساب سال بکند و
 هر که جمیع ماه رجب روزه بدارد حق تعالی خوشنودی
 خود را از برای او بنویسد و هرگز او را عذاب نکند
باب بیستم بسند معتبر از سالم روایت کرده است که
 گفت رفتم بخدیجه حضرت صادق علیه السلام در او احوال
 رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر آنحضرت
 بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه
 والله ای فرزند رسول خدا فرمود که انقدر ثواب از
 توفیق شده است که قدر آنرا بجز از خدای کسی نمی
 داند بدرستی که این ماه هیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر
 فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است
 و برای روزه داران آن گرامی داشتن را بر خود واجب
 گردانیده است پس گفتم یا بن رسول الله اگر در باقی
 مانده این ماه روزه بگیرم آیا به بعضی از ثواب روزه

و از آن پنجاه تا بر یکسدم فرمود که ای ساله هر که بگوید
 از آخر این ماه روزه بخورد خدا او را این کردارند از شدت
 سکران موت و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر
 و هر که در روز آخر این ماه روزه بخورد بر صراط باسانی
 بگذرد و هر که سه روز آخر این ماه روزه بخورد این کرد
 از ترس بزرگ روز قیامت و از شدت آه و هولهای آن
 روز و بزرگ بزرگی از آتش جهنم را باو عطا کنند **و اینصفا**
 از حضرت امیرالمؤمنین روایت کرده است که هر که یک
 روز از اول ماه رجب یا از وسط آن ماه یا آخر آن ماه روزه
 بخورد کاهان گذشته او مرزبند شود و هر که سه روز
 از اول یا وسط یا آخر ماه رجب روزه بخورد کاهان گذشته
 و ایند اش مرزبند گردد و هر که یکشب از این ماه را بجا کند
 خود را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفا
 او را در حق تعالی مرد کند که کار و هر که در این ماه تصدق
 از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نغمی چند
 باو عطا کند که چشمی ندیده باشد و کوشی نشنیده باشد
 و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد **و اینصفا** بسند معتبر از
 حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون
 روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که

کجا بپندرجیبون پس گروهی برخیزند که نور و نهای
 ایشان جمیع محشر را روشن گردانند و تاج پادشاهی بر
 سر ایشان باشد مکلل بپروارید و با قوت و با همت
 از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب است و هزار
 ملک از جانب چپ و همه او را ندانند که کوا را باد ترا
 کرامت‌های حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمن
 ندانند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بخت
 جلال خود سو کند یا دمسکتم که شما را در نما و ای بنکو
 ساکن گردانم و عظامی شما را بترک گردانم و عطا
 کنم شمارا از بهشت غر فیما که نهرها در زیران جاری
 باشد و همیشه دران غر فیما باشد و بنکو نزد پست
 مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم
 روزه داشتید از برای من در ماههایی که حرمت آنرا
 عظیم گردانید بودم و حق او را واجب ساخته بودم
 ای ملک که من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید
 پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که
 چیزی از ماه رجب را روزه بدارد اگر چه بکروز باشد
 از اولش یا میانش یا آخرش **و بپند** معتبر از حضرت
 امام رضا روایت کرده است که هر که روزه اول رجب

رُوف بدار و حوتقالی و قیامت از او خوشنود کرد و
 هر که دور و ز رُوف بدار و حوتقالی بگناید از او خوشنود
 کرد و او را خوشنود کرد و اند و هر که سه روز از رُوف
 بدار و خداوند گنیم از او راضی گردد و خصمان او را
 از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از رُوف
 بدار چون به پسر در راه هفت آسمان برای رُوح او
 کشاده کرد که تا بمکون اعلیٰ نرسد و هر که هشت روز
 از آن رُوف دارد هشت در بهشت بر روی او کشاده
 کرد و هر که پانزده روز از آن رُوف بدار و هر حاجت که
 از حوتقالی بطلبد بر آورد مگر آنکه سؤال او از برای
 گناهی باشد یا متضمن قطع رحمی باشد و هر که تمام ماه
 را رُوف بدارد از گناه بیرون رود مانند روزی از
 مادر متولد شده باشد و از آن جهت از او کرد و
 داخل بهشت شود با بر کز بدگان و نیکوکاران و اتحاد
 در این باب بسیار وارد شده است و این سال که گناید
 ذکر آنها ندارد **فصل در بیان الخالی است که کس**
 رُوف عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بجز
 آورد و در بعضی آیات وارد شده است که بدک و زده
 مستحب پاک رهم تصدق کند که موافق زرهای این

زمان تقریباً هفتاد دینار بوده باشد و بر وایت دیگر
 عوض روزها روز یکم کندم یا جو وارد شده
 است و احوط در مد صد درم شاه است و ظاهر
 صد درم گنه کافی باشد و در ذکر وایتی مخصوص
 روزه ماه مبارک رجب یک کرده فان نیز وارد
 شده است و اگر چه قادر بر روزه نباشد و حمل کرده
 اند بر کسی که پریشان باشد و قادر بر مد و در هم نباشد
و ایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول صلی الله
 علیه و اله وارد شده است بعوض روزه اگر قادر بر آن
 نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند
سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي

بگفت خدای بزرگوار بگفت آنکه منزه است

التَّسْبِيحُ إِلَهِ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ

پستایش کردار بگفت آنکه غالب و کرامت است بگفت

مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلُ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ

آنکه پوشیده عزت بگفت آنکه منزله است

بِالْحِدِّ وَتَكْرَمَ بِهِ وَدَرَدَ وَأَيُّاتٍ مَعْبُورَةٍ وَارْتَدَّ

که هر که بمنزل برآورد مؤمن خود را

شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعام خافض

سازد و او را تکلیف کند ثواب فطار کردن زیاده از
 ثواب وزن داشتن است هفتاد برابر اگر اظنه نماند
 که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است
 وزن دار وزن سنت داشتن بپرخصت شوهر و
 غلام و کنیز را بپرخصت مالک فرزندان را بپرخصت
 پدر و مادر و مهمان را بی خصت مهمان دار و مهماندار
 بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست
 و مشهور میان علمای است که روزه مملوک بدون اذن
 مالک باطل است و هم چنین روزه سنت زن را بپرخصت
 شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور است که
 روزه سنت فرزندی اذن ایشان مگر و هست باطل
 نیست و بعضی گفته اند بپرخصت پدر باطل است
 احوط است که بدون اذن ایشان روزه سنت نندارد
 و روزه سنت مهمان بدون اذن مهمان دار خلاف است
 احوط است که مهمان و مهمان دار هیچیک بدون اذن دیگری
 روزه مستحب نندارد اگر چه اظنه است که مکروه است
فصل سیم در بیان اعمال هر شب هر روز است **بسنید**
 معتبره منقول است که حضرت امام زین العابدین در روز
 اول ماه رجب این دعا بخوانند و علمای ذکر کرده اند که

هر روز سنت یا من به ملک حوائج السائلین و

اسک خواندن *ای آنگه حاجت های سوال کنندگان*

یَعْلَمُ ظَهْرَ الصَّامِتِ بِنَ لَيْلٍ مَسْئَلُهُ مِنْكَ مَسْمُوعٌ

مردمانه حاضِرٌ وَجَوَابُ عَيْدٍ وَ لَيْلٍ صَامِتٍ مِنْكَ عَلَيْهِ

کامز بِإِطْنِ مِحْطِ اللَّهُمَّ وَمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقِ وَ

خداوند آيَادِكَ الْفَاضِلَةِ وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ فَاسْأَلُكَ

بختیاری تو بزرگت درکت و فراز برکت بر من و علیکم السلام

أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي

ای بزرگت بر من محمد و آل محمد و ای بزرگ بر من حاجت های من

لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبَسْمَلُكَ

در دنیا و آخرت بر من است ای بزرگ تو ای من معتبر

مَنْ قَوْلُكَ كَخَضِرٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَابَ لَوْ أَفْدَى

در هر روز ماه رجب بس دعا بخوانند ای بزرگ تو خوار و خوار

عَلَى عَيْبِكَ وَخَيْرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَضَاعٌ

بر غیر تو و زبان گدازد از من است کان گدازد از من است

الْمَلِئُونَ إِلَّا بِكَ وَاجْتَدِبَ الْمُتَجِعُونَ إِلَّا مِنْ

از در دست کان از تو و نفس بر من است طالبان معرفت بر من

أَتَجْعَعُ فَضْلَكَ يَا بَاكَ مَفْنُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ

حق موزه از معرفت زارگاه تو کرده است برای من است بدان که تو

مَسْذُوقٌ لِلطَّالِبِينَ وَفَضْلُكَ مَبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ

خسته شده است بر من است کان در آن تو حال کرده است برای من است

وینک

وَسَبِّكَ مُنَاحٌ لِلْأَمَلِينَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ

د برای آرزویشان در روزی تو گزیده شد برای آنکه

عَصَاكَ وَخَلِّكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ فَاوَاكَ عَادَتَكَ

از نمازی تو نمودن او بر داری تو در پیش پند است برای آنکه پس از پند است

الْإِحْسَانَ إِلَى الْمَسِيئِينَ وَسَبِّكَ الْإِبْقَاءُ

چون است بگویم کاران در راه تو مدار نمودن است

عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ

بر هدایت کن مرا هدایت کن مرا هدایت کن مرا هدایت کن مرا

وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْجَاهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ

در روزی کن مرا ایستادگان در راه تو و نمودن مرا از

الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَانْفِزْ لِي بَوَّحَ الدِّينِ

غافلان در روزی کن مرا از روزگاران

وَأَيْضًا لِبِسْمِ عَبْرَةِ نَفْسِكَ كَمَا مُحَمَّدٌ ذِكْرُكَ أَنْ يَخْتِ

حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که فدای تو شوم

این ماه رجب است مراد عانی تعلیم نما که حق تعالی مرغان

نفع بخشد حضرت فرمود که هر روز ماه رجب در صبح و

پسین بعد از همه نمازها در شب یا من آرزو لیکل

و روزا بنده عارا بخوان *ای آنکه همه دارم او را برای*

خَيْرٍ وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ

بسیار دهننده ای آنکه عطا کند که هر کس سوال کند از او ای آنکه عطا کند

بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ

بهر کم است ای آنکه عطا کند که هر کس سوال کند از او ای آنکه عطا کند

كَمْ لَيْسَئَلُهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ تَحْتَمِينَهُ وَرَحْمَةَ اعْطَانِي

سوال کند از او آنکه نشناسد حاجت او را از خود مهر نماید خود عطا کند

بِسْمِ اللَّهِ يَا كَافِرٍ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعِ خَيْرِ الآخِرَةِ وَ

بسم الله که در آن است تمام خیر دنیا و آخرت و

أَصْرَفَ عَنِّي بِسْمِ اللَّهِ يَا كَافِرٍ جَمِيعِ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الآخِرَةِ

که در آن از زمین بوال گردان من بر تمام شر دنیا و آخرت

فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ

بسم الله که در آن است تمام خیر دنیا و آخرت و

يَا كَرِيمُ لَيْسَ حَضْرَتِي بِشَرِّ مَبَادِكِ خُودِ وَابِدِ اسْتِ جِبِّ كَرْتَمَلِ

ای زکریا و آنکه دست سبانه دست راست خود را بجانب

رَاسْتِ وَجِبِّ حَرَكْتِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا

میلادند و این دعا منافع آنکه از عطا کردی و بر زکریا که او

التَّعْمَاءِ وَالْبُحُودِ يَا ذَا الْيَمِينِ وَالطُّوْلِ حَرَمِ شَيْبَتِي عَلَيَّ

نعمت و بخشش که او از حق و رحمت حرام گردان بر می آید

النَّارِ وَدَسْتِ بَرْنَدِ اسْتِ تَا اَزَابِ دِ بَدِ اسْتِ شَرِّ دِ سِجِّ

بسم طوسی پسند معتبر و ابیث کرده است که حضرت

صَادِقٍ بِمَعْلَى بِنِ خَنِيسِ كَفْتِ كِهَ اللّهُمَّ اِنِّي اسْتَلِكُ

دو ماهه و جب این دعا را بخوان خداوند را که در آن است

صَبْرًا لِّشَاكِرِيْنَ كَلِّكَ وَتَعْمَلُ الْخَائِفِيْنَ مِنْكَ وَ

سکندر که در آن بر زکریا که در آن است که ان از خود

يَقِيْنَ الْعَايِدِيْنَ اِلَيْكَ اللَّهُمَّ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

یعنی بر سر خداگان ترا خداوندی بزرگ

وَ اَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَ اَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

و منم بنده تو فقیری بیچاره و تو غنی و ستوده

وَ اَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ

و منم بنده خوار خداوند رحمت است بر محمد و آل او

وَأَمِّنْ بَعْدَنَا عَلَى فِقْرِي وَجَلِّمْ عَلَى جَهْلِي وَ

وگفتش آن بزرگوار می فرمود بر ما از فقر و بر ما از جهل و بر ما از آن که

بِعَوْنِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِي يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ

بنا ما خود بر ما تو ای من ای قوی ای عزیز ای خداوند ارادت

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَكَفِّنِي مَا أَهْتَنِي

محمد و آل او اوصیاء پسندگان و کتاب کن آنچه من را

مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَازْرُقْ

از کار دنیا و آخرت ای رحمت مندترین بخشندگان مستیدان

طَاوُسَ ظَاهِرًا مَبْشُورًا كَمَا أَيْدِعَا جَامِعَ تَرْتِينَ دَعَا هَا سَتَدْر

در همه اوقات میتوان خوانند شیخ طوسی سی و دو بکر آن است

مَعْتَبَرًا مِنْ حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ كَرِيمَةً أَنْتَ كَسْتَدْر

است در هر روز ماه مبارک و جب است دعا را بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَمْرِ لَوْ دِينِي فِي رَحْمَتِكَ

خداوند ای عزیز منسبتن سوالم می فرماید نموده در رحمت محمد

ابْنِ عَلِيٍّ الشَّافِي وَابْنِ عَلِيٍّ ابْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ وَأَنْتَ

سپر من درم و سپر او علی بن محمد برزنده است در کار خود

بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

ای من بوی تو بهترین نزد شدن ای آنکه سوخا و در حق بی

طَلَبٍ وَفِيمَا لَدَيْهِ رَغِبَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ

طلب کرده بودم و در آنچه در او است رغبت کرده بودم سوالم می فرماید از او

مُذْنِبٍ قَدْ أَوْثَقَهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْثَقَهُ عُبُوبُهُ

کنده کار که گناه کرده در گناه او و بسته باشد در او عیبها

فَقَالَ عَلِيُّ الْخَطَّابُ يَا ذَاؤُوبَهُ وَمِنَ الزُّرَايَا خَطُوبُهُ

پس گفت علی خطیب ای گوسفند از آن گوسفندان و در زبانه عیبها او را عیبها

يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحَسَنَ الْأَوْبَاءِ وَالنُّزُوعَ عَنِ

در بخوابد از خواب و دست کوبد با زلفت و باز بستاند آن را

الْحَوْبَةَ وَمِنَ النَّارِ فَكَانَ رَقَبَتَهُ وَالْعَفْوُ عَمَّا فِي

کلاه و در زانوس کبودان از زانو در آن کردن او دور که شستن از زانو

وَرَقَبَتَهُ قَانَتْ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمَ أَمَلِهِ وَتَقِيَهُ اللَّهُ

کردن از دست پس نوای آنی آن بر زانوی آورد او و غنای او و صاف شدن او

وَاسْتَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الشُّبُهَاتِ

در سوال بگویم ترا ای الهی غیب با بر او و سببهای با حفت او

أَنْ تَتَعَدَّيَ فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرُحْمَةِ مَنِكَ وَأَسْأَلُكَ

ای منم بگوستی از او در این ماه بر چینی از حرم او که از کوفت او

وَبُخْمَةِ وَالزَّعْمِ وَتَقْبِيسَ مِمَّا رَزَقْتَهَا قَانِعَةً إِلَى نَزْوِلِ

و بخیمی که او را از زخم و تقبیس و آنچه از او رزق داد او را قانع است از نزول

الْحَافِيفَةِ وَجَمَلِ الْأَخْرَةِ وَمَا يَهْوِي لَيْبِهِ صَانِعُةٌ فِي خَيْرِ

لوی قفر و جمل اخترت و آنچه هوش لوی او بر کرده است رسول

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الْهَ مِنْقُولُكَتْ كِهْ دَرِجِبَعِ مَاهِ وَجِبَعِ هَرِ

صِبْخِ وَبِسَبْعِ مَهْفَاتِ دَرِجِبَعِ بَكُوْبِدَا سَتَغْفِرُ اللَّهُ وَأَتُوبُ

إِلَيْهِ بِسَبْعِ مَهْفَاتِ السَّمَاوِي سَمَانِ بَرْدَارِدِ وَبَكُوْبِدَا اللَّهُمَّ

اغْفِرْ لِي وَتَبَّ عَلَيَّ وَإِنْ أَسْتَغْفِرُ دَرِجِبَعِ أَيَّامِ سَنَالِ

سَنَسَلْتُ وَهَرَارِ مَرْتَبَةِ سُورَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَوَانِدَا

دَرِجِبَعِ مَاهِ ثَوَابِ بَسِيَارِ دَرِزَانِ زَادِ شَدَّ اسْتِ وَكِرِ

خَوَانِدَا دَرِ بَكِرِ وَزَجْوَانِدَا وَكَرِ خَوَانِدَا هَرِ وَزَقْدَرِ

بَجْوَانِدَا كِهْ دَرِ تَمَامِ مَاهِ هَرَارِ مَرْتَبَةِ خَوَانِدَا بَاشَدَا **وَأَيْضًا**

مَنْقُولُكَتْ كِهْ هَرِ مَرْتَبَةِ لَالِ الْإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ زَادِ جَمِيعِ

مَاهِ بَكُوْبِدَا صَدِّ هَرَارِ حَسَنَةِ بَرَايِ وَنُوشْتَهْ شُودِ

حقیقاً در بهشت شهری برای او بنا کند و در هر شب
 از شبهای ماه هزار مرتبه لا اله الا الله و ارد شده است
 و صد مرتبه این استغفار نیز منقولست و در جمیع ماه
 اگر چهار صد مرتبه بخواند قضیلت بسیار دارد
 استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له
 و انوب لیه **و احضرت** امیر المؤمنین منقولست که
 حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود که هر که در هر
 یازده ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوحد و
 ایه الکوسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل
 اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و سه مرتبه
 بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
 اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و سه
 مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و سه مرتبه
 اللهم اغفر لی المؤمنین و المؤمنات و چهار صد مرتبه
 استغفر الله و انوب لیه بگوید که هائش را خدا بیامر
 اگر چه بعد مقطرهای باران و بربک درختان و کف
 در باها باشد و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که
 بناسی تو دوست منی و بهر حرفی ترا شفاعت میدهم
 در برامان و خواهران مؤمن خود و حضرت فرمود

که اگر در عمری بکبار این عمل را بجا آورد حقیقتاً بصرحی
 هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع
 کوههای دنیا سنگین تر باشد و هفتصد حاجت و
 در وقت بیرون آمدن و مثل آن در وقت پرواز کردن
 نامهای اعمال و نزد سجیدن اعمال در میزان و نزد صراط
 بر آورد و او را در رز پر سابه عرش خود جای دهد و
 کند او را حساب سنان و هفتاد هزار ملک او را بخت
 کند تا داخل بهشت شود و باو عطا کند آنچه هیچ چشمی
 ندیده باشد و کوشی نشنیده باشد **تفصیل چهارم** در بیان
 فضائل و اعمال شب روزه اول است تا روزه پانزدهم در
 شب اول ماه غسل سنت است و منقول است که هر که در شب
 اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخران غسل کند از
 گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد
 شد است و در وقت دیدن ماه دعای صحیفه کامله
 را بخواند که بهترین دعاهاست و هفت مرتبه سوخت
 حمد را بخواند تا از در چشم امین گردد و در هر ماهی این
 مرتبت است و منقول است که چون ماه رجب بر بیند بگوید
اللَّهُمَّ اهْبِطْ عَلَيْنَا يَا أَمِينُ وَالْإِيمَانُ وَالسَّلَامُ
خداوند از در چشم گردان آید بر ما ای امین و ایمان و سلام

وَالْإِسْلَامَ رَبِّي وَرَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَدَرْ شَبَّوْلَه
در اسلام از روزگار من در روزگار تو صدای اول روز اول زیارت

حضرت امام حسین فضیلت بسیار دارد و در حدیث
معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را
زیارت کند بهشت او را واجب میشود البته واجبای
شب اول سنتت *آنحضرت* صادق منقولست که تا توانی
حفاظت نمای بر اجپای شب عید رمضان و شب عید قربان
و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب
شعبان و در این شبها نماز و دعا و تلاوت قرآن بسیار
بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که در
شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ عَلَى

من كَلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ بَلَّغٌ
رجب تو را

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجِّهُ إِلَيْكَ بِسَبِيكِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
من

صَلُّوا نَكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي
رضای تو

أَتُوجِّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُنْجِيَنَّكَ بِكَ طَلَبِي
رومی از روزگار من در روزگار تو صدای اول

اللَّهُمَّ بِسَبِيكَ مُحَمَّدٍ وَبِأَلِيَّتِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ آمِنْ

من افرازم به سب خود محمد و بپسندان از اهل بیت او در روز

طَلَبْتِي بِسِ حَاجَاتِ خُودِ اطَّلَبُ نَمَا بَدِ وَيَسْتِ رَكَعَتْ

ماحت ۱۱ نماز وارد شده است هر دو رکعت بیکلام

وَدَّرْ هَرِ رَكَعَتْ مُحَمَّدٍ وَبِكَ مَرْتَبَهُ قَلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بَخُودَانْدَا

از بلاهای دنیا و عذاب آخرت بمن کرده و شیخ و دیگران

بِسِنْدِ مَعْتَبِرٍ وَابْتِ كَرُوهُ اَنْدَكْ حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَى

در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ شد

اِسْتَدْعَاؤُ رَادِ سَجْدًا لَكَ اَلْحَمْدُ لَا اَزْ اَطْعَمَكَ وَ لَكَ

میخواهند نهند بر سرت بس اگر زبان بر تو در روز

اَلْحَمْدُ اِنْ عَصَيْتَكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِعَبِيْرِي فِي

حجت اگر نواز نام تو را است خدا را کرده اگر بر تو را

اِحْسَانِ اِلَّا بِكَ يَا كَاتِبًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا

سنگی مگر تو ای موجود پیش از همه چیزی و ای

مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللَّهُمَّ اِنِّي

مدر آورنده هر چیزی هر بسینه تو هر چیزی توانا همه اید از تو

اعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَذَابِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ مِنَ شَرِّ

سازگرم منو از عذاب نزد مرگ و از شر

الرَّجِيْحِ فِي الْقَبْرِ وَ مِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ

بازگشت در قبر و از پشیمان روز قیامت

قَاَسْتَسَلُّكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اٰلِهِ اَنْ تَجْعَلَ

بس سوال میکنم تو ای سزگرم منی بر محمد و آل او بسینه خود را

عَلَيْهِ

عَلَيْهِ عَشِيَّةٌ تَقْبَلُهُ وَمِيتَتِي مَيْتَةً سَوِيَّةً وَمُقْبَلِي

نزد کالی مرادند کالی بیکزه درودن مرادودن در دست داشتن

مُقْبَلًا كَمَا بَعَثْتَنِي خَيْرًا وَلَا فَاضِحًا اللَّهُمَّ صَلِّ

در وقت نیکو گویا صلوات بر او فرستاده و در وقت بدی از او فرستاده

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ تَبِيعَ الْحِكْمَةَ وَأُولَى

بر محمد و آل او بنویسان عشقهای دانش و عبادان

الْبَيْعَةِ وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَأَعْصِمْنِي بِهَا مِنْ كُلِّ

سوء و بعد بنای عصمت و نگاه در برابر آن از هر

سُوءٍ وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى غَيْرِهِ وَلَا عَلَيَّ غَفْلَةً وَ

بدی در برافزودن مرا بر غفلت و نه بر غفلت و

لَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ أَعْمَالِي حَسْرَةً وَأَرْضَ عَيْنِي قَانٍ

مردان آخر اعمال مرا پشیمانی و دوستی تو از این پس

مَغْفِرَتِكَ لِلظَّالِمِينَ وَأَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ اللَّهُمَّ

از برای ستمکاران است من از ستمکارانم از خداوند

اغْفِرْ لِي مَا لَا يَبْضُرُكَ وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ

بس من را آنچه ضرر ندارد ترا و عطا کن مرا آنچه کم کند ترا

فَإِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَ

بس در گستره تو از او کرده است رحمت او بد نظرت دانش و

أَعْطِنِي السَّعَةَ وَالذِّعَةَ وَالْأَمْنَ وَالصَّحَّةَ وَ

عطا کن مرا سعادت و زاریت و ایمنی و صحت و

الْخَوْعَ وَالْفُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاتَ وَالنَّقْوَى

تواری و خوفت و تشکر و معافات و در برابر کاری

وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ وَعَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ

دویدر در ایستنی بفرموده و بر دوستان تو د

الْبُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْتَمَ بِذَلِكَ يَا رَبِّ أَهْلِي وَ

زادگرمی و سپاس گواری در ذمّه بن علی ای درودگار من ایلم

وَلَدِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ أَحْبَبْتَ

زادگرم و مالم و درودگرم در زاده تو و از آن که دوست دارم

وَأَحْبَبْتَنِي وَوَلَدَتُكَ وَوَلَدَتِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ

دوست دارم و درود دهنده باشم و در زاده من از مردان مسلمان و

الْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمنه ای درودگار جهان

وَأَيْضًا بَسْمًا مَعْتَبَرًا مَقُولَةً كَمَا مَسَّحَتْكَ بَعْدَ ذَا

بسمی معتبره که بعد از آن

سَلَامٍ كَفْتَنَ زَيْنًا وَتَرَجَّحْتَ نَشْتَةً سَتَ بِنْدًا يَجْوَدُ

بسمی که زینا را پوشانید و ترجیح دادید نشسته است بندگی بخواند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَقْدَحُ آثَانَهُ وَلَا تَخَافُ أَمِينَهُ

بسمی که خداوند را نترساند و از او نمی‌ترسد ای درودگار من

رَبِّ انْزَلْتَكُنِّي لِمَعَاصِي فَذَلِكَ ثِقَةٌ بِكَ مَكْرَمٌ

ای درودگار من از مرتکب گنایان را من کنه افتاد گنایان

لَأَنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْهُمْ

چونکه توبه را از عبادتگاران می‌پذیری و در گنایان می‌بخشی

سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ الزَّلَالَاتِ فَإِنَّكَ حَيِّبٌ لِدَاعِيكَ

بسیار است ای درودگار من از گنایان را پس در گنایان تو را دور می‌دارد

وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَإِنَّا نَأْتِيكَ إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا وَ

از نزد تو ایلم ایلم با ما از گنایان ما به سوی تو می‌آید

رَاغِبٌ إِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا يَا

خواستگرم ایلم تو در زیاد کردن بهره من از عطایا ای

خَالِقَ الْبَرَاءَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شِدَّةٍ يَا صَبْرِي

ای سازنده از گنایان ای رستگرم از هر شدت طایفه ای رستگرم

من كل مخدور و فرغ على السرور و اقبني سر

از هر سستی و نوم کن برین است دی در کعبه کن ازین می

عواقب لا مور قانتا لله على انعامك و جرنيل

اخر کار ارا بر نواضا بر سمنای خود و عطای

عطايات مشكور و لکل خیر مدخور و ايضا انضر

دانش خود را کرده در دهنه ای که در کعبه امام علی نغمه

منقولت که بعد از یا نور النور یا مدبر الامور

نماز و ترانه عازان خوان اکار در سنی در سینه ای در کعبه کارا

یا محری البحور یا باعث من فی القبور یا هفتی

ای در دین کعبه در با ای بر کعبه کعبه در کعبه ای هفتی

حين تعیني المناهب و کتری جن تعجزنی

همه که فایده سازد ارا را بها در سینه کن ای کعبه جن زدم

المکاسب و مؤسی جن بحفونی الا باعد و

سپاس در پیش من ای کعبه ستم در اورد ارا

تملنی الا قارب و منزهی مجالسه اولیایه و

کعبه زدم ارا نزد کعبه در سینه کعبه با ارا ان خود

مراقبه احبایه فی ریاضه و ساقی بهوانسه

راهت در سنان خود در کعبه سنا می خود ارا سینه در کعبه خود

من نمیر حیاضه و زافعی بحا و ریه من و رطه

در ذات که ارا در حوضهای خود ای من در سینه همه بی خود از در طه

الذنوب لی ربوة التقرب و مبدلی بولایه

کنایان روی فرشته نزدیک و بدل ارا در کعبه برای کن خودی خود

عزة العطا یا و ذلة الخطا یا استلک یا مولای

اگر سندی کعبه و خودی کنایان کمال میسر ترا می هر چه کن

بِالْفَخْرِ وَالذِّكْرِ إِلَى الْعَشِيرِ وَالشَّقِيعِ وَالْوَرِيرِ وَاللَّيْلِ

قصیدہ اشہای دہ کاندہ در صبح روز دوشنبه

إِذَا لَيْسَ وَبِمَا حَرَى بِهِ قَلَمُ الْأَقْلَامِ بَعِيرُ كَفِّ وَلَا

چون جان بر سر دوزخ جاری شود این قلم فطریا از کف برسی

بِهَامٍ وَيَأْتِيكَ الْعِظَامُ وَحُجَّكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ

پس آن استخوانها و پستیها بر تو در جمیع نوحه بر سر مردان

عَلَيْهِمْ مِنْكَ فَضْلُ السَّلَامِ وَبِمَا اسْتَحَقَّتْهُمُ

بر ایشان باد از تو بهترین درود و با آنچه مستحق آن بودند ایشان را

مِنْ أَسْمَائِكَ لِكَرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنِي

از اسماهای بزرگ تو پس که رحمت بر من آید و رحمتی بر من آید

شَهْرِنَا هَذَا وَمَا بَعْدَ مِنَ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ

ماه ما این دو ماه این از ماهها در روزها

وَأَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ الصَّيَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي

و آنکه تو ما را بیاوردی ماه رمضان در سال ما این در

كُلِّ عَامٍ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْمَبِينِ

در سال ای که در عظمت و بزرگواری و روشنایی

الْحَيَامِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِثَا أَفْضَلِ السَّلَامِ

بزرگ بر محمد و آل او از رحمت بهترین درود

أَعْمَالٍ وَأَدْعِيَةَ أَيْنَشَبَ بِسَبَابِ اسْتِ وَرُونَ رُونَ

فضیلت بسیار دارد و حضرت امام محمد باقر منقول

أَسْتِ كَهْ دَر رُونَ وَاوَلِ مَاهِ رَجِبِ حَضْرَتِ نَوْحِ دَر كَشْتِي

بودند و امر کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی

بُودند رُونَ بِنَادُوا وَهَرَكَةُ دَر نَوْزِ رُونَ بِنَادُوا

بودند و هر که در نوزد روزه بدارد

از آن جهت یکساله از او دور کرد **در اوجس** اما ماه رمضان
 منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب
 از برای رغبت و ثواب خدا بهشت او را واجب کرد
 و هر که بگردد روز وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت
 او را قبول نماید در زمانند ربیع و مضر که دو قبله اند
 قبائل عرب و هر که بگردد روز آخر این ماه روزه بدارد حجت
 او را از یاد شاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت
 او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و خواهر و عمو و
 و خاله و خالوی و و جمیع اینان و همسایگان او **و هر**
 مستوجب جهنم شده باشند **در شیخ طوسی** و دیگران از
 سلمان فارسی روایت کرده اند که گفت در روز آخر ماه
 جمیدی الاخر رفتم بخدایت حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود
 که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سوره کعبه
 نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه
 مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرین
 بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی که
 گزیدگی بر او کرده باشد و خدا عطا کند با او ثواب گوی
 که در تمام اتمه روزه گرفته باشد تا سال آیند و حق

او را از نماز گذارند گمان بنویسد و در هر روز از آن ماه ثواب
 ششصدی از شهدای بدر با سمان بپزند و بهر روز که در
 آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او
 بنویسد و هزار درجه برای او بپند گردانند و هشت
 و اگر تمام ماه را روزه بدارد خوشگوار او را از آتش جهنم
 آزاد گردانند و هشتاد و نه برای او واجب گردانند ای سید
 جبرئیل بن نماز را برای من آورده و گفت یا محمد بن عبد
 آست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز
 را نمیکنند گفتیم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و
 در چه وقت بجای آورم فرمود که در روز اول ماه
 و جبّه رکعت بجای می آوری یعنی هر دو رکعت بیک
 سلام و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه
 قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون یخوفون
 و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند بکنی و بگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك

من صدای بگانه من ششمی مراد در روز اول ماه

وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت یبدا

در روز سیم پس نذر می کند در میزاد زنده است که نذر است او را

الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع

سجده در روز چهارم نوازش صد روز است

لَمَا أُعْطِيتَ وَلَا مَعْطَىٰ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا نَفْعَ ذَا الْجَدِّ

هر آنچه بخشش نموده در عطا است هر آنچه باز نماندست در درستی است

مِنْكَ أَجَدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبَعْدَ ذَلِكَ سَلَامٌ دَسْتَهَارُ السُّبُوهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

اِسْتِثْنَانٌ بِرِسْمِ دَارِي وَمَنْ كَوْنِي *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِ الْخَيْرِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

اوست زنده که نمیرد بید است او استیغنا دارد بر هر چیزی

قَدِيرٌ اللَّهُ وَاحِدٌ أَحَدًا قَدْرًا صَمَدًا لَا يَتَّخِذُ صَفَا

نور است خدای که خانه بی همه بناه بنا بران ز کرده زنی

وَلَا وَهْلًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَعْدَ ذَلِكَ سَلَامٌ دَسْتَهَارُ السُّبُوهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

اِسْتِثْنَانٌ بِرِسْمِ دَارِي وَمَنْ كَوْنِي *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَمُوتُ بِيَدِ الْخَيْرِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّىٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

نور است بر محمد و آل او پاکان اند و نیست هر چه زنی

عَظِيمٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نور است بر محمد و آل او پاکان اند و نیست هر چه زنی

وابطلب که البته برآورده است و خوتنگی میان تو و
 جهنم هفت خندق قرار میدهند که عرض هر خندقی
 ما بین آسمان و زمین بوده باشد و بعد از هر رکعتی
 ثواب هزار هزار رکعت نماز در نامه عمل تو مینویسند
 و منقولست که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه
 سُورَةُ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ بخواند حق تعالی در قیامت با او
 نوری عطا کند که بان نور داخل بهشت شود **و در حدیث**
 معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر
 در روز جمعه اول ماه رجب متولد شده است و جوانی
 زیادتی و شرف این روز گردیده است و در روایتی وارد
 شده است که ولادت امام علی بن ابی طالب علیه السلام در روز
 دهم ماه رجب واقع شده است و در روایت دیگر
 روز سیم و بیست و نهم بن هاشم و فاطمه انحضرت
 در سیم واقع شده است و ابن عباس گفته است که
 ولادت انحضرت در پنجم این ماه واقع شده است و ولادت
 امام محمد تقی در دهم این ماه واقع شده است و در بعضی از
 روایات در فضیلت خصوص هم وارد شده است و در
 فضیلت ایام البیض ماه رجب حادث است معتبره وارد شده
 است یعنی سه روز دهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند

مُتَبَرِّزًا مِنْ حَضْرَتِنَا مَا جَعَلَ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقُولًا
 كَهَوَ تَعَالَى فَضِيلَتُ سَهْ مَاهُ رَابِعٌ مِنْ أُمَّتِ دَاوُدَ اسْتُكْرَهَ
 بِأُمَّتِهَا بِكَرْمَانَدَهْ اسْتُكْرَهَ مَاهُ رَجَبٌ وَشَعْبَانُ وَرَمَضَانُ
 وَسَهْ شَبَّابٌ مِنْ أُمَّتِ دَاوُدَ اسْتُكْرَهَ كَهْ بِأُمَّتِهَا بِدُكْرَهْ
 نَدَاوُدَ اسْتُكْرَهَ شَبَّ سَيِّدِهِمْ وَجِهَانُ دَهْمُ وَبَانُ دَهْمُ وَسَهْ
 سُورٌ بِأُمَّتِ دَاوُدَ اسْتُكْرَهَ كَهْ مِثْلُ نَهَارِ أُمَّتِهَا بِشِ
 نَدَاوُدَ اسْتُكْرَهَ سُورٌ كَيْسُ وَتَبَارَكَ الَّذِي بَعَثَ الْمَلَأَ قَوْلَ
 هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بِسَهْمِ كَهْ جَمْعُ كَهْ مِثْلُ أُمَّتِهَا بِسَهْمِ فَجَمْعُ
 فَضِيلَتُ أُمَّتِهَا بِسَهْمِ كَهْ جَمْعُ كَهْ مِثْلُ أُمَّتِهَا بِسَهْمِ كَهْ
 جَمْعُ كَهْ مِثْلُ أُمَّتِهَا بِسَهْمِ كَهْ جَمْعُ كَهْ مِثْلُ أُمَّتِهَا بِسَهْمِ
 مَاهُ دُرُوكَتِ نَمَازِ بَكْنَازِنْدِ وَدُرُوكَتِ بَعْدَازِ
 حَمْدِهَا بِسَهْمِ سُورٌ رَاجِعٌ وَدُرُوكَتِ جِهَانُ دَهْمُ جِهَانُ
 رَكْعَتِ نَمَازِ بَكْنَازِنْدِ بَدْوَسَلَامِ وَدُرُوكَتِ بَعْدَازِ
 رَجْمَانِ سَهْمِ سُورٌ رَاجِعٌ وَدُرُوكَتِ بَانُ دَهْمِ
 شَرُّ رَكْعَتِ نَمَازِ جَاوَرِدِ سَهْمِ سَلَامِ وَدُرُوكَتِ
 بَعْدَازِ حَمْدِهَا بِسَهْمِ سُورٌ رَاجِعٌ فَجَمْعُ فَضِيلَتِ
 أُمَّتِهَا بِسَهْمِ مَاهُ رَابِعٌ وَجَمْعُ كَهْ مِثْلُ أُمَّتِهَا بِسَهْمِ
 بَعْدَازِ شَرِّ بَكْنَازِنْدِ وَرَجَبٌ صَادِقٌ مَقُولًا كَهْ مِثْلُ أُمَّتِهَا
 بِسَهْمِ مَاهُ رَجَبٌ زَارُونِ بَدَاوُدَ حَقِيقَةً بِرُوزِ

عبادت يك سال و روز يك ساله بنویسد برای او
 در قیامت او را در محل ایمان باز دارد که هیچ بیم و خوف
 ندانسته باشد و مشهور است که ولادت با سعادت
 حضرت امیرالمؤمنین در میان کعبه معظمه در روز
 سیزدهم ماه رجب بوده و از ده سال قبل از بعثت
 شدن حضرت رسول و علی بن ابی طالب گفته است
 که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز سیزدهم ماه
 رجب بود در سال دولت چهاردهم از هجرت و شب
 یازدهم نیز از لیلای مبرکه است و غسل در آن سنت است
 و احیای آن عبادت فضیلت بسیار دارد **و اجتناب**
 رسول منقولست که در شب نهم رجب حجتی امر میکند
 بملکی که هر گاهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد بخونند
و ایضا از حضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و
 چهاردهم و پانزدهم رجب روزی بدارد و در شبهای
 آنها عبادت مشغول باشد از نینا نزد مکر یا توبه نضوح
 و پشیمانی که روزی داشته باشد هفتاد گناه کبیره او ازین
 شود و هفتاد حاجت او برآورده شود و در وقتی که از قبر
 بیرون می آید و نزد صراط و نزد منبران و چنان باشد که
 هفتاد بنده از ضرب دندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفا

او را قبول کرده باشد در حق هفتاد نفر از اهل بیت
 و خویشان او که مستحق جهنم شد باشند و حق تعالی بنا
 کند از برای او درجات لفظی هفتاد هزار شهر و
 در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصر
 هفتاد هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم
 داشته باشد و شیخ طوسی بسند صحیح از حضرت صادق
 روایت کرده است که در شب نصف رجب و از کعبت
 نماز بجائی وری یعنی بشیر سلام یا حمد و تسبیح که
 میخوانی میخوانی و چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و
 قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
 احد و اية الكرسي را چهار مرتبه سبحان الله و الحمد لله
 میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی *این است حدیثی از حدیث*
ولا اله الا الله والله اكبر ليس الله
و این حدیثی از حدیثی است میگوئی حدیثی
 رجب و لا اشرك به شئاً و ما شاء الله لا قوة الا
 بالله العلی العظیم و در شب روزان زیارت حضرت
که از حدیثی است از حدیثی است
 و بسند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت صادق

رضا سؤال کردم ز بارت حضرت امام حسین در کدام
 وقت بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه شعبان
 و در روز پانزدهم نماز مسلمان را با بد کرد بکفایتی که
 گذشت **ربند** معتبر از حضرت صادق منقولست که
 حضرت امیرالمؤمنین در این روز چهار رکعت نماز
 کردند و دستهای خود را کشودند و این دعا را خوانند
 پس فرمود که هر که بسنتی و عجمی مبتلا گردد و این دعا
 را بخواند البته کرب شدت او زایل گردد و این چهار
 رکعت را بدو سلام میکنند و هر سوره را که خواهد خواند
 و دعا این اللهم یا مذل کل جبار و معیز المؤمنین

است بر خدا ای جزا زنده هر که شستی و غیر در این روز کند گناه

انت کفنی حين تعيبي المذاهب وانت باري
 تو با من هنگامی که از گناهها دوری و توئی در آرزوی

حقیقت این آرزو همانی که بودی از او پیش کن با باز و اگر نبود

رحمتك لکن من الما لیکین وانت مؤیدی
 رحمت تو هر چه بودم از آن که شد گناه و تو قوت دهنده من

بیاوری در آن بر دشمنان کن در آن روزی که آن تو را بر من بودم

بالضر علی اعدائی ولولا نصرک ایای کنت
 از روی تو گناهان ای زنده رحمت از سعدهای آن و

يَا مُشِيَّ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ حَصَرَ نَفْسَهُ يَا

ای گشته برکت از جای آن ای آنکه مخصوص است

لَسْمُوحٍ وَالرَّفْعَةِ قَاوِلِبَاوَهُ بَعْضُهُ يَتَعَزَّزُونَ

بعضی در عزت با یکدیگر است آن او عزت را عزت اند

بِأَمْنٍ وَضَعَتْ لَهُ الْمَلُوكُ نَبْرَ الْمِذْلَةِ عَلَى

ای آنکه گشته اند از روی او در شان سب جواری بر

أَعْنَاقِهِمْ فَهَلَمَّ مِنْ سَطَوَانِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ

کردهای خود پس ایشان از عضاوی روزگار گشته سوال کنم ترا

يَكِينُ نَيْتِكَ الَّتِي اسْتَقْتَمَتْهَا مِنْ كِبَرِ بَأْتِكَ وَ

روزگاری خود که بودن آورده از روزگار است بر روزگاری خود

أَسْأَلُكَ بِكِبَرِ بَأْتِكَ الَّتِي اسْتَقْتَمَتْهَا مِنْ عِزَّتِكَ

سوال کنم ترا بر روزگاری تو که بودن آورده از روزگار خود

وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى

سوال کنم ترا بر عزت تو که استیلا روی بآن بر

عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهَلَمَّ لَكَ

عرش خود پس از روی بآن بر خلق خود را بر پیشان مرزا

مُدْعِيُونَ أَنْ تَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ

خداوند و خداوند سب برکت درستی بر او را اول بیت از

پس حاجات خود را از حقیقتا طلب نما بد و بداند نکند

عَمْدًا أَعْمَالَ يَضْفُكُ جَبَّ دُعَايِ أُمَّ دَاوُدَ اسْتَكْرَاهُ بَابُوعٍ

وَسِبْخِ طُوسٍ وَسَيْدِ بَنِ طَاوُسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَأَبِ

کرده اند و برای بر آمدن حاجات و رَفْعِ ظِلْمِ ظَالِمَانِ

بِحَرْبَتِ وَجَلِّ رِوَايَتِشَ ابْنَتِ كَهْ فَاطِمَةَ مَا دَرَدَاوُدَ

الْحَسَنُ لَيْسَ زَادَهُ اِنَّمَا حَسَنٌ مَّجْتَبِيٌّ اِبْنُ حَضْرَتِ اِمَامِ
 جَعْفَرِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بُوَدُ وَبِشِيرِ ذَاوُدَ اَلْحَضْرَتُ تَرَا
 شِيرِ ذَاوَدَهُ بُوَدُ وَچُونِ حَمْدِ بْنِ الْحَسَنِ دَرِ مَدِينَتِهِ خَرُجِ
 كَرْدُ وَ مَنْصُورِ دَرِ اَبْنِي لَشِكْرِ فَرُشَادِ وَاوْرَا كُتْنُ وَا بَرِيهِمِ
 بَرَادِ رِ حَمْدِ اِبْنِ شَهْمَدِ كَرْدَنْدُ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ
 جَمْعِ اَوْ سَادَاتِ حَسَنِيٍّ اَبَا غُلٍّ وَ نَجِيْرٍ اَزِ مَدِينَتِهِ بِعِرَاقِ
 بَرُودَنْدُ ذَاوُدَ نَبِيْرٍ دَرِ مِيَانِ اِنهَابِ بُوَدِ اَمَّ ذَاوُدَ كَفْتِ چُونِ
 مَدِيْنَتِي اَزِ حَلَسِ فَرُزَنْدِيْنِ كَدَشْتِ وَا زَاوِ خَبْرِي بِيْنِ نَرَسِيْدِ
 پِيُوَسْتَه دُعَاوِ تَقَرُّعِ مِيَكْرَمِ وَا زِ صُلْحِ اَوْ بِنِكَانِ وَ
 بَرَادِرِ اَنْ مَوْمِيْنِ اسْتِدْعَايِ عَامِيَكْرَمِ وَا اِيْشَانِ
 تَقْصِيْرِ مِيَكْرَمِ نَدِ وَا مَطْلَقِ اَثْرِ اَجَابَتِ نِيْمِيَا فِتْمِ وَ كَلَاهِي
 خَبْرِ بِيْنِ مِيَرَسِيْدِ كِهْ ذَاوُدَ رَا كُتْنُ وَا كَلَاهِي مِيَكْفَتَنْدُ
 كِهْ اُوْرَا اَبَا اِيْرَانِ عَمِّ اُوْدِ زِيْرِ عَمَارَتِ زَنْدِ كِنَا شْتَنْدُ
 وَ رُوْزِ بَرُوْزِ صِيْبَتِ مَنِ عَظِيْمَتَرِ وَا نَدُوْهِ مَنِ بَشِيْرِ
 مِيَشْدُ نَا اَنَكِهْ اَزِ عَمِّ كِنَا خْتَمِ وَا بِيْرِ شَدَمِ وَا زِ مَلَا فَا تِ
 نَا اَمِيْدِ كَرَمِ يَدَمِ نَا اَنَكِهْ رُوْزِي شَيْدَمِ كِهْ حَضْرَتِ
 صَادِقِ رَا اَعْلِيَّتِي عَارِضِ شَدِ بِيَا دَتِ لِحَضْرَتِ رَفْتَمِ
 چُونِ اَحْوَالِ كَرَفْتَمِ وَ دُعَا كَرْدَمِ خَوَاسْتَمِ بَرُ كَرْدَمِ حَضْرَتِ
 فَرْمُوْدِ كِهْ اَزِ ذَاوُدِ چِ خَبْرِ دَارِي وَ مَنِ شِيْرِ ذَاوُدِ رَا

با حضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم
 گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عزت
 محبوب است و من از ملاقات او قطع امید کرده‌ام
 و از شما التماس دارم که او را دعا کنید و برادر رضای
 شماست حضرت فرمود چراغ افلی از دعای استفتاح
 و دعای اجابت و نجاح و آن دعا بیست که در رهای
 آسمان برای او کسوده میشود و منسکه استقبال میکنند
 خواننده او را و آن دعا بیست که از مجیب الدعوات محبوب
 نمیکرد و خواننده او را ثوابی نیست بجز از بهشت ام
 داود گفت ای فرزند ظاهرین و راست کویان چگونه
 است آن دعا حضرت فرمود که ای نادر داود ماه
 محرم یعنی ماه رجب نزدیک شده است آن ماهی
 مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاهای مستجاب است
 چون آن ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
 آنرا که ایام البیض است روزی بنابر حضرت کیفیت
 آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن
 و هرگاه کسی تعلیم مکن که میترسم بدست کسی افتد که آنرا
 برای امر باطل و نامشروع بخواند بد رستی که این دعا
 شریفی است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که

بخواند البته بر او زده شود حاجت او و اگر درهای
آسمان و زمین همه بسته شود یاد زبانه ها خایان باشند
میان تو و حاجت تو چون آیند عاز الجوائی حوتعالی
اسنان میگردانند رسیدن ترا بطلب تو و حاجت تو
و اگر می آورد و هر که این دعا بخواند خدا مستجاب
میگرداند خواه مرد و خواه زن و لا کرمین و انشر دشمن
فرزند تو باشند خدا او را کفایت کند از شر ایشان
و زبان ایشان را می بندد و ایشان را منقاد فرزند تو
میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من
نوشت و بخانه برگشتم و چون ماه رجب داخل بخانه
حضرت فرموده بود بعل و زرم و در شب شانزدهم
نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه انظار نمودم
و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع
ملئکه و پیغمبران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات
فرستاده بودم و حضرت رسول مرخطاب فرمود که ای
مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت را که می بینی همه
بزرگان و باوران و شفیعان تواند و از برای تو طلب
میرزش میکنند و بشارت میدهند ترا بانکه حاجت
تو برآورده است پس بشارت باد ترا با مرزش خدا و

و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهداد و شاد باش که
 خدا فرزند ترا الحفظ میکند و بتو بر میگردد اندانشاء الله تعالی
 ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن بان
 قدر زمان که سوار تندر روی از عراق بمدینه اید داود
 نزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسا
 تنگی بودم و در سنجیکم بند و زنجیر بودم و نا امید بودم
 از خلاص شدن و چون نصف رجب شد در خواب پدید
 که بلند بهای من پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر
 نماز خود نیشته بودی و بر دور تو ستران چند بودند که سرها
 ایشان در آسمان و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تتر
 خدا میگردند پس یکی از ایشان که از همه خوشتر و خوشبو
 تر بود و جامهای بسیار پاکیزه در برداشت گمان کردم که
 حضرت رسالت پناه جدم منت خطاب کرده بامنی که
 بشارت باد ترا ای فرزندان عجوز صالحه که خوشنوادغای
 مادر ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم
 رسولان منصور در واقع بیدار زندان رسیده بطلب من
 آمده بودند در میان شب مرا بیزد او بردند پس امر کرد که
 زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زباده
 از هزار تومان میباشد بحساب این زمان بمن عطا کرد

و فرمود که مرا بر شتر رَهواری سوار کنند و بنهائت
 سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را
 بخدا مت حضرت صادق بر دم حضرت فرمود که سبب
 خلاص توان بود که منصور حضرت امیر المؤمنین زادخواست
 دیده بود که باو فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکلی ترا در
 این انش بسوزانم چون نظر کرد در پای اشوع ز زبیرای خود
 دیده پس زده هشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید
 و ترارها کرد **و اما کیفیت این عمل** شریف ام داود گفت که حضرت
 صادق فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم
 و پانزدهم زارون بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال
 غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال و چون زوال
 معلوم شد پانزدهم کوزه ترین جامهای خود را بپوش و چنانچه
 خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول
 گرداند و با تو سخن بگوید پس هشت رکعت نافله زوال
 بجزل آورد و رکوع و سجود آنها را بجزل آورد پس نماز ظهر
 را با اذات شرایط بجزل آورد و بعد از نماز ظهر دو رکعت
 نماز بکن به سر سون که خواهی بعد از آن صد مرتبه بگوئی
 یا قاضی خواجه الطالین پس نافله عصر را با اذات شرایط
 بجا بیاورد و در بعضی آیات وارد شده است که در

رَكَعَاتِ زِنَا فَلَ عَصْرٍ بَعْدَ زَحْدٍ سَهْ مَرْتَبَهُ قَلُّهُ وَاللَّهُ وَبِكَ
 مَرْتَبَهُ أَنَا اعْطَيْنَاكَ الْكُوثرَ بِنُجْوَانَ بِسْ نَمَازِ عَصْرٍ زَابَا خُوعٍ
 وَخُضُوعٍ وَأَذَابِ بِنَا بِرُؤْيُ وَرُؤْيُ وَرُؤْيُ وَرُؤْيُ وَرُؤْيُ وَرُؤْيُ
 اسْتُ كَبْرُؤِي حَصْبِ بَا كَبْرُهُ بِنَشْ بِسْ بِسْ صَدِّ مَرْتَبَهُ سُورَةُ
 حَمْدٍ وَصَدِّ مَرْتَبَهُ سُورَةُ قَلُّهُ وَاللَّهُ أَحَدٌ وَدَهْ مَرْتَبَهُ آيَةُ
 الْكُرْسِيِّ بِنُجْوَانَ بِسْ هَرَبِكْ أَزَابِ سُوْرَهَارِ الْبَكْرِ مَرْتَبَهُ بِنُجْوَانَ
 سُورَةُ انْعَامٍ وَبِنِي سُرَابِئِيلَ وَكَهْفٍ وَلَقْمَنِ وَكَيْسٍ وَالْقَانَا
 وَحَمِّ سَجْدَةٍ وَحَمِّ عَسَقٍ وَحَمِّ دَخَانٍ وَأَنَا فَتَحْنَا وَأَذَا وَقَعْنَا
 تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَنَ وَالْعَالَمُ وَإِذَا التَّمَاءُ انْفَقَتْ
 نَا اْخِرَ قُرْآنٍ وَكَرْتَوَانِي بِنِ سُوْرَهَارِ اْزُرُؤِي مَحْفَافٍ
 بِنُجْوَانِي بِعَوْضِ هَمِّ هَرَبِكْ مَرْتَبَهُ قَلُّهُ وَاللَّهُ أَحَدٌ بِنُجْوَانَ **وَسَبِيحِ**
مُفِيدٍ كَفْتَهُ اسْتُ كَبْرُؤِي وَنَتَوَانِي بِنِ سُوْرَهَارِ
 صَدِّ مَرْتَبَهُ حَمْدٍ وَدَهْ مَرْتَبَهُ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَهَرَبِكْ مَرْتَبَهُ قَلُّهُ
 اللَّهُ أَحَدٌ بِنُجْوَانَ وَابْنِ لُحُوطِ اسْتُ وَرُؤْيُ وَرُؤْيُ دَبْكِرُ وَرُؤْيُ
 شُدَّ اسْتُ كَبْرُؤِي زَحْدٍ صَدِّ مَرْتَبَهُ بَكُوْبِدُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَبَعْدَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ
 صَدِّ مَرْتَبَهُ بَكُوْبِدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَرْ آيَةَ
 الْكُرْسِيِّ بِبِنِزِ دُرُسْتِ نَتَوَانِي خَوَانِدُ صَدِّ مَرْتَبَهُ سُورَةُ حَمْدٍ وَ
 هَرَبِكْ مَرْتَبَهُ قَلُّهُ وَاللَّهُ أَحَدٌ بِنُجْوَانَ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ الْبَحْرُ النَّبِيُّ

که ناهم فيها خالدون بخوانند و دعا ایست
هَذَا الدُّعَاءُ دُونَ مَنِّي لِمَجْعَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

بست کوهت صدای بزرگ کوهت صدای جزر زنده ایست

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

حنه از عفت و بزرگوری کوهت بنده هوان برادر بزرگوری

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ

آنکه نیست مانند او چیزی در است شنوای بیانی در ای

الْخَبِيرُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ

آگاه گوای داد و صدایست صدای جز او در سخنان و

أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

خدا در ان قسم قائم بر است بست صدای جز او غالب

الْحَكِيمُ وَبَلَغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ

در است کردار در است ای سخنان برادران دین بر این از

الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَكَ تَحْمَدٌ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ

گوای حنه از از است با است است پس در است

الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَ

در صدی و در است از کوری و در است بنده در است بست

لَكَ الْعِظْمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانَةُ

در است عفت و در است رحمت و در است ارسلان در است در ای

وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْإِمْتِنَانُ وَلَكَ السَّبِيحُ وَ

در است میسوط در است انام در است در است

لَكَ التَّقْدِيرُ وَلكَ التَّمْلِيقُ وَلكَ التَّكْبِيرُ وَلكَ

در آیت عزیز در آیت منبیل در آیت بکبر در آیت

مَا بَرِي وَلكَ مَا لَا بَرِي وَلكَ مَا قَوْقَ السَّمَوَاتِ

آنکه در همه در آیت آنکه در همه شود در آیت آنکه اولی است سمانها

الْعُلَى وَلكَ مَا حَتَّ الثَّرَى وَلكَ لَأَرْضُونَ

بنت در آیت آنکه در زمین است در آیت رستهای

السُّفلى وَلكَ لآخِرَةٌ وَالأولى وَلكَ مَا تَرْضَى

بنت در آیت آخرت دنیا در آیت آنکه پسندی

بِهِ مِزَ الشُّكْرِ وَالحَمْدِ وَالتَّحْمَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ

آری از ستودن و ستایش و سپاس و نعمها حمد او در آیت

عَلَى جِبْرِيلَ آمِينَكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالعَاقِبَى عَلَى

با جبرئیل آمین تو بر وحی تو در آیت بر

أَمْرِكَ وَالمَطَاعِ سَمَوَاتِكَ وَخَلْقِ كَرَامَاتِكَ

فرمان تو در طاعت کرده شده در آیتهای تو در کرامات تو

الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِأَنْبِيَاءِكَ الْمُدْمِرِ

بر درنده در حمل است ترا بارهای درنده بر ما را بپندره از آن ترا بکشد

لِأَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَبْكَا بَيْتِ مَلِكِ

مردستان ترا صفات در آیت بر مکه بر آیت

رَحْمَتِكَ وَالمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالمُسْتَغْفِرِ المَعْبُودِ

رحمت تو را در همه در آیت محرابی تو در آیت رحمت و استغفار تو

لِأَهْلِ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ

بر اهل طاعت تو در آیت در آیت بر اسرافیل

حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُشْطَرِ لِأَمْرِكَ

بر درنده عرش تو در آیت صور بخت درنده در زمان ترا

وَالْوَجِيلِ الْمَشْفُوقِ مِنْ خِفَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى غُرِّ رَأْسَيْهِ

در شان برادران تو حسنه از انان است برادران

فَأَبْضِرْ أَرْوَاحَ جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ

مردمانه عاقلی را که عرش تو بر او است برادران

الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَلَائِكَةِ الذِّكْرِ أَهْلِ الثَّابِتِينَ عَلَى

باکان در شان کسان ذکر کنندگان که این اند

دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى السَّقَدَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الْبَرِّينِ

دعای مؤمنان در شان کسان بزرگواران باکان

وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَةِ

در شان کسان بزرگواران نویسندگان در شان

الْبِحَّانِ وَخَزَنَةِ الْبَيْرَانَ وَمَلَائِكَةِ الْمَوْتِ وَالْإِعْوَانِ

است در شان دروازه داران و زنده بمانند درگاهان

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى بَيْتِنَا

ای خداوند عظیم در شان کوروی خداوند است برادران

أَدَمَ بِدَيْعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمْتَهُ لِيَسْجُودَ

آدم را که خداوند او را آفرید که او را کرامت دادی تا سجد کند

مَلَائِكَتِكَ وَأَجْتَهَ جَنَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

در شان کسان خرد حاصل کردی برای او است جود خداوند از انان است

أَيُّنَا حَوَاءَ الْمَطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجَسِ الْمُصْفَاةِ مِنَ اللَّذِّ

در شان حواء پاک کردی از رجس و کزده شد از رجس

الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ الْمُرْتَدَّةِ بَيْنَ مَحَالِ الْقُدْسِ

زنان را که خداوند او را کرده از میان آدمی که برگشته است و میان جاهلی که برگشته است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَشِيثَ وَأَدْرِيَسَ

خداوند از انان است برادران

وَنُوحٍ وَهَارُونَ وَصَالِحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَ

انوح هارون صالح ابراهيم اسماعيل و

إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطَ وَلُوطَ وَ

اسحق يعقوب يوسف الاسباط لوط و

شُعَيْبَ وَأَيُّوبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَيُوشَعَ وَمِيشَةَ

شعيب ايوب موسى هارون يوشع ميشة

وَالْخَضِرَ وَذِي الْقُرْبَانِ وَيُونُسَ وَالْيَاسَّ وَالسَّعَةَ

الخصر ذو القرنين يونس الياص السعة

وَذِي الْكِفْلِ وَقَالَ لُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَذَكَرْنَا

ذوالكفل قال لوت داود سليمان وذكرنا

وَشُعْبَانَ وَيَحْيَىٰ وَتُورَةَ وَمَرْيَمَ وَأَرْيَابَ وَجَبْرَاقَ

شعبان يحيى توراة مريم ارياب جبراق

وَإِسْمَاعِيلَ وَعِزَّيْرَ وَعِيسَىٰ وَشَمْعُونَ وَجَرَّجِسَ وَ

اسماعيل عيزير عيسى شمعون جرجيس و

الْحَوَارِيْنَ وَالْأَتْبَاعَ وَخَالِدَ وَحَنْظَلَةَ وَالْقَمْنَ

الحواريين التابع خالد حنظلة القمن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

صلاة محمد وآل محمد ورحمة محمد وآل محمد

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ

وبرك على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت

وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

وبركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد

مُجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسَّنَاءِ وَ

مبارك على الاوصياء والثناء و

بازگوار صدوقا رحمت بر اوصیای ایشان و نیکان و

الشَّهَادَةِ وَآيَةَ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْنَاءِ

شهادت در بیان ایمان خداوند است خداوند را صلوات بر ابدال

وَالْأَوْلَادِ وَالسَّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَ

اولاد و اولاد در راه حج و عبادت کنندگان و مخلصان و

الزُّهَّادِ وَآهْلِ الْجِدِّ وَالْإِحْتِمَادِ وَاخْصِرْ مَحْمُلَاو

زاهدان و اهل سعی و کوشش و مخصوص کردن محمولان

أَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ

اهل بیت او را به بهترین رحمتی خود و در بهترین کرامت خود

وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ بِبَنِي تَحِيَّةٍ وَسَلَامًا وَ

در بیان روح او را و جسد او را از جانب من درود سلام و

زِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَكَرَمًا حَتَّى تَبْلُغَهُ أَعْلَى

کرامت کن مندی خود او را در کرامت او را در کرامت او را در کرامت او را

دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

درجه ای اهل شرف است از بهترین و مرسلان

وَالْأَفْضَلِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلِيَّ مِنْ

و بهترین فضل که نزدیکان از خداوند است در محبت است بر او

سَمِيئًا وَمَنْ لَمْ أَسْمِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَاءِكَ

نام برده نام نبردم از فرشتگان و پیغمبران

وَدُوسَلِكِ وَأَوْصِيَّ صَلَوَاتِي لِبَيْتِهِمْ وَلِكُلِّ ذُو

دوران تو و وصی درودهای مرا بایشان که هر که در راهی است

وَاجَعَلَهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعُوَانِي عَلَى دُعَائِكَ

و در دوران ایشان را برادران من در راه تو و دعا کردن تو دعا می تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَيَكْرَمِيكَ

خداوند من را به شرفت شفاعت میجویم تو بوی تو به نزد خود دعا می تو

إِلَى كَرَمِكَ وَيَجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَيَرْحَمَتِكَ إِلَى

لوی بر کوری نو و بخشش نو لوی بخشش نو در گت نو لوی

رَحْمَتِكَ وَبَاهِلِ طَاعَتِكَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ

رحمت نو و اهل زمان بر داران نو لوی نو سوال گشته

اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ

هزارها همه آنچه سوال کرده ایم آن اهدی از ایشان از سوال

شَرِيفَةٍ غَيْرَ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ

بر آن که بنویسد بر کرده شده و آنچه خوانده ایم آن از دعا

مُجَابَةٍ غَيْرِ خِيبَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ

من فرستاده شده یا بهره در تامل ای که ای عزیز ای مهربان ای دربار

يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُبِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَهْمَلُ

ای بر کور ای بزرگ ای بر بزرگوار ای سبک کار ای ضعیف

يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ يَا خَيْرُ يَا مُبِيرُ يَا مُبِيرُ

ای بگوشنده ای در گزیده ای سبب برنده ای نگاه ای اهل گشته

يَا مُبِيعُ يَا مُدْبِلُ يَا جَمِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ

ای از گشته ای در گشته ای فرستنده ای بزرگ ای توانا

يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا بَرُّ يَا طَهْرُ يَا ظَاهِرُ يَا قَاهِرُ

ای بینا ای مراد گشته ای سبک ای پاکیزه ای پاک ای غالب

يَا ظَاهِرُ يَا فَاحِشُ يَا سَاتِرُ يَا حَاطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا

ای ظاهر ای پنهان ای پوشنده ای احاطه کننده ای توانا ای

حَافِظُ يَا مُبْتَحِرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا حَمِيدُ

کنان ای بر کور ای بزرگ ای دوستدار ای ستوده ای بر کور

يَا مُبْدِيُّ يَا مُعْبِدُ يَا شَهِيدُ يَا حَسَنُ يَا مُجَلِّ

ای بر گشته ای بار گزیده ای گزیده ای مکنز ساخته ای خوب

يَا مُبْدِيُّ يَا مُعْبِدُ يَا شَهِيدُ يَا حَسَنُ يَا مُجَلِّ

ای بر گشته ای بار گزیده ای گزیده ای مکنز ساخته ای خوب

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ

ای مبرک کننده ای بازدارنده ای برگیرنده ای گسترده ای برکننده ای برکننده

يَا مُرْسِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مُنْعِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ

ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای بازدارنده ای برکننده

يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ

ای برزوال ای نگاهدارنده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا فَتَّاحُ يَا مُزْتَحِحُ يَا مَنْ يَبْدِئُ كُلَّ مِفْتَاحٍ يَا فَتَّاحُ

ای برکننده ای ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا رَوْفٌ يَا عَطُوفٌ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي يَا

ای مهربان ای کارکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

مُكَافِي يَا دَوِّي يَا مُهَيِّئُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ

بردارنده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا سَلَامٌ يَا مُؤْمِنٌ يَا أَحَدٌ يَا صَمَدٌ يَا نُورٌ يَا مُدَبِّرٌ

ای سالم ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا قَرِيبٌ يَا وَتَرٌ يَا قَدُوسٌ يَا فَاصِرٌ يَا مُؤَنِّسٌ يَا بَاعِثٌ

ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا وَارِثٌ يَا غَالِمٌ يَا خَاكِمٌ يَا نَادِي يَا مُتَعَالِي يَا

ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

مُصَوِّرٌ يَا مُسَلِّمٌ يَا مُجِيبٌ يَا قَائِمٌ يَا دَائِمٌ يَا عَلِيمٌ

نگارنده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا حَكِيمٌ يَا جَوَادٌ يَا بَارِيُّ يَا بَارٌ يَا سَارٌ يَا عَدْلٌ

ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا فَاضِلٌ يَا دَيَّانٌ يَا حَنَّانٌ يَا مَنَّانٌ يَا سَمِيعٌ يَا

ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

بَصِيرٌ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا الشَّوْكَانِ

ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده ای برکننده

يَا مُنْعِمٌ يَا مُفْضِلٌ يَا قَابِضٌ يَا بَاسِطٌ يَا هَادِي

ای مبرک کننده ای بازدارنده ای برگیرنده ای گسترده ای برکننده ای برکننده

بَدِيحُ يَا خَيْرُ يَا مَعِينُ يَا نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا سَمِيعُ

در آورنده ای زنده کننده ای برکنار کننده ای از زنده ای بر سر ای بر سر

يَا مِيلِسُ يَا حَمِيَّتُ يَا حَيُّ يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مَقْدِرُ يَا

ای برکنار کننده ای بر سر ای زنده کننده ای روزی کننده ای توانا ای

مَسْبَبُ يَا مَغِيثُ يَا مَغْنِي يَا مَقْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ

سازنده ای فرار کننده ای بنیاد کننده ای کننده ای از زنده ای مصلح

يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَا

ای یگانه ای حاضر ای غلبه کننده ای گمنام ای توانا ای از آورنده

يَا غَاثُ يَا قَابِضُ يَا مَبْدُ يَا مَبِينُ يَا ظَاهِرُ يَا حَبِيبُ

ای رفع کننده ای گریخته ای باز آورنده ای بر همه ای پاک از عیب

يَا مُفَضِّلُ يَا مُسْتَجِيبُ يَا غَادِلُ يَا بَصِيرُ يَا مُؤَمِّلُ

ای گزیننده ای برتر کننده ای عدل کننده ای بر همه ای بر آورنده

يَا مُبْدِيُّ يَا أَرْوَابُ يَا رَافِيُّ يَا رَاسِدُ يَا مُلِكُ يَا رَبُّ

ای برکنار کننده ای نجات دهنده ای زنده کننده ای بر سر ای بر سر کار

يَا مُذِكَرُ يَا مُعْتَرُ يَا مُاجِدُ يَا رَازِقُ يَا وَرِيُّ يَا فَاضِلُ

ای دلگشا کننده ای مؤثر آورنده ای بر سر کار ای روزی کننده ای خداوند حضرت

يَا سُبْحَانَ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَا فَكَانَ بِالْمُنْتَظِرِ

ای پاک ای آنکه بلند است بر بلند و کسی است در انتظار

الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرَّبَ قَدَنِي وَبَعَدَ فَنَانِي وَعَلِمَ

بلند ای آنکه نزدیک است بر نزدیک دور است بر دور دانسته

السِّرَّ وَآخَفِي يَا مَنْ أَلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمُقَادِيرُ

پنهان دهنده ترا ای آنکه سوی او است تدبیر دور است تقدیر

يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ لِيَسِيرُ يَا مَنْ هُوَ عَلَى

ای آنکه دشوار بر او سهل است بر من ای آنکه او بر

مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ

ای که بخیزد روزانست ای در شده با آ ای سخاوت شده مست

يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَاءِ يَا زَادَ مَا قَدْ فَاتَ

ای بر انگیزنده لولش ای صدانه بخش دوارش ای روزنده گویند

يَا نَائِثِرَ الْأَمْوَاتِ يَا جَامِعَ الشَّجَرَاتِ يَا ذَرِيقَ مَنْ

ای زنده زنده مروگان ای در ایهم آورنده بر لبست ای روزنی آینه

يَشَاءُ يُبَغِّرُ حِسَابٍ وَيَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ

بخیزد با حساب دای گشته آنچه خواهد هرگونه بخیزد

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ حِينَ

ای صدانه منگوار ای در ای استن ای زنده ای صادر زنده ای زنده سخانی

لَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا لَوْ تَى يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعَ

میت زنده ای زنده زنده مروگان ای زنده هست خدا بر تو خدا آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي صَلِّ عَلَى

است بنا در زمین که ای کن و آبی کن رحمت بر

مُحَمَّدٍ وَالْأَهْلِ وَمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى

محمد آل محمد در محمد آل محمد در آل محمد در است ده بر

مُحَمَّدٍ وَالْأَهْلِ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى

محمد آل محمد رحمت بر محمد رحمت دای رحمت دای رحمت دای رحمت دای رحمت دای رحمت دای

إِبْرَاهِيمَ وَالْأَهْلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَارْحَمْ

ابراهیم آل ابراهیم در ابراهیم در ابراهیم در ابراهیم در ابراهیم در ابراهیم در

ذُلِّي وَفَاتِقِي وَقَفْرِي وَإِنْفِرَادِي وَوَحْدَتِي

جاری مراد است رح از فقر و در بیستی مرا و تنها مرا

وَحْضُوْعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَ

و زاری مرا بیستی تو در نزد کن بر طرف تو

بصری

تَقَرَّ عَلَىٰ لَبِّكَ أَدْعُوكَ دَعَاءَ الْخَائِضِ لِذَلِّ الْخَائِضِ

رازی امر البوی نوخیزم ترا مانند خواندن بر روی سینه و محرم است

الْخَائِضُ الْمَشْفُوقُ الْبَائِسُ الْمُهَيَّنُ الْحَقِيرُ الْخَائِضُ الْفَقِيرُ

بر آن ناکست خوار و خسته با دراز گشته

الْعَائِدُ الْمُسْتَجِيرُ الْمَقْرَبُ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِ

زنده کننده دعا خواننده نزار گشته که او طلبه است از آن ستمگر و از آن که

لِيُرْتَبَ دَعَاءً مَنْ أَسَلْتَهُ نِقْتَهُ وَرَفَضْتَهُ أَحْبَبْتَهُ وَ

برای رود که خود را نخواست و از آن که نخواست او را دوستی بود

عَظُمْتَ فَحَبَبْتَهُ دَعَاءً حَرَقَ حَرَبِينَ ضَعِيفَ مَهِينٍ بِاللَّيْلِ

بزرگ گشته شد و از آن که حریف او را نخواست و از آن که ضعیف بود

مَسْكِينٍ بِأَنَّكَ مُسْتَجِيرٌ لِلَّهِمْ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ

مکاره گویا تو شد با شاه صدانه و در سوا هم از آن که ستمگر است

وَأَنَّكَ مَا نَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنْ وَأَنَّكَ عَلَىٰ مَا نَشَاءُ قَدِيرٌ

و این که تو آنچه خواهی از کار می بینی و این که تو بر هر چیزی توانا

وَأَسْأَلُكَ حُرْمَةَ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ

و از آن که ستمگر است از آن که حرام است دعا در حرام

الْبِلَادِ الْحَرَامِ وَالرُّكُوزِ وَالنِّقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَ

در حرام در آن اقسام دعا ای عبادت که بزرگ است

بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ يَا مَنْ وَهَبَ

بختی بجز تو هم بر او در آل بود درود ای آنکه عفو گشته

لِأَدَمَ شَيْئًا وَلَا لِبُرْهَيْمَ لِأَسْمَعِيلَ وَلَا لِشِئْقَ وَيَا

مرا در هر شیئی در او بر اسم بر اسمعیل و اسحق و ای آنکه

مَنْ رَدَّ يَوْسُفَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ

آنکه برگرداند یوسف را بر یعقوب ای زایل کرد پس کرد

الْبَلَاءِ ضَرَّ ابُوبَ يَارَادَ مُوسَى عَلَى امِّهِ وَيَارَادَ الْخَيْرَ

سخان دعا ابوب را ای بر که بسته بودی بر او دشمنی را میزدی و می خستند

فِي عَمَلِهِ وَنَامَنَ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى

در پیش دای ای ای که بخشید بر داود را سلیمان در زکریا را یحیی

وَلِيُوسُفَ عِيسَى يَا حَافِظَ بَيْتِ شَعِيبَ يَا كَافِرَ وَلَدِي

در هر درای عیسی ای ای که نگاه داشتی بر بیت شعیب دای ای که یوسف را زود کردی

أَمْ مُوسَى اسْتَمَلَّكَ أَنْ تَصِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَدِّدِ

آه موسی سوال استملا کردی از من بر محمد و آل محمد

أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتَجِرَ بِي مِنْ عَذَابِكَ وَأَنْ

بسته ما در می برای من کن ای ای که مرا بر آن نگاه داری از عذاب خود

تُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَتَكَ وَاحْسَانَتَكَ وَ

لازم کردی برای من خوشنودی خود را و امان خود را و حسن خود را

غُفْرَانِكَ وَجِزَانَتِكَ وَأَسْتَمَلَّكَ أَنْ تَقِفَ عَنِّي كُلَّ

امراض خود را و محبت خود را و سوال استملا از همه پروری از من

حَلَقَةٍ ضَيْقُ بَيْتِي وَبَيْنَ مَنْ يُوْذِبُنِي وَتَقْضِ لِي

حلقه سنگی که میان من و میان آنکه از کس بد را است برای من

كُلَّ نَابِئٍ يُؤْتِيَنِي لِي كُلِّ صَعْبٍ لِي لَسَهْلٍ لِي كُلِّ عَسِيرٍ وَ

هر درمی درم آوردی برای من هر روزی و سختی که در دل من را می آید و در روز داد

تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ لِي سِرٍّ وَتَكْفِ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْتُمَ لِي

که سبزی از من را که من گویم و در می دهد و در از من را که در سینه و در جوار می

لِي كُلِّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ وَتَمْنَعْ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَ

برای من هر دشمنی که هست بر جوار می و در من که از من ستم بر من می رود

تَكْفِيَنِي كُلَّ عَاقِبٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ وَلَدِي وَ

که هست می از من که عاقبتی که حاصل شود میان من و میان فرزندان من

يُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيَذِطَّنِي

فصلت که حدیث اندوز ایمان کن و ایمان طاعت تو را مثل س زود را

عَزَّيْبًا وَتِلْكَ يَا مَنْ لِحْمِ الْجَنِّ الْمَمْرُورِينَ وَقَهْرًا

از عبادت تو ای آنکه طهارت کرده هر دو سرت را از عیب کرده

عَثَاةَ الشَّيَاطِينِ وَأَذَلَ رِقَابَ الْمُتَجَرِّبِينَ وَرَدَّ كَيْدَ

بگذاشت کمان شیطانان را و رد کرد کورنهای شیطانان را و رد کرد کید دشمنان

الْمُسْتَطِيطِينَ عَزَّيْبًا تَضَعِفِينَ أَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

دست و کمان را و رد از تو ای آنکه سوال کنم تو را از

عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَسْهِيكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

بر آنچه خواهی و سبب کن از آنچه خواهی هر روش که خواهی

أَنْ يَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيهَا تَشَاءُ بِنِ سَجْدَةِ رُؤُوسِي

سجده بر روی را و از آن حاجت مرا از آنچه خواهی بگوهای روی

خُودِ رَأْبْرَاكَ اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ أَمَنْتُ

بکنار و بگوی من اندا برای آنچه کرده ام بنو ایمان کرده ام

فَارْحَمْ ذُنُوبِي وَفَاقِقْ قِيَامِي بِجَهَادِي وَتَقَرَّ عَنِّي مَسْكِنَتِي

بس رحمت کن جوارگی مرا و رحمت کن از گنای مرا و از گنای مرا و از گنای مرا

وَفَقْرِي يَا رَبِّ بِنِ حَضْرَتِ فَرْمُودِ كِه سَعِي

و فقر من ای الهی تو ای پروردگار من کن که اب ز دید ات بپروان

أَبْدَا لِرُوحِي بِقُدْرَتِ سِرِّ مَسْئُومِي بُوْدَه نَاشِدَه كِه اِنْ عَدَلْتُمْ اِنْبَا

دعاست و در روایت دیگر و او دشمن است که در سجده

اَيْنِدَعَا اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ أَمَنْتُ فَارْحَمْ

بخواند خداوند را برای آنچه سجده کردم و بنو که در سجده

ذُنُوبِي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَقْرِي وَفَاقِقْ إِلَيْكَ

جوارگی مرا و در گنای مرا بس روی خود تو مرا رحمت کن جوارگی تو

وَارْحَمِ انْفِرَادِي وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ

در کمال انفراد و خضوع و اجتهاد در پیش روی تو

وَتَوَكَّلْ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ يَا كَاتِبَ السُّعُودِ يَا كَاتِبَ

در کتابت اعمال خیر و شر

وَيُحْيِي عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ وَاللَّهُ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ

و در سجد بنده تو و فرستاده تو و الی تو درمی آورم بوی تو

اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حُرُوفَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صَعُوبَةٍ

خدایا هر کس را آسان کن برای هر حرفی و دشوار کن برای هر کس را

وَاعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ أَكْثَرَ جِزَاءِ حُرُوفٍ وَأَعْفِنِي مِنَ الشَّرِّ

و بخش از خیر بیشتر از اجزای حروف و عفو از شر

وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ وَبِرِوَايَتِكَ يَكْرُمُ يَا قَاضِي

در بران از من بدی را و بر روایت تو بزرگوار کن یا قاضی

حَوَائِجِ الظَّالِمِينَ أَوْضَحِ حَاجَتِي بِلطيفِكَ يَا حَفِي

صاحب حاجت های ظالمین را روشن کن حاجت مرا لطیف تو ای حفی

يَا حَفِيَّ الْإِلَاطَافِ وَذَرِّوَايَتٍ مُعْتَبَرَةٍ وَرَدِّشَا

لطیف ای رود که مادر ذارد و بصورت عرض کرد

كِهْ اِسْتَيْدَا قَاي مِنْ اِيَا اِن دُعَا رَا دَرْ غَيْر مَاه رَجَب

که ای سید و آقای من ای این دعا را در غیر ماه رجب

میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان

خواند و اگر موافق افتد که در روز جمعه باشد صاحب

فایز نمیشود مگر آنکه خدا او را حلی مرزد و در هر ماه

که باشد اگر ایام البیض نماه زارون بیاورد و در روز

پانزدهم این دعا بخواند بخوی که ذکر کردم حاجش برآور

میشود و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود
 که در روز عرفه و هر روز که ایند غار بخواند برآورده
 میشود حاجت او **مؤلف گوید** که از این آحاد بیت ظاهر میشود
 که در هر ماه ایام البیضان را یعنی سیزدهم و چهاردهم
 و پانزدهم را روز بدار و در پانزدهم این عمل را بجا
 آورد بمطلوب فایز میکند و در نیست که در روز عرفه
 و جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بجا آورد بدون
 روز خوب باشد و اگر در غیر شهر حرم که ذی القعدة
 و ذی الحجة و محرم و ماه رجب است ایند غار بخواند بجای
 بجز اینها شهر الحرام بجز شهر الحرام بگوید و هذا
 بیننا و ذیبت باشد **فصل پنجم** در بیان فضایل اعمال
 و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی دیگر آن را **رحمة الله**
 علیه گفته اند که در روز هجدهم این ماه ابرهیم پسر رسول
 خدا از دنیا رفت پس خون و اندوه و لعن بر آنها که در
 مصیبت شامت کردند مناسبت خصوصاً غایت علیها
 اللعنة و ابن عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته
 است گفته است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها
 در روز بیست و یکم ماه رجب بجام قدس ارتحال نموده
 اگر چه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان

ان جگر گوشه حضرت رسالت که عمده آنها عمر بن الخطاب
 علیه اللغه والعذابت و زیارت آنحضرت احتیاطاً
 مناسبت بخوی که مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
و شیخ مفید رحمه الله گفته است که در بیست و نهمین ماه
 معویه علیه اللغه بجهتتم واصل شده است مستحبت
 که این روز را روزی دارند بشکر این نعمت و در روز بیست
 و سیم این ماه خاریان خنجر زهر آلود بر زبان مبارک حضرت
 امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند زیارت آن
 حضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آن حضرت مناسبت
 و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بر دست محضر
 نمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب جاری شد و
 مرجب یهودی بر دست آنحضرت کشته شد گفته اند
 روزی آن روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحبت
 و شیخ علیه الرحمه ذکر کرده است که شهادت حضرت
 امام موسی کاظم صلوات الله علیه در روز بیست
 پنجم ماه رجب واقع شد اما احادیث بسیار در فضیلت
 این روز و ثواب و زه اش وارد شده است و روایتی نقل
 کرده اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله در روز بیست و پنجم رجب معجوب بر رسالت

شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار است که بعد
 از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روز شکی
 نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقولست که روز
 اشکفاره دو بیت سال کناهست **و بسند** بسیار
 معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هر که روز بیست
 و پنجم ماه رجب را روز دار خوتنگ روز او را کفاره
 هفتاد سال کناه کرد **و نیز** از حضرت منقولست که
 هر که روز بیست و ششم ماه رجب را روز دار خوتنگ
 روز او را کفاره هشتاد سال کناه کرد **و روز**
 هفتم اینماه از جمله اعیان عظیم است و روزیست که
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز بر سالت
 بر امت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت
 نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارک است **و بسند**
 معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب
 شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر
 آن می تابد و آنشب بیست و هفتم اینماه است و در صبح
 آنشب حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سالت
 مبعوث شد و کسی که عبادت کند اینشب مثل شصت
 سال عبادت خدا با و عطا میفرماید بر سیدند که

عَمَلًا يَنْسَبُ جِبْتٌ فَرُمُودُ كَمَا جُنُودُ كَمَا جُنُودُ
بِجَوَابِ وَوَهْرَةَ سَبَّكَ كَمَا جُنُودُ كَمَا جُنُودُ
بِشَّيْءٍ مِنْ نَفْسِ سَبَّكَ كَمَا جُنُودُ كَمَا جُنُودُ
تَمَازِ بَكْرٍ وَبَعْدَازِ هَمْدٍ وَرَكْعَتِ سَلَامٍ بَكْرٍ وَرَكْعَتِ
بَعْدَازِ حَمْدِكَ سُبُوحٍ مِنْ سُورَتِهَايَ كَوَيْلِكَ بَعْدَازِ
سِرِّ الْبِحْوَانِ وَبِحُونِ أَيْضًا فَارِغِ شَوِي جَنَانِ كَمَا نَشِئْتَهُ
سُبُوحٍ حَمْدٍ وَقُلْ عُوذُ بِرَبِّ الْمَلْأَقِ وَقُلْ عُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَآيَةٌ الْكُرْسِيِّ هِيَ رَأْفَتُهُ تَسْبِيحُ الْبِحْوَانِ
بِسْمِ بْنِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَكَمْ يَكُنْ

دَعَا بِحْوَانِ *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
لَهُ شَرِّكَ فِي الْمَلِكِ وَكَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ

مَراد از شریکی از ادب است می *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
وَكَثْرَةٌ تَكْبِيرًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَايِدِ

دعای بزرگوار و دین داوران را که در کتب معتبره است *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
عَرْشِكَ عَلَيَّ أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ

عزت تو *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
كِبَابِكَ وَيَا سَمِيكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

که سب تو در تمام تو *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
ذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ الثَّمَانِيَةِ

دعوت با او که بجزند بجزند *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
كَلِمَاتِهَا

كُلَّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ
بدان پسند محمد سنی بر محمد و آل محمد پسند
 فِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ بِسِمْتِ حَاجَتِكَ خَوَاهِي طَلَبِكَ
بمن آنچه نوری سازد از این هر چه میطلبی مستجاب میشود مگر
 أَنْكَ حَرَامِي طَلَبِي يَأْتِطَعُ وَحَمِي يَاهَلَاكَ جَمْعِي زِ مَوْثِقَانِ
 زِاطَلَبْتِ كُنِي رَوْزِش زَارُونِ بَدَارِ كِه اَز بَرای تُو
 حَسَابِ مِشود بَرُوزِ بَكْسَالَه *و پسند* مَعْتَبَرِ بَكِرِ
 اَز حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَلِيمِهَا السَّلَامِ مَقُولِ
 اسْتِ كِه دَر شَبِ بَسْتِ هَفْتَمِ رَجَبِ هَر وَقْتِ شَبِ كِه
 بَاشَد دَوَاذِدَه رَكَعَتِ نَمَازِ بَچَا اَوْ رَقَدِ هَر رَكَعَتِ
 بَعْدَازِ سُوْرَةِ حَمْدِ چَهَارِ مَرْتَبَه سُوْرَةِ قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ
 الْفَلَقِ وَ قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ بَجَوَانِ
 وَ چَوْنِ اَز دَوَاذِدَه رَكَعَتِ فَارِغِ شَوِي زِهْمَانِ مَكَانِ
 چَهَارِ مَرْتَبَه بَكُوْلَا اِلَهَ اِلَآهَ اللهُ وَ اللهُ اَكْبَرُ وَ اللهُ
 وَ سُبْحَانَ اللهِ وَ لِاحْوَالِ وَ لِاقْوَةِ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيْمِ بِسِمْتِ حَاجَتِكَ خَوَاهِي طَلَبْتِ *مؤلف کفیه بد*
 كِه بَهْرِيَكِ اَز اِيْنِ دُوْرِ وَايْتِ كِه عَمَلِ كُنْدِ خَوَلَبْتِ وَ اَكْرَمِ
 هَر دُوْرِ اَبَكُنْدِ بَهْتَرِ اسْتِ وَ اَكْرَمِ نَمَازِ شَبِ نَصْفِ رَجَبِ
 كِه بِسِنْدِ صَحِيحِ مَدْ كُوْرِ شُدْ دَر اِيْنِ شَبِ بَچَا اَوْ رَدِ خَوَلَبْتِ
 وَ دَر اِيْنِ رَوَايَتِ وَ اَرْدِ شُدْ اسْتِ كِه دَر اِيْنِ شَبِ نَبِي

بِجَاؤِ رَدِّهِ وَ شَيْخِ طَوْسٍ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ كَفَّنَهُ اسْتَكْبَرَ
غُسْلَ قَدْرٍ اَيْتَبَ مَسْتَحَبَّتْ وَ زِيَارَتِ حَضْرَتِ رَسُولِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ حَضْرَتِ مِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ
اللَّهِ عَلَيْهِ وَ زِيَارَتِ مَنْ سَبَّتْ وَ اَبْدَعَا نَبِيَّ وَ اَرْدَشَدَّ
اَيْتَبَ كَدْرٍ اَيْتَبَ شَبَّ اَيْتَبَ اَيْتَبَ **وَدُعَا اَيْتَبَتْ**

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَشْفِيكَ بِالْحَجْلِ الْاَعْظَمِ فِي هَذِهِ
هذه ازمان در سینه من نوال ستم ترا می آن عظم که از آن است در این

الْبَيْتَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْاَعْظَمِ وَالْمُرْسَلِ الْمَكْرُومِ اِنْ
ش از ماه بزرگ از آن است در روزی از این

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ
عزیزتر بر من و آل او در سینه ما زنی در روزی تو

بِيهِ مِنْ اَعْمَالِ يَوْمِ نَبِيِّكَ وَ لَا يَعْلَمُ اللهُ بِبَارِكِ
این از زمانه زنی ای که از آن است که از آن است در روزی تو

لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ الَّتِي بَشَّرَ لِرَسُولِهِ فَضْلَهَا
در این شب، این شب بزرگ است که در این شب در این

وَبِكْرَامَتِكَ اَحْلَلْتَهَا وَ بِالْحَجْلِ الشَّرِيفِ
و بکرمت خود که از آن است که در این شب در این

اَحْلَلْتَهَا اللَّهُمَّ فَاِنَّا نَسْتَعِيذُكَ بِالْبَيْتِ الشَّرِيفِ
که عمل کرده است در این شب در این، که نوال ستم ترا می این است در این

وَ السَّيِّدِ اللَّطِيفِ وَ الْعَنْصُرِ الْعَقِيفِ اِنْ تَصَلَّى
و این بزرگ هم زمانه آن اصل بزرگاری است که در این

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنا فِي هَذِهِ
بکرمت و آل او در سینه ما زنی احوال در روزی این

اللَّيْلَةَ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةٌ وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةٌ

ت در شب بر شبها بفرشته کن آن بار از زنده

وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةٌ وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةٌ وَقُلُوبُنَا

و کینه های ما را جز زنده کننده و بدیهای ما را بکشیده برشته و دلهای ما را

مُجَيَّبُنَ الْقَوْلِ سَرُورَةٌ وَأَرْزَاقُنَا مِنْ كَدِّكَ بِالْيَسْرِ

بسیر کنولی قول است روان روزی ما را از زنده خود آسانی

مَدْرُورَةٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تَرَى وَأَنْتَ

روان کرده شد و خداوند را در بسته نوی می زنده بپوشی و نوا

بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى وَأَزَّابِكَ الرَّحْمَى وَالْمُنْتَهَى فِي

در دیده نگاه بسند در بسته لویات تا رکت و شفا شدن

أَنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْحَيَا وَأَنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى

بسته را ایستادن در زنده کردن و بسته از ایستادست در دنیا

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذَلَ وَنُخْرَفَ وَأَنْ نَأْتِيَ

خداوند را در بسته ما را بگریه تو بکند حوار در کوا کوا هم و بسته انانی هم

مَاعَنْهُ تَنْهَى اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَسْأَلُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

از کجا منع نوده خداوند را در بسته سوال میکنم ترا هست برکت خود

وَلَسْتَعِذُّ بِكَ مِنَ النَّارِ قَاعِدًا مِنْهَا بِقَدْرَتِكَ

دیده بگویم بنو از دوزخ بسته دهه را از ان لغز است خود

وَلَسْتَسْأَلُكَ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ قَارِزِقُنَا بِعِزَّتِكَ وَ

درال میکنم ترا از بسته و در کان فرج چشمم روزی زده را بغیرت خود

اجْعَلْ أَوْسَعَ آرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِينَا وَأَحْسَنَ

بگردان در بسته بزرگ روزهای ما را در نزد بزرگی سن ما و بگویند

أَعْمَالَ لِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ جَالِنَا وَأَطْلُ فِي طَاعَتِكَ

کردارهای ما ترا نزد بگردد شدن اجدهای ما در روز کن در طاعت خود

وَمَا يَقْدِرُ إِلَيْكَ وَيَخْطِي عِنْدَكَ وَيُزَلِّفُ لَدَيْكَ

در آنجی که تو بخت کردی بر او و هر چه سانه و در آن روز تو در آن روز که او در آن روز

أَعْمَارَنَا وَأَحْسِنَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتِنَا

عمر ای ما را درستی که گردان در همه حالهای ما و در امر ای ما که در آن

وَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ حَدِيثِ خَلْقِكَ قِيمَتِنَا عَلَيْنَا وَ

و در آنکه در امر ای ما که در آن روز تو در آن روز که او در آن روز

تَقْضِلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

لغرض کن ای ما همه حاجت های دنیا و آخرت

أَبْنَانًا بَابِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَبْنَاؤُنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا

بست کن بر ما پسران ما و مادران ما و در آن ما و در آن برادران ما

الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ

که در آن روز در همه که سوال کردم تو برای منستی خود ای خداوند

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَلِكُ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ

بجسته گان خداوند ما در ستمه سوال که ستمه ترا نام بزرگ تو ای

مَلِكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بارت ای تو که در دیرینه است ستمه رحمت بر منی رحمت و آل محمد

وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لِأَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ

در ستمه ما عزمی برای آن که بزرگ را در ستمه او ای نام بزرگ

الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمَ اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبٌ مُبَارَكٌ

بزرگ ما که بزرگ صلوات و این ماه رجب

الْمَكْرُمُ الَّذِي أَكْرَمْتَابَهُ أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحَرَمِ

که ای دیرینه که که ای دیرینه بر این اول ماهی حرام

وَأَكْرَمْتَابَهُ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجَوْهَرِ

و که ای دیرینه ما را بر این از میان اممها پس هر چه ستمه پاس ای خداوند در پیش

والکرم

وَالْكَرَمِ فَاسْتَلِكْ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

در نماز در ایستادن سینه را بر کتف راست و دست راست را بر کتف چپ
الْاَعْظَمِ الْاَحِلَّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقِرَّ

بر کتف چپ
فِي ظِلِّكَ فَلَا تَجْرُحْ مِنْكَ اِلَى غَيْرِكَ اِنْ نَصَلْتِ

در ایستادن سینه را بر کتف راست و دست راست را بر کتف چپ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْعَلَنَا مِنْ

مؤمنان
الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْاَمِلِينَ فِيهِ لِشِقَا

عالمین که در آن طاعت خود دارند و امیدوارند آن در آن دنیا
اللَّهُمَّ اهْدِنَا اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاَجْعَلْ مَقِيلَنَا

مسافرمان را در راه راست و در آن جای مقرر
عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ وَّمَلِكِ جَبْرِيَلٍ

فرشته خود بهترین جای در سایه خردمند و پادشاه جبرئیل
فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ اَقْلِبْنَا مَقِيلَيْنِ

بسیار دگرگونی ما را و تو را در هر دو جای
بِمَجِيئِ غَيْرِ مَعْضُوبٍ عَلَيْنَا وَاِلَّا ضَالِّينَ بِرَحْمَتِكَ

فرزندی ایستادگان نه عیب کرده گمان بر ما و نه گمراهان رحمت خود
بِاَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَلِكُ بِعِزِّ اِيْمٍ

ای که نشسته برین کشته گان حسد او را سوال کنم ترا برسد رحمت
مَغْفِرَتِكَ وَيُؤَاوِجُ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ

دشمنی تو و در آغوش رحمت تو سلامتی از هر
اِيْمٍ وَاَلْغَيْبَةِ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَاَلْقُوْرَ بِالْحَيَّةِ وَاَلنَّجَاةِ

کنایه و غیبت از هر کس و در کفاری برهوت و غلظی

مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعْوَتِكَ وَ

روزاش خداوند را خوانند و دعا از ایشان است که دعا خوانند ترا و
سَمَّكَ السَّائِلُونَ وَسَمَّتِكَ وَطَلَبَتِ لَكَ

در هر کسند از تو در هر کسند که دعا در هر کسند از تو در هر کسند از تو در هر کسند
الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الثِّقَّةُ

در هر کسند که دعا در هر کسند از تو خداوند را تو را محمد
وَالرَّجَاءُ وَاللَّيْلُ مُشْتَمَى الرَّغْبَةِ وَالِدَعَاءِ

در هر کسند و در هر کسند نه است دعا در هر کسند
اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَاجْعَلْ لِي قَبِيحًا فِي

خداوند را پس دعا در هر کسند محمد و آل او در هر کسند
قَلْبِي وَالتَّوْرِي فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالتَّهَارِعَ عَلَى لِسَانِي رِزْقًا

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَعْرِفَهُ وَ

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
رَوْوْ بِكُوَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
خَصَّنَا بِوَالِيَاتِهِ وَوَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ لَيْسَ بِلَوْ

در هر کسند در هر کسند در هر کسند در هر کسند
مُخَصَّنًا بِرَأْسِهِ وَوَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ لَيْسَ بِلَوْ

صَدَقْتَنِي بِسَبِّهِ لَيْسَ سَبًّا لِّلَّهِمَّ إِنِّي فَصَدَقْتَنِي بِحَاجَتِي
از سجده بردار و بگوئی *حسنه او را در سینه من نهادند و کائنات جز*
وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

در عین کلامم بر تو ایوان جز در او دردم بوی تو

بِأَيْمَتِي وَسَادَتِي اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحَبْلِهِمْ وَأَوْرِدْنَا
بر کمال جز در هر کس تو *مداومت ابروی که ان راه و سنجش ان از در او را*

مَوْرِدَهُمْ وَأَرْزُقْنَا مَرَاتِقَتَهُمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ
در حاکم و کلام ان در روزی کن بار در نمانت است ان در روزها را اوست

فِي زَمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَذَرِّهُمْ
در زمره است ان بر رحمت تو ای بخشه روزی کن من به کلام

وَهَفْتُمْ غَسْلُ سُنَّتِ وَرُؤْيَا أَشْرَ فُضِّلْتَ بِسَادَاتِهِ
و بسند نه ای محبت را حضرت صادق منقولست که

رُؤْيَا أَشْرَ بِرَأْسِ بَارِئَةَ هَفْتًا دَسَالًا *و ایضا منقول*
است که حسن بن راشد از حضرت صادق سؤال کرد

كَيْفَ غُرَيْدِهَايَ شَهْرٍ عَيْدِي هَسْتِ حَضْرَتِ فَرْمُو
بلی شریف تر و فاضل تر همه روزیست که حضرت رسالت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْهَبْرَسَاتِ مَبْعُوثِ كَرِيْمِهِ اسْتِ
و ان بیست و هفتم ماه رجبت باشد که روزی بدای

و صَلَوَاتِ بِرِجْدِ وَالْمُحَمَّدِ بِسَارِ بِفَرَسْتِي وَ بِأَوْثِ
حضرت رسول صلی الله علیه و اله و حضرت امیر المؤمنین

صَلَوَاتِ اللَّهُ عَلَيْهِ دَرِ ابْنِ رُؤْيَا مَبْعُوثِ وَ نَمَازِ ابْنِ رُؤْيَا

بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش
از زوال باید کرد و از آنکه اکثر احادیث ظاهر میشود که
در هر وقت روز که بکنند خوبست **و بسند معتبر از زبان**
بن الصلت منقولست که چون حضرت امام محمد تقی
صلوات الله علیه بیغداد شریف آمد و در روز
نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه داشتند
و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که
این روز را روزه بدارند و در هر یک دو اذان رکعت
نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بکسب سلام و هر رکعت
را بحد و هر سویت که خواهند بکنند و چون از هر طایفه
شوند سویت حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند
پس چهار مرتبه بگویند لا اله الا الله و الله اکبر
و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی
لا اشرك به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرك
ربی احدًا و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب
الامر صلوات الله علیه منقولست که در این روز
دوازده رکعت بجای آوری در هر رکعت بعد از

حمد هر سون که بپسرسود بخوانی و بعد الحمد لله

از هر دو رکعت سلام مینوی و بلند غار بخوان *این حدیث است*

الذی لم یخذ و لدا و لم یکن له شریک فی الملک *که از گرفته از چیزی*

و لم یکن له ولی من الذل و کبره فتکبیر *دو سوره در باره ای در ذل و کبره که در کتب آمده است*

یا عذتی فی مدتی یا صاحبی فی سیدی یا *ای عزیز من در مدت عمر من ای رفیق من در سختی من ای*

ولبی فی نعمتی یا غیابی فی رغبتی یا حاجی *در حاجت من ای غایب من در رغبت من ای حاجت من*

فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالمی فی وحدتی *در حاجت من ای کفایت من در غیبت من ای کمال من در وحدت من*

یا انسی فی وحشتی انت الشاکر عورنی فلک *ای ایمن من در رسیدن من از یاد من در غیبت من در غیبت من*

الحمد و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل *سپاس و نوا در دیده تو خدا من ای بر اینت بس در غیبت من*

علی محمد و ال محمد و استر عورنی و امن رونی *بر محمد و آل محمد و استر من عورت من از یاد من در غیبت من*

و اقلنی عشرتی و اصغ عن جرمی و تجاوز عن *در گذر از عشرت من در گذر از گناه من در گذر از گناه من*

ستیابی فی اصحاب الجنة و عدا الصدیق الذی *در سایه من در باستان بهشت رعد و رستنی که*

کانوا یوعدون و چون از نماز و دعا فارغ *بودند که وعده داده شده شوی سون حمد و قل هو الله*

بودند که وعده داده شده شوی سون حمد و قل هو الله

اَحَدٌ وَقَلَّ عُوذُ بِرَبِّ لَفَلَقَ وَقَلَّ عُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
 قَلَّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَاَنَا أَنْزَلْنَاهُ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ
 بِكَ زَاهِفْتُمْ رَتَبَهُ مِثْوَانِي بِسْ هَفْتُمْ رَتَبَهُ مِثْوَانِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بِسْ هَفْتُمْ رَتَبَهُ مِثْوَانِي
 اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا بِسْ لِيخْ خَوَاهِي أَنْ
 خُذَا بَطْلَبَ **رَبِّنَا** مَعْتَبِرٌ دِيكَرُ أَنْ حَضَرَ مُوسَى بْنُ
 جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَنْقُولٌ كَمَا سُنْتَتْ كَمَا أَيْدَا
 زَادَ رُوزِ مَبْعَثَ بِنَوَانِدٍ **وَدُعَا أَيْلَسَتْ**

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالْتِجَاوِزِ وَصَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوُ
 وَالْتِجَاوِزِ يَا مَنْ عَفَا وَتَجَاوَزَ عَفَا عَفَا كَرِيمٌ
 اللَّهُمَّ وَقَدْ أَكْذَبْتَنِي الطَّلَبَ وَأَعْيَيْتَ لِحِمْلَةَ
 وَالْمَذْهَبَ وَدَرَسْتَ الْأَمَالَ وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ
 الْأَمِينُكَ وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ لِي فِي جِدِّ
 سُبُلِ الْمَطَالِبِ لِيَبْكَ مُشْرَعَةٌ وَمِنَا هَيْلَ الرَّجَاءِ

لديك

لَدَيْكَ مُتَرَعَّةً وَأَبْوَابُ الدُّعَاءِ لَيْنٌ دَعَاكَ مَفْتَحًا

ترتیبی که در این دعا خوانده شود در هر روزی که خواهد خواند ترا کلمه شده

وَالِاسْتِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً وَأَعْلَى

در باره حاجت برای آنکه در این دعا استغاثت و استعانت

أَنْتَ لِبِذَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ إِلَيْكَ

که در این دعا استغاثت و استعانت در هر جا که خواهی

بِمَرْصِدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي الْكَلْفِ لِي جُودِكَ وَالضَّمَا

در انتظار گاه نزد کسی در هر جا که استغاثت و استعانت

بِعِدَّتِكَ عِوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاطِلِينَ وَمَنْدُوحَةً

بوده خود عیبی از آنکه منع کند کان در نزد کسی

عَمَّا فِي بَدْيِ الْمُسْتَأْذِنِينَ وَأَنْتَ لَا تَحْتَجُّ عَنْ خَلْفِكَ

از آنکه در استغاثت و استعانت در هر جا که خواهی

لَا أَلَّا أَنْ تَجْهَرُوا الْأَعْمَالَ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ

که استغاثت و استعانت در هر جا که خواهی

أَفْضَلَ زَادَ الرَّاحِلُ لَبَّكَ عَزْمٌ إِزَادَةَ وَقَدْ نَالَ جَاكُ

بهرین از آنکه کلمه استغاثت و استعانت در هر جا که خواهی

بِعَزْمِ الْإِزَادَةِ قَلْبُهُ فَاسْتَلِكْ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ

بازاده است در این دعا استغاثت و استعانت

بِهَا رَاجَ بَلِغَتُهُ أَمَلَهُ أَوْ صَارِخِ إِلَيْكَ أَعْتَمَتْ

ان بسته در این دعا استغاثت و استعانت در هر جا که خواهی

صَرَخَتْهُ أَوْ مَلْهُوفٍ مَكْرُوبٍ فَرَحَّتْ عَنْ قَلْبِيَا

بهرین از آنکه کلمه استغاثت و استعانت در هر جا که خواهی

أَوْ مَذْنِبٍ خَائِفٍ خَاطِبِي كَعَفْرَتٍ لَهُ أَوْ مَعَاقَا

بازاده است در این دعا استغاثت و استعانت

أَتَمَّتْ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ أَوْفَقِيرًا هَدَيْتَ غِنَاكَ

نعم کردی بر منی مستخوار بر او با غنی می گردانیدی من را با غنی از غنا

لِلْبَيْتِ وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةُ عَلَيْكَ حَقٌّ وَعِنْدَكَ

برای تو و برای این دعوت بر تو حق است از تو

مَنْزِلَةٌ الْأَصْلَبُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَقَضَيْتَ

بیت را که سخت تر است بر محمد و ال ای او در دادی

حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهَذَا رَجَبٌ الْمُرْجَبُ الْمَلَكُ

حاجت دنیا و آخرت این ماه رجب است

الَّذِي كَرَّمْتَنَا بِهِ أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحَرَمِ وَكَرَّمْتَنَا

که گرامی داشتی ما را به اول ماهی حرام و گرامی داشتی ما را

بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاسْتَلِكْ

این از میان همه ای خداوند بخشنده و بزرگواری بر ما و ال ای

بِهِ وَيَا سَمِيكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ الْأَجَلِ

این نام تو که بزرگترین بزرگترین بزرگترین بزرگواری

الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقْرَبِي ظِلِّكَ فَلَا

بزرگواری که تو آفریدی او را ای دراز گشت در سایه خود نیکی

يُخْرِجُ مِنْكَ إِلَيَّ غَيْرَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ

روان بود از تو بر من غیر تو ای که رحمت ز من بر محمد

أَهْلَ بَيْتِهِ الظَّاهِرِينَ وَتَجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ

اهل بیت او که ظاهرین ما را از عملی است که کان

فِيهِ يَطَاعُكَ وَالْإِمْلِينَ فِيهِ لِيَشْفَاعَتِكَ

در آن طاعت خود در آن ایمان در آن شفاعت خود

اللَّهِ وَآمِدْنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ

خداوند ما را به جهت کن ما را بر راه راست بگردان

مِقْلَنَا

مَقِيلًا عِنْدَكَ جَبْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ فَأَنْتَ

خواجگه داران خود همین خواهگاه در سایه عمارت بویارستان

حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَا مَعْصُومِينَ

سوی ما و نیکی کارگزاران و درود بر کسان برزگانه

وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا

در دنیا می آورستی آن همه صلوات بر او برکت و باران

فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَرَضْتَهُ فَضَلْتَهُ وَبَكَرْتَهُ

در روز ما این روزی که زاده آوردی او را در روز ما خود

حَلَلْتَهُ وَبِالْمِيزَانِ الْعَظِيمِ مِنْكَ أَنْزَلْتَهُ وَصَلَّ

برکت کردی او را در میزان بزرگ از تو که روزی ما را در حلال

عَلَى مَنْ فِيهِ إِلَى عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ وَبِالْحِجْلِ

بر آنکه در این روز بوی سندان خود رساندی او را در حجل

الكَرِيمِ أَحَلَلْتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً

بزرگ که روز آوردی او را صلوات بر او رحمت بر او رحمتی

دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَكُنَّا ذُخْرًا وَاجْعَلْ

همیشه که است برای تو شکر ما را ذخیره و گردان

لَنَا مِنْ أَمْرِ نَاسِدٍ وَأَخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ لِأَنَّ

از برای ما از کار ناسد ختم کن برای ما سعادتی بوی

مُنْتَهَى جَالِنَا وَقَدْ قَدِّدْتَ اللَّسْبِرَ مِنْ أَعْمَالِنَا

منتهای اجدای ما و در پیش پستی از کار کردی

وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ فَضْلَ الْمَالِنَا لَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ

در بیان او رحمت خود همین از برای ما در دست تو هر چه

شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ

جزئی توانا رحمت رسانده از برای ما محمد را و درود بر او

و لیسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که
 بیست و هشتم ماه رجب روزی بدارد کفاره نود سال
 گناه او کرده و هر که روز بیست و نهم ماه را روز بدارد
 کفاره صد سال گناه او کرده و هر که روز سیام این ماه
 را روزی بدارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را
 بیامرزد و در روز نماز مسلمان سنتست بنحوی که در
 اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز
 بیست و نهم نیز احتیاط بکند و در کتب عوات از برای
 هر شب این ماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند معتبر
 بنظر نرسید نخواستم ابراد نماید چون بسیار مشهور
 است ابرادینمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه
 مطابق صلوة خوبت بکند بد نیست **مثبت اول** سی رکعت
 در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه حمد یعنی قل یا ایها
 الکافرون و سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد
دویم ده رکعت با حمد و حمد **سهم** ده رکعت با
 حمد و بجز مرتبه اذ اجاء نصر الله در هر رکعت **چهارم**
 صد رکعت در هر روز رکعت در اول بعد از حمد قل
 اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب
 الناس **پنجم** شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد

بیست و پنج مرتبه توحید **ششم** دو رکعت در هر رکعت
 بعد از حمد هفت نوبه آیه الکرسی **هفتم** چهار رکعت
 در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک
 سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه
 سبحات اربع **هشتم** بیست رکعت در هر رکعت یک
 حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه **نهم** دو رکعت
 هر رکعت حمد و پنج نوبت الهیکم التکاثر **دهم** دو از ده
 رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید **یازدهم**
 دو از ده رکعت با حمد و دو از ده مرتبه آیه الکرسی **دوازدهم**
 دو رکعت با حمد و آیه امن الرسول **سیزدهم** ده رکعت
 در هر رکعت اول بعد از حمد سوره الخادیان و در
 دویم سوره الهیکم التکاثر **چهاردهم** سی رکعت در هر رکعت
 بعد از حمد سوره توحید و آیه قل إنما أنا بشر مثکم
 تا آخر سوره **پانزدهم** و **شانزدهم** و **هفدهم** سی رکعت با حمد و ده
 مرتبه سوره توحید در هر رکعت **هجدهم** دو رکعت
 در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و معوذتین
 هر یک ده مرتبه **نوزدهم** چهار رکعت در هر رکعت
 بعد از حمد یا زده مرتبه توحید و آیه الکرسی **بیستم**
 دو رکعت در هر رکعت سوره حمد و پنج مرتبه یا نا

آنزلناه **بیت یکم** شش رکعت در هر رکعت بعد از
 حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید
بیت دوم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سوره
 حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرین و بعد از فارغ
 شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه
 استغفار **بیت سوم** دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
 پنج مرتبه سوره الفتح **بیت چهارم** جهل رکعت در هر رکعت
 بعد از حمد ایه امن الرسول و سوره توحید یک مرتبه
بیت پنجم یک رکعت در میان نماز شام و خفتن
 در هر رکعت بعد از حمد ایه امن الرسول و سوره توحید
 یک مرتبه **بیت ششم** دو از ده رکعت در هر رکعت بعد
 از حمد جهل مرتبه توحید **بیت هفتم** **بیت هشتم** **بیت نهم** دو از ده
 رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و
 ده مرتبه انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات
 صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه
 استغفار **بیت دهم** ده رکعت در هر رکعت بعد
 از حمد ده مرتبه توحید و در هر یک از این نمازها
 ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد
 بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود

هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طویلی دارد
 و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید
 بعد از داخل وقت خفتن واقع شود که در نشخالی
 از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور در غایب در این
 رساله ابرار ننمودم با آنکه از طرف عامه نقل شده و معتبر است

**باب دهمین در اعمال و اعمالی که با ماه است این
 باب در بیان فضایل ماه شعبان و ایامی که در آن است**

و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت
 این ماه است و ثواب و فضیلتش بدانکه فضل ماه شعبان
 زیاده از ماه ربیع است و منسوبت بحضرت سید البیتا
 صلی الله علیه و آله چنانچه منقولست از حضرت صادق
 که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله ماه شعبان
 را مشاهده می نمود امر می فرمودند ندا کنند و آ که
 ندا کنند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم
 از جانب سول خدا بسوی شما می فرماید که شعبان ماه
 منت خدا و رحمت کند کسی که باری کند مرا بر ماه
 من پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
 که از روزی که ندای منادی انحضرت ترا شنیدم رویت
 شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد **و**

و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از
 جانب خدا برای جمیع گناهان و **ایضا** از ام سلمه منقولست
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیخ ماه را تمام
 روزه میداشت مگر ماه شعبان که انرا وصل میکرد بمناه
 و **مضا** و **ایضا** منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام
 روزه از روزهای سنت افضل است فرمود که روزه
 شعبان برای تعظیم ماه رمضان و **از حضرت** امام محمد باقر
 منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شعبان
 را روزه میداشت و وصل میکرد بمناه رمضان و میفرمود
 که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته
 و آینده است و **ایضا** از حضرت باقر منقولست که هر که
 ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از هر گزشتی و از
 قسمهای معصیت و از قسمهای روزه غصب از حضرت
 و سائلت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که ماه رمضان
 ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان عرش الهی
 از تعظیم مینمایند و حق و حرمت انرا میشناسند و آن
 ماهیست که زیاده میشود و آن روزهای بندگان
 از برای ماه رمضان و روزه میکنند در آن بیستهار
 و آن را شعبان نام کرده اند برای آنکه متشعب و بسیار

میگردد در آن روز نهیای مؤمنان و حسنه در نماه ^{عصا} مضا
 میگردد دهفتاد برابر و گناه در آن بست میگردد و امر نپند
 میشود و اعمال در آن مقبول میگردد و خداوند جبار
 نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان
 اینماه پس مباحات میکند با ایشان با حاکم میلان عرش
 پس در فضیلت روزه هر روز اینماه اینقدر فرمود که
 ذکرش موجب تطویل کلام است **و بسند** معتبر از حضرت
 صادق منقولست که روزه شعبان ذخیره بند است از روز
 روزه قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسپارد بپسندد
 حق تعالی امر معیشت او را با صلاح آورد و کفایت کند
 شیردشت او را و کمتر توانی که بروزه دار روزی از ما شعبان
 میدهند است که بهشت از برای او واجب میگردد **و بسند**
 معتبر از حضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله فرمود که شعبان ماه منست و در مضا ما خدا
 پس هر که بگردد از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم
 در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه دارد کلاها
 گذشته و اینده او امر نپند کرد و هر که سه روز از
 ماه من روزه بدارد او را خدا کند که عمل از سر کی یعنی
 هیچ گاه ندارد **و بسند** عالی از حضرت امام رضا منقولست

که هر که بیک روز از شعبان را از برای خدا روزه بدارد داخل
 بهشت شود و هر که در بیک روز شعبان هفتاد مرتبه استغفار
 کند در قیامت در زمره حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله محشور شود و کرامی داشتن خدا او را واجب کرده
 و هر که در شعبان تصدق بکند اگر چه بنصف ذره خرما باشد
 خدا بدن او را برایش چهتم حرام کرده اند و هر که سیه
 روز از آخر ماه شعبان روزه بدارد و وصل کند بماء
 و صبا خدا ثواب روزه دو ماه متصل برای او بنویسد
و این بابو به روایت کرده است که از اسامه پرسیدند
 که کدام ماه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله زیاده
 از ماههای دیگر روزه میگیرد گفت ماه شعبان را و
 میفرمود که مردم از آن غافلند و این ماه است که در این
 ماه عملها را خدا بالا میرود و دوست میدارم که
 عمل من بالا رود و روزه که روزه باشم **و ایضا** روایت
 کرده است که از آن حضرت پرسیدند از روزه و رجب فرمود
 چرا غافلند از روزه شعبان یعنی افضل است از **و ایضا**
 روایت کرده است بسند معتبر از حضرت جبرائیل که
 فرمود که شعبان ماه منست هر که از ماه من بگذرد روزه
 دارد بهشت او را واجب شود و هر که دو روز روزه دارد

در قیامت از زرقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که
 تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبه
 او باشد از هر گناه کوچک و بزرگ هر چند داخل خون
 حرام شده باشد که او را نفع میدهد **بند صحیح** از
 حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه شعبان
 داخل میشود حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را
 جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید
 که این چه ماهیست این ماه شعبان است و حضرت رسول
 صلی الله علیه و اله میفرمود که شعبان ماه منست پس
 روزه بدار بدو این ماه از برای حجت پیغمبر خود و از برای
 تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که
 جان علی بن الحسین بدست اوست سو کند پادشاهان که
 شنیدم از پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از
 حضرت امیر المؤمنین که هر که روزه دارد شعبان و از
 برای حجت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را
 دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز
 قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند **و انصافاً**
 از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت
 رسول صلی الله علیه و اله فرمود که شعبان ماه منست

وَمَاهِ رَمَضَانَ مَاهِ خُدَاسْتِ پَسِ هَرَكِمَ مَاهِ مَرَارُونَ بَدَارُونَ
مَنْ شَفَاعَتِ كَمِ اَوْزَادِ رُزُوقِيَامَتِ وَهَرَكِمَ مَاهِ خُدَاسْتِ
رُوفِ بَدَارُونَ حَقِ تَعَالَى مُوسَى اَوْ كَرَدَدَرِ وَحَشْتِ قَبْرَاوِ
رَاتَمَهَا نَكْدَارُونَ وَاَزِ قَبْرِ پَرُونَ اِبْدَدَرِ قِيَامَتِ بَارُوى
سَقْفِدِ نُوْرَانِ وَنَامَهْ عَمَلِ اَوْزَادِ سَتِ رَاسْتِ اُوْدَهِنْدِ
وَ نَامَهْ مُخَلَّدِ بُوْدَنِ دَرِ بَهِيْشْتِ بَدَسْتِ چِلِ اُوْدَهِنْدِ اَنَكَلِ
اَوْرَانِزِ دَعْرِشِ اَلْهِ حَاضِرِ سَازَنْدِ پَسِ حَقِ تَعَالَى اُوْرَانِزِ اَنَكَنْدِ
كِه اِي بِنْدُ مَنْ كُوْبَدِ لِيْبَكِ اِي خُدَا وَنَدَنْ پَسِ خُدَا فَرِيَادِ
كِه رُوفِ دَاشْتِي بَرَاىِ مَنْ كُوْبَدِ بِلَى اِي اِي قَاىِ مَنْ پَسِ خُدَا
جَلِيْلِ نَدَا كَنْدِ مَلَكْهَ اَكِه بَكِيْرِيْدِ دَسْتِ بِنْدَهْ مَرَاوِيْرِيْدِ
نَزْدِ پِچْمِيْرِ مَنْ پَسِ پَاوَرَنْدَا وُرَانِزِ مَنْ مَنْ بَا اُو بَكُوْمِ مَاهِ
مَرَارُونَ دَاشْتِي اُو بَكُوْبَدِ بِلَى مَنْ بَكُوْمِ بَا وَكِه مَنْ اَمْرُوفِ
شَفَاعَتِ نُوْمِيْكَمِ پَسِ حَقِ تَعَالَى فَرِيَادِ كِه حَقُوقِ خُوْدِ رَا
بِه بِنْدَا بَخْشِيْدَمِ اَمَّا حَقُوقِ خَلْقِ مِنْ هَرَكِه اَزَا عَفُو كَنْدِ
مَنْ اِنْقَدَرِ عَوْضِ بَا وِ بَدِهَمِ كِه اُو رَاضِيْ شُوْدِ پَسِ مَنْ دَسْتِ
اُوْرَا بَكِيْرِمِ وَ پِيَاوَرَمِ بِنَزْدِ صِرَاطِ پَسِ بِيْنِمِ كِه صِرَاطِ لَعْنَتِ
اَسْتِ وَ سِيْلِزِدِ وَ پَاىِ كَلَاهِ كَارَانِ بَرَانِ بِنْدِ نَمِيْشُوْدِ پَسِ
دَسْتِ اُوْرَا بَكِيْرِمِ وَ مَلِكِيْ كِه مُوْكَلِ اَسْتِ بَرِ صِرَاطِ كُوْبَدِ
كِيْسْتِ اَبْنِ مَرْمِ مَنْ كُوْمِ كِه اِيْنِ فَاْرَانِ كَسِ اَسْتِ زَامَتِ مَنْ

۴۸
که در دنیا ماه مراد و زون گرفته است با مید شفاعت
من و ماه خدا و زون داشته است از برای طلب و عدا
خدا پس او را از صراط بگذرانم بعبود خدا تا آنکه او را بدو
برسانم پس ضون گوید که امر در روزیست که در روز برای
امت تو میکشایم و او را داخل بهشت میکنم پس حضرت
امیر المؤمنین فرمود که روزی بنا بر بد ماه حضرت رسالت
تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزی بنا بر بد ماه خدا
و تا بنا بشامد از شراب هر چه بهشت **فصل در بیان**
اعمال هر روز ماه شعبانست بسند معتبر از حضرت امام
رضا منقولست که هر که هر روز هفتاد مرتبه در ماه شعبان
استغفار کند گناهانش از مرتب شود اگر چه بعد از آن
استغفار باشد و در کتاب حسین سعید از حضرت صادق
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
شعبان ماه مننت است بر این ماه بسیار بفرستید صلوات
بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت مگویند زیرا
که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات
بر او بر آید او بفرستد **و حضرت صادق** منقولست که
بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که
در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه

چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه
 استغفار کرده باشد مرنی برسد که چگونه بگویم
 فرمود که بگو استغفر الله و استغفر الله **و بسند**
 معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که در هر روز
 ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و استغفر
 الله التوبة بنویسد حق تعالی برای او برات بزرگی از انش
 جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند
 و **و بسند** معتبر منقولست که هر که در هر روز از ماه
 شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذي لا اله
 الا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم واتوب اليه
 حقتعار روح او را در آفتابین جاده هدایت و ان فضا
 و سبعی است در پیش عرش و در آن فضاهاها جا رسب
 و قد جهاد در کنار آن مهرها هست بعد دستا و های
 آسمان و در بعضی از روایات الحی القيوم پیش از
 الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقول
 است که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه
 شعبان در وقت زوال و در شب نیمه ان این صلوات
 زامی اللهم صل على محمد و آل محمد شجرة النور
 خوانند **منازلت از حضرت زین** **و بسند معتبر**

وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةُ وَمَعْدِنِ

و جاکاه رسالت و آمدن شد فرشتگان : هزار گاه

الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ لَوْحِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و دانش و اهل بیت دمی خداوند از سنتت بر محمد و

وَإِلَى مُحَمَّدٍ الْفَلَكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّيْلِ الْغَائِمَةِ بِأَمْنٍ مَنْ

ال محمد گشتی روان در دریا بی دراز کرده ای ای که گشته

رَكِبَهَا وَتَعْرِقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمِ لَهُمْ مَنَاقِبُ

سوار گشته و غرق شد اندک در گشته پیشی برنده مهربان را

وَالْمُتَأَخِّرِ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لِأَحَقُّ

و پس بگذرد از ایشان نابیناست و ملائمت فاشند در ایشان را ای که گشته

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ أَحْسَبِينَ

خداوند از سنتت بر محمد و آل محمد سه غم

وَبِغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكْبِينَ وَمَلِجِ الْهَارِبِينَ

و در نیاز داری در باده و پناه گزیدگان

وَمُنْجَا الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اللَّهُمَّ

دمی گمات بر نسیه گان و نگاه دارنده بگمات دشت گان خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً

رحمتت بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاک

تَكُونُ لَهُمْ رِضًى وَرِجْحًا وَمُحَمَّدٌ وَإِلَى مُحَمَّدٍ أَدَاءٌ وَ

که بوده باشد برای ایشان جو سوزی در حق محمد و آل محمد ریشیدن و

فَضَاءٌ بِجَوْلِ مَيْكَ وَقُوَّةٌ بِأَرْبَابِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ

که آوردن نصرت از خود تو آید ای پروردگار عالمیان خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَنْوَارِ الْأَخْيَارِ

رحمتت بر محمد و آل محمد پاکان بگمان بر زنده گان

الذِينَ أَوْجِبَتْ لَهُمْ حَقُوقُهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ

که واجب کرده باشی بر ایشان حقوق ایشان در واجب کردن بر ایشان طاعت ایشان را

وَلَا يَتَمَنَّاهُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَمَّرْ

دستی ایشان را صاف و از عیب دست بر نهی و آل محمد و آل آل محمد را

قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تَخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَأَرْزُقْنِي

دل مرا طاعت خود در هر که در آن مراد از آن ملاذری سوز در روزی که

مُواسَاةً مِنْ قَتَرْتَّ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا

چسبان آن که گشت کرده براد از روزی تو بچگونگی

وَسَعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَذَابِكَ

دست داده بر من از فضل خود در بین کردی بر من از عذاب خود

وَاحْتَبَيْتَنِي بِخَيْرِ ظِلِّكَ وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ

در خنده که بر منی بر او در زیر سایه خود در این ماه منبت

سَيِّدِ رَسَائِكَ صَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ وَآلِهِ وَشُعْبَةَ

بنی بر کولان تو در شعبی تو بر او آل داد سبحان

الَّذِي حَقَّقْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ

که مذکوره آورد از خود بر رحمت و دوستی تو

كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَّابُ

بود رسول خدا رحمت بر خدا و خدا بر او آل او که گشت نمود

فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيْلِهِ وَأَيَّامِهِ جُوعًا لَكَ

در روزها استن و صیامش در شبهای آن روزها جان که در روزی که

فِي كَرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ لِيُحَلَّ جَانِبَ اللَّهِ فَأَعِنَا

در هر که استن آن در بزرگ و پیش آن ایستادم و خود از آن که بر او در آن

عَلَى الْأَسْتِنَانِ بِسِتْرِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ

بر جاری شدن نظر از او در ایام او رسیدن لطافت

لَدَيْكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشْفَعًا وَطَبِيعًا

تو را دوست داشته باش از خدا پس گردان او را از برای من شفاعت کننده در راهی

لَا تَبْرِكُ مَهْبَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ شَفِيعًا حَتَّى أَلْقَاكَ

بوی تو در بر آن و از برای او شفاعت کننده از جانب من گردان

بِوَجْهِ الْقَبِيْمَةِ عَيْتِي ضَيْبًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِبًا قَدْ

در روز قیامت از من خوشتر در آن من غضب شده بخونم

أَوْحَيْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي

در کتب خودی از برای من رحمت و خوشتردی در روز از برای من

دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ وَسَيِّدِ بَنِ طَاوُسٍ

سیر ای ایات در نگاه بخوان بسند معتبر از ابن

خَالَوَيْهٍ رَوَيْتَ كَرْدَهُ اسْتَكْرَمَ مِنْهَا حَاضِرًا مَبْرُورًا

مُؤْمِنًا بِنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَأَمَّا مَنَافِعُ زَفَرِيَّةٍ

أَوْسْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَرْدَهُ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ

شُعْبَانَ مِثْوَانِدَكَ أَنْتَ حَسْبُكَ دَارُ الْجَنَّةِ بَرَكَةُ

الرحمة و شسته دای مرد چون خاکم ترا دلشتر خواندن مرا

لَا ذَا فَادٍ بِكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ

چون خواندن درون بر من هرگاه در روز تو بگویم تا بر کفتم

هَمَّيْتُ بِكَ لَبِّكَ وَوَفَّقْتَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَسْكِنًا

آرزوم بوی تو و رساندم پیش روی تو

مُنْتَضِرًا عَلَا لَبِّكَ زَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَاقِي تَعَلَّ

زاری شسته بوی تو بس در آن روز مرا که پیش از تو نماند دای کن بسند ای

مَا فِي نَفْسِي وَبِحَبْرٍ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي وَلَا

آنکه در نفس من است در هر که آوری حاجت مرا: بر کسی همان دل مرا و

خَافَ عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِيٍّ وَمَثْوَايَ وَمَا أُرِيدَانِ

پوشیده بخت بر تو کار بازگشت من در آنگاه من در آنجا از راه دارم

أَبَدِيٍّ بِهٍ مِنْ مَنَظِقِيٍّ أَتَقْوَهُ بِهٍ مِنْ طَلَبِيٍّ وَأَرْجُوهُ

است از آنجا از نظرم خود و مظهری که من بدان از طلبهای خود رسد دارم او را

لِعَاقِبَتِي وَقَد جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدَا

برای عاقبت خود جاری شد قضای تو بر من ای بزرگ من فدای

فِي مَا يَكُونُ مِثْلِي أَلِيٍّ خَرَعُمِيٍّ مِنْ سِرِّ بَرِيٍّ وَعَقْلَا

در آنچه خواهد شد در این تا آخر عمر من از بهمان من در عقلی

وَيَبِيدُكَ لَا يَبِيدُ غَيْرَكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَبِعْجَبِي

در دست دوست نه بدست غیر تو زیادتی کن و نقصان من در کون

وَصَرِيٍّ اِطْمَآنٍ حَرَمْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي بَرَزْتَنِي

در زبان من از آنجا که ای من اگر هر دو با هم را بر گشت آنچه در روزی در هم

وَأَنْ خَدَلْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي بَنَصْرُنِي اِطْمَآنٍ

در آن که از کوفی را بر گشت آنچه باری گشت مرا آنچه ای من

أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ اِلهِي

ناه میگردم تو از غضب تو در زد آمدن عذاب تو آنچه ای من

لَنْ كُنْتُ عَبْرَ مَسْتَاهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ

اگر باشم از سبب باشم رحمت تو ای تو باشی اهل

أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ اِطْمَآنٍ كَأَنِّي بِنَفْسِي

بر من به نفس منی بر من بفضل در زیاد است خود آنچه ای من که ای من به نفس من

وَأَقِصَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَاهَا حَسَنُ تَوَكُّلِي

بسیار ده ام مشر در ای تو در سبب بگشاید در این سبب تو را

عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

بر تو ای گفته باشی آنچه تو باشی اهل آن در بر گشت به منی امر آنچه

الْهِجَا قَانَ عَقَوْتَ مَنَّ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِن

اگر ایمان بر من از اولی از من است پس از تو از تو بدین

كَانَ قَدِّدَنِي أَجَلِي لَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَّا فَتَقَا جَعَلْتَ

است که نزدیک شد به اجل من و نزدیک کرد همه مرا از تو کرد که از من است

الْإِفْرَارَ بِالذَّنْبِ لَيْتَكَ وَسَبَّحْتَ الْهِجَا قَانَ جَعَلْتَ

از تو دور با گناه گوی تو رسید من اگر ای من است کرد

عَلَىٰ نَفْسِي فِي النَّظَرِهَا فَالَهَا الْوَيْلُ إِن لَمْ تَغْفِرْ

بر منست خود در نظر نمودن رای اولی او است دای و اگر نامزد می

لَهَا الْهِجَا لَمْ تَزَلْ تَبْرُكْ عَلَىٰ أَيَّامِ حَبَابِي فَارْتَقِعْ

بخدا اگر ای من همه بودستی تو بر من در روزگار زندگی من

بِرُكْ عَيْتِي فِي حِمَايِي الْهِجَا كَيْفَ الْيَسْرُ مِنْ حَيْثُ نَظَرْتُ

سخت خود را در من در حماه اگر ای من چگونه آمد تو مرا از من

لِي بَعْدَ حِمَايِي وَأَنْتَ لَمْ تَوْلِنِي إِلَّا الْجَمَلِي

بر ای من که در حماه من دنی که در حماه ای من که حمله را در من

حَبُوبِي الْهِجَا تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعَدَّ

حیات من اگر ای من نمود از تو کار من که تو است از تو را من

بِفَضْلِكَ عَلَىٰ مَذْنِبِي قَدْ عَمَّرَهُ جَهْلُهُ الْهِجَا قَدْ

بفخمت خود بر من که کاری که در گذر آورد از دانی او که ای من گفتی

سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَىٰ

پوشیدی بر من که آن را در دنیا من می خرم گوی

سَتْرَهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ الْهِجَا قَدْ أَحْسَنْتَ

پوشیدن اینها بر من از تو در آخرت اگر ای من بگو کردی

لِي إِذْ لَمْ تَطْهَرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

بر ای من هنگامی که تا هرگز در آنرا برای احدی از بندگانش پاک نشد

فَلَا تَقْضِيَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُؤْسَ الْأَشْهَادِ إِلَهِي

بِسْمِ الرَّؤُوسِ الْأَشْهَادِ بِرُؤْسِ الْأَشْهَادِ

جُودِكَ بَسَطَ أَمَلِي وَعَفْوِكَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِي

مَحْسِنِي نُوَيْسِي كَرَمِي أَرْزَوِي مَراد و ر ک م ش م ن ن و الف ل م ن ا ز ک و ر د ر م ن

إِلَهِي فَسَرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى فِيهِ بَيْنَ

ا ک ت ر ا ی م ن ب ر س ن و ک ر ا ن ا ر ا ل ا ن ا س ت م و ز ر و د م ک م ن ی ا د ر ا ن ا و ز ر م ا ن

عِبَادِكَ إِلَهِي اعْتَنَارِي إِلَيْكَ اعْتِنَارًا مِنْ

م ن ک ا ن ح و ر ا ک ت ا ی م ن ع م د ا ل ع ی ن م ن ب ر ی ا ن و ع م د ا ل ع ی ن ک م س ن

مَنْ لَسْتُغْنِي عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ فَأَقْبَلْ عُدْرِي

م ن ا ن ا م ن ا ز م و ل ک و د ن ع م د ا د ب ه س ن ع م د ا م ا ا ی

كُؤِيمٍ يَا أَرْحَمَ مَنْ عَتَدَ لِيهِ الْمَسْبُورَ إِلَهِي

ب ر ا ر ک و ر ا ی م ن ک م س ن ه ز ک م ک و ن ک و ی ن و ی ک ا ر ا ن ا ک ت ر ا ی م ن

لَا تَرُدُّ حَاجَتِي وَلَا تَحْتِمْ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ

ر و د م ن ح ا ج ت ب ر و د ا م س م ن ط م ع م ا و ط م م ن ا ز ح و ر م ن

رَجَائِي وَأَمَلِي إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَوَهَّدْتَنِي

ا ب م ر ا و ا ر و ی م ر ا ک ت ر ا ی م ن ا ر ح و س ن ه ل و ی ح و ر ی م ر ا ب ه س ن م ک و ی ا

وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمُتَّعَافِي إِلَهِي مَا أَظْنُكَ

و ا ک ت ر و س ن ه ل و ا ب ه س ا م ا ح ا ن س م ن د ا ر ی م ر ا ک ت ر ا ی م ن ک ا ل م ی م

تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَقْبَدْتُ عَمْرِي فِي طَلِبِهَا

ک م س ن ه ل و ا ر ح ا ج ت ک م ف ت م ا ک ر م م ح و ر ا ا ر ط ل ب ا ن

مِنْكَ إِلَهِي فَلِكِ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا ذَا مَآسِرٍ مَدَامًا

ا ز ن و ا ک ت ر ا ی م ن ک م و ر ک م س ن م ی م س ن ه

بَزِيدٍ وَلَا يَبِيدُ كَمَا حَبِبْتَ تَرْضَى لِي إِلَهِي لَنْ أَخْتَدِيَ

ک ر و د و ن و د و ط م م ک ر و د م م ن و د س ت د ا ر ی و ب ه س ن ه ل و ی ا ک ت ر ا ی م ن ا ر ح و ر ی م ر ا

جُرْحِي أَخَذْتَكَ بِعَفْوِكَ وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِدُنُوِّي

گمراهی من از تو را بگذرانی تو در گمراهی مرا که ای آن من

أَخَذْتَكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأَغْلِقَنَّكَ

بگرمم ترا با مهربانی تو در که در آتشی بر آتش خود را کنم

أَهْلَهَا إِنْ أَحْبَبْتُكَ الْهِيَ صُغْرِي فِي جَنبِ طَاعَتِكَ

اهل آن که مرا دوست دارم ترا که ای آن که خود است در طاعت تو

عَلِمْتُ فَقَدْ كَثُرَ فِي جَنبِ رَجَائِكَ أَمَلِي الْهِيَ كَيْفَ

آوردن من بی برکت است در جنب امید من که ای آن که

أَقْبَلْتَنِي مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مُحْرَمًا وَقَدْ كَانَ

بر آوردم از نزد تو ناامیدی محروم دهنده بود

حَسُنَ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْبَلْتَنِي بِالْخَيْبَةِ مَرْحُومًا

کس است گمان من ب بخشش تو که بر آورده ام در شکستی از نیت تو

إِلَهِي قَدْ أَفْتَدْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السُّهُوِّ عَنكَ وَأَبْلَيْتُ

که ای من ها که آوردم خود را در بدی بخاری از تو که گمراه کردم

شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ إِلَهِي فَلَمْ

چو آن که دور ازستی دوری از تو که ای آن من

أَسْتَيْقِظَ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُوعِي إِلَيْكَ

بیدار نشدم در آنم فریخته خود بود ایمل کردن از بوی

سَبِيلِ سَخَطِكَ إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ

راه عفت من که ای آن که منم شده تو در

عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَتَوَسِّلٌ بَيْنَكَ وَبَيْنَكَ

دوست نه تو را بشمارم پیش روی تو برسم گرم تو

إِلَيْكَ إِلَهِي فَأَعْبُدُ أَتَمُّنْصَلُ إِلَيْكَ جَمًّا

بوی تو که ای آن منم شده که عده خواهی بگمراهی تو از آن که

كُنْتُ أَوْ أَحَبُّكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْبَابِي مِنْ نَظَرِي

بودم که در دردی تو همان سکرم از کسی شدم من از نظر کردن تو

وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ لِذِي الْعَفْوِ نَعْتٌ لِكِرْمِكَ

طلب کنم عفو را از تو زیرا عفو صفت است برای کرم تو

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَتَقَبَّلُ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ

ای خدای من منم ترا فرود می برود من از مصیبت خود

إِلَّا فِي وَقْتٍ بَقَيْتَنِي لِحُبَّتِكَ وَكَمَا أَرَدْتُ

مگر در زمانی که بدارم از تو برای دوستی خود با من آنچه میخواهم

أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كِرْمِكَ

که بودم شکر کردم ترا بابت داخل کردن تو مرا در کرم خود

وَلِيَطَهِّرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاجِ الْعَفْوَ عَنْكَ

درای پاک کردن دل من از هر گدازی عفو است از تو

إِلَهِي أَنْظِرْ لِي تَنْظُرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ

ای خدای من منم بوی من آمده که کسی که ندا می دهد او را بر او پاسخ دهد

اسْتَحَلَّتْهُ بِمِعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ قَرِيبًا لَا

بیکار بسته امشی او را باری خودی منم بر تو ای نزدیک

يَبْعُدُ عَنِ الْمُخْتَرِ بِهِ وَبِأَجْوَادٍ لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ

که دور است از آن فریفته خود ای بخشنده لاکن بجز خود از آنکه

رَجَا تَوَاتُرَهُ لِإِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يَدِينُهُ مِنْكَ

بهد دارد او منم او را که خدای من بخش مرا ده که تو زنی که روانه او را بنوی

شَوْقُهُ وَلِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ وَتَنْظُرًا

آرزوی او را و دوزخ را که با او بود تو نوی تو را سنی او و دلگشایی که

بِقَدْرِهِ مِنْكَ حَقَّهُ لِإِلَهِي أَنْ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ

که نزدیک کرده او را بنوی را سنی او ای خدای من بد بر منم که معرفت بنوی

غَيْرَ جَهُولٍ وَمَنْ لَا ذَبِكَ غَيْرَ خَذُولٍ وَمَنْ

بیت مجهول *دانه باه کثرت بنو* *منت در کله بند شده* *اگر*

أَقْبَلَتْ عَلَيْكَ غَيْرَ مَمْلُوكٍ إِلَهِي أَنْ مَنِ انْتَهَجَ

مردی بر او *بیت معلوب* *اگر ای در است که راه است*

بِكَ لَمْ تَنْهَرْ وَأَنْ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمْ يَجْهَرْ وَ

بنو در درستی باز *دنگو حکم زد بنو* *در شان با بند و است*

قَدْ لَذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي فَلَا تَحْتَيْبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ

محقق گریست *هزاردم بود که ای کن کن است* *ممن گمان برادر گشت خود*

وَلَا تَحْتَيْبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ إِلَهِي أَيْتِي فِي أَهْلِ

دع *ممن هزاره مهرا نا خود* *اگر ای کن سعاد در برادر سان*

وَلَا يَتِيكَ مِقَامٌ مِنْ رَجَاءِ الزُّبَادَةِ فِي حَبْتِكَ

در شان خود در عجب *با کسه بند در شنه زبا* *دعا در درستی خود*

إِلَهِي أَلْهِمْنِي وَهَلْ أَبْذُكَ إِلَيَّ ذِكْرَكَ وَ

اگر ای کن در دل کن *افزار نشان لودن* *با خود بوی باد خود* *د*

اجْعَلْ هَيْبَتِي لِي رَوْحَ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَحِجْلَ

بزدان *اینگ* *را بوی در است* *فرزنی* *با پای نو* *دعای*

فَدْسِكَ إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّ بِنِي حِجْلَ

در شس نو *اگر ای کن بذات* *و نسیم* *مدوم* *رنگ* *که* *بند* *بزدان* *را* *اگر* *ای* *دعای*

أَهْلِ طَاعَتِكَ وَالْمُتَوَكِّلِ الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

سند *ان* *بر در ای نو* *دار* *مجاه* *ش* *بسته* *از* *خوش* *بودی* *نو*

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي نِعْمًا وَلَا أَمْلِكُ لَهَا

بچی *در* *است* *کن* *فا* *در* *سند* *از* *دعای* *خود* *دعای* *دعا* *کن* *سند* *را* *انرا*

نِعْمًا يَا إِلَهِي فَاغْبِدْكَ الضَّعِيفَ الْمَذْنِبَ

کردی *اگر ای کن* *سند* *بسته* *نو* *انرا* *کن* *کار*

وَمَا وَكَأَنَّ لِنَبِيِّكَ الْغَيْبُ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةٍ

وهم که تو باز کرده و با او گفتند که هر که در آن روز از آنکه از صفتی

عَنْهُ وَجْهَكَ وَحِجَّتَهُ سَهْوَةً عَنْ عَفْوِكَ لِي

از او روی جزو او و من خود را در عفت او از عفو تو که ای آن

هَبْ لِي كَمَالِ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَنْ أَبْصَرَ قَلْبِي

بخش مرا کمال بر تو که ای آن که تو خود را در آن دید ای دلای آن

بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ

بر روشن کنی او که ای آن که تو تا که در آن دید ای دلای

حُبِّ النَّوْرِ فَصِلْ لِي مَعْدِنَ الْعِظَمَةِ وَتَصَبَّرْ

که ای نور پس برسد که ای عظمت دیگر در

أَرْوَاحَنَا مَعْلَقَةً بَعِيدَةً سِوَاكَ اللَّهُوَ اجْعَلْنِي

روح من را آویخته بهت با که تو که آن جان دیگر در آن

مِنْ نَادِيَتِهِ فَأَجَابَكَ وَلَا حِظَّتَهُ فَصَبِّحْ لِحَبْلِكَ

از آن که تو از روی او در این حالت که تو از او که است این را که هر که

فَنَاجِيَتِهِ سِرًّا وَعَمَلْكَ حِمْرًا لِأَبِيهِ أَسْأَلُ

که ای آن که تو در این در میان و کار تو برای تو است را که ای آن که

عَلَى حُسَيْنٍ ظَنِّي فَنُوطَ الْإِيَّاسِ وَلَا أَنْقَطِعْ رَجَاؤُا

پس من را و عفو تو است که تو ای زبر و کشت ای آن که

مِنْ حِمْلِ كَرَمِكَ إِلَهِي لَنْ كَانَتْ الْخَطَابَا قَدْ

از تو که تو که ای آن که است که آن که

أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ فَأَصْفَحْ عَنِّي حَسْبَنُ تَوَكَّلِي

که ای آن که تو از تو که ای آن که است که تو که

عَلَيْكَ إِلَهِي لَنْ خَطْبَتَنِي لِذُنُوبٍ مِنْ تَكَارُمِ لَطْفِكَ

بر تو که ای آن که است که تو که است که در آن که از تو که است که هر که

فَقَدَّرْتَنِي لِيَقْبِنَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ إِلَهِي إِنْ

بیت کرد مرا یعنی بوی وارزش مهر با ما تو ایگه ایگان در

أَنَا مَتْنِي الْعَقْلَةَ عَنِ الْأَسْتَعْدَادِ لِلْقَائِكَ فَقَدْ

جزا شده در جزای از آماده شدن ملامت تو بر محضه

نَبَهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَامِ الْأَثَائِكَ إِلَهِي إِنْ دَعَا نِي

اگاه کرده مرا سخن کرم تو ای تو ایگه ایگان من اگر بگذرد مرا

إِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَا نِي إِلَى الْجَنَّةِ

بوی پیش بزرگ عتاب تو بوی جوار مرا بوی بهشت

جَزِيلٌ ثَوَابِكَ إِلَهِي فَلَيْسَ أَسْأَلُكَ وَلَا لَبَّكَ أَنْ تَهْتَلِ

لایب دراز تو ایگه ایگان پس مرزا سوال میکنم دوی تو را زاری ایگه

وَأَرْغَبُ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در ایگه ایگان ترا من که درستی را بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ

در من که بگردانی از آنکه همیشه دارند ذکر ترا و شکسته میان ترا

وَلَا يَغْفُلُ عَنِ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَحْفُ بِمِيرِكَ

و غافل نگردد از به پاس کرداری تو در شکر ترا و استخفا در ترا

إِلَهِي وَالْحَقُّ بِنُورِ عِزِّكَ الْإِبْهَمُ فَكَوْزِكَ

ایگه ایگان در حق نور درستی عزت تو که بگو تو هست بر ایگه ایگان ترا

عَارِقًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْخَرِقًا وَمِنْكَ خَائِقًا مُرَاتِبًا

شکسته در از ایگه عزتت بل شکسته در از تو درت ان عیب

يَا ذَا الْحَلَالِ وَالْأَكْرَامِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

ایگه از عطف و بزرگوار می در است درت خدا بر محمد و

رَسُولِهِ وَإِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

رسول رو و پویران با کسان و درود در ستود و درود ستود او دان

و این از مناجاتهای جلبل لقد راست و بر مضامین
عالبه مشتمل است و در همه اوقات که حضور قلبی
باشد خواندن مناسبت **و ان حضرت رسول صلی الله**
عقبه له منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان
هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله ولا نعبد الا
لا اله الا الله و لا نعبد الا الله و لا نعبد الا
حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد
و گناه هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید
با روی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را
صدیق بنویسد **و بسند معتبر** منقولست که از حضرت
صادق سؤال کردند از فضیلت روزی رجب حضرت
فرمود که چرا غافل گردیدند اید از روزی شعبان راوی
گفت یا بن رسول الله چه ثواب دارد کسی که باک و
شعبان را روزی دارد گفت و الله بهشت ثواب است
گفت یا بن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست
فرمود تصدق کردن و طلب مرزش نمودن هر که
در این ماه تصدق بکند حق تعالی او را تربیت میکند
چنانکه یکی از شماست بر بچه خود را تربیت کند تا آنکه
مانند کوه احد بجا احبش برسد **فصل سیم** در فضایل

بَيْتَهَا قَبِيلَ الْعَبْرَةَ وَسَيِّدًا لَأَسْرَةِ الْمَدْوَدِ بِالْبَصْرَةِ

در کتب ان که در کتب است آمده در روزک اسیران مدوده شده با بری

يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمُعْوَضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ

در روز رحمت محمدی در او شده است از آنکه او است از نسل او است

وَالشِّفَاءِ فِي ثُرَيْبِهِ وَالْقَوْزِ مَعَهُ فِي أُوتَيْهِ وَالْأَوْسِيَاءِ

و شفا در فک او است در سفارای او است در روز رحمت او است

مِنْ عَتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَعَيْبَتِهِ حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوَّلَاءِ

از عترت او که در زمان ایشان رحمت او تا از اسب او است

وَيَنَارُوا النَّارَ وَيُرْضُوا الْجَنَابَ وَيَكُونُوا خَيْرَ

در طهارت او است و او خوشتر و سازنده خدای او است

أَنْصَارِ صَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ الدَّلِيلِ وَالْتِهَادِ

باران رحمت است و خدا را بخوان با او است در روز

اللَّهِمْ فَحَقِّقْهُ لَكَ تَوَسَّلْ وَأَسْأَلُ سُؤَالَ

خداوند ای نبی جان توسل بخدمت سوال

مُعْتَرِفٍ مَسْتَعِجٍ إِلَى نَفْسِهِ مَا قَطَّرَ فِي يَوْمِهِ وَأَسْأَلُ

او است که گناه کار بوی خود از لعن که کرده ام در روزان خود است

بِسُؤَالِكَ الْعِصْمَةَ لِي فِي حَجَلٍ وَمَسِيهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

سوال میکنم از لعنت را تا عاقلان و من خود خداوند او است

حَجَلٍ وَعَتْرَتِهِ وَأَحْسِرْنَا فِي زِمْرَتِهِ وَتَوَسَّلْنَا مَعَهُ

محمد و عترت او و خود کردان ما در زمره او و دعا کردان ما را با او

ذَوَا الْكِرَامَةِ وَحَجَلِ الْإِقَامَةِ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا

سرای او است و کل اوقات ما از آنکه گرامی کردی ما را

بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرَمْنَا بِرُفْقَتِهِ وَأَرْزَقْنَا مِنْ رِزْقَتِهِ

از رحمت او پس گرامی در ما را به نزدیکی او و روزی که ما را رزق است

وَسَابِقَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ سَلَمٍ لِأَمْرِهِ وَكَثِيرٍ الصَّلَاةِ

ویشی کریش از روزگرم ان مار از انام که کرد از انده از ان اول در سده اول

عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ اَوْصِيَاءِهِ وَاهْلِهِ

بر از روز یاد کردن او در هر چه از وصایا کرد در اهل

اصْطِفَاءِهِ الْمَسْدُودِ بَيْنَ مَنِكَ بِالْعَدَدِ الْاَشْتِ

برگزیدن آن که گرفته از عطف تو بعد دوازده

عَشْرَ النُّجُومِ الزَّهْرَةِ وَالْحَجَّ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ

سازگان رحمت ان و حجج بر همه از دکان همه دنیا

وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَأَنْجِ لَنَا

و بخشش ارا در این روز بهترین بخشش در اول روز برای

فِيهِ كُلَّ حَلَبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحَسَنَ لِحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ

در ان هر حاجتی را بخیزد بخشش می حسین را برای محمد صادق

وَعَادَ فَطْرُسٌ بِمَهْدٍ فَحَنُ غَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ

دینا که رفت فطرس بر سر او از امه نامه که زندگان بغیر او از

بَعْدَ شَهْدِ نُرْبَتِهِ وَنَلْتَمِزُ أَوْبَتَهُ اٰمِيْنَ رَبِّ

که از عالم تو که از در خط بر شتر رحمت از احوال کنانی

الْعَالَمِيْنَ وَبَارِكْ فِي الْخَضِرَةِ وَغَسَلْ زَبَارِكْ دَر

عالم ان ایز روز مستحسنت و کیفیت ز بارک بعد

از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و پیشخ

طوسی رحمة الله و ابقی نقل کرده است که حضرت

امام حسین در روز پنجم اینها متولد شد است که

احتیاطاً هر روز را حرمت بدانند و اعمال را در این

روز بعمل آورند خصوصاً ز بارک بهتر است و بعضاً

بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که
 حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در روز هفتم
 ماه شعبان متولد شده است که چه خلاف مشهور است
 چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت
 اگر روز و زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیر را در این
 روز بعمل آورند مناسبت **فصل چهارم** در بیان اعمال
 ایام البیض ماه شعبانست یعنی سپزدهم و چهاردهم
 و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب مذکور شد که
 سننست که در شب سپزدهم دو رکعت و در شب
 چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت بخوانند
 و در هر رکعت بعد از حمد سوره ایس و تبارک
 الذی بید الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز
 سنت سوره که از حفظ نتوانند خوانند از روی قرآن
 میتوان خوانند و روز هفدهم روز سننست و فضائل
 و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله
 احصا توان نمود و اکفای ما یم با نچه صحیح تر است
و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون
 شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت بايستد و

و روزش را رُف بیدار دَ بدرستی که از اول تا اخر این
 شب از جانب حق تعالی ندامت رسد که ابا استغفا کنند
 هست که طلبِ مُرزش کند از کاهان خود و ما کاهان
 او را بپا مُرزیم ابا کسی هست که از ما طلبِ رُوزی کند
 ما رُوزی او را فرسخ گردانیم و غسل در این شب سنتست
و از حضرت صادق منقولست که رُوف بدار بد ماه
 شعبان را و در نیمه آن غسل کنند که باعث تحقیق
 کاهان شما باشد و رحمت الهی شما را در رُوف باید **و از جمله**
 اعمال این شب یارت حضرت امام حسین است **و از حضرت**
 امام زین العابدین منقولست که هر که خواهد با او مصافحه
 کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پسین بار
 کند حضرت امام حسین را در شب نصف شعبان زیرا که
 مثلشکه و پیغمبران در این شب از خدا رخصت میطلبند که
 بزوارت آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوش
 حال کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند **و از جمله**
 ایشانند پیغمبر اولو العزم نوح و ابراهیم موسی
 و علی بنی محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث
 گردند آند بشرق و مغرب زمین و جنتان و آدمیان
و از حضرت صادق منقولست که در شب نیمه شعبان

عَلَيْهِ سَلَامٌ وَجَمِيعُ كَأَمَانِ كَسْفِي لَكَ زِيَارَتُ أَخْصَرْتُ كُنْتُ
دَرَانَتْ وَأَقْلُ زِيَارَتُ أَخْصَرْتُ كَهْ بِنَامِي بِأَخْصَرْتُ كُنْتُ
دَرَانَتْ وَبِجَانِبِ رَأْسِ سَمَانِ وَبِجَانِبِ حَيْبِ وَبِأَلَايِ
سَرِ نَظَرُ كُنْتُ بَسْ بِأَنْكَشْتُ أَسَارَةَ كُنْتُ بِجَانِبِ رَأْسِ
قَبْلَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ

بگوید درود بر تو ای ابا عبد الله درود

عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةً

بر تو ای سرور من و رحمت خدا درود بر تو درود

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ وَأَكْرَمِيكَ أَرْزِيَارَاتُ مَسْبُوطَةٌ زَابَعَلُ

خدا در برکتی او و در بهتری است و از جمله آنها است

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ

درود بر تو ای میراث برزده آدم برگزیده خدا درود

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای میراث برزده نوح پیغمبر خدا درود بر تو

يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای میراث برزده ابراهیم دوست خدا درود بر تو ای

وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

میراث برزده موسی سخن خدا درود بر تو ای میراث برزده

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ

جس روح خدا درود بر تو ای میراث برزده محمد

حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مِيرَاثِ الْمُؤْمِنِينَ

دوست خدا درود بر تو ای سرایت بر خدا وارث مؤمنان

وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

دوست خدا درود بر تو ای پسر محمد برگزیده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو ای پسر علی پسندیده درود بر تو

يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِجَةَ

ای پسر فاطمه زهرا درود بر تو ای پسر خدیجه

الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَ

کبری درود بر تو ای حزن خدا و پسر حزن او

أَيُّوْتَرِ الْمُتَوَرِّاتِ شَهِدُ أَنَّكَ قَدِ اقْتَدَيْتَ الصَّلَاةَ وَ

کواهی سیدم که تو بهادستی نماز را و

أَبْتَدَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْعُرْفِ وَهَبْتَ عَنِ الْمَيْكَلِ

درود ای زکوة را در امر نمودی بر کفلی دهی نزدی ازیدی

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَاكَ الْبَقِيَّةَ فَلَعَنَ

و فرمان بردی خدا و رسول او را تا آنکه بقیه بر تو نماند

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَهُ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ وَلَعَنَ

خدا گروهی را که کشیدند از جهت کند خدا کرده ای را که ستم کردند بر تو و لعنت

اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَضَدَّتْ بِهِ يَا مُوَلَايَ

خدا گروهی را که شنیدند این را پس بر تو خنجر زدند در آن ای مولا ای

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَضْلَالِ

ای اباعبدالله کواهی سیدم که تو بودی نور در جهلها

السَّاحِجَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُجَيِّبْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

بازگشت در جهلها بازگردد بخش بر کرده ترا جاهلست

بِأَخْيَابِهَا وَكَرَّمْتَ لَيْسِكَ مِنْ مُدْلِكَ مَا تَشَاءُ بِهَا وَ

بها گنجینه های خود بپوشانده ترا از جامه های حران آن :

أَشْهَدُ أَنْكَ مِنْ دَعَائِمِ الَّذِينَ وَأَنْ كَانَ الْمُؤْمِنِينَ

گواهی میدهم که تو از ستونهای دینی در گنجینه های اوست آن

وَأَشْهَدُ أَنْكَ لِأَمَامِ الْبَرِّ الْتَقَى الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

وگواهی میدهم که تو از نمازگزاران است ای مسکین کار بر هر کارکننده بود پاک

الْهَادِي الْمَهْدِي وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وَرَثَةِ

راهنمای راه را نشان شده و گواهی میدهم که امتها این از فرزندان تو

كَلِمَةِ التَّقْوَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

کلمه بر هر کارگاری دولت نمای اوست و استوار استوار

وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ

و محبت از هر اهل دنیا و گواهی میدهم خدا را و فرشتگان

وَأَنْبِيَائِهِ وَرَسُولِهِ إِنِّي كُنتُ مِنْكُمْ وَمِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و من از ایشان بودم و رسولان او را من است که من از شما کرده ام و در میان شما بودم و از مؤمنان

بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ

در دین و دین خود و اواخرهای که در روز اول من بر دل شما صلح است

وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ

و امر من از امر شما را در هر کار است و بر شما صلوات است

عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ

بر جانهای شما در هر جا است در بدنهای شما

وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ

در حاضر شما در غایب شما در ظاهر شما

وَعَلَى بَاطِنِكُمْ بِسْمِ اللَّهِ وَرَكَعَتْ نَمَازُ زِيَارَتِ مَبْنُودٌ

در باطن شما در نام خدا و رکعت نماز زیارت مبنی است

بِأَمْرِ اللَّهِ وَكَرَّمَ نَمَازُ زِيَارَتِ بَكْتَدَا

در امر خدا و گرامی نماز زیارت بکتدا

نہر حوالت و اگر از دوزخ یارت کند پس قصد
از یارت حضرت علی بن الحسین علیه السلام بکند و بگوید
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر بنو اہلبیت اول خدا درود بر بنو

يَا بْنَ اِمْرِئِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

اہلبیت یارت ہر زمان درود بر بنو اہلبیت

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ

حسین شہید درود بر بنو اہلبیت شہید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَظْلُومَ وَاِبْنَ الْمَظْلُومِ

درود بر بنو اہلبیت گروہ و دہر گروہ شدہ

لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاَلْعَنَ اللَّهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَاَلْعَنَ

لعن خدا گروہی را کہ کشتہ ترا لعنت کند خدا گروہی را کہ ستم کرد بر بنو

لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتْ بِدِينِ قَصْدِ

لعنت کند خدا گروہی را کہ شنیدہ از این دین پس فرض کردہ ستمت از یارت

سَابِرٍ شَهِدَا رَضِيَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَوْلِيَاءَ

درود بر سادات اولاد اہلبیت

عَنْهُمْ بَلَدًا وَاَبُو بَدْرٍ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَصْفِيَاءَ اللَّهِ

خدا و مجاہدان او درود بر سادات اہلبیت گدایان خدا

وَاَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ

دورستان او درود بر سادات اہلبیت با دوزان دین خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ

درود بر سادات اہلبیت با دوزان رسول خدا درود

عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اِمْرِئِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

بر سادات اہلبیت با دوزان یارت ہر گز گدایان درود بر سادات

يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ

ای باداران فاطمه زهرا و زنان علیمان

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ

ای باداران امام حسن زکی

النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بصفتی که سینه درود است ای باداران الامعه است

يَا بَنِي أَنْتُمْ وَأُمَّيْ طِبْتُمْ وَطَابَتْ لَأَرْضُ الَّتِي فِيهَا

بدر دردم طری است باد که شاد است زمین که در آن

رُفِينُمْ وَفَرْتُمْ قُوْرًا عَظِيمًا قِنَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ

ای فرزندان در شکوه است در کجای بزرگ که گاش بود در آن

فَأَفُوزَ مَعَكُمْ وَدَرَسْتُ بَوْلَ وَبَانُودَهُمْ مَاهُ وَجِبُّ وَدَر

پوشش است با سیم و بیخ ماه شعبان و شب های ماه

مُبَارَكٍ وَمَضَانٍ وَشَبَّاهِ عَيْدِ وَسَابِرِ أَيَّامِي كَمَا

زیارت حضرت مستحبت به من طریق زیارت

زِيَارَتِ نَحْضَرْتِ مُسْتَحَبَّتِ لِهَمِّينِ طَرِيقِ زِيَارَتِ

می توان کرد و زیارات مبسوطه و مخصوصه در کتاب

تَحْفَةِ الزَّائِرِ دُرِّ كَوْزِهِ أَمْ هَرَكِ خَوَاهِدَانِ كِتَابِ جَوْعِ

تمایذ و از جمله تو کاف ایستانت که ولادت و افق

السَّعَادَاتِ حَضْرَتِ صَاحِبِ لَامِرْصُلَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ

در ایستاد و افع شده و باین سبب سنتت که این

دُعَا رَادِرِ أَيْسَبِ بِنَوَانْتِ كَمَا مَبْتَلَةٌ زِيَارَتِ نَحْضَرْتِ

اللهم بحق لیتنا هذه و مولودها و حجتك

وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتِ لِي فِي فَضْلِهَا فَضْلًا

در عهد داده آن که بریندی بوی افضل ان حق بزرگ

نقمت

نَمَتَ كَلِمَتِكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِهِ

یک نام شد کلید نو از زدی راستی و عدالت منت از دست در کلمات او

وَلَا مَعْقِبَ لِأَمَانَتِكَ نَوْرًا لِمَتَابِقِ وَضِئِ وَأَوْك

در پس از زدی و امای خود نور تو در چشم است در دست ما تو

الْمَشْرِقِ وَالْعِلْمِ النُّورِ فِي صَحَابِ الْجِبْرِ وَالْغَائِبِ

روشن است وقت نه از نور است در دست ما است

الْمُسْتَوْرِجَلِ مَوْلِدِهِ وَكُرْمِ حَتْمِهِ وَالْمَلَائِكَةِ

از خدای برشته در نظر ما برکت است ولادت او است اصل از روشن گان

شَهْدِهِ وَاللَّهِ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا انْ مَبْعَارُهُ

ما حاضر است و خدا را در داد و در کار او است هرگاه نزدیک شود عدله نور

وَالْمَلَائِكَةِ أَمْنَادُهُ سَبَفَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَبْنُوا

در روشن گان مدد کننده او را برشته خدا گویند کرد

وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَجْبُوا وَذَوِ الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُوا

در دست ما که بر سخن کرد و هدایت صلح که بر کلمه است

مَدَارُ الدَّهْرِ وَقَوْمِ بَسِ الْعَصْرِ وَوَلَاةِ الْأَمْرِ

مدار روزگار و همان است آن عصر و همان زمان

وَالْمَنْزِلِ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةٍ

در دست او است بر ایشان ذکر و آنچه از زدی کند در دست

الْقَدْرِ وَاصْحَابِ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ تَرَجِمَهُ وَجِيهَهُ

قدر و باران زنده کردن در کلمه بیان است که در حق او

وَوَلَاةِ أَمِيرِهِ وَهَيْبَةِ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى خَائِمَتِهِمْ

در بیان امر او و هیبت او است از امر است در بر ایشان

وَقَائِمَتِهِمُ الْمُسْتَوْرِجَلِ عَنِ عَوَالِمِهِمْ وَأَدْرِكُ بِنَا

دفاعم ایشان که بیان است از عالمی ایشان در بیان او

آيَاتِهِ وَظُهُورِ وَقِيَامِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَ

بروزگار دولت او و ظاهر شدن او و ماستان او و کبود کردن مار از زبا و در آن او بود

اقْرَبْنَا ثَارًا نَابِثًا لَهُ وَ اَكْتَبْنَا فِي عَوَانِهِ وَ خَلَصْنَا

ضمیم کن خون مارا کجمن او و نوبیس مار او را در آن او و خالصان او

وَ اَحْيَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَ بَعْجَتِهِ غَائِمِينَ وَ

در زندگان او در دولت او و بصحت او عزیزان او در آن او

بِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَ مِنَ السُّوءِ سَائِمِينَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

کجمن او ایستادگان او از بی سستی بسندگان او بخشنده او از حقان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

دعای سوره ادریس در روزگار پایان او در روز ماستان او در روز

النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ

بخوان در روزان در اهل بیت راست گویند

وَ غَيْرِهِمُ النَّاطِقِينَ وَ الْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ وَ اَلْحَمْدُ

بغیرت او که سخن گویند و لعن بر سبکسان او در روزان او در روزان

بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَ زَيْدٌ شَهِيدٌ رَوَاهُ

بیان در بیان ایشان ای حکیمت در روزگار او کرده است که پدر او

اِمَامٌ زَيْدٌ الْعَابِدِيُّنَ مَا هَا هُمُ رَا دَرُ شَبِّ نَهْمُ شَعْبَانَ

جَمْعٌ مَبْكُورٌ وَ شَبُّ سَهْ حَصْرٌ مَبْكُورٌ وَ رَثْلٌ اَوْلُ نَمَارِ

مَبْكُورٌ وَ دَرُ رَثْلٌ دُوْمٌ دُعَا مَبْكُورٌ وَ مَا اَمِنْ مَبْكُورٌ

بِرُدْغَايِ وُ وُ رَثْلٌ اَخْرَا اِسْتِغْفَارٌ وَ طَلَبٌ مُرْشٌ مَبْكُورٌ

وَ مَا نَبْرٌ اِسْتِغْفَارٌ مَبْكُورٌ نَاصِحٌ طَالِغٌ مَبْشُدٌ بَعْنِي بَعْدُ

از نماز شب و نمازهای این شب بسیار است و از جمله

اِنْهَا جِهَارٌ رَكَعَتٌ هَرَفٌ وَرَكَعَتٌ بَيْكَسْلَامٌ وَسِيْفَرٌ

از اصحاب حضرت صادق ابن نماز را از حضرت

روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه

سوره قل هو الله احد بخوانند اللهم اني اليك

و بعد از نماز ابتدا بخوانند *هذا من دعوات النبي صلى الله عليه وآله*

فقبر و بين عذابك خائف و بك مستجير رب

لا تبدل اسمي و لا تغير جنتي رب لا تجهد بلا

رب لا تشمت بي عذابي اعوذ بعفوك من عذاب

اي در روزگار من است اگر در آن من و من را براد و بگویم بگو تو از عذاب تو

و اعوذ بربضاك من سخطك و اعوذ بك منك

و نماز بگویم که شش روزی تو از چشم تو و نماز بگویم تو از تو

جل ثناؤك انت كما اتيت على نفسك و فوق

بر آن است تا پیش تو تو جبار که سزاده خود را و اولی

ما يقول القائلون فيك و روايت ديگر بازيجه

از آن که گویند گویند که آن در باره تو رکعتت بدو سلام و

در هر رکعت بعد از حمد دو بیت و پنجاه مرتبه قل هو

الله احد بخوانند یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه و بعد از نماز

ایند دعا اللهم اني اليك فقير و لاني من عذابك

بخوانند *هذا من دعوات النبي صلى الله عليه وآله*

خائف و بك مستجير رب لا تبدل اسمي و لا

تبدل اسمي و نماز بگویم که ام ای برادر کار من بر دل من نام براد

تَغَيَّرَ حَيْهِي بَب لَاجْهَدَ بِلَا بِي اللّٰهُمَّ اِنِّي

تغیرده چشم ای دروگان من نماز کن ای باری مرا فدای تو می کنم

اعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَفْوَيْتِكَ وَاَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ

بناه مسکرم لغفوتت از عفویت تو و بناه می برم بکرمت و رضای تو از

سَخَطِكَ وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَاَعُوذُ

حشمت تو و بناه می برم رحمت تو از عذاب تو و بناه می برم

بِكَ مِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ جَلَّ شَأْنُكَ وَلَا اِحْصٰى

بجز از تو نیست عدالتی که تو بزرگ است شئش تو از شمارش

مِدْحَتِكَ وَلَا الشِّتَاءُ عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَشْنَيْتَ عَلٰى

سزودن زنا و نه ستایشش بر تو تو جانی که ستوده

نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلٰى

خود را دعا لاری از او بگویند گویندگان ای دروگان من در روز قیامت

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَصْلِهِمْ كَذٰوْكَرًا وَاِجَابَ اَصْلُهُ لِي

محمد و آل محمد و دین بن حسین و جان کذا و کذا حاجت

خُوْدُرَا بِاَدْكُنْدُ وَاَكْرِبُ نَمَازًا بِاِبْجَاهِ مَرْتَبَةٍ فَلِهُوَاللّٰهُ

بِعَمَلِ اَوْرَدُ مُوَافِقُ مَبْشُوْرًا بِاِنْمَازِ حَضْرَتِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَنَبِيِّ

فَضِيْلَتِكَ اَنْ اَحَادِيْثُ بَسِيْرًا اَسْتَوْسِدُ مَعْبَرًا حَضْرَتِ

امام محمد باقر منقولست که شب نهمه شعبان بهترین

شبهاست بعد از شب قدر و حق تعالی افضل خود را در

این شب ببندگان عطا می نماید و با احسان خود گدایان

ایشان را خیر میزد پس سعی کنید در عبادت در این شب

که این سببی است که حق تعالی نجات مقدس خود

سو کند یا در کرده است که سابقا از درگاه خود درنگند
 مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نمایند و انشب خدا از برای
 ما آهلی بت قرار داده است بازای شب قدر که از
 برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نماید در این
 شب و دعا و ثنا کردن بر خدا بد رستی که هر که در این
 شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و
 صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
 حق تعالی کاهان گذشته او را بپامزد و حاجتهای دنیا
 و آخرت او را بر آورد خواه طلب نماید و خواه نماز او
 پرسید که بهترین دعاها در این شب کدامست فرمود که
 بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول
 بعد از حمد سورت قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم
 سورت قل هو الله حد بخوان و بعد از سلام سعی سه
 مرتبه سبحان الله و سعی سه مرتبه الحمد لله و سعی
 چهار مرتبه الله اکبر بگوید و اگر بترتیب بستی حضرت
 فاطمه صلوات الله علیه بخواند ظاهر آن خوب باشد پس این دعا
 یا من الله ملجأ العباد فی الملمات و الله یفرع

ای آنکه برای این شب یا سه مرتبه کلان در کارهای سخت در روزی از اینها سه مرتبه
 الخلق فی الملمات یا غایم الجهمرق الخفتان یا من

خلق در چهار روز از این سورتای دانی بخوان در دهان ای آنکه

لَا تَحْقِقْ عَلَيْهِ خَوَاطِرَ الْأَوْهَامِ وَتَصَرَّفْ لِحَظَاتِ

پوشیده نیست بر او اندیشه و در همه کارش خجالت

بَارِبِ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ بَأَمْنٍ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

ای کار و در کار خدای و از هر کار ای که قدرت او هست در مای

الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

ز سیمها در ستمها تو خدا را که هست ستمی حسرتی

أُمَّتُ إِلَيْكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ قَبْلَ الْإِلَهِاتِ

گهت لاله که است از ای که نیست خدا را جز

أَنْتَ اجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرَتْ إِلَيْهِ

تو که در آن مراد این است از آن که نظر کنی بی او را

فَرَحْمَتِهِ وَسَمِعَتْ دُعَاءَهُ فَاجْتَبَهُ وَعَمِلَتْ

بس رحم تو می بر او ستمی دعا می در او پس اجابت کنی او را و ستمی

اسْتَقَالَتْهُ فَأَقْلَبْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ

طلب بر او گشتن او را پس در گشتی و گذار تو می از گذشته

حَطْبَيْتِهِ وَعَظِيمِ جَزَائِهِ فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ

که او در دگرها بزرگ تو پس ای که خواسته ام تو

مِنْ ذُنُوبِي وَلِحَاثِ لَيْلِكَ فِي سِتْرِ عِبُونِي اللَّهُمَّ

از گناهان خود و در گناه بی تو در گشتن همه ای خود خدا را

فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَأَحْطِطْ خَطَايَايَ

بس بخشش کن بر من بزرگواری خود و فضل خود در روزگن ای مرا

بِحَبْلِكَ وَعَفْوِكَ وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

بر او را می خود و عفو خود در این مراد این است

بِسَائِبِ كَرَامَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَّائِكَ

بجز بخشش کامل خود در آن مراد این از دوستان خود

الَّذِينَ أَحْبَبْتَهُمْ طَاعَتِكَ وَأَخْرَجْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ

انگیزه بر آن می باشد که از راه طاعت خود را از عبادت تو براری و از راه عبادت

وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

در مرتبه ملک آن را محض خود بر آن نه و جز *صفت او را بر آن مرا*

مِنْ سَعِيدِ جَدِّهِ وَتَوْقِرٍ مِنَ الْخَبْرَاتِ حَظَّهُ وَ

از آن که پیش بر شده بخت او را در آن لذت جرات *هر چه او در*

اجْعَلْنِي مِنْ سَلَمٍ فَنِعْمٍ وَفَازٍ فَعَنِمٍ وَالْفَنَى شَرِّ

کردن او را از آن که کردن نماز بر او روزی بد باشد *و گفتن شکر او را*

مَا أَسْلَفْتُ وَأَعْصَمَنِي مِنَ الْإِزْدِ بَادِي مَعْصِيَتِكَ

آنچه پیش داشته ام و نگاه دارم از زنا و نام *در عصمت تو*

وَحَبِيبٍ إِلَيَّ طَاعَتِكَ وَمَا يَقَرُّ بَنِي مَنِكَ وَ

در دوست کردن لوی من طاعت خود را آنکه نزدیک داند مرا بنویسد

بِزُلْفَى عِنْدَكَ سَيِّدِي إِلَيْكَ مَلِكًا الْهَارِ

تو را نزد که آن را از تو *ای سید من لوی او پیش شاه گزیده*

وَمِنِكَ مُلْتَمِسُ الطَّالِبِ عَلَى كَرَمِكَ يُعْوَلُ

در زنت طلب کردن در کرم من *در بر کرمی تو را عاقل بنویسد*

الْمُسْتَقْبِلُ الثَّابِتِ آدَبَتِ عِبَادَتِكَ بِالتَّابِ

هر چه عیب نمانده باز کرده *در سزای بندگان خود را بر تو*

وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَمْرٌ بِالْعَفْوِ

در تو بر آن که در آن برتر از آن *در امر زود و عفو کردن*

عِبَادِكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا

ایستندگان خود زود *آرزنده جوان* *صفت اندیش*

تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تُؤَلِّسْنِي مِنْ

کردم کردن مرا آنچه در آن از تو گداری تو *در بندگی مرا کند*

سَابِغْ نَعْمَكَ وَلَا تَخْتِمْ بِي مِنْ جَزِيلِ قِسْمِكَ فِي هَذِهِ

شما ای کامل خود را بر من از دشمنای بزرگ خود در این

الذَّلِيلَةَ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَجْعَلْنِي فِي جَنَّةٍ مِنْ

ش برای اهل طاعت خود در دوران اورد سستی از

شِرَارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ مَنْ ذَلِكَ

در این صفت خود ای بر در کار من اگر نباشم از اهل این

فَأَنْتَ أَهْلُ الْكِرَامِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجَدَعَلَنِي

بسی نود سه اورد بر منم در درگشایی دارم من و بخش کن بر من

بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ لِأَيُّمَا اسْتَحَقَّهُ فَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي

بگو تو سه اورد بر من نه با کجسه اورد بر من که نباشم از آن

بِكَ وَتَهَيَّؤْ رَجَائِي لَكَ وَعَلَّقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ

تو و نسبت کرد این سه اورد بر من خود در اگشته نفس من بر کم تو

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَالْكَرَمُ الْأَكْرَمِينَ

دو تا بخشند از من بخشگان و بزرگوارترین بزرگواران

اللَّهُمَّ وَأَخْصِصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسْمِكَ

سه اورد از مهرش کرد این اورد بر من خود نصبت در خود

وَاعِذْنِي بِعَفْوِكَ مِنْ عِقُوبَتِكَ وَاعْفِرْ لِي

و سه اورد از عفو خود از عفو خود و مایه بر ای من

الدَّنْبَ الَّذِي يَجْسُرُ عَلَى الْخَلْقِ وَيُضِيقُ عَلَى الرِّزْقِ

کسی را که جسور است بر خلق را در تنگ کن بر من روزی را

حَقِّي أَقْوَمَ بَصَائِحِ رِضَاكَ وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَاكَ

بر با اورد بر من خود ای شایسته خود را نام کن نصبت در خود

وَأَسْعِدْ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لَذْتُ بِجَزِيلِ

دشمن گشته شدم عطای اورد خود بگو سه اورد بر من گشته تو

وَتَعَرَّضْتُ لِكِرَامِكَ وَاسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَفْوِكَ

در پیشگاه تو ایستادم و در سایه رحمت تو ایستادم

وَجَلِيكَ عَزَّ غَضَبِكَ فَجَدَلِي بِمَا اسْتَلَيْتَكَ وَأَنْقَل

و در برابر عتاب تو ایستادم پس بجنگم آنچه از تو گم کرده ام

مَا أَلْتَمَسْتُ مِنْكَ اسْتَلَيْتَكَ بِكَ لِأَبِي سَخِ اعْظَم

آنچه خواستم از تو سوال میکنم تو ایستادی در پیشگاه من بزرگتر

مِنْكَ لَيْسَ لِسَجْدَةٍ مَبْرُورِي وَمَيْلُونِي يَا رَبِّ بِلَيْسَ مَرْتَبَةٍ

از تو با الله هفتم مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله

هَفْتَمُ مَرْتَبَةٍ مَا سَاءَ اللَّهُ لِقْوَةَ الْإِبْرَاهِيمَ دَهْ مَرْتَبَةٍ

لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد

بِفِرْسَتِي بِخَوْفِي وَحَاجَتِي خُودِي أَوْ خُودِي جَدِّكَ

سو کند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حق

تَعَالَى تَرَابًا نَهَائِي سَائِدًا بِكِرَامٍ وَفَضْلِي خُودِي وَبِرَوَانِي وَبِكِرَامِي

بعناز هفتم مرتبه با الله هفتم مرتبه بگوید یا رب محمد

وَسَخِ كَفْتِهِ لِي طِي تَعَرَّضْتُ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمَعْرُوفِ

است پس بگو ای کجاست ای کجاست ای کجاست در این شب

وَفَضْلِكَ فِيهِ الْقَائِدُونَ وَأَمَلُ فَضْلِكَ

دفعه کرده اند از درگاهت کمان داران و کوزه فضل ترا

وَمَعْرِفَتِكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ

بحران ترا سوال کنندگان در روز آدرین شب

نَفْحَاتُ وَجَوَائِزُ وَعَطَا يَا وَمَوَاهِبُ تَمَنُّ بِهَا

عطایا و هدایا و بخششها و عطا ای که بخشش کنی بمان

عَلَى مَرْتَبَتَيْهِ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمَنُّهَا مَنْ لَمْ يَسْبِقْ

بر آنکه بخوای از من کمان خود را بمانند آنکه پیش من کرده

لَهُ الْعِثَابُ مِنْكَ وَهِيَ أَنْفَاذُ عَيْدِكَ الْفَقِيرُ

مرازا در لذت و اینک من شده جز تو را

إِلَيْكَ الْمُؤْمِلُ فَضْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنْ كُنْتُ

بوی تو آرزو در نه فعلی را و من تو اول درستی

بِأَمْوَالِي تَفَضَّلْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى أَحَدٍ

ای امای من فضل لودی در این شب بر اهدی

مِنْ خَلْقِكَ وَعَدْتَ عَبْدَهُ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ

در ضمن خود و بفرست بنده امی بر او بیغ از مهر ای تو

فَصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ لِلطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بدرست بر محمد و آل محمد پاکان پاکان پاکان

الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجِدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرِفَتِكَ

بدرست پاکان پاکان پاکان و بخش من بر من با علم خود و جان خود

بَارِبِّ الْعَالَمِينَ وَصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ

ای او در کار عالمیان در حق زنت بر محمد و خاتم نبیان

وَأِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ

وآل پاکان رو در در گستا و در در فرادان در گستا و در گستا

مَجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ

بدرگودر حد او را بدرست من کجانی ترا چنانکه امر نمودی مرا ای ایا

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِعَادَ مَوْلَى

ای ای که وعده دادی مرا در بر سبکه و نصف گفتمی وعده را کوی بد

كَهَذَا عَائِدَةٍ بِسَبَابِ خُبَيْثٍ وَأَزْدِ عَاهَائِي بِنِشْبَتِ

باین ظاهر جز آن عمل سبابت نیست و ابن باقی از حضرت

أَمَّا ظَاهِرُ جُزْءِ أَنْ عَمَلِ سَبَابِ نَبِيِّكَ وَأَبْنِ بَاقِيٍّ أَرْضِضْ

امام حسن مجتبی روایت کرده است که جبرئیل

مِنْ جِبْرِئِيلَ

بِحَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَازِلٌ شَدَّ وَكَفَتْ
 بِأَجْمَدِ مَتِّ خُودِ الرَّامِرِ كُنْ كَهْ دَرْ نَهْمِ شَعْبَادَه رَكَعَتِ نَمَازِ
 بَكَنْتَدَه هَرُورِ رَكَعَتِ بِيكْسَلَامِ وَدَرْ هَرِ رَكَعَتِ بَعْدَازِ
 حَمْدَه مَرْتَبَه قَلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ جَوَانَتِدِ بِنِ سَجْدَه رَوْنَدِ
 وَدَرْ سَجْدَه اَللَّهُمَّ لَكَ سَجْدَ سَوَادِي وَخَبَالِي وَ
 يَكُونُ بِنَدِ *سند از ابن ابراهیم کرده بسایگان در این د*

بِيَاضِي بِالْعَظِيمِ كُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ لِي نَبِيَّ الْعَظِيمِ
سعدی کن ای بزرگ هر بزرگ با روز برای کنان بزرگ

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهُ غَيْرُكَ يَا عَظِيمُ بِنِ هَرِ كِهْ اِنْعَمَلْ رَا
بِنِ اِسْمِ كُنِي اَمْرُودِ اِسْرَاغِفِرْ نُو اِي بَرِ كِهْ بجا او رَدِّ حُكُونَدِ

حُكُونَكِ اَزْ اَوْ هُقْمَادِ وَدَرْ هُنْرِ كِهْ رَا وَ مِثْلِ اَنْ حَسَنَه
 دَرْ نَامَهْ عَمَلِ اَوْ نَبُو لَيْدِ وَ حُكُونَدِ اَزِ يَدِ رَوْمَادِ رَشْفِي
 هُنْرِ كِهْ رَا وَ نَمَازِ دِ بَكْرِ نَمَازِ بِنْتِ كِهْ غَامَهْ وَ خَاصَهْ اِنْ حَضْرَتِ
 رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَوَايَتِ كَرْدَهْ اَنْدِ كِهْ حَضْرَتِ
 فَرَمُودِ كِهْ شَبِ نَهْمِ شَعْبَادَه رُخْوَابِ بُوْدِمِ جَبْرِيْلُ بَرْمَنُ
 نَازِلُ شَدَّ وَ كَفَتْ اِي حَمْدِ يَا جَبْرِيْلُ هَرِي دَر اَيْنْتِ بِنْتِ كَفْتِمِ
 اِبْنِ چِهْ شَبْتِ كَفْتِ شَبِ نَهْمِ شَعْبَانَتِ بِنِ خِرْبَانَدِ
 مَرَاوِ بُوْدِ بَسُوِي قَبْرِ سَتَانِ بَقِيْعِ وَ كَفْتِ سَرِ بَلَنْدِ كُنْ
 بَسُوِي اَسْمَانِ بَدْرِ سَتِي كِهْ اِبْنِ شَبْتِ كِهْ دَر هَا اَسْمَانِ

در این شب کتوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای
 خشنودی خدا و درهای امزش کاهان و درهای
 فضل و احسان و درهای توبه و درگاه نعمت و درگاه
 جود و بخشش و می‌مزد حق تعالی از بندگان در این
 شب بعد از موهای چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد
 هر که احیا کند این شب با گفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله
 الا الله و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب امزش کردن
 و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و کلاه
 گذاشته و اینده او امزش بد شود ای محمد هر که در این شب
 صد رکعت نماز بکند هر روز رکعت بیست و یک سلام در هر رکعت
 بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند چون از همه
 فارغ شود ده مرتبه اية الكرسي و ده مرتبه سوره حمد
 بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد نگاه
 بکبره هلاک کند او را بپا مزند و بعد از هر سوره و تسبیح
 قصری در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند
 در صد نفر از خانه او و خویشان او و شریک کرد اند
 او را در ثواب شهیدان و ثواب روز داوان اینماه و
 عبادت کنندگان اینماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب
 آنها چیزی کم شود پس احیا کن این شب ای محمد و امر کن

اَمَّتْ خُودُهَا كَمَا كُنْدَانُ زَارُ تَقَرَّبَ جُوبِنْدَ بَسُوِي خُدا بَعْبَا
 اَن بَدْرُسْتِي كِه اِيْن شَيْئِي اسْتِ بِي شَرِيْفِ بَا حَمْدِ مَن چُون
 بِنَزْدِ تَوْحِي اَمْدَحْ جَمِيعَ مَلَكْتِكَا اَسْمَا هَا يَا هَا يِ خُودِ زَا صَفِ كَرِي
 بُوْدَنْدَ وَ زِدْ خُدا بَعْبَا دَتْ مَشْغُولِ بُوْدَنْدَ وَ بَعْضِي اِي سْتَا دَه
 بُوْدَنْدَ وَ بَعْضِي دَر رُكُوعِ بُوْدَنْدَ وَ بَعْضِي دَر سُجُودِ وَ بَعْضِي
 مَشْغُولِ بُوْدَنْدَ بَدْعَا وَ بَعْضِي تَبَكِّيْرُ وَ بَعْضِي بِلِسْتِيحِ وَ بَعْضِي
 بَا سْتِغْفَا رِ يَا حَمْدِ بَدْرُسْتِي كِه حَقَّقْتَا دَر اِيْن شَيْئِ نَظَرُ
 رَحْمَتِ بَسُوِي بِنْدِ كَانِ مِي اَفْكَندُ وَ حِي مُرْدَه هَمْرُ مَوْمِنِ زَا
 كِه بِنَمَازِ اِي سْتَا دَه بَاشَدِ يَا نَسْتَه مَشْغُولِ بِلِسْتِيحِ بَاشَدِ بَا
 دَر رُكُوعِ وَ سُجُودِ بَاشَدِ يَا مَشْغُولِ بَادِ خُدا بَاشَدِ وَ اِيْن شَيْئِي
 كِه هَمْرُ كِه دُعَا كُنْدِ اَلَيْتَه دُعَا يَشْ مَسْتَجَابِ مِيشُودِ وَ هَمْرُ كِه سُوَالِ
 كُنْدِ بَا وَ عَظَا كَرْدَه مِيشُودِ وَ هَمْرُ كِه اسْتِغْفَا كُنْدِ اَمْرِي دَه مِيشُودِ
 وَ هَمْرُ كِه تَوْبَه كُنْدِ تَوْبَه اَشْ مَقْبُولِ مَن كَرْدَدِ وَ مَحْرُومِ كِي اسْتِ
 كِه اَز خِيْر اِيْن شَيْئِ مَحْرُومِ كَرْدَدِ وَ **اِيْحْضَرُ** اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ مَن قَوْلِ
 اسْتِ كِه هَمْرُ كِه دَر رُكُوعِ نِيْمَه شَعْبَا صَدْرُ كَعْتِ نَمَازِ بِي كُنْدِ بَا
 هَمْرُ مَرْتَبَه قَلِ هُوَا لَلّٰهُ اَحَدِ بَعُوْدِ دَر هَمْرُ كَعْتِ دَه مَرْتَبَه
 بِنِجَا نَدِ نِيْمَه دَلِ اُو دَر رُكُوعِ كِه دِلْهَا اَز تَر سُرْمَه بَاشَدِ
 وَ نِيْمَه نَا اَن كِه صَدْرُ مَلَكْتِ زَا بَه بِي نَدِ كِه اُو زَا اِيْمَنِ كُرْدَانْدِ
 اَز عَذَابِ اَلْهِ سِي نَفْسِ زَا اِيْن اِيْشَارَتِ دِهَنْدِ اُو رَا بَه نِيْمَه

وَسَيَنْفَرُهَا بَاشْتَدُّكَ دَرْدِ نَبَا أَوْ رَا اَوْ شَرِّ شَطَّانِ نِكَاهِ
مَبْدَاشْتَدُّ وَسَيَنْفَرُهَا بَاشْتَدُّكَ شَبِّ رُوْزِ بَرَايِ اَوْ
اَسْتَعْفَا مَبْكِرَةً نَدَ دَر سَاعَاتِ شَبِّ رُوْزِ وَدَهْ نَفَرَكِه
اَوْ رَا حَفْظِ مَبْكِرَةً نَدَ اَوْ شَرِّ دَشْمِنَا وَنَقَوْلَتِ اللّٰهُمَّ

كَيْ خَيْرِ رَسُوْلٍ دَر اَبْنَشْتِ اَبْدَعَا مَبْقُوْا نَدَنَدُ *ح* *دردنا*
اَقْسَمُ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَجُوْلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ

مستمكن از خواب از بیداری خود آنچه حاصل شود میان ما و میان معصیت خود

وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تَبْلُغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَ مِنْ

درد زمان برادر می توانی برسان از ایمان سوخته نوی ترا درد

اَلْيَقِيْنَ مَا يَجُوْنَ عَلَيْنَا بِهِ مَصِيْبَاتُ الدُّنْيَا

یعنی آنچه سوار سازد بر ما از آفات دنیویات دنیا

اللّٰهُمَّ اَمْتِعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَ قُوَّتِنَا

خدایا ایستاده در کن از ایگوئیهای ما در دیده های ما در ایهای ما در قوت ما

مِنَا اَحْيَيْنَا وَاَجْعَلْهَا الْوَارِثَ مِنَّا وَاَجْعَلْ

آنچه زنده گردانیم از ما را در مردگان از ما وارث از ما و مردگان

ثَارَتَنَا عَلَيَّ مِنْ ظُلْمِنَا وَاَنْصُرْنَا عَلَيَّ مِنْ عَادَانَا

صحت ما را از آنچه ستم کرده ما را در بیاری کن ما را بر آنچه ما ستمی کرده ما

وَلَا تَجْعَلْ مَصِيْبَتَنَا فِيْ مَبْنِيْنَا وَلَا تَجْعَلْ

و مردگان صحت ما را در زمین ما و مردگان

الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغِ عَلَيْنَا وَلَا

دنیا را بزرگترین همت ما و در حد نگاه داشتن ما و

لَسْطِ عَلَيْنَا مِنْ لَابِرِّ حَمَاتِكَ بِاَرْحَمِ الرَّحِيْمِيْنَ

استاده بر ما آنچه زهر زنیست در در برت خود ای که هستنده از رحمت کان

و ایندُعای جامع کما ملبست و متضمن جمیع مطالب دنیا
 و آخرت هست و چون دُعای کبیل ابن زیاد که از خواص
 اصحاب حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است
 بهترین دُعاهاست و از دُعاهای ابن سبت و در اوقات
 دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا این را میبینیم که در
 وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فائده اش تمام
 تر و ثوابش عظیمتر باشد **و بدانکه** سید جلیل ابن طاووس
 در کتاب قبال روایت کرده است که کبیل ابن زیاد گفت
 روزی با مولای خود امیرالمؤمنین در مسجد بصره نشسته
 بودم شب نهم شعبان آمد کورشده حضرت فرمود که هفت
 که انشب بعبادت احیا کند و دُعای حضرت خضر را در
 انشب بخواند البته دُعای او مستجاب کرد چون خضر
 بمنزل مراجعت نمود شب خدمت او رفتم چون سر را بید
 پرسید که چه کار آمده ای کبیل گفتم با امیرالمؤمنین
 بطلب دُعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کبیل چون
 ایندُعاز حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در سالی یکمرتبه
 یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود
 و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته از دنیا
 شوی ای کبیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن

شده که تو ایچین نعمتی که امتی سزاوارتر کرد پس گفت نبوی
و دعا را تلقین من نمود **دُعَا بَسْت**
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صدای محبت زنده هر زمان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ

صدانوار در سنگین بوال کلمه ترا برکت تو که ذکرش هر جزوا

شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ خَضَعَ

هر جزوا در توانا تو که نه کرده بان هر جزوا در خفا درود

لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِحَبْرَتِكَ الَّتِي

بر آورده هر چیزی و ذلیل شده هر اوزار هر چیزی در روزگوری تو که

غَلَبَتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِغَيْرَتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا

غلب کرده بان هر جزوا و غیرت تو که در برابر آن نمی ایستد آنرا

شَيْءٌ وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ

هر چیزی و عظمت تو که پر کرده هر جزوا و

بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ

بادشاهی تو که برترب هر جزوا و درازت بعد از تو

الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِاسْمِكَ الَّتِي

که باقی است هر اوزار فانی شدن هر چیزی و نامهای تو که

مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي لِحَاظِ

پر کرده هر اوزار در کمان هر جزوا و دانش تو که در ذکرش

بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي ضَاءَ لَهُ

هر جزوا در روشش عذات تو که روشش کرده در برای او

كُلُّ شَيْءٍ بِأَنْوَارِ قُدُوسٍ بِأَوَّلِ الْأَوَّلِينَ وَ

هر چیزی ای بود ای سائر همه ای بیشتر ایشان و

بِالْآخِرِ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

ای ستم در زبان خداوند با ما از برای من کن ای من را

فَهَيْتَ الْعِصْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

س در دروازه ای من را خداوند با ما از برای من کن ای من را

تَنْزِلُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغْيِرُ

نزل می کند عذاب را خداوند با ما از برای من کن ای من را که بی بینم

النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ

نعمت را خداوند با ما از برای من کن ای من را که حبس کند

الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ

دعا را خداوند با ما از برای من کن ای من را که نازل می کند

الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَ

بلاء را خداوند با ما از برای من کن ای من را که کرده ام و

كُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ

در محفل ما که گاه آورده ام من در نزد تو ای من

إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ لِي تَفْسِيكَ

بوی تو یاد تو در شرفم که درم از بوی تو

وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تَدِينَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَ

در سوال من از جود تو ای من نزدیک کرد ای من از جود تو

أَنْ تُوَزِعَ عَنِّي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْفِيَنِي ذِكْرَكَ

ای من ای من ای من جود تو ای من ای من ای من

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ

خداوند ای من سوال من از تو ای من سوال من از تو ای من

خَاشِعٍ أَنْ تَسْأَلَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِمِثْلِكَ

در حاجت من ای من ای من ای من ای من ای من ای من

رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

چون در وقت گشته در هر احوال تو را مع گشته

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَرَأَشْتَدَّتْ فَاقَتَهُ

از تو سوال کنم ترا سوال که سخت گشته شد خود تو

وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّامِدِ حَاذَهُ وَعُظْمَهُ

در نزد آورده است خود تو سختی حاجت بر زک گشته

فَمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اللَّهُمَّ عَظْمُ سُلْطَانِكَ

در آنچه از تو هست جویش خود را خدا از زک است در حق تو

وَعَلَا مَكَانِكَ وَخَفِيَ مَكْرَكَ وَظَهَرَ

در پند است مکان تو در میان است مکر تو در همت

أَمْرَكَ وَعَلَبَ قَهْرَكَ وَحَرَّتْ قَدْرَتَكَ وَ

امر تو بخت است قدرت تو در صارت قدرت تو

لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَا

نمکن است گریختن از حکومت تو خداوند

أَجْدَلِيذِي نُوْبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَائِرًا وَلَا

منی بایم از برای کن آن خود از زنده روز از برای اعمال الخ خود نوسیده دهن

لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُسَدِّدًا غَيْرَكَ

از برای چیزی از کردار من خوارش بعلی بیک بدل از زنده دهن تو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ

است خدا را جز تو با ما نمودم خود تو ستودم استم کردم

نَفْسِي بِجُرْأَتٍ بَجْهَلِي وَسَكَنْتُ لِي إِلَى قَدِيمِ

بر نفس خود را با جرأت خودم با دلی خودم و قبل در کوزم لوی ای گشته است

ذِكْرِكَ لِي وَمَنْكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَرَمًا

با کردن تو را دست ز من خداوند ای آقای من بخت

مِنْ قَبْلِ سِتْرَةٍ وَكَرَمٍ فَادِجٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَا

از پیش از پرده ای از او دل بر سترش و از بلا که در گزشتن از او

وَكَرَمٍ عِشَارٍ وَقْتَهُ وَكَرَمٍ مَكْرُوهٍ دَفَعَا

و دل بر از لیس که نگاه داشتی از او دل بر از او خوشی کردی

وَكَرَمٍ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَكَ أَهْلًا لَهُ لَشَدَنَةً

و دل بر از سپاس نیک که بوزم سزاواران بهین کردی از او

اللَّهُمَّ عِظْمَ بَدَنِي وَأَفْرَطَ بِي سَوْءِ خَالِي وَ

خدایا از استخوان من و از حد در گزشتن مرا خالی کن و

قَصْرَتِ بِي أَعْمَالِي وَقَعْدَتِ بِي غَلَالِي وَ حَبْسَتِي

از ریاضت اعمال من که از من درجا کرده است مرا عیب و دست کرده مرا

عَنْ تَقَعِي بَعْدَ أَمَانِي وَ خَدَعْتَنِي الذَّنْبُ بَعْدَ وَرَعِي

از قطع خود از روی آرزوی ایمان و دروغ دادم از ایمان خود

وَ تَقَسَّى بِجَانِبَيْهَا وَ مِطَابِي بِأَسِيدِي فَاسْتَلَكْ

و دشمن من کیست خود : پس از آنکه اصل علم من را می توانی که از او است

بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَجُوبَ عَنْكَ دُعَاؤِي سَوْءِ عَمَلِي وَ

بیزت تو که من نماند از تو دعای من را که بدو کنی و

فَعَالِي وَلَا تَقْضِنِي بِخَفِيِّ مَا أَظْلَمْتَ عَلَيَّ بِرَبِّ

ایمان من در سر او در آن راه همان آنچه ستم شد مرا آن روز

سِرِّي لَا تَعَا جَلْبَنِي بِالْعَقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي

راز من و راز مرا بپوش که کرده بودم از او

خَلْوَاتِي مِنْ سَوْءِ فِعْلِي فِي إِسَاءَتِي وَ دَوَامِ تَقَرُّبِي

علوهای خود از منی که در روز خود کنی و خود در راه بودن از تقرب خود

وَ جِهَاتِي وَ كَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي وَ كُنْ

و زوایای خود و بسیاری خواهش خود و غفلت خود و باش

اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ كَلَهَارِ وَفَا وَ

مخازن و غنای تو در همه احوال و در همه احوال

عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَ رَبِّي مِنْ لِي

بزرگ در همه امور و در همه امور

عَبْرِكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضَرْقِي النَّظَرِ فِي أَمْرِي

بزرگ تو کمال کنم در همه امور و در همه امور

إِلَهِي وَ مَوْلَايَ اجْرِبْتْ عَلَيَّ حِكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

هَوَى نَفْسِي وَ لَمْ أَحْتَسِبْ فِيهِ مِنْ تَرْبِيْنِ عَدُوِّي

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

فَعَرَّبْنِي بِمَا أَهْوَى وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

فَتَجَاوَزْتُ بِهَا جَرِيَّ عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضُ حُدُودِي

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَمْرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حِجَّةَ لِي فِيهَا جَرِيَّ عَلَيَّ فِيهِ

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

قَضَاؤُكَ وَ الزَّمَنِي حُكْمِكَ وَ بِلَاؤُكَ وَ قَدْ

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ اسْرَافِي عَلَيَّ

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِيًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَعْفِرًا

بزرگ ای من و مولا ای من اجربت علی من را که در همه امور

بِنِدَاءٍ مُقْتَرَا مَذْعِنَا مُعْتَرِفَا لَا أَحَدٌ مَقْرَأَ مِمَّا

باز آورنده از او است نیده و عذر نکرده کسی با هم گزاشای از او

كَلِمَةٍ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا أَوْجِهَ إِلَيْهِ فِي مَرِي غَيْرِ

صدا نکرده از این و نه پناهی کرده او درم کوی آن در کار خود غیر

قَبُولِكَ عَذْرِي وَإِذْ خَالَكَ إِثَائِي فِي سَعَةِ

قبول کردن تو عذر مرا و در آوردن تو مرا در وقت دشواری

مِنْ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عَذْرِي أَرْحَمَ شَيْءٍ

از رحمت تو صدقوا این قول کن عذر مرا در رحمت تو

ضَرِي وَفُكِّنِي مِنْ شَيْءٍ وَثَاقِي بِأَرْحَمِ رَحْمٍ

معاذ مرا در آن هر از آن شئی شد ای آن ای او در کار من و من

ضَعْفَ بَدَنِي وَرَقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ غَطْفِي

نوراید بدن مرا و درایت پوست مرا و درایت استخوان من

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَوَدَّ

ای آن که است از او بیشتر بود و آوردن مرا در رحمت کردن من زین کار

تَعْدِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَائِفِ

معاذ کردن من بخشش مرا برای استبداد آن که خود مرا ای که استبداد

بِرِّكَ بِي يَا أَلْهُمَّ وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتْرَاكَ مُعْتَدِي

بن کرده آنچه ای که است و کنای کن و در در کار کن ای آن ای خود را

بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انطَوَى

با نشنید از او از بعد از تو و در از او بعد از تو

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَطَجَّ بِهَ لِيَانِي

بر آن دل من از معرفت تو و در با شد بدان زین کار

مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حَيْكِ

از یاد تو و در کرده از او دل من از او در کار تو

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرَبِّكَ

و بعد از راستی و شکر من از دعای من از روی خضوع بر روی تو ای

هَيْبَتِ أَنْتَ الْكَرِيمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّةِ

بزرگی تو که کسی را از منزهت من از سوی تو از دست ندهی

أَوْ يُبْعِدَ مِنْ أَدْنَيْتِهِ أَوْ تُشَرِّدَ مِنْ أَوْبَتِهِ أَوْ

یا دور کنی کسی را از نزدیکی او یا دور کنی او را از منزهت او یا

تَسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَيْفَتِهِ وَرَحْمَتِهِ وَكَلِمَتِ

تو را از تسلیم من به او از هر چه که خواهد کرد از او از هر چه که خواهد کرد

شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهَيِّ وَمَوْلَايَ أَنْتَ الْتَائِبُ

شعر من ای آقای من و خدای من و تسلیم کننده من

عَلَى وَجْهِهِ حَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةٌ وَعَلَى

بر روی او سجد کرده اند از بزرگی عظمت تو سجد کرده اند

السِّنِّ نَطَقَتْ بِتَوْجِيدِكَ صَادِقَةٌ وَيَشْكُرُكَ

زبانها گویند که تو را شکر می گویند تو را از روی راستی و شکر تو

مَادِحَةٌ وَعَلَى قُلُوبِ عَتَرَتِكَ بِالْهَيْبَتِ حَقِيقَةٌ

در زبانها و بر روی دلها سوزاننده و بر روی دلها بزرگی تو از روی حقیقت

وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ

در ضمیرها سوزاننده و احاطه کرده اند از دانستن تو تا کردند

خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتِ لِي أَوْطَانِ

و خوار شدند بر عظمت تو که سوزاننده از روی محبتی

عَبْدِكَ طَائِعَةٌ وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ

عادت تو بطوع و رغبت و اشاره کرده اند به استغفار تو از روی

مُذْعِنَةٌ مَا هَكُنَا الظَّرْبُكَ وَلَا اخْرُنَا

از روی حقیقت منست چنین گمان نبوی و چیزی ندیده ایم ما را

بفضلك

بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ صَعْبِي

بعضی تو از تو ای صاحب کرمی آوردی و در بندگی نانوایم

عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي

از اندک از عیبهای دنیا و عقوبت های آن در حق ما

فِيهَا مِنَ التَّمَكُّرِ عَلَىٰ أَهْلِهَا عَلَيَّ إِنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ

در آن از خدشها بر اهلش بر منست این عیب

وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْرَهُ لَيْسَ بِتَقَاوُهُ قَصِيرٌ

در خدش است که اندک است آن گریه نماند آن گزاف است

مُدَّةٌ فَكَيْفَ اجْتَمَعِيَ لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَدِيلٌ

مدت آن هر چه که نماند آردم عیبی اخراجت در روزگارت

وَقَوْعُ الْمَكْرَاهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ

در وقت آن ناخوشیها در آن روز عیب است که طول است مدت آن

وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يَحْتَقِقُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا

در او است ایستادن آن و بیک میخورد از اهلش زودتر

يَكُونُ إِلَّا عَنِ الْإِعْنِ غَضَبِكَ وَإِنْ تَقَامَكَ وَتَخَلَّكَ

نماند این گزاف تو در مقام نشدن تو در چشم تو

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

و چنین امری در برابر آن نمی ایستد در آسمانها و زمین

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ تَبِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ

ای آقای من پس چگونه تاب آردم بنده ضعیف نانوایم

الذَّلِيلُ الْحَسِيرُ الْمَسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي

خوار بختدار سست گزافه ای که زاری کن

وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

پروردگاری من و زاری من و بزرگ من برای کدام امور

لَا يَدُ أَشْكُوَ وَلَا مِنْهَا أَيْخُ وَأَبِي لَا لِيَمِ

بوی تو شکر کنم در ای کردن کرم در بزم از ای عذاب

الْعَذَابِ سِدْتِهِ أَوْ لَطُولِ اللَّيْلِ وَ مَدْتِهِ

دردناک دستهای آن ؛ برای در زدی بنا دوست آن

فَلَيْنَ صَبْرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ

بسی اگر مردانی مراد عفو آنها ؛ دستشان خود

وَجَمَعْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بِلَايِكَ وَ قَفَّتْ

دستم از روی بیان در بیان اهل بلا تو دستم گفتم

بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَائِكَ وَأَوْلِيَاكَ فَهَبْنِي

بیان کن در بیان دوستان خود دو دلیلی خود پس گرفتم

يَا إِلَهِي سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتِ

اگر ایان دنیا با من در حسرت چنان در درد که سخن گوهر کردم

عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي

بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر جدا مانو دگر کنم

صَبْرْتِ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ

که صبر کردم بر گرمی آتش تو ؛ چگونه صبر کنم از نظر کردن

إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ

بوی کرمت تو ؛ چگونه ساکن تویم در آتش تو

رَجَائِي عَفْوِكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ

بسی عفو توست ؛ بی عزت خود ای عزت من و دلی من

أَقِيمْ صَادِقًا لِيِنَّ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَا خَيْرَ لِي

بسی بخیزم در است کسده نکره که دلی من است ؛ چگونه بر ای تو ای خودی تو

بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجِ الْأَمِلِينَ وَلَا ضَرْخِ الْبَلِيغِ

بیان اهل دروغ ؛ سخنش بس در آن ؛ و نه گم بوی تو

صَرَخَ الْمُتَصَرِّخِينَ وَلَا يَلِينَنَّ عَلَيْكَ جَاءَ

ناله استغاثه گشته گمان در گمراهی از رحمت تو درستی گنج

الْفَاقِدِينَ وَلَا نَادِيَنَّكَ ابْنُ كَنْتَ يَا وَلِيَّ

دوست حوز را گم کرده باشند و زنا در روزم که گمراهی دوست

الْمُؤْمِنِينَ يَا غَابَةَ أَمْوَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ

رسول ای نهایت ارزوای غار جان ای نازنا در رس

الْمُسْتَعِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ يَا إِلَهَ

زنا و وطن ای دوست دلای زبست گمان در کجایی

الْعَالَمِينَ أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا لَطِيفَ وَجْهِكَ

عالمان آگاه و مشهوری با کما تو آگاهی من در کجاست معلوم

لَسَمِعَ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجَنَ فِيهَا

می شنوی در آن آواز من و سخنان گرویده شده در آن

يُخَالَفْتَهُ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَ

بسی گناهش بود و حشمتش که از عذاب از آید از آن بی اورد

حَبَسَ بَيْنَ أَصْبَاحِهَا بَجْرِمِهِ وَجَزِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُ

زند شده و از زبان طغیان و زنج خود او خاست او را و خود را بر آورد

إِلَيْكَ ضَجِجٌ مُؤْمِلٌ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلَيْسَ

گویی تو در کس است در از ره رحمت تو زنده کند ترا بزوال

أَهْلُ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبِّهِ بَيْتِكَ

بگفته برستان تو در رسول خود گویی تو بر سر راه کار می تو

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ

ای مولای من کیل سبک زانی مانده در عذاب داد

بِرَجْوِ مَا سَلَفَ مِنْ حَلِيمٍ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

است در راه که پیش دیده از برداری تو در ما ناله تو در است تو

أَمْ كَيْفَ تَقُولُهُ التَّارُ وَهُوَ تَامِلٌ فَضْلَكَ وَ

با چگونه می‌داند او را پیش و داد است در رد فعل ترا و
رَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ يَجْرِفُ لَهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ

رحمت ترا با چگونه بوزا خود را از پیش دوزی شنوی
صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَسْتَمِيلُ عَلَيْهِ

او را و او را می‌بینی منزلت او را با چگونه مستهل بود ترا
زَفِيرِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلَّغِلُ

زبان صحت صدای آن دوزی صدای آن تو را می‌داند او را با چگونه به نظر است
بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ

بینان طبقات او را و تو صدای راستی او را با چگونه
تَرْجُوهُ زِيَانَتِهَا وَهُوَ يَنَادِيكَ بِأَرْبَةِ أَمْ كَيْفَ

ترجو او را زیان پیش او را است که تو را می‌داند او را با چگونه
بِرَجْوِ فَضْلِكَ فِي عَيْقِهِ مِنْهَا فَتَرْكُهَا فِيهَا

با در رجوع فعل ترا از آن کردن او را از آن پس در آن کردی او را در آن
هَيْبَاتٍ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرِفُ

دور است بخت چنین گمان به تو و آن خدایان
مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْوَجِدَ

از فضل تو و نه شمشیر است آنچه معامله کرده با او گمان ترا
مِنْ بَرِّكَ وَلَا حَسَانِكَ فَيَا لَيْقِينَ اقْطَعْ لَوْ لَا

از بر تو و حسن تو ای یقین قطع دارم در کرم
مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيبِ جَاهِدِكَ وَقَضَيْتَ

آن حکم کرده باش از عذاب مژده آن مکران خداوندی خود را و معجز فرموده
بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مَعَانِدِكَ لِحَكْمِكَ التَّارُ كَمَا

که بسته داری در روز قضا همان خود را هر چه که بسته باشی در آن

بَرِّدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا

سه در سلامت نبود مرا حد را در آن قرارگاه در

مُقَامًا لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ سَمَاوُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ

جای آن حتی بگویی تو مقدس است ، مهای تو قسم ما کرده است

تَمْلَأُهَا مِنْ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أجمعِينَ

و بگویی در آن از کافران که بر بان در آن و

وَأَنْ تَخْلُدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ شَأُوكَ

درست بهشت مداری در دوزخ ماندان را و تو که بزرگ است

قُلْتُ مُبْتَدَأًا وَتَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا

گفتم ابتدا شده و گسترده داده بهشت دادن کرد

أَفْنِ كَانَ مُؤْمِنًا مَن كَافِرًا سِقًّا لَا يَسْتَوُونَ

آه ای آنکه ، شد کافر به شد که مؤمن شد به است از آن که است

إِلَهِي سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقَدَرَةِ الَّتِي

ایزدای من روزگاری من ای سوال کنم ترا بخند من

قَدَّرْتَهَا وَبِالْقَضِيَةِ الَّتِي حَقَّمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَ

مقرر کرده و حکمی که حتم کرده او را در معجزه خود آنرا و

غَلَبْتَ مِنْ عِلْمِهِ أَجْرَتِيهَا أَنْ هَبَّكَ فِي هَذِهِ

غالب شده بر آنکه آن حکم را در او جاری نموده است بر من در این

اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ حَرَمِ أَجْرَتِهِ

در این ساعت هر چیزی که کرده ام آنرا

وَكُلِّ ذَنْبٍ ذَنْبَتُهُ وَكُلِّ سِرٍّ أَسْرَرْتُهُ وَ

و هر گناهی که کرده ام آنرا و هر چیزی که پنهان داشته ام آنرا

كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ أَخْفَيْتَهُ

هر نادانی که کرده ام آنرا پنهان کرده ام ، پنهان نگذاشته ام ، هر چیزی که کرده ام پنهان

أَوْ أَظْهَرَتْهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكَلَامَ

و هر چه می گوید در هر کوزه بنویسند این روزگواران

الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

نویسندگان را که مقرر کرده باشم در حفظ آنچه خدا فرستاده و از من

وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَ كُنْتُ نَسْتُ

در هر سندی که از من در گواهی بر من با اعضاء من و اولاد من تو

الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ مَا خَفِيَ

کتمان بر من از چیزهایی که در گواهی بر آنچه پنهان است

عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ خَفِيَّتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

از ایشان در رحمت خود پنهان داشته باشم آنرا و بفضل خود پوشیده می آنرا

وَإِنْ تَوَفَّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَنْزِلُهُ أَوْ إِحْسَانٍ

در هر گاه در روزی که هر چه از هر نعمتی که از هر نعمتی که از آسمان یا زمین

تَفْضُلُهُ أَوْ بَرْتَنَشْرُهُ أَوْ رِزْقٍ تَبَسُّطُهُ أَوْ ذَنْبٍ

یا بعضی نعمتی که از آسمان یا زمین که بر من نازل شود یا رزقی که بر من نازل شود یا گناهی که

تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

که بر من نازل شود یا خطایایی که پنهان می آنرا ای درودگار من ای درودگار من ای درودگار من

يَا لَطِيفَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَا لَكَ رِزْقِي

ای لطیف ای من و سید من و مولا من و ای مالک من و مالک من

يَا مَنْ يَسِدُّ فَا صَبَّحْتُ يَا عَلِيًّا بِضُرِّي وَمَسْكَنْتِي

ای آنکه بر من است ای صبحگاه من ای علی را بر مصیبت من و مسکن من

يَا خَيْرَ الْبُقْعَةِ الْفَقْرِيِّ وَفَاقِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای آنکه بهترین مکان فقر من و همسایه من ای درودگار من ای درودگار من ای درودگار من

أَسْتَلِكَ بِحَقِّكَ وَقَدْ سَبَّكَ وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ

سوال کنم تو را بحق تو و من تو را سب کرده ام و بزرگترین صفات تو

وَأَسْمَاكَ أَنْ تَحْمَلَ أَوْفَانِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و در جمای تو ایسکه کردانی اذنت مراد است در روز

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةٌ وَبِحِدْمَتِكَ مَوْصُولَةٌ وَأَعْمَالِي

یا در حوز اادان و کفرت تو برسته ذکر در روز را

عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي

ترت تو بسنده تا بود چه شد کردار من زور دای من

كُلُّهَا وَرَدٌّ وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

هم آن دردی کا از حال من در خدمت تو پسته

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ

ای سید ای آنکه اوست و نهاد من ای آنکه بوی او

شَكْوَتِي أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قُو عَلِي

سکوت من احوال خود را ای رده کار من ای بدر کار من توان کردان

خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشَدُّ عَلَيَّ الْغَيْمَةِ جَوَارِحِي

رضت خود بعضی را و سخت کن بر غم من خود را

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالذَّوَامَ فِي الْإِقْتِصَالِ

و بخش مرا جس در رسیدن از تو دوام در تقصیل در

بِحِدْمَتِكَ حَتَّى اسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيِّا دِينِ

کسرت تو تا دران تو هم بوی تو درسد اینها می

السَّابِقِينَ وَاسْرِعْ إِلَيْكَ فِي الْمُبَادِرِينَ وَ

پسروان و شد دردم بری تو پیشی که از کان و

أَشْتَأِقُ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمَشْتَأِقِينَ وَأَدْنُو

شأنی تو هم بوی تو در میان ششمان و نزدیک تو هم

مِنْكَ دُنُو الْخَالِصِينَ وَأَخْلَفَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

بوی تو در شدن گفان و برسته از تو در شدن حقان بعین

وَاجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ

و کرام درستی تو با مؤمنان حسد از او بپسند

أَرَادَنِي بِسُوءِ فَارِدِهِ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدًا وَاجْعَلْنِي

اراده کن در ابدی من اراده کن اراده کن از من هر کس اراده کن

مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبِيهِمْ

از سبب کنان من در میان خود از روی بهره از تو در نزدیکی ایشان

مَنْزِلَةً مِّنْكَ وَأَخْصِمْ زُفْلَةً لَّدَيْكَ فَإِنَّهُ

در منزلت از تو و دهنم من ایشان در ذوق از تو بی درستی

لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي جُودَكَ

گستران اسد ایمن تو بفضل تو و بخشش کن مرا کجود خود

وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِحَبْلِكَ وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ

و عهد اسان کن بر من بر کوردی خود و حافظ کن مرا رحمت خود

اجْعَلْ لِسَانِي يَذْكُرُكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ سِيمًا

گردان زبانی مرا یاد خود گوید و دل من را دوستی خود عطا

وَمَنْ عَلَىٰ حَبْسِنِ اجَابَتِكَ وَأَقْلَبْنِي عَشْرَتِي وَ

دست من بر من بر حسب اجابت خود و در گردان من عشرت من

اغْفِرْ زِلْمَتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ

بهازد کن مرا بی درستی من بطل کن نه بر من گمان خود

بِعِبَادَتِكَ وَأَمْسَتْ أَيْمَانُكَ وَصَمَّيْتَ لَهْمِي

ببند ما خود و در عهده ایشان را بخوان من تو در ضامن ایشان از زبانی

الْإِجَابَةِ فَأَلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ

اجابت نمودن لوی تو ای مرد در گام من باز داشته ام روی خود را اولوی تو

يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فِي غَيْرَتِكَ أَسْتَجِيبُ لَكَ

ای مرد در گام من دست در دست خود را بی دست من خود و جواب گردان ای

دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِن فَضْلِكَ رَجَاءً

دعای پروردگاران را بر روی کن و وضع کن از فضل خود هر چه

وَكَفَيْتَنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ

دفع کن بدترین شیطان و انس را از دشمنان من ای زود

الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ يَلَا يَمْلِكُ إِلَّا اللَّهُ دَعَاؤُكَ يَا تَوَكَّلُ

محبت و توکل با پروردگار را که لا اله الا الله است که دعا را ای در دست تو

فَعَالَ يَا تَشَاءُ يَا مِنْ أَسْمَاءِ دَوَاءٍ وَذِكْرُهُ

است که آنچه بخواید ای آنچه نام او دوی در دوا است و ذکر او

شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غَفَى رَحْمٍ مِنْ رَأْسِ مَا إِلَهُ الرَّجَاءِ

شفای است و زان پرورداری او تو گویی است که همه نام او است

وَسِلَاحُهُ الْبِكَاؤُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ الْبِقَمِ

و در پیش او است ای صاحب نیت کامل ای دفع است که

يَا نُورَ الْمُتَوَحِّشِينَ فِي ظُلْمٍ يَا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ

ای روشن کننده وحشت افشگان را در تاریکی ای دانایان که کسی نمی شناسد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ

درست است بر محمد و حمد و ای بکن بر آنچه خواهی

أَهْلَهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْإِمَامَةِ الْمَيَامِينَ

سلام در بر آن درخت فرستاده و بر او صلوات و بر ائمه ای که در حق است

مِنْ إِلَهِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا فَصَلِّ بِحَمْدِهِ دَرَاغَمًا لِنَفْسِهِ

که الی او صلوات در بر او است از ائمه ای که هست از حضرت امام

رِضَا مُنْقُولَاتٍ كَهَمِّكَ دُونَ خَرْمَاهُ شَعْبَارُونَ

بناورد و ماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی

ثَوَابٌ وَرَدُهُ وَمَاهُ مُتَوَالِيٌّ بَرَاءِي وَبِنُوبَدٍ وَبِوَالِدِ

پادشاه و ماه متوالی برای من و بنوبد و با پدر

مَرْوِي رَوَايَتِ كَرْدَهٗ اسْتِ كَدَرِ جُمُعَهٗ اِخْرَ مَاهِ شَعْبَانَ
 بَخْدَمَتِ حَضْرَتِ اِمَامِ رِضَا رَفِئَمَ حَضْرَتِ فَرْمُودَ كَه
 اِي اَبُو الصَّلَاتِ كَثْرَ مَاهِ شَعْبَانَ رَفَتَ وَايْنَ جُمُعَهٗ اِخْرَ
 اَلْتِ بَسْمَلَارِكُ وَتَلَا فِي كُنْ دَرِ لَيْلَةِ اِيْمَانِهٖ مَانَدَهٗ
 اسْتِ تَقْصِيَهٗ هَا رَا كَه دَرِ اَيَّامِ كَدَشْتَهٗ اِيْمَانِهٖ كَرْدَهٗ وَبَر
 تُو بَادَهٗ رُو اَوْرِي بَر اِيْخِرَ نَافِعِ اسْتِ بَر اِي تُو دَرِ اَحْتِ
 وَدُعَا وَاَسْتِ خُفَّ اَبْسَابِكُنْ وَتَلَا وِتْ فَرَا نِ بَجِيْدَهٗ
 بَسِيَارِ بَكُنْ وَتُو بَهٗ بَكُنْ بِسُوِي حَقِّ تَعَالَى اَزْ كَدَاهَا نِ خُوْدِ
 تَا اَنَكْ جُوْنِ مَاهِ مَبَارَكِ دَر اِيْدِ خَالِصِ كَرْدَانِيْدَهٗ بَاهِي
 خُوْدِ رَا بَر اِي خُدَا وَا مَكْتَدَارِ دَر كَرْدَنْ خُوْدِ اَمَانَتِ وَحَقِّ
 كَسُوْرِ اِمْكِرَانِكْ اَدَا كُنِيْ وَ مَكْتَدَارِ دَر كَرْدَنْ خُوْدِ كِيْنَهٗ كُنِيْ
 مَكْرَانِكْ تَرْكِ كُنِيْ وَا زْ خُدَا بَتَرَسْ وَ تُو كَلِ كُنْ بَرِ خُدَا دَر
 يَنْهَانَ وَا شَكَارِ اَمُوْرِ خُوْدِ وَ هَر كِهٖ بَرِ خُدَا تُو كَلِ كُنْ دَرِ خُدَا
 بَسِ اسْتِ وَا وَا بَسِيَابِجُوْنِ *اللَّهُمَّ اِنْ كَمْ تَكُنْ*
 دَرِ بَقِيَهٗ اِيْمَانِهٖ اِيْنْدَهٗ غَا رَا *مَر اَزْدَا اَكْ بَزْدَهٗ اَسْتِ*
 غُوْبَرَتِ كَدَا فَيَا مَضِيْ مَرْ شَعْبَانَ فَا غَفِرْ لَنَا
اَكْ بَزْدَهٗ اَسْتِ اِيْمَانِهٖ اِيْنْدَهٗ غَا رَا كَدَشْتَهٗ اِيْمَانِهٖ اِيْنْدَهٗ غَا رَا
 فَيَا بَقِيْ مِيْنَهٗ بَدْرَسِي كِهٖ حَقِّ تَعَالَى دَر اِيْمَانِهٖ اَزَادِ
دَر كِهٖ اِيْمَانِهٖ اِيْنْدَهٗ غَا رَا مَبَكْرَدَانْدِ بِنْدَهٗ هَا يِ بَسِيَا اَز اَلْجَهَنَّمِ
 بَر اِي حُرْمَتِ مَاهِ مَبَارَكِ رَمَضَانَ وَا بَسَنْدِ بَسِيَا مَعْتَبِرِ

منقولت که حضرت صادق ^ع آذو شرب خرماء اللهم

سعبا و شبا و ل ماه رمضان اذ غارا اصفوا نذند ^{مردان}

ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه

القران و جعلته هدى للناس و بيئات

من اهدى و الفرقان قد حضر فسلنا فيه

وسئله لنا و سئله من اهدى و سئله

عافية يا من اخذ القلب و شكر الكثير اقبل

بيني ليسبر اللهم اني استسلك ان تجعل لي

الى كل خير سبيلا و من كل ما لا تحب مانعا

يا ارحم الراحمين يا من عفى عني و عفا خلوف

باه من السيئات يا من لم يؤخذني بارتكاب

المعاصي عفوك عفوك عفوك يا كريم اطلق

عظمتي فلم اتعظ و زجرتني عن محارمك فلم

سنة ادوي اراي بسند كرمتم و منع كروي اولاد حومات جوز بس

كوترا از بدنها ^{در كند در كند} حوزد ^{اي بزرگوار}

اي كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم

اي كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم

اي كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم

اي كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم

اي كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم

اي كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم عفو كرم

انزجر فما عذرتي فاعف عني يا كريم عَفْوِكَ

منع عشتق من عذرتي پس درگذر از من ای بزرگوار درگذر

عَفْوِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ

درگزشتن خود خداوند ای پرستش کن بوال صبر ترا رحمت ترا در وقت

وَالْعَفْوَةَ عِنْدَ الْحِسَابِ عَظَمِ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدٍ

درگذرشتن ترا صبر بزرگت است گناه از ترا بخوا

فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوِينَ عِنْدَكَ يَا أَهْلَ التَّقْوَى

پس ای بزرگواران شد درگذرشتن از ترا ای سزاواران ای بزرگواران

يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

ای سزاواران ای پرستش درگذر درگذشتن خود خداوند ای پرستش کن

عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنِ أُمَّتِكَ ضَعِيفٌ

سبزه نوام سپهره تو لبه کز تو نازان

فَقَبِّرْهُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ مُنْزِلُ الْغَنِيِّ وَ

ای ج کوفتار گشت تو و تو را فرود گشته ای غاری و

الْبُرْكَهَ عَلَى الْعِبَادِ قَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ أَحْبَبْتَ

رکت برسدگان غالب نواز ستمی

أَعْمَالَهُمْ وَقَسَمْتَ أَرْزَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَخْتَلِفَةً

کردار ایشان قسمت نمودی روزهای ایشان در روز رکت ای بزرگواران

أَلَيْسَتْهُمْ وَالْوَالِدَاتُ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقِ لَا

زبانهای ایشان در زبانهای ایشان او پرستش خود از پرستش

يَعْلَمُ الْعِبَادَ عَلَيْكَ وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ

خداوند بداند بر تو ای پرستش ترا دعوت دوازده بندگان

قَدْرَتِكَ وَكُنَّا فَقَدَرْنَا إِلَى رَحْمَتِكَ فَلَا

قدرت ترا و همه ای جان پرستش لوی گشت تو پس

تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ

گردان از من روی خود را گردان مرا از پیش لسته گمان

خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْإِمْلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ

صفت خود را گردان در هر چه که در اندازد از هر گزین خود

إِلْهِ بَقِيَّتِي خَيْرَ الْبَقَاءِ وَأَقِنِّي خَيْرَ الْقَنَاءِ

اگر ای من باقی در برابر باقی در پیش من بماند و با ما در آن مرا از پیش من در آن

عَلَى مَوْلَاةٍ أَوْلِيَاتِكَ وَمُعَادَاتِ عَدَائِكَ

بر دوست داشتن دوستان تو در دشمنی دشمنان دشمنان تو

الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالْخُشُوعَ

خواستندگی سوی تو از تو در دشمنی تو در توئی گردان

وَالْوَفَاءَ وَالسَّلِيمَ لَكَ وَالتَّصَدِيقَ بِكَلِمَاتِكَ

در وفا گردان در گردان گمان از برای تو بماند من از گردان کلمات تو

وَإِتِّبَاعَ سُنَّةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي

در روی گردان طایفه رسول تو خداوند اهل کتاب است در

قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رَيْبَةٍ أَوْ جُودٍ أَوْ قَنُوطٍ أَوْ

دل من از شک و ریب و همت با انگار با توئی با

فَرْجٍ أَوْ بَدْحٍ أَوْ بَطْرِ أَوْ خِيَلَاءٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ

شادی با سرخ با طغیان با کفر با ریا با

سَمْعَةٍ أَوْ شَفَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ ضَوْقٍ

سمعی با سرخگی با دورویی با ناپستی با غمی

أَوْ عِضْيَانٍ أَوْ عِظْمَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا يُحِبُّ فَاسْأَلْكَ

با نوزان سرداری با برزگی با چیزی که دوست داری از آن

بِأَرْبِ أَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيْمَانًا بِوَعْدِكَ وَ

ای گردان که من است که عمل کنی از کای ان ایمان آوردن بوعده تو

وَكَمَا بَعَثَكَ وَرَضًا بِقَضَائِكَ وَزُهْدًا فِي

دانا بودن بر همان تو خوششودی مسکون
الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَآثَرَةً وَطَهَانَةً

دانا و خوششودی در آنچه نزد است و عطش که مغز را نشاند
وَتَوْبَةً نَصُوحًا اسْتَمَلَّكَ ذَلِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

دراز گشت خالص سوال سکن از تو این راهی روزگار جهان
إِلَهِي أَنْتَ مِنْ حَلِيمِكَ تَعَصَى فَكَأَنَّكَ لَمْ تَرَوْا

ای خدایان تو از کرده ای خود عصیان کرده شوی پس گویا ندیده ای
مِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تَطَاعُ فَكَأَنَّكَ لَمْ تَعْصِ

از بزرگواری خود بخش جز اطاعت کرده شوی پس گویا عصیان کرده شوی
وَأَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سَكَّانُ أَرْضِكَ فَكُنْ

ای من و آنکه از منی نگردد ترا سکنان زمین تو از من پیش
عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَادًا وَبِالْخَيْرِ عَوَادًا يَا أَرْحَمَ

بر ما بفضل عطا کننده ای و بر نیکی باز کرده ای بخیرترین
الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً

بخشنده گان در رحمت رساند خدا بر محمد و آل او درود
دَائِمَةً لَا تَحْضِي وَلَا تَعْدُو وَلَا يَقْدِرُ قَدْرُهَا

همیشه کم سزاده نژاد و سزاده نژاد و او نشود و اندازه و قدر او
غَيْرُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وَأَمَّا نِهَايَ مَخْصُوصٍ**

خیر تو ای بخشنده ترین بخشنده گان
مُعْتَبَرَةٍ وَارْدِ لَشَدَّادٍ وَعَلِمْنَا ذِكْرَكَ كَرَمَةً **انْدَا قَل**

ضِدْرُ كَعْتِ بِأَحْمَدٍ وَتَوْحِيدِ كِبَرِيَّتِهِ وَبِعْدَا ذِ
فَارِغِ شِدْدَتِ هَفْطَادِ مَرْتَبَةِ سُوءِ حَمْدِ **دُو بَسْمِ**
بِحَاءِ رُكْعَتِ بِأَحْمَدٍ وَتَوْحِيدِ وَمَعُوذَتَيْنِ تَسْرِيكَ

بکلمه

بیک مرتبه **سیتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست
و پنج مرتبه توحید **چهارم** چهل رکعت در هر رکعت
حمد و بیست و پنج مرتبه توحید **پنجم** دو رکعت در
هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از
نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد **ششم**
چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید **هفتم**
دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید **هشتم**
دو رکعت در هر رکعت اول حمد و ایه امن الرسول تا آخر
سوره و پانزده مرتبه توحید و در دویم حمد و ایه قل
انما انا بشر مثلكم و پانزده مرتبه توحید **نهم** چهار
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره اذا جاء نصر
الله **دهم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و ایه لکن
بیک مرتبه و سوره انا اعطيناک الکوثر سه مرتبه
یازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
قل یا ایها الکافرون **دوازدهم** دوازده رکعت در هر
رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهم الکاکر **سیزدهم**
دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره و
التین **چهاردهم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و
پنج مرتبه سوره والعصر **پانزدهم** چهار رکعت در

میان نماز شام و حضرت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
 توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و
 ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا
 و بیست و یک مرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله
 الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء
 قدیر **شانزدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه
 ایة الکرسی و پانزده مرتبه توحید **هفدهم** دو رکعت
 در هر رکعت حمد و هفتاد و یک مرتبه توحید و بعد
 از نماز هفتاد مرتبه استغفار **هجدهم** ده رکعت
 در هر رکعت حمد و پنج مرتبه توحید **دویزدهم** دو رکعت
 در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه ایة قل اللهم ما لک
 الملک **بیست** چهار رکعت در هر رکعت حمد و پانزده
 مرتبه سوره اذا جاء نصر الله **بیست یکم** هشت رکعت
 در هر رکعت حمد و یک مرتبه توحید و معوذتین **بیست**
دویم دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه قل
 یا ایها الکافرین و پانزده مرتبه توحید **بیست و یکم**
 سی رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره اذا
 جاء نصر الله **بیست و دویم** دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه
 سوره اذا جاء نصر الله **بیست و سیم** ده رکعت در هر

رَكَعَتِ حَمْدٍ وَبِكْرَتِهِ سُبُوْحُ الْهَيْكَلِ التَّكَاثُرِ **بِسْمِ اللَّهِ**
 دُوْرُ رَكَعَتِ دَرْ هَرْ رَكَعَتِ حَمْدٌ وَدَهْ مَرْتَبَهٗ اِبْرَاهِيْمَ اَمِيْنُ الرَّسُوْلِ
بِسْمِ اللَّهِ دُوْرُ رَكَعَتِ دَرْ هَرْ رَكَعَتِ حَمْدٌ وَدَهْ مَرْتَبَهٗ
 سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ اِلَاعِلَى **بِسْمِ اللَّهِ** چَهَارِ رَكَعَتِ دَرْ هَرْ
 رَكَعَتِ حَمْدٍ وَبِكْرَتِهِ تَوْحِيْدٌ وَمَعُوْدَتَيْنِ **بِسْمِ اللَّهِ**
 رَكَعَتِ دَرْ هَرْ رَكَعَتِ حَمْدٍ وَهَرْ بِرَبِّكَ اِزْ اَلْهَيْكَلِ التَّكَاثُرِ
 تَوْحِيْدٌ وَمَعُوْدَتَيْنِ دَهْ مَرْتَبَهٗ **سُبُوْحُ** دُوْرُ رَكَعَتِ دَرْ
 رَكَعَتِ حَمْدٌ وَدَهْ مَرْتَبَهٗ سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ اِلَاعِلَى وَبَعْدُ
 اِزْ سَلَامِ صَدِّ مَرْتَبَهٗ اَللّٰهُمَّ صِلْ عَلٰى اَحْمَدٍ وَ اَلْحَمْدِ

بِسْمِ اللَّهِ
بَارِكِيْٓٓ بِيَا جَمَلِيْٓٓ اَفْضَالِيْٓٓ مَا مَبَارِكِيْٓٓ مَضِيْٓٓ

وَدَر اَنْ هَشْتِ فَصَلِّ اسْتِ فَصَلِّ **اَوَّلِ** دَرْ بِيَانِ فَضِيْلَتِ
 اِيْنَا مَهْ مَبَارِكِيْٓٓ بَارِكِيْٓٓ دَا اِيْنِٓٓ كِهْ مَاهِ رَمَضَانَ مَاهِ خُدَا
 عَالَمِ بَانَسْتِ وَ شَرَفِيْٓٓرِيْنِ مَاهِ هَسْتِ چِنَا چِهْ
 مَعْتَبَرِ اَزْ حَضْرَتِ مَامِ رِضَا رَوَا اِيْتِ كِرْدَهٗ اَنْدَكِهْ حَضْرَتِ
 رَسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَرْ اَخْرَاجِ مَاهِ شَعْبَانَ خُطْبَهٗ
 خَوَانَدَنْدِ وَ فَرْمُوْدَنْدِ **اَيُّهَا النَّاسُ** بَدْرُ سَتِيْٓٓ كِهْ رُوْ كِرْدَهٗ
 اسْتِ بِيُوِيْ شَمَا مَاهِ خُدَا بَارِكِيْٓٓ وَ رَحْمَتِ وَ اَمْرِيْٓٓ
 مَا هِيْسْتِ كِهْ تُوْرُ خُدَا بَهْسْتَرِيْنِ مَاهِ هَسْتِ وَ رُوْ زَهَابِيْٓٓ

بهترین روزهاست و شبهاش بهترین شبهاست
و ساعتهاى آن بهترین ساعتهاست آن ماهیست که
خوانده اند شما در آن بسوی ضیافت خدا و کود پند
در آن از اهل کرامت خدا نفعهای شما در آن ثواب بسیار
دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن
مقبولست و دعاهاى شما در آن مستجابست پس سؤال
کنند از پروردگار خود به نیتهای درست و دلهای پاکیزه
از گناهان و صفات ذمیه که توفیق هدایت شما را برای
روز داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی
که شقی بدعاقت کسی است که محروم کرد از امرش خدا
در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی تشنگی شما در این ماه
گرسنگی تشنگی و زقیامت را و تصدق کنید بر فقیران
و مسکینان خود و تعظیم نماید پیران خود را و رحم
کند کودکان خود را و نوازش نماید خویشان خود را
و نگاه دارد زبانهای خود را از آنچه نباید گفت و بیو
دیدههای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن
بسوی آن و باز دارد گوشهای از آنچه حلال نیست شما را
شنیدن آن و مهر بازی کنید با یتیمان مردم تا مهر بازی
کند بعد از شما با یتیمان شما و باز گشت کند بسوی

خدا از کفایان خود و بلند کند بسوی خدا دستهای
 خود را بدو عباد را و اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نماز
 بهترین ساعتهاست نظر میکنند حق تعالی در این اوقات
 بر رحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را
 هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگویند ایشان را هرگاه
 او را ندا کنند و مستجاب میگردد اند هرگاه او را دعا کنند
 ایگروه مژمان بدرستی که جانهای شما در گرفتارند
 شماست پس از گرفتار او برید بطلب آرزوی از خدا و
 پشتمای شما گران بار است از کفایان شما پس سبک گردانید
 آن را بطول دادن سجدهها و بدانید که حق تعالی سؤ کند
 یا در کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز گذارندگان
 و سجده کنندگان و ترساند ایشان را بالتوجهت در روز
 قیامت **ایها الناس** هر که از شما افطار نماید روزی دارم مؤمنان
 از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده از او گرفتار
 و امرزش کفایان گذشت پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول
 الله ما همه قدرت بر آن نداریم حضرت فرمود که هر هیزید
 از التوجهت با فطار فرمودن روزی داران اگر چه به
 نصف آن خرما باشد اگر چه بیگ شربت آب باشد
 بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند

اگر فادری برز پادۀ بر این نباشد **ایها الناس** هر که خلق خود را
در این ماه نیکو کرد بر صراط بگذرد در روزی که قدمها
بر آن لغزید و هر که سبک کرد در این ماه خدمت غلام
و کینز خود را حق تعالی رقیامت حساب و حساب و انسان
کرد اند و هر که در این ماه شر خود را از مردم باز دارد و حق تعالی
در رقیامت غضب خود را از او باز دارد و هر که در این ماه
یتیم بی پدری را کرامتی را بخشد او را در رقیامت کرامتی
دارد و هر که در این ماه صلۀ و احسان کند با خویشان
خود خدا وصل کند و بر رحمت خود در رقیامت و هر که
در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدا
عز و جل و رقیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که
نماز سنتی در این ماه بکند حق تعالی برات پبزاری برای
او از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز واجب را
ادا کند خدا عطا کند با و ثواب هفتاد نماز واجب که
در ماههای دیگر کرده شود و هر که در این ماه صلوات
بسیار بفرستد بر من و بر آل من خدا سنگین کرداند
ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال
سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن در این ماه بخواند
ثواب کسبی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن

کرده باشد **لها الناس** بدرستی که درهای بهشت در این ماه
 گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی
 شما نه بندد و درهای جهنم بر روی شما در این ماه بسته
 است از خدا سؤال کنید که بر شما نکشاید و شیاطین را
 در این ماه غل میکند سؤال کنید از پروردگار خود که هرگز
 بر شما مسلط نکند **و اَيْضًا** از حضرت امیرالمؤمنین
 منقولست که در ماه رمضان خبیه خوانند و فرمودند
اَيُّهَا النَّاسُ این ماه است که خدا او را بر سایر ماهها فضیلت
 و زیادتى داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر
 سایر مردم و در این ماه کسوفه میشود درهای آسمان و درهای
 بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم
 و در این ماه شنیده میشود نداهاى مؤمنان و مستجاب
 میگردد دعاهاى ایشان و رحم میکنند کز بچهای ایشان
 را و در این ماه شبى هست که مثلشک از آسمان بر زمین می آید
 و سلام میکنند بر مردان و زنان رؤف دار بر خست
 پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که
 حق تعالی مقدر کرده است در آن شب لایق است
 سرایش از آنکه آدم خلق کند بدو هزار سال عبادت
 انبیا بهتر است از عبادت هزار ماه و رؤف داشتن

روز شنبه بر آنست از روز هفتاد ماه **بها الناس** بدرستی که
افزاینده ای ماه رمضان و ماههای آن طالع میشوند بر مردان
و زنان روز دوازده رحمت و اینماه شما مانند ماههای
دیگر نیست روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش
بهترین شبهاست و دیوان و سباطین در اینماه غل
کرده در زندانند و زبانه میکنند خدا در اینماه روزها
و عمرها را و مینویسد و مقدر میکند در اینماه حاجت
بیت الله را و در اینماه حق تعالی و میکند بسوی اهل
ایمان بامزش و فیروزی و رحمت و روزی و خوش
نودی خداوند بخرد هبند ای روز دوازده بدر
کار خود بکن بدرستی که در اینماه مهمان پروردگار خود
نظر کن و قائل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و
روز خود و چگونه نگاه داری اعضا و جوارح خود را از
معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب
نباشی و روزها از یاد خدا غافل نباشی پس بیرون
رو ماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس هنگامی
که روز دوازده از آن مردهای خود را بگردانند تو از جمله زبان
گازان باشی در وقتی که بگرمای خود فایز گردند
تو از جمله محرومان باشی و روزی که سعادت مند گردند

بجاوردت دوست پابرورد کار خود تو از نده شده
 باشی ای رؤف دار اگر ترا ای تو از درگاه خود بر کرد
 بکنام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گردانند ترا
 پروردگار تو گوی و زی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار
 کند کی ترا گرامی خواهد داشت و اگر او ترا ذلیل کند
 کی ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واکندارد کی ترا پاری
 خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی
 کنام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او از لغزشها
 و گناهان ترا نیا مژد امید بکی خواهی داشت برای امزش
 گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانند از تو
 طلب نماید چه جوابی در برابر خواهی گفتی رؤف دار
 تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در آنها
 و روزهای اینها زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده است
 که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت
 میکنند برای آنها که تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند
 بر درجات بهشت بقدر تلاوت ابان قرآن ای رؤف
 دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در اینها میکنی ثواب
 تسبیحی در نامه عمل تو میبندد و خواب تو در اینها
 عبادت و طاعت تو در اینها مقبولست و گناهان

تو در این ماه امرزیده است و او ازهای تو در این ماه پدعا
شبنم شد است و بمناجات و زاری که با خدا
میگویی بر تو رحم میکند بد رستی که شنبدم از حَبیب
خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خداوند عالم است
زاد در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان از کردهها
از آن جهتم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند
چون شب آخر میشود در آن شب می مرزد مثل آنچه در
جمیع ماه امرزیده است **و ایضا** فرمود که هر که ماه رمضان
را روزی بدارد و نفس خود را از چیزهایی که خدا حرام
کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب کرده و
هر که در این ماه روزی دارد و هیچ شب از شبهای آن بر
حرام اطوار نکند البته داخل بهشت شود پس حضرت
امیر فرمود که شنبدم از سیدان نبیا که فرمود که بهترین
اوصیای پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهند شد
گفتم که بهترین ماهها کدام است فرمود بهترین ماهها
رمضان است و بهترین اوصیای توئی گفتم یا رسول الله
البتة خواهد شد حضرت فرمود بلی بگو برورد کارم
بد رستی که بر آن کینه میشود بد بخت ترین امت من
جفت پی کند ناقه صالح و صر بیتی بر سر تو خواهد زد

که پیش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع
 بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر نزل آمد و **ابصار** از
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست بسندهای
 معتبره که فرمود اینها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان
 پس روزه دارد روزی از او بایستد بنماز و عبادت قدر
 مقرری از شب نمازها را در اوقات فصیلت بخاورد
 و میبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز عیدان
 حاضر شود پس در پانته خواهد بود شب قدر را و قاپز
 منکر در بجایزها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا
 مانند بخششهای نیکان نیست **فصل در بیان حقیقت**
روز است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزی که
 داشتن خود است ز چیزی چند که روزی را باطل میکند
 و میسکند از طلوع صبح تا بر طرفشدن سرخی قناب از
 جانب مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص قناب از
 کوهها و عمارات بر تفرعه و قول قول احوط است باینست
 قرینه پس باید که بدانند آن چیزها را تا نیست تواند کرد چون
 میان علما خلافت در آنها اگر قصد کند ترک همه را
 از برای رضای خدا ظاهر کافی باشد ما بهتر است که آنچه
 متیقن باشد و خوب ترک آنها قصد ترک آنها کند

احتیاطاً و آنچه بدغدغه مکرره باشد قصد ترک آنها کند
 مستحباً و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است
اما آنها که واجبست ترک آنها کردن **اول** **سوم** چیزی
 خوردن و آشامیدنست و موجب قضا و كفاره هر دو
 میکند اگر بعنوان معتاد بخورد یا مانند آنکه در دماغ
 یا گوش چیزی بچکاند و در حلق داخل شود محل خلافت
 و همچنین خلافت در خوردن و آشامیدن چیزی چند
 که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند
 سنگ و چوب و کلاه و خاک و آب فشره شده از کلاههای
 غیر معتاد و اظهار است که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از
 آن واجبست و احوط است که اگر بکند قضا و كفاره بعمل
 آورد **سوم** جماع کردن در قبل زنت مطلقاً خواه انزال
 بشود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و كفاره میشود بخلاف
 و جماع در دبر زن هرگاه انزال بشود روزی را باطل میکند
 و قضا و كفاره لازم میشود و مشهور است که جماع در دبر
 زن بدون انزال نیز روزی را باطل میکند و موجب قضا و
 كفاره است و بعضی مبطل میدانند و اول آقوبت
چهارم باقی ماندنست بر جنابت ناصح و اشهر اقوی
 است که مبطل است و موجب قضا و كفاره است و بعضی

مبطل ندانسته اند و بعضی علماء قضاى آنها واجب دانسته اند
 و احوط آنست که موجب قضا و کفای و بطلان صوم است
 و اگر زن طایفه ای شود پیش از صبح غسل کند و آن روز
 را روز بدارد و قضا نیز کند و اگر جنب غسل متعذر
 باشد احوط آنست که تیمم کند و تیمم را بشکند تا صبح شود
 و خواب و واجب در حالی که نیت غسل کردن داشته
 باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است و مشهور
 آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضاى آن روز بر او واجب
 نیست و بعضی واجب دانسته اند و این احوط است و مشهور
 آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد
 بر او قضا و کفای هر دو لازم است و این احوط است
 اگر چه در دلیلش سخن هست و مشهور در خواب و تیمم
 و جوب قضا است و این قول قوی است بلکه در آن
 خلافى نیست و بعضی از اصحاب اعتقاد آنست که در
 خواب تیمم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفای هر دو
 لازم است و اقوی عدم و جوب کفای است و بعضی از
 متأخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از بیدار شدن
 از احتلام حکم خواب و تیمم دارد چنانچه والدیه حرم فقیر
 اختیار نمود و این احوط است بلکه خالی از قوت نیست

و لیکن در روزهای غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافت
 که ایا بابد که صبح را پاک در بابد یا نه و حق اینست که در
 قضای ماه رمضان میباید که صبح جنب نباشد و در غیر
 قضا احوط آنست که اگر صبح ظاهر نباشد و واجب معین
 نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد از روز
 را روزه بدارد و قضا نیز بکند اما اگر عمد کرده باشد در
 نیت که کفان در کار نباشد و اگر بدهد احوط است
 در روز سنت که بر جنابت عمداً بماند تا صبح و پیش از زوال
 غسل بکند و نیت روزه بکند بمان فقیر روزه اش صحیح
 و در واجب معین اگر عمدتاً نیت ترک کند و پیش از زوال نیت
 کند شهوات آنست که روزه اش باطلست و قضا میکند و
 کفان واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک
 کند تا زوال نیت میتواند کرده و در واجب غیر معین تا زوال
 نیت میتواند کرد اگر چه قضای ماه مبارک رمضان نباشد
 و در روز سنت خلافت نیست اگر چه در شب نیت کرده
 باشد و فطری بعمل نیآورده باشد و بعد از زوال نیت
 خلافت بعضی گفته اند بعد از زوال نیت کند ثواب
 روزه بعد از نیت تا شام را می بابد **پنجم** رسانیدن
 غبار غلط است بخلق و بعضی نیز موجب قضا و کفان

میدانند و بعضی قضای آنها و بجان فقیر است که مبطل
 نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین
 ملحوظ ساخته اند بعبارة غلط و دود غلط و بخار غلط که
 از آن اجزا مفصل شود چون دود تنباکو و بخار ردبک و
 اظهار عدم بطلان است و احوط اجتناب است حتی از دود تنباکو
ششم است مناسبت بعبق طلب نزول نبی کریم با حصول
 آن موجب قضا و کفای است مشهور است که هرگاه
 ملامت و ملاعبه کند و انزال شود در وقت او باطل
 و قضا و کفای لازم میشود و بعضی در آن تأمل نموده اند
 خصوصاً وقتیکه نسبت بحلال خود باشد و عادت او
 انزال نباشد و احوط و اقوی قضا و کفای است مطلقاً
 و در نظر کردن بزین حلال با حرام یا صدای نر اسپند
 یا بخیاں خود در آوردن هرگاه با عیث مدنی می شود و
 قصد انزال نداشته باشد و بیان معتاد نباشد خلاف
 است و اظهار عدم وجوب قضا و کفای است **هفتم** بی
 کردن است عمداً و اکثر موجب قضای آنها میدانند و بعضی
 قضا و کفای هر دو واجب میدانند و بعضی هیچیک را
 واجب میدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضا
 تنها خالی از قوتی نیست و مشهور است که بی هرگاه

با اختیارا بدبر او قضا نیست و بعضی قضا را واجب دانسته
 اند و این قول ضعیف است **هشتم** حقنه است و بعضی
 موجب قضا و کفان هر دو دانسته اند و بعضی موجب
 قضای تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچیک ندانسته
 اند و بعضی حقنه جامد را مانند شپاف مکره دانسته
 اند و این اقویست و احوط آنست بدون ضرورت
 حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا کند و اشهر و اقوی
 آنست که چکا بندن در او در گوش موجب قضا و صوم
 نمیشود و سقوط در بینی هرگز تعدی بجای نکند اقوی
 آنست که جایز است و بعضی موجب قضا و کفان دانسته
 اند و اگر بجای رسد احوط اجتناب است **نهم** دروغ
 گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
 علیهم است بآنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله
 خلاف واقعی بگوید بلکه کسیکه اهل بیت مسئله گفتن
 را ندانسته باشد مسئله بگوید در حرمت آن شکی نیست
 و بعضی دروغ موجب قضا و کفان هر دو میدانند و
 بعضی گفته اند موجب قضا و صوم نمیشود و خالی از
 قوی نیست و احوط آنست که اگر بکند قضا بکند و کفان
 بدهد **دهم** سرفرو بردن در آب است و جمعی از اوجب

قضا و کفاره میدانند و بعضی موجب قضای آنها نیستند
 و بعضی حرام میدانند و موجب هیچک نمیدانند و
 بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمت است و عدم وجوب
 قضا و کفایت و بعضی گفته اند که اگر سر را باب فرو
 برد منافذ سرد قعه منابت موی بیرون باشد باز حکم
 از تمام نذر و این احوط است و احوط است که در نزد
 سنت نیز سر را باب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط
 ترک است **یا زوجه** بلخی که از سینه بر آید یا از دماغ فرود
 آید در فرو بردن آن علماء را سه قول است **اول** جواز
 ابتلاع آنچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن منفصل
 نشود و عدم جواز آن قسم دیگر **دو** **دو** جواز ابتلاع هر دو
 قسم مادام که بدهن نرسد و محترم ابتلاع هر دو همگانه
 بدهن نرسد **سیم** جواز کشیدن از سینه و سر و جواز
 فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بقساد
 کرده اند و بعضی بقضای آنها قایل شده اند و بعضی کفایت
 را نیز واجب میدانند و بعضی بکفایت جمع قایل شده اند
 و گمان فقیر است که هیچک لازم نمیشود اما احتیاط
 است که بعد از آن که بقضای دهن بیاید فرو نبرد
دوازدهم مشهور میان علماء است که مکروه است که

زن روف دار میان اب بنشینند و بعضی گفته اند که هر گاه
 تا کرباب بنشینند قضا بر او لازم است و بعضی گفته اند
 را نیز لازم دانسته اند و اول ظاهر است و در خابدن
 قند زان و مصطکی که ابش را فرود برند بعضی حرام دانسته
 اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و ظاهر جواز است و مشهور
 میان علما آنست که اگر کسی کمان داشته باشد که شب باقی
 است بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن
 و آشامیدن تا صبح مشخص نشود و اگر معلوم شود که صبح
 بوده است آن وقت که خورده و آشامیده اگر ملاحظه کرده
 باشد و خورده باشد قضا و کفایت واجب نیست و اگر
 ملاحظه نکرده باشد و خورده باشد قضا واجب است
 و کفایت واجب نیست و اگر کسی مضغه کند جهت وضوی
 نماز واجب و آب بی اختیار بچاق او رود قضا بر او واجب
 نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر
 او واجب است و اگر عیث مضغه کند و آب بچاقش رود
 جمعی قضا را واجب ندانند و این احوط است و ظاهر
 عدم وجوبت مطلقا و در روایتی وارد شده است که
 بعد از مضغه سه مرتبه آب هفت را بپندارد و این
 احوط است **فصل پنجم** در سینه ها واجب رواست مگر در

است روف دار بوسیدن زنان و دست بر بدن ایشان
 مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و آفتاب است که گویند
 مخصوص بصورت است که اینها مخرک شهوت و باشد و خوف
 وقوع در انزال داشته باشد و مکرر هست بچشم کشیدن
 چیزی که انرا طعمی باشد که بخلق رسد یا در آن مشک باشد
 و مشهور گرایست بپروان آوردن خونیت ز بدن که باعث
 ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین
 داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکرر هست بوسیدن
 گلهای مخصوصا ترکرف بهتر است که مشک را هم نبوید و
 سایر بوهای خوش مکرر نیست بلکه سنت **و از حضرت**
 صادق منقولست که طیب تحفه صایم است و فرمود که هر
 روف دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل
 نکردد و آنهمه فرافونی است که بوسیدن رایحه غلیظ مفطر است
 و بعضی گفته اند بوسیدن رایحه غلیظ که بچوب سد حواس
 قضا و کفایت میشود و احوط است که بوی خوش سایدند
 که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایق وارد شده است
 و مکرر هست که صایم جامه که ملاصق بدن است ترکند
 و مکرر هست زن صایمه را که در آب نشیند چنانچه
 گذشت **و از حضرت** صادق منقولست که هرگاه روف داری میان بد

رُونِ بَاشَدَ كُوشُ تُو وَ جِئِم تُو وَ مَوِی تُو وَ بُو سْت تُو وَ
 جَمِیعِ اَعْضَا ی تُو بَعْنِی از مَحْرَمَاتِ بَلَكه از مَكْرُوهَاتِ وَ فَرَمُو
 كه یَا بَد رُو ز رُونِ تُو مَانَد رُو ز اَفْطَارِ تُو نَبَاشَد **وَ اَبَّأ**
 از اَخْضَرَتِ مَنقُولَتِ كه فَرَمُو د رُونِ نَه مِهِن بَار مَانَد
 از خُورْدَنِ وَ اَشَامِیْدَنِ اَسْت تَنهَا بَلَكه یَا بَد كه رُونِ
 نَكَاه دَار بَد ز بَانَ خُورْدَا از دُرُوعِ كَفْتَنِ وَ بُو سْتَانِ بَد
 دِنْدَهَا ی خُورْدَا از حَرَامِ وَ یَا بَد بَكْرِ نَزَاعِ مَكْنِیْد وَ حَسَدِ
 اَسْرِیْدِ وَ غِیْبَتِ مَكْنِیْد وَ مَجَادَلَه مَكْنِیْد وَ سُو كَنْدِ دُرُوعِ
 مَحْرُومِ بَلَكه سُو كَنْدِ اَسْت هَم وَ دُشْنَامِ مَدِهِنْدِ وَ
 مَحْسُوكُوشِیْدِ وَ سَهْمِیْنِیْدِ وَ فِی حَرَمِی مَكْنِیْد وَ دَلِیْتِ كِ
 مَشُوبِیْدِ وَ عَاقِلِی بَاشَد اِنْ اَدَّ خُدا وَ از نَمَازِ وَ خَامُوشِ
 یَا سَبَد از اِنْجِه تَبَا پَد كَفْتِ وَ صَبْرِ كَنِیْدِ وَ اَسْت كُوبَاشِنْدِ
 وَ دُورِی كَنِیْد از اَهْلِ شَرِّ وَ اجْتِنَابِ كَنِیْد از كَفْتَارِ بَدِ دُرُوعِ
 وَ اَقْرَبِی وَ خُصُومَتِ كَرْدَنِ بَا مَرْدَمِ وَ كَمَانَ بَد بَرْدَنِ وَ
 غِیْبَتِ كَرْدَنِ وَ سَخَنِ چِپَنِی كَرْدَنِ وَ خُورْدَا مَشْرِفِ بَر خُرَفِ
 دَاشِنْدِ وَ مَن تَطَرَفِ رَجِ وَ ظَهْرُ فَا یَمِ اَلِ مَحْمَدِ بَاشِنْدِ وَ
 اَرِزَمَنْدِ ثَوَابِهَا ی اَخْرَفِ بَاشِنْدِ وَ تَوْشَه اَعْمَالِ الصَّالِحِ
 بَرای سَفَرِ اَخْرَفِ بَر دَارِ بَدِ وَ بَر شَمَا یَا دِ بَارَامِ دَلِ وَ اَرَامِ
 تَنِ وَ خُضُوعِ وَ خُشُوعِ وَ سَكَنَتِ كِ وَ مَدَلَّتِ مِثْلِ سَبَدِ

که از افای خود ترسد و ترسان باشد از عذاب خدا و امید
 دار باشد رحمت ورا و باید پاک باشد ای روز دار
 دل تواز عیبها و باطن تواز جملها و مکرها و پاکیزه باشد
 بدن تواز کسافتها و بیزار بیجوی بسوی خدا از آنچه غیر
 اوست و در روز ولایت خود را خالص کردانی ز برای
 او و خاموش باشی از آنچه خدا تعالی مپسندیده است ترا از
 آن در اشکار و پنهان و برسی از خداوند قهار آنچه سزاوار
 تر سپدن اوست در اشکار و پنهان و ببخش روح و بدن
 خود را بخدای عزوجل در ایام روز خود و فارغ گردنی
 دل خود را از باری محبت و و باد او و بدت خود را بکار و
 آنچه خدا تو را امر کرده است بدان و خوانند است بسوی
 آن اگر همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روز داشتن
 است بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه
 که کنی ز اینها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روز
 تو که میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستی که بیدرم
 گفت از رسول خدا شنیدم که زنی در روز روزی جان
 خود را دست نام داد حضرت طعاعی طلبید و آن زن را
 گفت بخور زن گفت روز دارم حضرت فرمود چگونه
 روز داری که چاره خود را دست نام دادی و آن

خورَدَن وَا شَامِدَن نَهَانِست بَد رُستِی که حَقِّعَالِی
 رُون وَا حَاجَبِی کَرْدَنِدَه از سَائِر مَوْرَقِیحَه از کَرْدَارِ بَدَن
 کَفْتَارِ بَدَجِه بَسْطَار کَنْدَرُون دَارَان و بَسْطَارَانْد
 کَر سَنکِی کَشَنْد کَانَ و حَضْرَتِ مَبْرُؤْمِیْنِ فَرْمُود که چِه
 بَسْطَار رُون دَارِی که بَطْرَه بِنِست او را از رُون بَعْبَرِز
 لَشَنکِی و کَر سَنکِی چِه بَسْطَار عِبَادَت کَنْدَه که بَطْرَه بِنِست
 او را از عِبَادَت بَعْبَرِز تَعَبُّی خُوشْخُواب ز بَر کَانَ
 که بَطْرَه اسْت از بَسْطَارِی عِبَادَتِ اِحْمَقَانَ و خُوشْا اَفْطَار
 کَر دَن ز بَر کَانَ که بَطْرَه اسْت از رُون دَاشْتَن بَیْجَر دَان ز
 که خُواب مَقْبَرِیَان چُون بَدَت صَحْح و قَلْب طَاهِر و اَیْضاً مَبْشُوم
 از جَمْلَه عِبَادَاتِ اِبْشَانَت بَلْکَه اَرْوَاحِ اِبْشَانِ دَرْ عَالَمِ
 قُدْسِ بَا اَرْوَاحِ اَنْبِیَا وَا وِصْبَا وَا خَلَصِ مَوْمِنِیْنِ مَحْشُور
 مَبْکَر دَنْد و بَر اَسْرَارِ غِیْبِ بَر و بَا ی صِنَادِ قَه مَطْلَعِ مَبْکَر دَنْد
 و دَاهِی ز رَاهِی فَر بَا اِبْشَانَتِ و اَفْطَارِ خُورْد مَنْدَا
 چُون از رُوی دَانَا بِنِست و بَو جَمِی که حَقِّعَالِی خُواسْتَه
 اَفْطَارِ مَنِمَا یَنْد بَطْرَه اسْت از رُوز هَا ی اِحْمَقَانَ که
 رُون زَادَسْت کَاه خُود فَر و شِی کَر دَه اَنْد و بَر بَا و عَجَب
 مَمْرُوج کَر دَه اَنْد و بَشْر اِیْطِ صُوم عَمَلِ مَبْکَنْد **تَصْلِی حَیْطَار**
 دَرْ بَیْآنِ شَر اِیْطِ وَا دَابِ خُولِ مَاهِ مَبَارِکِ رَمَضَانَ اسْت

سُنَّتَتْ طَلَبُ هَلَالِ مَاهِ رَمَضَانَ وَبَعْضِي وَاجِبٌ أَنْتَه
 اَنْدُوا **وَأَجْزَرًا** اِنَامَ جَعْفَرُ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقُولَتْ كَه
 چُون هَلَالِ مَاهِ رَمَضَانَ زَادِ بَدِي سَاهِرَه كَنْ بَسُوِي هَلَالِ
 وَرُوْبِقْبَلَه كَنْ وَدَسْتَه نَاهِ اَبَسُوِي خُنَا بَلَنْد كَنْ وَخَطَا
 كُنْ مَاهِ زَارِ بِي وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ اَللّهُمَّ

و بگوئی در روزگار من در روزگار تو همدای در روزگار عثمان خداوند را

اِهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْاِيْمَانِ وَالْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَ

طالع کردن آن آزارها با یمنی در ایمان و سلمتی

اَلْاِسْلَامِ وَالْمَسَارِعَةَ اِلَى مَا حَبَّبَتْ رُبِّي اَللّهُمَّ

اسلام دست داشتن بوی آنکه دوست داری و پسند می دهی

بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ

برکت ده ما را در ماه ما این ماه در روزی کن ما را چیزی آن چه دوست داری

وَاصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ وَفِتْنَتَهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ

فکر کردن ازنا بدی آنرا داشته آنرا بدی آنرا و نهیب آنرا

وَلْجَبْتَرِيْنَ دُعَاهَا دُعَايَ صَحِيْفَةِ كَامِلَةَ اَسْتَبْرَقِ بْنِ عَقِيْلٍ

رَحِمَهُ اللهُ اَيْنِدُ غَارِ اَدْرِوَقْتِ رُوْبِي الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

هلال ماه مبارک واجب استندند بیاس و خداوند است

خَلَقَنِي فِي خَلْقِكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَجَعَلَ لَكَ

در بسته بدونه او آنکه مرا و نصیبتر کرد منزه های ترا کرده است ترا

مَوَاقِيتِ اللَّيَالِي لِلَّهِمَّ اهْتَمُّ عَلَيْنَا إِهْمَالًا

و قضا از برای مردمان خداوند را طالع کردن اهل دار را بلاط

مُبَارَكًا اللَّهُمَّ ادْخُلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ

ببرکت خداوند اورا آور آنرا بر ما سبب در اسلام

وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالتَّوْفِيقِ

و یقین و ایمان و برکت و تقوی و توفیق

لِمَا تَحِبُّ وَتَرْضَى وَدَرِّ شَبَّوْلٍ مَاءٍ جَمَاعٍ بِاحْلَالِ

بر آنچه دوست دارید و پسندید خود دستانت و غسل در شب و ل

مَاءِ رَمَضَانَ دَرِّ ظَهْرِ جَارِي سُنَّتِ **كَاخْرَضِ** صَادِقِ عَلَيْهِ

السَّلَامِ مَقُولَتِ كَه تَهْر كَه غَسْل كِنْد دَر شَبَّوْل مَاءِ رَمَضَانَ

دَر ظَهْرِ جَارِي وَ سَمِي كَفَّ بِبَرَسَر بَرَبْر بِاطْمَهَار مَعْنَوِي

بَاشَد تَا مَاءِ رَمَضَانَ **وَرَجَبِ** دِي كَه فَر مَوْد كَه تَهْر كَه

دَر شَبَّوْل مَاءِ رَمَضَانَ غَسْل كِنْد خَارِش بَدَن دَرَان

سَال بَاو نَرَسَد **وَبَضَا** مَقُولَتِ كَه جُون مَاءِ رَمَضَانَ

ذَاخِل مَبَشَد حَضْرَتِ صَادِقِ فَر زَنَدَان خُو دَرَا وَصَبْتِ

مَبَقَر مَوْد كَه اَهْتِمَام كِنْد وَ سَعِي نَمَا بَد دَر اِنْيَاه دَر عِبَادَتِ

كَه دَر اِنْيَاه رُو ز هَا قَسَمَتِ مَبَشُو دَر وَا جَلَهَا وَ عَمَرَهَا

نُوشْتِه مَبَشُو دَر وَا جِبَادَتِ دَر اِنْيَاه مَقَدَر مَبَشُونَد وَ دَر

اِنْيَاه شَبِي هَسْتِ كَه بَهتر است از هزار ماه و از حضرت

امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان با استغفار
 و دعا بد رستی که دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار
 محو میکند گناهان شما و از زیارت حضرت امام حسین
 در شب اول ماه سنتت **و حضرت صادق** منقولست
 که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب مهیا یا شب آخر
 زیارت حضرت میکند گناهان او بریزد مانند ترک از
 درختان و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر
 متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند
و ایضا از حضرت منقولست که هر که در هر شب بنام
 سوره انافحات در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها
 محفوظ گردد و بر او بیت دیگر از حضرت منقولست که
 هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بخواند
 و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال
 کند که حق تعالی کفایت شرور بکند خدا او را کفایت
 از آنچه بترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه میترسد
 و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و
 سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در اول ماه
 نیت روز تمام ماه را بکند و باز هر شب نیت کند
 بهتر است و نیت چنین کند که قصد کند که شر او را

ماه رمضان میدارم واجب قبره الى الله ودر روز اول
 ماه سنتت که غسل کند در آب جاری و سه کف آب
 بر سر بریزد **و از حضرت** صادق علیه السلام منقولست که چون
 اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام
 سال این باشد **و بضم** از حضرت منقولست که هر که
 در روز اول این ماه کفی از کلاب بر بزند از خواری و پریشانی
 نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از بلاها ایمن
 گردد و هر که یک کف از کلاب بر سر بریزد در آن سال
 از مرض سه ساهم ایمن گردد **و بسند** معتبر از حضرت
 امام محمد تقی منقولست که هر که در اول هر ماه دو رکعت
 نماز بکند و در هر رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه آقا
 انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق بکند با پنجه میس
 شود سلامتی آن ماه را خریدار است **اللهم قد حضرت**
 و در روز اول این دعا سننتست **سند او امام است**

شهر رمضان و قد افترضت علينا صيامه
ماه رمضان و حقیق که در هر کس که برای ما آورده اند

و أنزلت فيه القرآن هدى للناس و
در روز نهمای در آن قرآن را *را تا می برای هر کس که*

بينات من الهدى و الفرقان اللهم اغننا
چهارم می در آن از هر کس و بعد از آن یعنی از اهل خداوند را که

عَلَى صِيَامِهِ وَتَقْبَلُهُ مِنَّا وَتَسَلِّمُهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا

بر روزه داشتن این دوستان از خداوند و سلام در روز اربعه ماه مبارک

فِي سَيْرِ مَنِكَ وَعَافِيَةِ لِنَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

در روزگاری از تو در هر کاری تو را بر ما مهربان و توانا

وَإَيْضًا إِذْ حَضَرَتْ صَادِقٌ مِّنْ قَوْلِكَ كَمَا جَاءَ مِنْهُ مَبَارَكٌ

وَإِذَا خَلَّ بِكَ حَضَرَتْ رَسُولٌ أَيْدِ عَادًا مَبْجُوهًا نَدُّ

اللَّهِمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اللَّهُمَّ

خدایا در روزگاری که در ماه مبارک رمضان خداوند را

رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ

پروردگاری ماه رمضان که در آن ماه قرآن را

وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

و تو را روشن کردی از راههای هدایت و جدا کننده حق از باطل

اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَعِنَّا

خدایا در این ماه مبارک در روزگاری ما را یاری کن

عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ وَتَقْبَلُهُ مِنَّا وَإَيْضًا

بر روزه داشتن این دوستان و نماز آن دوستان از خداوند

إِذْ حَضَرَتْ صَادِقٌ مِّنْ قَوْلِكَ كَمَا جَاءَ مِنْهُ مَبَارَكٌ

وَإِذَا خَلَّ بِكَ حَضَرَتْ رَسُولٌ أَيْدِ عَادًا مَبْجُوهًا نَدُّ

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اللَّهُمَّ

خدایا در روزگاری که در ماه مبارک رمضان خداوند را

رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ

پروردگاری ماه رمضان که در آن ماه قرآن را

وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

و تو را روشن کردی از راههای هدایت و جدا کننده حق از باطل

اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَعِنَّا

خدایا در این ماه مبارک در روزگاری ما را یاری کن

دُعای صحیفه کامله را بخوانند که بهترین دعاهاست
کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح
روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که
در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه
چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که
این دعا را از برای رضای حق تعالی و بی شائبه اغراض
فاسده و ریاجواند در انسال با او نرسد فتنه و کراهی و
نراستی که ضرر رساند بدین او یا بدین او و حق تعالی او را
حفظ کند از شر ایچه در آن سال واقع اللهم لا یق

شود از بلاها و **دُعای نیست** *مداود در سنن کلینی*

است **تِلْكَ بِاسْمِكَ الَّذِي ذَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ**

بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ

الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ

كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَ

بِحِرْمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي

أَخَاطِبُ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ

شَيْءٍ

شَيْءٍ

شَيْءٍ

شَيْءٍ

شَيْءٍ

شَيْءٍ

شَيْءٍ يَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنَ صَلِّ عَلَيَّ

جری ای باقی بود ز هر چیزی دیگر ای رحمن هر که است

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَعْبِرُ

محمد و آل محمد و ما از زوای من که با آن

الْيَتَمَّ وَاعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النِّقَمَ

تغیر را و ما از زوای من که با آن را که نازل میگردد عذاب را

وَاعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ

ما از زوای من که با آن را که میبرد امید را

اعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَدْبِلُ الْأَعْدَاءَ وَ

ما از زوای من که با آن را که غایب و از دوستان را

اعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدَّعَاءَ وَاعْفِرْ

ما از زوای من که با آن را که رد میکند دعا او را

لِي الذَّنُوبَ الَّتِي يَسْتَحِقُّ بِهَا نَزُولَ الْبَلَاءِ وَ

زای من که با آن را که مستحق میشود از آمدن آفت

اعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَجْلِسُ عِنْتَ السَّمَاءِ

ما از زوای من که با آن را که جیست در این آسمان

وَاعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْعِظَاءَ وَ

ما از زوای من که با آن را که زایل میکند عیب را

اعْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَعْجِلُ الْفَنَاءَ وَاعْفِرْ

ما از زوای من که با آن را که زودتر از وقت او را

لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَوْرِثُ السُّدَمَ وَاعْفِرْ لِي

زای من که با آن را که درصفت می آورد بسختی را

الذَّنُوبَ الَّتِي لَهَتْكَ الْعِصَمَ وَالْبُسُودَ رِعَاكَ

که با آن را که برود ای عصمت را و بپوشد از مرا زنده

الْحَصْبَةَ الَّتِي لَا تَرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ

محمد حوزا که تقدیمند دعوت ده هزار شکر بگویند

بِالدَّلِيلِ وَالتَّهَارُفِي مُسْتَقْبِلِ سَنَتِي هَذِهِ

در وقت در روز در سینه سال من از سال

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ

خداوند آسمانها و زمینها است سمانی همکار در روزگار زمینها

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ

همکار در آنچه در آسمانها و آنچه در زمینهاست در روزگار عرش

الْعَظِيمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ

بزرگ در روزگار هفت گانه سمان در زمان بزرگ و

رَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرِيلَ وَرَبَّ

پروردگار اسرافیل میکائیل و جبرئیل و پروردگار

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ

محمد رحمت رحمت خدا بر او و آل او بزرگ است در میان

وَخَاتِمِ الْبَيْتِينَ اسْأَلُكَ بِكَ وَمَا سَمَّيْتَ

در آخر بیتان سوال میکنم ترا بچند نود و پنج ساله

بِهِ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي مَنَّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ

ای بزرگ تو مانع میشی بزرگ را از دفع

كُلَّ مَحْذُورٍ وَتَعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتَضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ

در خوبی و دفع میزاید هر عیبی را و در بدی هر بدی

بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا

بزرگ در بسیار و میکنی آنچه میخواهی ای

قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ

نوازا ایکنده رحمت رحمت بر محمد و اهل

بَيْتِهِ وَاللَّيْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذَا سِتْرَكَ

بیت او بیست و نه روز استده سال من این سال برده خود را

وَنُضْرَ وَجْهِي نُورَكَ وَاجِبِي مَحَبَّتَكَ وَبَلْغَنِي

در حق من آن روی را بپوش خود در دست درم امدوستی خود در سران را

رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ

بگوشتنای خود در او را شرف من خود عظیم تر از خود

وَاعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ

و عطا کن مرا بهترین او که نزد است از همه آنچه تو

مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاللَّيْنِي مَعَ ذَلِكَ

عطا فرما از آنرا بیکی از خلق خود بیست و نه روز مرا بپوش آن

عَافِيَّتَكَ يَا مُوَضِّعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ

حالت خود را ای در نگاه هر گناهیت ای ای حاضر

جَعْوَى وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا نَشَاءُ

راز دای دای عالمی هر نهانی دای دفع کننده هر آنچه خواهی

مِنْ بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوْفَنِي

از عیب ای بزرگ عفو ای بس که بگذرد بمر آن را

عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ

بر طاعت ابراهیم و بر دین او در دین محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوَسَّيْتَهُ وَعَلَى خَيْرِ

بر حق و سسته خدا بر او و آل او در وطن او و بر بهترین

الْوَفَاةِ تَوْفَنِي مَوْلِيَا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَاذِكَ

مردمان ای بر آنرا امان از هر گناهیست از همه دشمنان بر او که کنی در او

لَا عُدَاةَ لَكَ اللَّهُمَّ وَجِئْتَنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ

از دشمنان ترا خداوند او در این سال

كَلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ أَجَلْبَنِي

هر کار واری یا گفتاری یا فعلی که دور کند از من را دور کن از من

إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ

کو هر کاری یا گفتاری یا فعلی که نزدیک کند مرا به تو

فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي

در این سال ای مهربانترین مهربانانان و بازدار مرا

مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ

از هر کاری یا گفتاری یا فعلی که صادر شود از من بترسم

ضَرَرًا عَاقِبَتَهُ وَأَخَافُ مَقْتَكَ يَا بَاقِيَ عِلْمِي

مضر عاقبت آنرا و ترسم از ستم تو ای باقی علم من

خِذَارًا أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي

از بهر خوفی که از آن روی مهربان تو دور شود از من

فَاسْتَرْسِبْ بِمَا نَفَسًا مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ

بجز سستی که از آن جان بخشی از بهره از برای من که در نزد تو

يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ

ای مهربان ای مهربان خداوند ای خداوند گردان مرا در آینده

سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي

سال من این در حفظ خود در سایه خود و در

كَتْفِكَ وَجَلِّبْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتِكَ

پناه خود در پشت من بر سر پند خود در پیش رو او از من خود

عَنْ جَارِكَ وَجَلِّ ثَنَاؤَكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ

از خدمت در زان تو ستمایی تو ایست خدا را غیر من

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحٍ مِنْ مَضَى لِي وَيَا يُّوَسَعَ

خداوند ای خداوند گردان مرا پیوسته در آن ستمی که گذشته مرا در آن خود

وَالْحَقِّي بِرَأْسِي وَأَجْعَلْنِي مَسِيلاً مَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ

در بیان عبادت آن بگوید از آن برآید و بر او برکت است و بر او

عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَحْطَبَنِي

برای از ایشان و پناه میگیرم به تو خداوند ای من که تو را

خَطْبَتِي وَظَلَمِي إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي

ناله من و دستم کردن من و از حد گذر کردنم بر نفس خود و پیروی نمودن

بِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي لِشَهْوَاتِي فَيَحُولَ بَيْنِي وَ

از روی خود را و مشغول شدن من بر ارضای خود پس حاصل نمودن آن

بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَأَكُونُ مَنْسِيبًا

بیان رحمت تو و بخشش تو بر من بوده باشم از میان

عِنْدَكَ مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَتَقِيَّتِكَ اللَّهُمَّ

ترسانم از پیش آنکه خشم تو را و عذاب تو را خداوند

وَقِيَّتِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ وَتَرْضَى بِعَفْوِي وَ

پوشش ده مرا از برای هر کار صالحی و بپوشد می از برای من و

قَرِيبِي إِلَيْكَ زِلْفِي اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَيْبِي

نزدیک کردن مرا را برای خود نزدیک گردانیدی ای خداوند چنانکه تو کردی ایسر خود را

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَلْ عَدُوهُ وَ

محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او شدت و سختی آورد

فَرِحْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعَدَدَكَ

گشود غم او را و زد زایل نمودی غم او را و درست نمودی دور او عدو خود را

وَأَخْزَيْتَ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَكَيْفِي

دور کردی از برای او پیمان خود را خداوند ای من روش منی در حق آن

هَوَلْ هَذِهِ السَّنَةِ وَأَفَاتِهَا وَأَسْقَامِهَا وَ

هول این سال و بلاهای آن بر او باد بیماریهای آن را و

فَنَتَمَّهَا وَشَرُّوْهَا وَأَخْرَانَهَا وَضَبَقَ الْمَعَاشَ
بهر از آنکه دشمنی از آنجا در دنیا می آید از آنجا که در عالم سعادت است از آنجا
 فِيهَا وَبَلَّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتِمَامِ
دوران در آن روزگار که گشت خود کمال عافیت را می
 دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى اجْلِي أَسْأَلُكَ
بسی نعمت نزد من ، آخرت عمر من کمال بکنم ترا
 سُؤَالَ مَرَأَسَاءٍ وَظَلَمٍ وَأَسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ
بست لوالد که ستم کرده و کراهه و زاری نموده و پنهان کرده
 وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ
و سوال از ستم ترا بکنم ما زاری را برای آن که کرده گشته از آنجا ، آن که
 الَّتِي حَصَرْتَهَا حَقِّقَتَكَ وَأَحْصَيْتَهَا كِرَامًا
که زود گشته از آنجا از ستمگان حافظان خود ستم کرده از آنجا بزرگواردانی
 مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ الذُّنُوبِ
از ستمگان تو بر من و در ستم گاه در روزی مرا از آنجا ای من زود گشته
 حَيْمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي إِلَى مُنْتَهَى اجْلِي يَا اللَّهُ يَا
در آنجا باقی مانده از عمر من ، آخرت عمر من ، آنجا ای
 رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ
رحمنه ای مهربان رحمت بر محمد و اهل خاندان او
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغَبْتُ لَكَ
محمد و اهل کتب مرا هر آنچه خواهم بگویم از تو و رغبت کنم از تو ای خدایم
 فِيهِ فَإِنَّكَ أَمْرْتَنِي بِاللِّدْعَاءِ وَتَكَلَّمْتَ لِي
در آن امر مرا بپنداری از تو ای خدایم ، در سخن ستم کرده از تو ای من
 بِالْإِلْحَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ تَصَلِّ بِحَبِّهِ وَرِغَالِ
احسان را ای خدایم ستم کرده از من ستم گران هر شب و هر روز

ماه مبارك رمضان حضرت صادق و كاظم صلوات

الله عليهم انقولت كه بعد از هفتاد روز ماه مبارك

اين دعا يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم

خوانند *اي سید مرتضای بزرگ ای فرزنده ای مسلمان*

انت الرب العظيم الذي ليس يشبهه شيء

تویی پروردگار بزرگ آنکه مانند او چیزی

وهو السميع البصير وهذا شهر عظمته

و او است شنوا می بینا این است که از آن که است بزرگ

وكرمه و شرفه و فضله على السهور

و از می روشنی او در او بلند کرد پس می پرورد روزی و فی دله ای که از او

وهو الشهر الذي فرضت صيامه علي و

این است ماه است که در او فرض کرد پس ای روزی که در او فرض کرد پس ای روزی که

هو شهر رمضان الذي نزلت فيه القرآن

این است ماه رمضان که در آن نازل شد فی در آن است که در آن

هدى للناس بينات من الهدى والفرقان

حال که در آن می از میان است و سعادت روشن از راهها که و هدایت است و فی آن

وجعلت فيه ليلة القدر وجعلها حجرا

و در او است فی در آن است فرزندان و که در او است و در آن است

من الف شهر فيا ذا المن ولا يمن عليك

از هزار ماه و که از آن روز خوشی و خوشی که در او است و در او

من علي بفكك رقبتى من التارفين ممن

است نه بر من که در من کردن من از آن است در روزی که در آن است

عليه وادخل الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين

پرورد او در او در او است بزرگ است که از او است که در او است

این عصاره میکنند در سحرها و سحور و سحر و سحر و سحر
 بخوردند اگر چه بجزعه ای باشد و خدا صلوات و رحمت
 میفرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق
 منقولست که هر که سوره انا انزلناه را در وقت سحور
 و در وقت افطار بخواند در میان این دو حالت
 ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده
 باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند
 که اگر نیت روز را بعد از سحور بکند بهتر است
 و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همچنین
 که میدانند و قصد دارند که قدر روزی بگیرند و از
 برای خدا بگیرند پس است **و اما آداب افطار سنتست**
 که اول نماز شام را بکنند و بعد از آن افطار کنند
 مگر آنکه جمعی نظار او بر نهند یا آنکه کوسنکی و تشکی
 بزنند و غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد
 در نماز که در این دو صورت افطار مقدم داشتن
 بهتر است و در وقت افطار سوره انا انزلناه
 خواندن سنتست چنانچه دانست **و حضرت رسول**
 منقولست که هر که در
 وقت افطار بگوید **یا عظیم یا عظیم انت**
 ای بزرگ ای بزرگ

يا لهي لا اله الا انت اغفري الذنوب العظمى

اگر کسی این استغفار را بخواند روزی که از نماز بزرگ را

لا اله الا انت اغفري الذنوب العظمى

بدرستی که اگر روزی که بزرگ را

از گناهان بیرون رود مانند روزی که از نماز

مؤید شده است **و ان حضرت** امام حسن منقولست

که هر روزی داری در وقت افطار دعای بسم الله

مستجاب هست پس باید که در لغت اول بگوید *بسم الله*

الرحمن الرحيم يا واسع المغفرة اغفري

بخت مسند تهران ای در شرح امرش

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی الاعم

عنه السله منقولست که در وقت افطار بگو *صدوق*

لك صمت و على رزقك افطرت و عليك

ای روزی که در روزی تو گویم

تو كنت تا خدا عطا کند بتو ثواب هر روزی که

بگویم که در این روزی داشته است و در

روایت دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ص

در وقت افطار بدو زانوا اللهم لك صمتنا

بیشترند و چون خواندند

و على رزقك افطرتنا فقتله منا اناك

در روزی تو گویم

انت السميع العليم و در حدیث معتبر

نزد از اردشاه است که

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله افطار
 میکرند بر خرما و آب زُطَب و آب و در حدیث دیگر
 منقولست که آنحضرت در وقت افطار ابتدا بخلوا میفرمودند
 و اگر نمیشدند بنیاب یافتند یا خرما افطار میکردند
 و میفرمودند که اب نیم گرم پاک میکنند معده را و وقت
 میدهد حدقه را و بینائی را زیاد میکنند و کاهان
 را میشوید و عروق را ساکن میگردانند و صفر آه
 غالب فرو می نشاند و قطع میکند بلغم را و اطفای
 حرارت میکند و صداع را بر طرف میکند **و ایضا**
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
 که هر که بر خرنای خلایق افطار کند ثواب نمازش چهار
 صد برابر مضاعف گردد **و از حضرت صادق** منقولست که
 افطار کردن بآب کاهان دل را میشوید و در حدیث
 دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ادوست میداشت
 که افطار قرنها بد بشیر **و از حضرت امام رضا** منقولست
 که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی
 خدا کاهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد
 کردن از قرندان این عمل در نامه عمل او نوشته شود
 و بهترین اعمال روزها و شبهای ماه مبارک رمضان

قَلَّوَتْ قُرْآنَتْ وَبَسَّارٌ بِأَيْدِ خَوَانِدِ جُونِ قُرْآنِ دَرْ نَهْمَاهِ
نَا زَلْشَدَهَ اسْتِ وَدَرْ حَدِيثِ اسْتِ كِه هَجْرَتِ بَزْ اَلْجَهَارِي
اسْتِ وَبَهَارِ قُرْآنِ مَاهِ رَمَضَانَ اسْتِ وَدَرْ مَاهِ هَيْبِ بَكْرِ
دَرْ مَاهِ بَكْتَمِ سُنْتِ وَقَلْبِ شَرِّ رُوزِ اسْتِ وَدَرْ
مَاهِ مُبَارَكِ رَمَضَانَ هَرْ سَهْ رُوزِ بَكْتَمِ سُنْتِ وَاکْرَمِ
هَرْ رُوزِ بَكْتَمِ تَوَانِدِ كَرْدِ خَوْلَسْتِ وَدَرْ حَدِيثِ اسْتِ كِه
بَعْضِ اَزْ ائِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جَهْلِ حَمِّ وَزِيَادَهْ مَبْكُورَهْ اَنَدِ
وَاکْرَمِ خَيْرِي تَوَانِسْ بِرُوحِ مُقَدَّسِ اِمَامِي اَزْ ائِمَّةِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ وَرَسُولِ خُدَا وَفَاطِمَهْ زَهْرَا صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِمَا
وَعَلَيْهِمَا اَسَلْتُ تَوَانِسْ مُضَاعَفِ مَبْكُورَهْ وَصَلَوَاتِ بِرِجْمَدِ
وَالْبُيُوتِ بَسَّارِ بَايَدِ فَرِيْتَادِ وَاسْتِغْفَارِ بَسَّارِ بَايَدِ
كُرْدِ وَا لآلِهَ اِلَّا اللّٰهُ بَسَّارِ بَايَدِ كَفْتِ وَا فَا لِمَايِ
سَبْ رُوزِ اَرْكَ بَايَدِ كُرْدِ وَدَرْ سَبْ هَايِ طَاقِ مَاهِ
مُبَارَكِ غَسْلِ سُنْتِ خُصُوصًا سَبْ وِل وَا بَزْ دَهْمِ
وَهَفْتَدَهْمِ وَنُوزِ دَهْمِ وَبَسْتِ وَبَكْمِ وَبَسْتِ وَبَسْتِ وَ
دَرْ دَهْمِ اَخِرِ دَرْ سَبْ هَايِ جُفْتِ بَزْ غَسْلِ سُنْتِ خُصُوصًا
سَبْ اَخِرِ وَدَرْ وَا بِي وَارْدِ شَدَهْ اسْتِ كِه دَرْ جَمِيعِ مَاهِ
دَرْ سَبْ غَسْلِ سُنْتِ **وَلَبَسْتُمْ** مَعْتَبَرِ اَزْ حَضْرَتِ
صَاحِبِ اَلْاَمْرِ مَقُولَسْتِ كِه بَسْتِ عِيَانِ نُوْشْتَنْدِ كِه دَرْ

مَشْرَبَ مَاهِ رَمَضَانَ اَيْنِدْ غَارِ اِنْجُو اَيْنِدْ كِه دُعَايِ اَيْنَامِ
رَا اَمَلِكْ كِه مَبْنُونِدْ وَ تَرَايِ صَا حَشْرِ اِسْتِغْفَارِ مَبْنُونِدْ

وَدُعَا اللّٰهَمَّ اِنِّيْ اَفْتَحُ الشَّيْءَ بِحَدِّكَ وَ

اينست حسد از خدا برسد من است که تمام را با تو تسبیح نمود

اَنْتَ مُسَدِّدُ الصَّوَابِ بِيَمِيْنِكَ وَ اَبْقَيْتَ اَنْتَ

نور از تو می دهی برای صواب بر چشش خود در باره هر چه برسد تو

اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فِيْ مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ

تو مهربانتر از مهربانان در جایگاه عفو و رحمت

وَ اَشَدُّ الْمَعَاْفِيْنَ فِيْ مَوْضِعِ التَّكَاْلِ وَ الْعِيَا

و سخت تر از عفو کننده گان در جایگاه عفو و عیب

وَ اَعْظَمُ الْمُخْتَرِيْنَ فِيْ مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمِ

و بزرگترین برگزیده گان در جایگاه بزرگی و عظمت

اللّٰهَمَّ اِيْنْتِ لِيْ فِيْ دُعَائِكَ وَ تَسْلِيْتِكَ فَاسْمَعْ

خدایا اگر شنوی از من در دعای خود و در تسلیت خود بگو

يَا سَمِيْعُ مِدْحَتِيْ وَ اَجِبْ بَارِحِمِ دَعْوَتِيْ وَ اَقْبَلْ

ای شنونده تسبیح مرا و پاسخ بگو ای مهربان دعای مرا و بپذیر

يَا غَفُوْرُ عَثْرَتِيْ فَكَلِمَةُ يَا اِلٰهِيْ مِنْ كَلِمَةٍ قَدْ فَخَّرْتَهَا

ای آمرزنده لغزش مرا پس بسیار استغفای کن از آن بزرگوار که خود می آرزوی آنرا

وَ هُمُومٌ قَدْ كَسَفْتَهَا وَ عَثْرَةٌ قَدْ اَقْبَلْتَهَا وَ

و زود رویی که دفع نمودی از روی لغزش خود که در گذشته شرمناک بود

رَحْمَةٌ قَدْ شَرَفْتَهَا وَ حَلَقَةٌ بِلَاغٍ قَدْ فَكَّرْتَهَا

رحمتی که بهین کردی از آنرا و حلقه بلاغی که گفندی آنرا

حَمْدُ اللّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَخْذُ صَاحِبَةً وَ لَوْلَا وَ لَمْ

بنا بر خداوندی که نپذیرد صاحبی را و اگر نبود و

يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ

بنو وادراشته می اورا داشته بود و نه مراد او دوستی از

الذَّلِّ وَ كَثْرَةُ تَكْبِيرِ الْحَمْدِ لِلَّهِ يَجْمَعُ حَامِدِيهَا

حجت جواری در بزرگ بودن او را در بزرگوار کردن با کس و حمد کردن بر او

عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كَلِمَاتُ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ

بر او نماندنی او با کس و قدر است از نعمت او

فِي مُلْكِهِ وَ لَا مُنَازِعَ لَهُ فِي مِرَّةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي

از او است ای او نه ضمت شده و او را در امر او با کس و عبادت او

لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَ لَا شِبَهَ لَهُ فِي عِظَمِهِ

بنت شده می او را در او شس بدانند نسبت او را در او عظمت او

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَ حَمْدُ الظَّاهِرِ

با کس و عبادت او است نسبت در حق او را در وی کس با او بود

بِالْكَرَمِ حَمْدُ النَّاسِطِ بِالْجَوْدِ الَّذِي لَا

مراد است بزرگوار می او از او است عظمی است او

تَنْقُصُ خَرَاتِقَهُ وَ لَا تَزِيدُ كَثْرَةَ الْعَطَاءِ إِلَّا

السنه در خرافاتی او را با او می است او را در بزرگی است

جُودًا وَ كَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ

بگوشی و بزرگوار می در است او است بگوشی و عطا دانا

إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي

در است من سوال کنم ترا از کس از بسیار است حاجت من

لِأَبِيهِ عَظِيمَةٍ وَ غِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَ هُوَ عِنْدَكَ

بوی آن بزرگت و غنای تو از او است و آن تو من

كَثِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِن

بیار است در آن بر تو سهل است و آن است عطا دانا در کس

و
و
و

عَفْوِكَ عَنِ ذَنْبِي نَجَاؤُكَ عَنِ خَطِيئَتِي وَ

عفو تو از گناه من و نجات تو از گناه من و از خطای من و

صَفْحِكَ عَنِ ظُلْمِي وَسَتْرِكَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَ

درگذشتن تو از ستم من و پوشیدن تو بر اشتی از در رحمت من و

حِلْمِكَ عَنِ كَثِيرِ جُرْحِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايِي

بر دربار من تو از بسیاری گناه من نزد آنچه با من شده و از خطای من

وَعَمْدِي أَطْعَمَنِي فِي إِسْتِسْقَاةِ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ

و درین طعام از دست تو در این استسقا که تو را جز در گناه از دست تو

مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرْبَتِي

از تو تو که روزی کردی مرا از رحمت خود و نویدی مرا

مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ

از قدرت خود و شناسیدی مرا از اجابت خود پس گردیدم

أَدْعُوكَ أَيْمَانًا وَأَسْتَسْقِيكَ مُسْتَانِسًا لِاخْتِيفَا

که بخیزم از تو ایمنی و استسقا کنم از تو ایمنی و از گناه من

وَلَا وَجِلًا مَدِيدًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ

و نه بیمی از تو در آنچه از تو خواهم و در آنچه از تو خواهم

لِأَنَّكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَجَبْتُ بِجَهْلِ عِلْمِكَ وَ

پس اگر از تو بماند از من عجبم از نادانی من از تو و

لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْ عِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ

آنکه از تو بماند از من خیرتر است از من از تو و آنکه از تو بماند از من

الْأَسْرَفِ أَمْ مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عِبْدِكَ لِمِ

کار تو ای من که از تو بماند از من خیرتر است از من از تو و آنکه از تو بماند از من

مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِي عَمَّا

از تو ای پروردگاری من که از تو بماند از من خیرتر است از من از تو و آنکه از تو بماند از من

وَتَحَبَّبَ إِلَى فَاتَبِعْضُ الْبَيْكِ وَتَوَدَّدَ إِلَى فَلَا

دروستی بجسی لوی کن کن گشتی مسلم لوی تو دهرانی بجسی لوی کن دس

أَقْبَلَ مِنْكَ كَأَنَّ إِلَى التَّطَوُّلِ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ

بقول بیغم از تو گویا مرا جانی منت بر تو پس باز کرد ترا

ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ فِي الْأِحْسَانِ إِلَى وَالْقَصْدِ

آن از رحمت ازین در احسان بن و کجاست

عَلَى بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلِ

برین گوی خود کرم خود برین گوی گندنا مانان خود ترا

وَجَدَّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ

دگر گشتی کن بر او براننا گشتی خود در سینه تو گشتی

كريمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لَكَ الْمَلِكُ مَجْرِي الْفَلَاحِ

بر تو گوی ساس بر خداوند خداوند پادشاه ای دوران بر زنده گشتی

مُتَجَمِّعِ الرِّجَاحِ فَالِقِ الْأَصْبَاحِ دَبَّانِ اللَّيْلِ

دوران بر زنده گوی گشتی بر خود صبح دهنده گشتی

رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَ

بر تو گوی کار جهان بر ساس بر خداوند بر برداری دوس روز پیش بود

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قَدْرَةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

بر ساس بر خداوند بر عفو او برین از تو دانی کرد بر ساس بر خداوند

عَلَى طَوْلِ الْفُلِّ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا

بر دور زدی مدارای دور و عفت دور دور است بر گشتی

يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بِأَسْطِ الْوُزُقِ فَالِقِ

گویزه بر ساس بر خداوند از گشتی خلق را بر سبزه روزی گشتی

الْأَصْبَاحِ ذِي الْحَالِ وَالْأَكْرَامِ وَالْقَضِ

صبح خداوند بر تو گوی دگر ای گشتی دگر ای گشتی

وَالْإِنْعَامَ الَّذِي بَعَدَ فَلَا بُرَىٰ وَقَرِيبَ فَشَهِيدٍ

والتعام آنچه است که دور است پس دور شود و بر دست است هر چه است

الْبُخْمَىٰ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ

را از او بزرگ و بزرگ است براس هر چه است آنچه است

لَهُ مُنَازَعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَيْءٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا

را از او چیزی است که بر او برتری کند او را از همه است و در او و

ظَهَرَ يُعَاذُهُ قَهْرٌ يَغْنَمُهُ الْأَعْرَاءُ وَقَوَاعِ

با او می که با او است او را می که در غنمه خود میبندد در آن و در می نوزد

لِعَظْمَتِهِ الْعِظَاءُ فَبَلَّغْ بِقُدْرَتِهِ مَا بَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

برای بزرگ او بزرگان پس رسیده است بنزدانی او که کوچک او بر اسام و قدر است

الَّذِي يُحِبُّ بَنِي حَبِشَ أَنْ أُنَادِيَهُ وَيَسْرِعُ عَلَيَّ كُلَّ

آنکه احبست می مرا اینک میگوید از او را می رسد بر من

عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصُهُ وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا

رسنی را و حال آنکه من از او می کنم او را در کسایت منم در بر من پس

أُجَازِيهِ فَمَنْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هُنْدِيَّةٍ قَدْ أَعْطَانِي

شکر میبندد او را پس هر چه از کسایتش گوید را که کسایت مرا

وَعَظْمَتَهُ خَوْفِي قَدْ كَفَانِي وَيَسْفِجُ مَوْفِقَهُ قَدْ

و بزرگ بر من رسیده که در حق نوزاد من و بیست بوی من آورده که

أَرَانِي فَأَتَيْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكَرُ مَسِيحًا

نوزد من و من دورا زیاد است که او را تسبیح رسیده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَهْتِكُ حَجَابَهُ وَلَا يَغْلِقُ

براس هر چه است آنچه در او می شود کرده او در بسته میبندد

نَابَهُ وَلَا يَبْرُدُ سَائِلَهُ وَلَا يَجِيبُ أَمِلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

در نگاه او در بر کرده میبندد حاصل او را بر میبندد از دست او اینک هر چه است

الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُجِي الصَّالِحِينَ وَرَفَع

آنکه ایمنی بخشد بر ترسندگان را و در بر ایشان است کان را در زمین بپراکند

الْمُسْتَغْفِرِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ

مافوزان را و در زمین بگذراند ایشان را بخت ببردند

مَلُوكًا وَتَخْلُقُ خَيْرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ

پادشاهان را و او را خیر میسازد و بگردانان را در پادشاهان بر حد و اندازه میگذراند

الْجَبَّارِينَ مِنْ مَبْرُؤَاتِهِ لِيُنْزِلَ عَلَيْكَ آيَاتِهِ مِنْ

جباران را بپاک کند و بپراکند ایشان در آیه ها که بر تو نازل کند

سَمَاءٍ كَالظَّالِمِينَ صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ مَوْضِعِ

غبار کند بر پیکار ایشان از آرزوی در خواست ایشان از آرزوگاه

حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

حاجتهای سواران ایشان را رفع کرده است و کرده است که در آن بسیار بر او متکی است

الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تُرْعَدُ السَّمَاوُتُ وَسُكَّانُهَا

آنکه از ترس او بر میخیزد آسمانها و ساکنان آن

وَتُرْحَفُ الْأَرْضُ وَعِمَّارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ

و در لرزه در آید زمینها و ساکنان آن و امواج شود دریاها

وَمَنْ يَسْجُدْ فِي عِمَّتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

و آنکه تسبیح میکند برای او سجده کند در راه او همدار او

لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

باین در روز اول که گویی روز راه بپیم کردی که هر چه است بود او را خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ لَهُ مَا يَخْلُقُ وَيَرْزُقُ وَلَا

بپاس بر حد و اندازه ای از خدا آفریده بود و روزی بسازد و

يَرْزُقُ وَيَطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ وَمِمَّتِ الْأَخْيَارُ وَ

روز بسازد و روزی بسازد روزی را و او بود و بپراکند ایشان را و

يَحْيَىٰ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِ النَّجْرِ وَهُوَ

زنده بگردد در گمان مرده از زنده است که نمیرد بید است که

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ

بر او چیزی توانا است خدا او را رحمتت بر محمد بنده تو

وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيكَ وَجَبِيكَ

و رسول تو و امین تو و درگزیده تو دوست تو

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبْلِغِ

در اینجا رسیده شد از خلق تو زنده اند که از درین

وَسَائِلِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ

بجز این تو زیاده و کمتری نه دانمز و کامل تر

وَأَزْكَىٰ وَأَنْجَىٰ وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْمَنَىٰ وَ

دوگ نزدیکتر است درین بدترین و از این پاکتر و درین

أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ

بیشتر از هرگز است ای درگاه داری در هر روزی و هر ای نودی

وَسَلَّمْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَ

در روز ستای بر کسی از بندگان خود و بجز این خود

رُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ

رسولان خود و درگزیده گان خود و از آنکه گرامی اند بر تو

مِنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ الْمُؤْمِنِينَ

از خلق تو خدا او را رحمتت بر علی پادشاه مومنان

وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَ

و وصی رسول پروردگار عالمیان بنده تو

وَلِيَّتِكَ وَاجْنِ رَسُولِكَ وَجِجَّتِكَ عَلَىٰ

دوست تو در روز رسول خود و گنایت خود بر

خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ وَ

حقیق تو دلت نه بزرگ تو دهر بزرگ تو

صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ

رحمت زنت بر راست کوی پاک فاطمه بزرگ

النَّبَأِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سِبْطِ الرَّحْمَةِ وَ

و محمدان عالمین در رحمت زنت بر دهن زنده رحمت

إِمَامِ حِجْرِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي

در میزای ائمه حسن حسین در بزرگ

شَبَابِ هَيْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أُمَّةِ الْمَسْجِدِ

جوانان اهل بیت در روزت بر جوانان مساجد

عَلَى بَنِي الْحَسَنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

ع علی بن حسین علی بن محمد علی بن جعفر علی بن محمد

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ

موسی بن جعفر علی بن موسی علی بن محمد

عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ

علی بن محمد علی بن حسن علی بن محمد

أَخْلَقَ لَهَا رِيَّ الْهُدَى سَجَّكَ عَلَى عِبَادِكَ

چایستی راههای راهبان شده محمدی نور از زندگانی او

وَأَمَّا أَنْتَ فِي بِلَادِكَ صَلَوةٌ كَثِيرَةٌ ذَاتَةٌ

دینسان تو در شهرهای تو در نهایی بسیار پرستیده

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْقَائِمِ الْمُؤْتَمِلِ

خدایا در رحمت زنت بر محمد از امامان ما در همه جا

وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحَقِّهِ بِمَلَكِكَ الْمُتَمَرِّقِينَ

در اندازه عدل از راه دیده در روزگاری در انتظارشگان از ملک خود

وَآيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ

دوست ده اورا روح پاکیزه ای زود کار عایان خدا انداز

اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ

بگردان اورا سوخته بوی کتاب خود در پاره آفتابان خود

اسْتَخْلَفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ

جانشین گردان اورا در زمین بن کز جانشین کردی بی آنکه

مِنْ قَبْلِهِ مَكِينٌ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَ لَهُ

میش از این جاوه برای اوردن او که پسندیدی از برای او

أَيِدُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَوْ تَأْبَعُكَ لِأَنْتَ بَشِيرٌ

دل من از او پس بدخون او یا بچی که بر من است در کشتن زود

بِكَ سُبْحَانَ اللَّهِ عِزَّهُ وَاعْزِزَّهُ وَانصُرْهُ

تو همزرا خدا تو را غالب گردان اورا و عزم او را در برای او

وَانصُرْ بِهِ وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْحَ لَهٗ

و ایام میش با او و تو می ده او را با روی ارادت می دهی از پیش او

فَتَحَا لَيْسَ بِرَأْسٍ وَأَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا

کشتن کن در گردان از برای او از زود خود بی غمی

نَصْرًا اللَّهُمَّ اظْهِرْهُم دِينَكَ وَسِتَّة نَبِيِّكَ

با روی روشن ده خدا او را طاهر گردان با دین خود و او را طاهر گردان خود را

حَتَّىٰ لَا يَسْتَحْفِي لَبِيئِي مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ

تا بماند خوار جز می از حق کس بر احدی

مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعُبُكَ فِي دَوْلَةٍ

از خلق خدا او را می ترسند بوی تو در دولت

كَرِيْمَةٍ تَعْبُدُ بِهَا الْأَسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَقَبْلَهُ

کاری که عزیز دوری بان اسلام را و اهل آنرا و دلیل سازی

بِهَا الْيَتَاقَ وَأَمَلَهُ وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ

*بان تلقی و اهل آنرا و کبر آن مارا در آن ارجو نیست که لغوا
لا لی طاعتک و القادة الی سبیلک و تزویج*

بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا

*بأن کرامت دنیا و آخرت مددند که کرامت دنیا را
من الحق فجللناه و ما قصرنا عنه فبلغناه اللهم*

الْمَسْمُومَةَ شَرِبْنَا وَاشْتَبَّ بِمِصْدَعِنَا وَارْتَقَى

مِثْقَانًا وَكَثُرَ بِهِ تَلْتِنَا وَاعْرَبَ بِهِ ذَلَّتْنَا وَاعْن

بِهِ عَائِلْنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْزِ بِهِ

فَقْرَنَا وَاسْدُدْ بِهِ خَلَّتْنَا وَكَيْتِرْ بِهِ عَسْرَنَا

بَيِّضْ بِهِ وَجوهَنَا وَفَكِّ بِهِ اسْرَانَا وَاجْحِ بِهِ

طَلِبَتْنَا وَاجْزِ بِهِ مَوَاعِدَنَا وَاسْتَجِبْ بِمِ

دَعْوَتْنَا وَاعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَانْجِنَا بِهِ مِنَ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْهُ

دعا در حضرت آنرا و عطا کنی ما را و عطا کنی ما را

دعوتنا

رَعْبَدْنَا بِأَخِيرِ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ شَقِ

خواهش ما را ای بهترین سوال کرده شدگان و در هر چه از آن بکشید گمان نماند

بِهِ صُدُودَنَا وَأَذْهَبَ بِهِ عَذَابَ

پس او سزاها را در برابر ما از محنت و عذاب

أَهْدَانَا بِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ

راههای ما را که در آن اختلاف شده و در آن راهها

لَا تَكْفُرُ هَدَىٰ تَزَلُّوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ

در آنکه توفیق بدیست بپسوی آنرا که بخارید بپسوی راه راست

أَضْرَابًا بِهِ عَلَىٰ عَدُوِّهِ وَعَدُوًّا لِلَّهِ الْحَقِيمِينَ

و دشمنی با او را که بر دشمنان خود و دشمنان خداوند است

الْمُضْطَرِّينَ إِتْرَابًا لِلْبَنَاءِ حَمْدًا تَسْبِيحًا صَلَوَاتُ

جستارها را در راهی که در آن بنا می شود و در آن تسبیح و تحیات است

عَلَيْهِ وَالْهِ وَالْحَمْدُ وَالْغَنَاءُ وَكَثْرَةُ عَدُوِّنَا

بر او و او را و حمد و غنای او و کثرت دشمنان ما

وَقَوْلُهُ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَقَطَّاهُ الزُّنَانُ

و آنچه شمار ما است دشمنی او و شدت آفتها را بنا و قطع کرد آن را

عَلَيْنَا قَسِيْرًا عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَالْهِ وَأَعْنَاءُ عَلَىٰ خَلْقِكَ

بر ما سنگین و بر محمد و او را دشمنی با خلق تو را

بِحَقِّ سِنِّكَ نَجْمًا وَبِحَقِّ كَشْفِهِ وَتَصَدَّقْ

بحق سنی تو را که ستاره است و بحق کشف او را و صدق

تَقَرُّرٍ وَسُلْطَانٍ حَقِّ تَطَهُّرٍ وَدَحْمَةٍ مِنْكَ

تو را که استوار است و سلطان است بحق تطهیر و دحمه از تو

عَلَيْنَا مَا وَعَافِيَتُكَ مِنْكَ فَانْتِهَا مَا مِنْكَ

بر ما که است و عافیت تو را از ما که است پس بپسوی تو را که است

بِأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ وَبَسْمِ اللَّهِ مُعْتَبَرٌ لَكُمْ صَحِيحٌ
 اى سخن بنده زین سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 كَهْ دَر مَشْرَبِ نِيْمَاهُ مَبَارَكِ اللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَلِكُ
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 اَسْتَدْعَاؤًا بِخَوَانَتِهِ
 اَنْ يَجْعَلَ فِيمَا تَقْضَى قُدْرَتِي مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتَوَمِ
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 فِى الْاَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِى لَا يَرُدُّ وَلَا
 يَبْدُلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 الْمَبْرُورِ حِجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 الْمَلْفُوقِ عَزَّ سَيِّدَاتِهِمْ وَاَنْ يَجْعَلَ فِيمَا تَقْضَى
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 وَتَقْدِرُ اَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَا
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 تَوْسِيعِ فِى رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِنْ تَقْصِيرِ بِلَدِيكَ
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 وَلَا تَسْتَبْدِلْ لِي عِبْرِي وَايْدَعَاؤًا غَالِيَةً
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 وَارِدِ اللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِى الصَّالِحِينَ فَادْخُلْنَا
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست
 وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَايَسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ
 اى سخن بنده از حضرت صادق منقولست

عَيْنَ سَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ

مجلس سبیل بر عیاشم ارا و از حور بان کاشده شمس حرکت خود

فَزَوَّجْنَا وَمِنَ الْوُلْدَانِ الْمُحَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلَا

بسی زوجه کن را در کجوهکان جا و مدان کنویان کن مردارید

مَكُونُونَ فَأَخْدَمْنَا وَمِنَ ثَمَرِ الْجَنَّةِ وَالْحَوْمِ

پوشنده اند برنج و موز از نه بار در از سوهای سبزه و کوسههای

الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَبْرِيِّ

مرغان کن اطعام کن بار در از طبعی و سبای نازک و ابریشم و

الْأَسْتَبْرَقِ فَالْبَسْنَا وَكَلِمَةَ الْقَدْرِ وَحُجَّ بَيْتِكَ

دیای نظر بر بیعت کن بار اوست مریز بیع خانه

الْحَرَامِ وَقْتَلْنَا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا وَصَالِحِ

مجموعه تود کشته شدگان در راه تو بری اوست ده ارا و کشته

الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَقَدْ اجْمَعْتَ

دعا و سوال در بر سبزه از برای ما دعویان و ابر در حق

الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ بَوْمَ الْقِيَمَةِ فَارْحَمْنَا وَتَرَادَةَ

سپه بان و سنان را در روز قیامت بری هم کن را در روز قیامت

مِرَّ النَّارِ فَكُنْتُ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغْلِبْنَا وَفِي

از پیش بری هم کن از برای او در روز قیامت بری در کجوهکان بار در

عَذَابِكَ وَهُوَ أَنْكَرُ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الرَّقُومِ

غراب سوز و جوزی خود بری کشته کن بار او از جهت رقوم

وَالضَّرِيعِ فَلَا تَطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَحْتَلِنَا

دوازده کشته هم در کجوهکان بار او بار لولان بری مردان ارا

وَفِي النَّارِ عَلَيَّ وَحُوهِنَا فَلَا تَكِيدُنَا وَمِنَ ثِيَابِ

در پیش بر روی ما بری کجوهکان بار او از جا صاعقه

النَّارِ وَسِرَابِيلَ لَقَطِرَانٍ فَلَا تَلْبَسْنَا وَمِنْ كُلِّ

پیش در دعای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

شَوْءٍ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ

پیش ای انکه منست خدا و حق تو یعنی لاله الا انت

فَيُنَادِي وَأَمَّا دُعَاؤُهَا سَمِعْتُ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ

وَأَمَّا دُعَاؤُهَا سَمِعْتُ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ مِثْلَ نَدْوَةِ

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَلَالِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

سوال سیمین از خداوند در استسما من احوال کلین

مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةً

از بزرگو تو بزرگترین آن در بزرگو تو بزرگ است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

سوال چهارم از خداوند در استسما من احوال کلین

أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ يَا نُورُ وَكُلِّ نُورِكَ نَبِيرٌ

سوال پنجم از نور تو روشنترین آن در نور تو روشن است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي

سوال ششم از خداوند در استسما من احوال کلین

أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلِّ رَحْمَتِكَ

سوال هفتم از رحمت تو بزرگترین آن در رحمت تو

وَأَوْسَعَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا

سوال هشتم از خداوند در استسما من احوال کلین

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ

سوال نهم از خداوند در استسما من احوال کلین

كَلِمَاتِكَ فَأَمَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ

سوال دهم از خداوند در استسما من احوال کلین

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَالِكَ مَا كَمَاهُ وَ

سوال یازدهم از خداوند در استسما من احوال کلین

كُلِّ كَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ

سوال بیستم از خداوند در استسما من احوال کلین

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا

سوال سی و یکم از خداوند در استسما من احوال کلین

وَأَكْبَرِهَا

وَكُلُّ اسْمَائِكَ كِبْرَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

دهر نامهای تو بزرگ است خداوند مرا درستی من بوالهنگامی تو نامها

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ غَزْوِكَ بِأَعْرَاقِهَا

هر آن حد از تو درستی من بوالهنگامی تو از اعراض تو هر آن

وَكُلِّ غَزْوَتِكَ غَزْوَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِغَزْوَتِكَ

هر غزوت تو غزوت است خداوند مرا درستی من بوالهنگامی تو از اعراض تو

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْصَا

هر آن حد از تو درستی من بوالهنگامی تو از ممشیت تو

وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَا ضِيَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

دهر مشیت تو کشته است خداوند مرا درستی من بوالهنگامی تو

بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَدْرِكَ

مشیت تو هر آن حد از تو درستی من بوالهنگامی تو از اندازه تو

بِالْقَدْرِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ

بزرگ است که استغلا یافته بر آن هر چیزی و

كُلِّ قَدْرِكَ مُسْتَطَلَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

هر توانی تو مستطالت است خداوند مرا درستی من بوالهنگامی تو

بِقَدْرِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَمَلِكَ

توانی تو هر آن حد از تو درستی من بوالهنگامی تو از اعمال تو

بِإِنْفَادِهِ وَكُلِّ عَمَلِكَ نَافِذٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

هر آن هر آن دهر انش خود آن است خداوند مرا درستی من بوالهنگامی تو

بِعَمَلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ

بیشش تو هر آن حد از تو درستی من بوالهنگامی تو از ادعای تو

بِإِرْضَائِهِ وَكُلِّ قَوْلِكَ رِضَىٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بیرسند تو هر آن دهر گفت تو رسند است خداوند مرا درستی من بوالهنگامی تو

بقولك.

مسألات

بِقَوْلِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ

مسئله من سوال که در این حدیث آمده است که هر کس از مسأله های تو

بِأَجْبِئَةِ الْبَتِّ وَكُلِّ لَبِّكَ حَبِيبَةَ اللَّهُمَّ

درست ترین آن کوی تو در همه آنها کوی تو درست است حدیثی

لَا فِي أَسْأَلِكَ بِمَسْأَلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

درست ترین سوال که در سوال های تو همان حدیثی است که در سوال های

مِنْ شَرِّكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ شَرِّكَ شَرِيفٍ اللَّهُمَّ

از شریف تر بر من تر آن در هر صفت تو شریف است حدیثی

لَا فِي أَسْأَلِكَ بِشَرِّكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

درست ترین سوال که در این حدیث آمده است که هر کس از مسأله های

مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلِّ سُلْطَانِكَ ذَائِمٌ

از پادشاهی تو بهترین تر آن در پادشاهی تو پادشاهی است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي

درست ترین سوال که در این حدیث آمده است که هر کس از مسأله های

أَسْأَلُكَ مِنْ مَمْلُوكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مَمْلُوكِكَ فَآخِرٌ

سوال که در این حدیث آمده است که هر کس از مسأله های تو از مملوک های تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَمْلُوكِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

حدیثی است که در این حدیث آمده است که هر کس از مسأله های

مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلِّ عُلُوكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي

از مندی تو بر من تر آن در عبادت تو است حدیثی است که در این حدیث

أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال که در این حدیث آمده است که هر کس از مسأله های تو از عبادت تو

مَمْلُوكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مَمْلُوكَ قَدِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

اللام تو بر من تر آن در هر صفت تو قدیم است حدیثی است که در این حدیث

بِمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ يَا كَرِيمَ

ما تمام تو همه آن خداوند ابرار است بکن بر او ال بکنم ترا از آن نهی تو کرمی از آن

وَكُلِّ آيَاتِكَ كَرِيمَةً اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ يَا مُنَادِي

وهر نهی تو کرمی است خداوند ابرار است بکن بر او ال بکنم ترا از آن

كُلِّهَا اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ

همه آن خداوند ابرار است بکن بر او ال بکنم ترا از آن

السَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَحَدِّ

کار در بر ز کوری در او ال بکنم ترا از آن

وَجَبْرُوتِ وَحَدِّهَا اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ بِمَا

در بر ز کوری نهی است خداوند ابرار است بکن بر او ال بکنم ترا از آن

تَجَلَّبَنِي حِينَ أَسْأَلُكَ فَاجْبِنِي يَا اللَّهُ بِرَبِّهِ خَاجِنٌ

او است کجی بخانی کرم ترا از آن بکنم ترا از آن بکنم ترا از آن

زَعْفٌ تَعَابُطِلِدُكَ بِرَبِّكَ وَأَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ وَأَسْأَلُكَ

شهو و سحر و غایت که شیخ طوسی و دیگران از

بُؤْسِ نَمَائِزِ وَأَيْتِ كَرِيمَةٍ أَنْتَ كَرِيمٌ يَا مَنْ أَمَرَ الْعَابِدِينَ

در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب نماز میکردند

وَجُونَ سَخِرَ مِنْكَ يَا إِلَهِي لَا تَوَدُّ بَنِي هَمَّوَيْتِكَ وَلَا

ایند غاصبوندند ای کرم ترا از آن بکنم ترا از آن

بِمَكْرِبِي فِي جَبَلَتِكَ مِنْ ابْنِ لِي الْخَبْرَ يَا رَبِّ وَلَا

کرمی من در جسد کردن نواز از ای من خبر ای دور کار من و حال

بُؤْسِ نَمَائِزِ وَأَيْتِ كَرِيمَةٍ أَنْتَ كَرِيمٌ يَا مَنْ أَمَرَ الْعَابِدِينَ

در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب نماز میکردند

وَجُونَ سَخِرَ مِنْكَ يَا إِلَهِي لَا تَوَدُّ بَنِي هَمَّوَيْتِكَ وَلَا

ایند غاصبوندند ای کرم ترا از آن بکنم ترا از آن

عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي سَاءَ وَاجْتَرَأَ

بادی نو درکت تو روز آنکه بری کرده و مرآت نموده

عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قَدْرَتِكَ يَا رَبِّ

روز آنکه از محنت فرست تو ای اورده کارکن

يَا رَبِّ انْقَدِرْ بَلْ كُودِ كِنْفِسْ بِكَ عَرَقَتِكَ وَأَنْتَ

ای اورده کارکن منقطع شود بر تو شمشیر ترا روز

دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ

دلالت کردی مرا بر خود و خواندی مرا بر سوی خود و اگر نبود ایستادگی

لَمْ أَدْرِمَا أَنْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي

میدانستم ایستادگی تو با من بر خداوند آنکه مجوزم از راه ایستادگی آورد

إِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

اگر باشم درنگ کننده در وقتی که مرا می خواند بر خداوند آنکه

أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَحَالًا حِينَ يَسْتَقِرُّ

سوال میکنم او را پس عطا میکند مرا و اگر کنم در وقت طلب و غرض کند از من

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَادَيْتُ بِهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

برای من هر صد مرتبه آنکه ندا کردم او را هر گاه که خواهم از برای حاجت خود

أَخْلُوأَيْهَ حَيْثُ شِئْتُ لِيَسِيرَ بِي بغيرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي

صفت کنم او را به گاه که خواهم بر آری یا خداوندت که بر او در

لِي حَاجَتِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَعُوهُ وَلَا أَدْعُوا

مرا ایستادگی تو را بر من هر صد مرتبه آنکه ندا کنم او را در هر وقت که خواهم

غَيْرُهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ

هر چه از او ندا کنم جز تو را او را اجابت نکند از برای من ایستادگی تو را

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَجَوْتُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ

برای من هر صد مرتبه آنکه سپید دارم او را و اگر امید ندا کنم او را در هر وقت که خواهم او را

غَبْرَهُ لِأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي

عزاد را هر چه صلاح است بسپرد و او را بس برسد آنست که عوار کرد مرا

لَيْسَ فَا كَرَمَتِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيَهِنُونِي

بوی آن پس که ای پرست عزاد را که نهشته مرا بوی در آن پس بوارست مرا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ عَنِّي عَيْنِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

بواس برسد ازین که بپرست دوستی کردی بوی من و او بیاید بهرست از این پس برسد آنست

الَّذِي حَبَّبَ عَنِّي حَتَّى كَانِي لِأَذْنَبَ لِي فَرَّقِي حَيْدِي

که بر باد ری گشت ازین تا گوید برست کنی مرا بوی پروردگار را پس

تَفَرَّقِي عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ

چیزی نزد من و سزاوارتر گشتم من صدانرا مدبر گشتم من را

سَبِيلَ الْمَطْلَبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَا هَيْلَ الرَّجَاءِ

راهی می طلبم را بوی تو بودا و سه صحنه ای بر سر تو

لَدَيْكَ مُتَرَعَّةً وَالْإِسْتِعَانَةَ بِفَيْضِكَ لِمَنْ أَمَلَ

مژنه تو بر سر راهی صفتی را بعقل تو از برای هر که امیدوار

مُبَاحَةً وَأَنْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ

باج دور گامی ده بوی تو از برای زاری گشتگان

مَقْتُوْحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِحِ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَ

گوده و سدا آنم که تو از برای من در دانه در صاف گاه دهی و

لِلْمُهَوِّفِ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنْ فِي اللَّهْفِ إِلَى

از برای ستم رسد گمان در گمن گناه فرود رسد ازین گناه در روان بوی

جُودِكَ وَالرِّضَا بِقِضَائِكَ عَوْضًا عَنْ مَنْعِ

چود چود او خوشنودی بقیامی تو عومنی از چیزی نذران

الْبَاطِلِينَ وَمَسَدُوحَةٍ عَمَّافِي أَبَدِي الْمَسْتَأْذِنِينَ

دست را بر بیاید از آنجا در دستهای تو از آن است

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ

در سینه کرم است و برای بزرگوار است مانند دیگران از سینه آری

عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجَبَهُمُ الْأَمْوَالُ دُونَكَ وَ

از خلق خود که است که از عوارض است آن آرزوی نزد تو و

قَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

قصه کردم برای تو طلب خود در در آوردم برای تو

بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِعِدَايَتِكَ

کس است خود در آوردم بنویس طلب و از این خود را در دعا نوشت

تَوْسَلُني مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي وَ

بشکل این از غریب که سخن باشد برای شنیدن تو از من و

لَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِيَقْتَنِي بِكَرَمِكَ

در این سخن است برای عفو تو از من بلکه خود من کرم خود

وَسُكُونِي إِلَى صِدْقٍ وَعَدْلِكَ وَالْحَائِلُ إِلَى الْإِيمَانِ

و اعتماد من بر راستی و عدل تو و راه آوردن من برای ایمان

بِتَوْجِيهِكَ وَبِيقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا أَسْتِجِبُ

بصداغ تو و یقین من بهت تو از من بگویم است در دعا

لِي غَيْرِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّثْ لِي بِشَرِّكَ

برای غیر تو است صراط مخرجی که خانه تو است شریکی

لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ

برای خداوند تو را گوینده و گفتار تو راست است و وعده تو

صِدْقٌ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَنْزِلَ

راست است و بگویند از خدا از فضل او هر گاه خواهد است

بِكُمْ زَجْمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ بِأَسَدِي مَنْ نَامَهُ

بنا هر زمان است از صفات تو ای بزرگ من بگویم کسی

بِالسُّؤَالِ وَمَنْعَ الْعَطِيَّةِ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّةِ

طلب کردن در داد و داری از عطا کردن او تو ای رخصت کننده عطیها

عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِحَسَنٍ

بر اهل مملکت خود و صفت برساننده بر ایشان بودم کردن

رَأْفَتِكَ إِلَهِي بَلَّغْتَنِي فِي نِعْمِكَ وَاحْسَانِكَ

هر ای خدای من رساندستی مرا در نعمت تو و احسان تو ای خدای من

صَغِيرًا وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي

از چندان که بزرگ بودم و گشت بزرگ با اسم تو ای خدای من که بزرگتر از من بودی

الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَقَفْضِهِ وَنِعْمِهِ وَأَسْأَلُكَ

و تو ای خدای من در فضل خود در نام خود دارم کردی مرا

فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرِيمٍ مَعْرِفَتِي بِأَمْوَالِي

در آخرت تو ای عفو کننده دارم خود را معرفت من ای انانیان

وَلْتَنفِي عَنكَ وَجْهَكَ شَفِيعِي لِنِكَ وَأَنَا

راهنما در آخرت بودم و درستی که مرا از تو معرفت من تو ای خدای من

وَأَثِقُ مِنْ دَلِيلِي بَدَلِ لَتِكَ وَسَاكِرٍ مِنْ شَفِيعِي

و اعتماد کننده بودم با دلیلم خود بدلات کردن تو دارم کرده ام از معرفت تو

إِلَى شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانِ

تو ای خدای من شفاعت تو بخوانم ترا ای انانیان من بزرگی

قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ يَا جِبَّكَ بِقَلْبِ قَلْبٍ

که گفت کرده او را که از ای رود کار من شفاعت میکنم ترا ای خدای من

أَوْبَقَهُ جَرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبَّ زَانِعًا زَاهِغًا

مرا از او را که از بگویم ترا ای رود کار من خوانم مهدوار

زَاجِعًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ بِأَمْوَالِي ذُنُوبِي

سید در ترسان بودم ای بیستم ای انانیان گناهان خود را

فَبَعَثْتَ وَإِذَا رَأَيْتُكَ كَرَمًا طَمَعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ

این ان بود و هرگاه به منم کرم ترا بطبعی زنی پس اگر عفو کنی

فَجَبْرًا رَحِمَ وَإِلَّا عَذَّبْتَ فَغَبْرًا ظَالِمٌ حَجَّتِي يَا اللَّهُ

پس بمنزله رحمت کافی در در عذاب کنی بر من که سگاری محبت من کنی

فِي جُرْأَتِي عَلَيَّ اسْتَسْلَيْتُكَ مَعَ إِيْتَابِي مَا تَلَكَّرَهُ جُودُكَ

در جرات من بر کمال کردن تو با وجود صادر کردن هر که بخوبی خود را

وَكِرْمِكَ وَعَدَدْتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلْبِي حَيَاتِي

و کرم تو در هر که در سختی من با منی سپردم

رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدَّرَحُوتِ أَنْ لَا تَحْتَبِئَ

مهر با منی تو در رحمت تو و تعیین کنی که سب در دم کنی از سب منی

بَيْنَ ذَنْبِي وَذَنْبِ مَنْبِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَأَسْمَعْ

بجای این و در احوال خود اسب من و از من سب مراد بشن

دُعَائِي بِأَخْبَرِ مَنْ دَعَاكَ دَاعٍ وَأَفْضَلِ مَنْ رَجَاهُ

دعای مرا ای سب که خواهنده او در دعا کنیده و بهترین که سب در دعا دارا

رَاجِحِ عَظْمِ يَأْسَيْدِي مَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي

اسب در ازنده بزرگ است ای آقای من امید من زید است که در از من در عطا کنی

مِنْ عَمَلِي بِمِقْدَارِ مَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَجِ

از عفو خود عفو در از از منی خود در از از منی مرا اسب در

عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجْلُ عَنْ حَازِةِ الْمَذْنِبِينَ وَ

که در از من پس در سب که تو با از است از هر از از من که کاران و

حَبْلِكَ بِكَبْرٍ عَنْ مَكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا

بزرگتری تو بر من است از هر از از من اعتراف دارم که گان و من

يَأْسَيْدِي غَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ لِنَبْلِكَ

ای آقای من سب و از از من فضل تو گرفته ام از تو بگری تو

مَنْ خَشِيَ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّغِيرِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

ظن و ظن است مدام که بگذرد داده از دل که شستن از کس که بر کرده تو گمان را

وَمَا أَنَا بِأَرِيْبٍ وَمَا خَطِرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَ

و شستن من ای بود که من در چه شستن من بخش مرا بعضی خود و

تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَي رَبِّ جَلِيلِي لَسْتُ بِكَ

لصاف من بر من بعضی خود ای بود که من شستن ای مرا کرده کرد

وَأَغْفُ عَنْ تَوْبِحِي بِكَرَمٍ وَحَمِيكَ فَلَوْ أَطَّلَعُ

در کوز از شستن از من بود که ذات خود من اگر مطلع است

الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرَ لَكُمَا فَعَلْتَهُ وَلَوْ خِفْتُ

امروز بر گناه من چیزی تو گنایم از او که گنایم شدم

تَحْمِلَ الْعُقُوبَةَ لَا اجْتَنَيْتَهُ لِأَلَا تَكُ هَوْنٌ

از تو بگرفت کردن ترا دوری کردم زیرا ای گناه تو سهل ترین

لِالْمُظَاهِرِينَ إِلَيْكَ وَأَخْفَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيَّ بَلْ لَأَنَاكَ

تظن است گناه بوی من در کس من اطلاع باشد که بر من که بجز من

نَا رَبِّ خَيْرٌ السَّائِرِينَ وَأَحْكَمُ الظَّالِمِينَ وَالْكَرِيمُ

ای بر من تو شستن گناه و حکمت نه من حکمت که در کرم

الْكَرِيمِينَ سَتَارَ الْعُيُوبِ عَمَّا رَأَى الذُّؤُوبِ عِلَامٌ

بر کرم دانی پشاسته همه ای از زشتی من دست در

الْعُيُوبِ لَسْتُ بِالذَّنْبِ بِكَرَمِكَ وَتَوْجِرُ الْعَفْوُ

عنه ای کس من گناه را بر خود دیگر ای اندازی عفو تو را

بِحَمِيكَ فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ جَلِيكَ بَعْدَ عَمَلِكَ

بر در داری خود ای بر من شستن سراسر بر در داری تو که در از شستن تو و

عَلَيَّ عَفْوِكَ بَعْدَ قَدَرَتِكَ وَتَحْمِلَنِي بِحِجْرَانِي

بر عفو تو ای از قدرت تو و برسد از تو که گنایم ای از

عَلَى مَعْصِيَتِكَ حَمْلِكَ بَعْنِي وَبِدُعْوَتِي عَلَى فَلِيَّةٍ

بزرگان برادر کی تو بر ما را می نوری کن در نماز ۱۲ بار که
الْحَيَاءِ مَعْنِي سَتَرَكَ عَلَيَّ وَبَسَدِ عَنِّي إِلَى التَّوْبِ

ششم از آن برده کسی تو من دست کشید مرا بوی سبیدن
عَلَى تَحَارُمِكَ مَعْرِفَتِي بِسِعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ

بزرگان تمام کرده تو شناختن من بخواجی رحمت تو بزرگ
عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ يَا غَافِرٌ

عفو تو ای برادر ای بزرگوار ای زنده ای مابنده ای بر زنده
الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمِنَّةِ يَا قَدِيمَ

کوه ای بزرگ زنده تو ای صاحب انعام ای بلند
الْإِحْسَانِ ابْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلِ ابْنَ عَفْوِكَ الْجَمِيلِ

جان کاست بر سندان بخوی تو کاست در کوشش تو
ابْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبِ ابْنَ غِيَاثِكَ الشَّرِيعِ

کاست فرج نزدیک تو کاست یغایر رسان بر تو
ابْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ ابْنَ عِظَانِكَ الْفَاضِلَةِ

کاست رحمت وسیع تو کاست عیشهای زانود
ابْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةِ ابْنَ صَنَائِعِكَ الْبَسِيئَةِ

کاست عطا ای کور ای تو کاست صنایع نهی بزرگ تو
ابْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ ابْنَ مَنِّكَ الْجَسِيمِ ابْنَ

کاست فضل بزرگ تو کاست احسان بزرگ تو کاست
إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ ابْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمٌ يَا وَدَّ

جان عزیز تو کاست کرم تو ای کریم بود
بِحَمْدِكَ وَالْحَمْدُ فَاسْتَنْقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ

وال الله اعلم بالصواب کاست رحمت تو در رحمت خود

خَلِصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ

بر خدای کن بر او ای شکر کننده ای او را شکر کننده ای
أَتَكِلُ فِي النِّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَيَّ أَعْمَالَنَا بَلْ

که بنام تو در کلمات از عذاب تو بر آورده ما عیب ما
بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ

بفضل تو بر ما که تو با سزا و در روزگاری و سزاوار
الْمَغْفِرَةِ تَبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو

در زمین است پس همان لغت درون دور سبذری
عَنِ الذَّنْبِ كَمَا مَا تَدْرِي مَا تَشْكُرُ أَجْمِلُ

از نگاه از روی گم پس نه افم بر حیرت کنی ما خود
مَا تَشْتَرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَشْتَرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا أَتَلَيْتُ

اگر شکر میکنی یا بدی اگر می گوئی یا بزرگ اگر را انی خود
وَأَوْلَيْتُ أَمْ كَثِيرٌ مَا مِينَهُ نَجَّيْتُ وَعَافَيْتُ

اعطای سستی یا بس روی از او که از از کلمات دلده دعایت داده
يَا حَبِيبُ مَنْ نَجَّيْتُ لِيكَ وَبَاقِرَةٌ عَيْنٍ مَنْ

ای دوست آنکه دوستی کرده بوی تو دای روشی چشم که
لَا ذَنْبَكَ وَأَنْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ

ماه آورده تو در هر شده بوی تو یا سوزان است
مَنْ الْمَسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا قَبِيحٌ عَنِ قَبِيحٍ مَا

بم که کاران پس در که ای دور کار کن از بر بی ای
عِنْدَكَ يَا جَمِيلُ مَا عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ بَارِبِ

تو دایست بر سوزان ای تو دایست و کدام جمل است ای داوران
لَا يَسِعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ

که از ای دور وجود تو با کدام زمان بلندتر است که

اَنَاتِكَ وَما قَدَّرَ اَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ

برواری نو در هر است نذر عیبهای ما در جنت لغت های تو در حکمت

لَتَكْتَرِ اَعْمَالًا لِقَابِلِ بِهَا كَرَمَكَ مَلَكَيْفَ

سپاس شایسته همواره اگر در مقابل می آید تو این کرم ترا مگر چگونه

يَصْبِقُ عَلَي الْمَذْنِبِينَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ

تو مؤدوم بر گناه کاران اگر بزرگتر است این را از رحمت تو

يا وَاَسِعِ الْمَغْفِرَةَ يا نَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ قَوْعِ غَيْبِكَ

ای صاحب رحمت امرش ای که بنده دوست بگفت است هم از تو

يا سَيِّدِي لَوْ اَنَّكَ تَرَفَيْتَنِي ما بَرِحْتَ مِنْ فَايِكَ وَلا

ای اقای من اگر برانی مرا در مشغولم از درگاه تو و

كَلَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

از نیستی استمر از غم و بی تو همه بجز رسید و گویان از غم جز وجود تو

وَكَرَمِكَ وَاَنْتَ الْفَاعِلُ اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

در کرم تو و تو را است ای خدای من ای عذاب منی از تو

اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

ای خدای من ای عذاب منی از تو

اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

ای خدای من ای عذاب منی از تو

اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

ای خدای من ای عذاب منی از تو

اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

ای خدای من ای عذاب منی از تو

اِنما اَنْتَ اِلٰهِي اَلِي مِنْ الْمَغْفِرَةِ بِجُودِكَ

ای خدای من ای عذاب منی از تو

الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَذَائِكَ وَاسْتَجَارَا

وایان ای برود که این جاگاه که است که شاه آورده بود امان تو

بِكْرَمِكَ وَالْفِإْحْسَانِكَ وَنِعْمِكَ وَأَنْتَ

کرم تو و احسان تو و نعمت تو و انعام تو و تو

الْجَوَادُ الَّذِي لَا يُضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ

بخشنده که تنگ نبرد عفو تو و کم نبرد فضل تو

وَلَا يَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَقَّعْنَا مِنْكَ بِالصَّغِيرِ

و کم نیست رحمت تو و آنچه که خاطر جمع شده ام از تو در کمترین

الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَقْبَلْنَا

قدم و فضیلت بزرگ رحمت وسیع آبی چه دور

يَا رَبِّ تَخَلَّفْ ظُنُونًا أَوْ تَحَيَّبْ مَا لَنَا كَلَّا نَاكِرِينَ

ای برود که بر خلف گیم ما گمانی را با ما نماند از رویار که گمانی را گیم

قَلْبِ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا

بر نیست این گمان ما بنو و نه همین است در تو علم ما

يَا رَبِّ لِأَنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا لِأَنَّ

ای برود که این در است که ما است در تو امید که بسیار در است که

لَنَا فِيكَ رَجَاءٌ عَظِيمٌ عَصَيْنَاكَ وَخَنَّا نَرْجُو

و است در تو امید بزرگ ما نماند کرد تو را و ما امید در تو

أَنْ نَسْتَرْعِلِنَا وَدَعَوْنَاكَ وَخَنَّا نَرْجُو أَنْ

بنگیم بر تو بی راه و خواند تو را و ما امید در تو است

نَسْتَحْيِبَّ لَنَا فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا يَا مَوْلَانَا فَقَدْ

ما است ما دعا می ما را بر تو است که در آن امید را ای ان می ما است بخشنی

عَلَيْتَ مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عَلَيْكَ فِيهَا

در است ایم ای که ما است شد طلب عمل ما و لیکن علم ما را

وَعَلَيْنَا يَا نَبِيَّكَ لَا تَصْرِفْنَا عَنْكَ حَتَّى نَأْتِيَكَ

وهمه ، اینکه تو بر سبک دانی ما را از خود جدا کردن ، بر

الرَّغْفَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَارْتَضَى اللَّهُ لَكَ الْبَيْتَ

عزبت کردن بوی تو در کعبه شریف تا ششم رکعت ترا

فَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمَذْنِبِينَ

پس تو را سه آزار است بر گنجهای ما ، درین کاران

بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَأَمِنْ عَلَيْنَا يَا أَمَانَ

بزمادی تو ، ما تو پس است ز بر ما ایمنی تو ما سه آزاران

وَجِدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مَخْشَوْنَ لِي نَيْلِكَ يَا غَفَّارَ

و گنجش ما بر ما پس ایمنی محمد جان بوی عطای تو ای از زنده

بِنُورِكَ أَهْتَدِينَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعِينَا وَبِنِعْمَتِكَ

بزر تو ایست پیغمبر و بفضل تو ایست ما را شدیم دست تو

أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ اسْتَغْفِرُكَ

ما هر روز کردیم دستم کردیم کنان ، در پیش روی تو ایست از گنجهای ما

اللَّهُ مِنْهَا وَتَتُوبُ إِلَيْكَ فَتُحِبُّ إِلَيْنَا

سه آزار از آن در بار تو ایست که بوی تو دوستی ما ما را با دوستی

بِالْبَيْعِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرٌ لَنَا

سومین آزاران ، ما ما را در پیش تو ایست ما را ایست ما را بوی ما

نَازِلٌ وَشَرٌّ نَالِيكَ صَاعِدٌ وَكَوْنُزُلٌ وَلَا

بالا زنده ایست ما را بوی تو ، ما را زنده ایست ما را خزان بود تو ما را

يُنْزِلُ مَلَكٌ كَرِيمٌ بِأَمْرِكَ عَشَانِي فِي كُلِّ نَوْحٍ يَجْعَلُ

بورد علی کریمی می آمد منو از ما در هر روز بجهل

فَبِحَجِّهِ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحْوِطَنَا بِنِعْمَتِكَ

پس ما را حج منو ز ما از ایست که در گنجهای ما را

وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا يَا لَأَنَّكَ فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ

دخست گوی بر ما بجهای خود پس تری تو هر داری تو

وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِنًا وَمُعِدًّا تَقْدِيرًا

دور بر تو کردی تا تو دم گوی تو است در او دنیا و آخرت

أَسْمَاءُكَ وَجَلَّ شَأُوكَ وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَ

انجای تو و بزرگ است نام تو در این است چه بنای تو

فَعَالِكَ أَنْتَ الْهَلْجَى وَسِعَ فَضْلًا وَأَعْظَمَ حَيْلًا

آورد تو تو ای که این بود سبب زنی از روی فضل هرگز از روی

مِنْ أَنْ تَقَالِسِنِي بِفِعْلِي وَخَطِيبَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ

در سبب مناسبتی مرا نمود در من کن آن من پس در گذرد مرا

الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اللَّهُمَّ

عفو سید من سید من سید من سید من خداوند ما

اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَأَعْدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَأَجْرْنَا

شغول کردان ما را با ذکر خود و آید ما را از خشم خود در تها در ما

بَيْنَ عَذَابِكَ وَأَرْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعِمْ

از عذاب تو و روزی کن ما را از کجاستهای خود و انعام کن

عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَأَرْزُقْنَا حَيْثُ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ

بر ما از فضل خود روزی کن ما را در هر جای که خانه تو زیارت

قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلِّ عَلَى رَأْسِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

فرسخت تو رجهای تو در بر ریش تو در رحمت تو

وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِأَنَّكَ

دوستشندی تو بر او در اهل بیت از در سبب تو

قَرِيبٌ مَحْبُوبٌ وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفِقًا

نزدیک احببت شده روزی کن ما را عمل کردن اطاعت تو در آن ما را

عَلَى مَلَيْكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

برعت تو و طلقه بمن تو رحمت و سنة خدا بر او

وَإِلَى اللَّهِ أَلْتَمِعْ لِي وَإِلَى اللَّهِ أَرْجُوا كَمَا

و ای از خدا است او را همه از تو ایمن در مدد او در حق تو ایمن

رَبِّي بِنِي صَغِيرًا وَأَجْرُهُمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَأَوْ

نعمت بزرگی مرا کوچک و جزا ده ایشان را احسان همان که زیاد

بِالْتِّيْبَاتِ غُفْرًا يَا اللَّهُ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ

پریشانها ای پریشان از بی حسی است او را همه از تو پریشان و

الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُنَّ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا

زندان مؤمنان زنده از ایشان در دوگان بیاور تو میان ما

وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ يَا اللَّهُ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا شَهِدَا

و میان ایشان بر خیرات است او را زنده ایماور زنده ما را و مرده ما را حاضر ما

وَعَائِدِنَا ذُرِّيَّتَنَا وَأَنْثَانَا صَغِيرًا وَكَبِيرًا حُرًّا وَ

دختر ما را و پسر ما را و نیاست ما را از کوچک ما را و بزرگ ما را و آزاد ما را

تَمَلُّوكَ كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا

سند همه را از تو گشت دور و گمراختگان گمراختگان و گمراختند و گمراختند

بَعِيدًا وَخَسِرُوا خَسْرًا يَا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

دور و زیان کننده زبان گوئی هر چه خداوند را رحمتی باشد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَيْرِ مَنْ خَيْرٍ وَكَفَيْتَنِي مَا أَهْتَمُّنِي

محمد و آل محمد و خیرترین را ای من که گویا که گفت ای من که در کار تو که گمراختند

مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَالْآخِرَةِ وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مِنْ لَدُنْ

از امر دنیای من و آخرت من دست بردار ای من که در کار

يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بِأَقْبَةِ

رحمتی و در کار تو ای من از من بجز آنکه در کار تو که گمراختند

وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَأَرْزُقْنِي

در وقت کمن از من بکنه اگر تمام روزی بان برکن در روزی کن

مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسْعًا حَلَالًا طَيِّبًا اللَّهُمَّ

رزق خود روزی سزاغی حلال پاکیزه صدقرا

أَحْسَنِي بِجِرَاسَتِكَ وَأَحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَ

کن بی کن برام نگاه داری خود نگاهت کن مرا ای حفظ خود را

أَكْلَانِي بِكَ لَا تَشْكُ وَأَرْزُقْنِي حَيْثُ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

کن مرا نگاه داری خود در روزی کن حج خانه حرام خود را

فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

رساله ایمنال در سال زيارت قبر نبی خود

وَالْأَيُّمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تَخْلِنِي بَارِتٌ مِنْ

دوستان بر ایشان باد در روز و خالی نگذار مرا ای روزگار از کتبه

تِلْكَ أَسْأَلُكَ الشَّاهِدَ الشَّرِيفَةَ وَالْمَوَاقِفَ الْكَرِيمَةَ

این است که شاهد شریفه و مواقف کربانه

اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَالْهَيْبَتِي

صدرا زنده من برکن تا نازمانی کنم ترا در دل من انداز

الْحَيَّرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

خیزرا و در روز باد در سندان از زور ترش در روز و شب

أَيُّهَا الْبَقِيَّةُ بَارِتِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ

بسته دارم بر داری داری روزگار را ای صدرا از کتبه من

فَلْتِ وَقْتِيَّاتٍ وَتَعَبَاتٍ وَنَمَتْ لِلصَّلَاةِ

گفتم مهلت من و نادم شد هم دست در از برای نماز

بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَاجَهَتَكَ الْيَقِيَّتَ عَلَيَّ نَعَا سَأَلُكَ

میش روی تو و مناجات گویم ترا از خدای بر من بکن یا هرگاه

أَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَّيْتُ مَنَا جَانَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُكَ

من نماز گذارم در طلبت کردی ای من مناجات خود را بهرگاه مناجات کردم

مَنَالِي كَلِمًا قُلْتُ قَدْ صَلَّيْتُ سِرِّي وَفَرَّبْتُ

چیز را برای هرگاه گفته که خفا شده ضمیر من در آن رسیده

مِنَ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجَالِسِي عَرَضْتُ لِي بَلَدِيَّةٌ

از مجلس های توبه کننده گان مجلس من در آن رسیده مرا بدین

أَزَالُكَ قَدَحِي وَحَالَتِ بَلْبِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

که ترا از من دوری مرا در حال شده میان من و میان خدمت تو

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنِّي نَابِكِ طَرَفِي وَعَنِّي

ای سرور من شد من از تو دور که خود را در آن رسیده مرا در آن

خِدْمَتِكَ تَحْتِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتِي مُسْتَحْفَا

خدمت خود دور کرده مرا است دیده باشی مرا سهل گرفته

بِحَقِّكَ نَأْقَصْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتِي مَعْرِضًا

مخوف تو من دور کرده ای مرا است دیده باشی مرا دور کرده

عَنَّا فَقَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ

از تو من از نظر آن رسیده مرا است دیده باشی مرا در هرگاه

الكَاذِبِينَ قَرَفْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ

دیده باشی من پس ترک کرده مرا است دیده باشی مرا از شکر کننده

لِنَعْمَائِكَ مَحْمُودِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِن

مهرت می ترا پس محمود کرده باشی مرا است دیده باشی مرا از

مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

مجلس های علمای پس خود کرده مرا است دیده باشی مرا

فِي الْغَافِلِينَ مِمَّنْ رَحِمْتَكَ الْبَسِيئِي أَوْ لَعَلَّكَ

در میان غافلان من از رحمت خود محمود کرده باشی مرا است دیده باشی

رَأَيْتَنِي لَيْفَ جَمَالِيسِ الْبَطَالِينِ قَبِيئِي وَبَيْنَهُمْ
دوره باشی مرا از جمعی باطلان پس میان من و میان ایشان
 خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَوْ تَحْتِ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي
و اگر گشته باشی از ایشان بر تو که گم گشته باشی بخیر گشته باشی دعا می مرا
 فَبَاعِدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بَجَرِحِي وَجَرِيئِي كَأَقْبَتَنِي
پس دور کرده باشی مرا یا شاید بر تو گناه من دور کردی من جدا کردی مرا
 أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَائِزَتِي فَإِنَّ
باش دور نمی گشته من از تو جزا دادی مرا پس اگر
 عَقُوتٌ بَارِبٍ فَطَالَ مَا عَفُوتُ عَنِ الْمَذْنِبِينَ
عفو می ای دور دگر من در وقت که در گشته از گناه کاران
 قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مَجَازَاتِ
پیش از آن زیرا که کم تو ای دور دگر من بالا برتند جزا دادی
 الْمَذْنِبِينَ وَحَلَّكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَأَةِ الْمُقْتَصِرِينَ
گناه کاران دور دگر تو بزرگ برت از کمالات بعضی از ایشان
 وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ سَجْدًا
من گناه بریزه ام بفضل تو گریزه ام از تو بوی تو وفا گشته ام
 مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا
که وعده کرده از در گشتن از گناه من کرده بنویسانان مرا
 إِلَهِي نَتَّأَسُّعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ
اگر من تو را وسیع بر از تو فضل و بزرگ کردی روی روی از من
 تَقَابِسُنِي بِعَمَلِي وَأَنْ تَسْتِرْ لِي بِخَطِيئَتِي وَمَا
مواخذه کنی مرا عمل من دست که مواخذه مرا بگناه من در وقت
 أَنَا بِأَسَدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ يَا
دور کن ای سگدگشش مرا بفضل تو

سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِيلِي

سید من و صدق کن بر من بظرف خود و عزیز گزین مرا

بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَن تَوْبِحِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ سَيِّدِي

بر دره خود و در گذر از سر بر من بکریم از آنست

أَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي رَبَّبْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ

من الضعیف که پرورداری مرا و منم آن نادانی که پرورداری

وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي

و منم آن گم شده که راه نوازی مرا و منم آنست که

رَفَعْتَهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَّنْتَهُ وَأَنَا الْجَائِعُ

که منم گری دور و منم آنست که ایمن کردی او در و منم آنست که

الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانَ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ

که گری دور داشته که سیراب کردی او را

وَالْعَارِيَّ الَّذِي كَسَوْتَهُ وَالْفَقِيرَ الَّذِي اغْنَيْتَهُ

و برهنه که پوششیدی او را و ناتوان که توانا کردی او را

وَالضَّعِيفَ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلَ الَّذِي اعَزَّيْتَهُ

و ضعیف که توانا کردی او را و خواری که گرسنه کردی او را

وَالسَّقِيمَ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلَ الَّذِي اعْطَيْتَهُ

و مری که شفا دادی او را و سائل که عطا کردی او را

وَالْمَذْنُوبَ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَالخَائِيَّ الَّذِي اَقْلَمْتَهُ

و گناه کاری که پوششیدی او را و خطا کاری که در گشته از خطای

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفَ الَّذِي

و منم آن ضعیف که بسیار کردی او را و ناتوان شده که

نَصَّرْتَهُ وَأَنَا الظَّرْبُ الَّذِي وَايْتَهُ وَأَنَا الْيَارِسَ

که در کوه نهادی منم آن برانده شده در چاه او را و آنست که در میان

الَّذِي لَمْ يَسْتَحِكْ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ يُرَاقِبْكَ فِي

که شرم کردم تو از حقوت و در آن گزدم ترا در

الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعِظْمَى أَنَا الَّذِي

کشت من صاحب بد بزرگ منم آنکه

عَلَى سَيْدِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَبْتُ جَبَّارَ

سید خود جرات نمودم منم آنکه از آن ناگردد جبار

السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي عَطَبْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ

سما را منم آنکه عیب کردم بر معصای بزرگ

الرَّشِيِّ أَنَا الَّذِي حَبَسْتُ بِهَا خُرُوجَ

ریشه را منم آنکه بخاشی که جزا شد کمان از او برشود

إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي مَهَلَّتْ بِي فَمَا أَرْعَوْتِ

برای آن شافتم منم آنکه سم زدای او ای بر او گزدم صد

وَمَسَّرْتُ عَلَى فَمَا اسْتَحْيَيْتِ وَعَدَلْتُ بِالْمَعَا

دوستی با برکن ای بر او گزدم و دل بر آوردم به معاصی

فَعَدَيْتِ وَأَسْقَطْتِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالِي

ای از حد در گذردم و انداختی مرا از نظر خودت ای بر او گزدم

فِي حَلِيكَ أَمَهَلَّتْ بِي لِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى

ای بر او گزدم ای خود هست از برای او در زده بودی مرا آن

كَأَنَّكَ غَفَلْتَنِي وَمِنْ عَفْوَاتِكَ لِمَعَاصِي جِبْتِنِي

آنکه تو غفلت نمودی مرا از عقوبات معاصی دور کردی مرا

حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي إِلَهِي لَوْ أَعَصَيْتُ حِينَ

تا حد که گویا تو شرم زده از من ای که ای من از تو گزدم از برای

عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرَبِّكَ جَاهِلٌ لَا أَدْرِي

از تو ای گزدم ترا و من بر تو کار می نمودم آنکه

مُسْتَخْفٍ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٍ وَلَا لِعُوبِيدِكَ

حجف نموده باشم و از عقوبت تو ترا عرض نموده باشم و از عذاب تو را

مُتَهَاوِنٌ وَلَكِنْ خُطْبَةٌ عَرَضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي

سویا گزیده و لیکن خطبگی عارض شده از آنست و او را از برای من

نَفْسِي وَغَلِبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهِمَا شَقَوْنِي

لغز من و غالب شده اند روی من و اعانت کرده بر این خطابه گنجی من

وَعَرَنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتَكَ وَ

دستر کرده تو را بر روی من پوششی تو بر من از نماز کردم تو را و

خَالَفْتُكَ بِحُجَّتِي قَالَ لَنْ مِّنْ عَذَابِكَ مَن

کالفت کردم تو را بجهت خود پس اکنون از عذاب خود

لَيْسَتْ قُدْرَتِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَامِ غَدًا مِّنْ يَّخْلَصُنِي

بر اندر من و از دستهای دشمنان روزی که مرا از من

وَيَجْبِلُ مَن أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي

و برانستند که چون با من ایستند اگر تو بر من ایستد خود را از من

فَوَأَسْوَأَتَا عَلَيَّ مَا أَحْضَى كَيْفًا بَكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي

پس دایر بر ما بدتر کرد آنچه که بر تو کرده ام از من که

أَتَوَلَّاهُ مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ

الرجو که امید دارم از کرم تو و وسعت رحمت تو و فضل تو و منی کردن که

لَأُثَابِي عَنِ الْقَنُوطِ لَقَنْطُتٌ عِنْدَ مَا أَتَدَّ كَرَهُمَا طَا

پس از پنداری هر چه پندارند شوم تر بود کردن آنها ای

خَيْرٌ مِّنْ دَعَاؤِ ذَا عِجْرٍ وَأَفْضَلُ مِّنْ دَعَاؤِ رَاجِحِ اللَّحْمِ

سنگ که خوانند او را چون پندارند و بهتر که که سود کنند او را از استخوان خداوند

بِفَتْحَةِ الْإِسْلَامِ أَوْ سَلَّ إِلَيْكَ وَبِحَجْرَةِ

بفتح اسلام سوسل میزوم بروی تو و بجزیره

الْقُرْآنِ اعْتَمِدْ عَلَيْكَ وَبِحَبِيءِ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ

قرآن بخواد کردم بر تو در حبیبی آن از پیغمبر امی

الْقَدْرِيِّ لَهَا شَيْئِي الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ لِكَلْبِي الْمَدِينِيِّ

قریشی منی آن عربی تهامی منی کلبی مدنی

أَرْجُو الزَّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا تُوَحِّشْ سُبَيْتِنَا

بهدارم زلف نزد تو پس وحشت نده از سببت ما

إِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَدَّ سِوَاكَ

ایمان مرا در تو قرار نده و ثواب مرا ثواب آنکه غیر سببت قرار نده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسُّنْتِمْ لِيُحَقِّقُوا بِرِدْمَانِمْ

پس بدیدند قومی ایمان آوردند بر سنت ما تا آنکه در دمان خود را

فَادْرِكُوا مَا آمَلُوا وَإِنَّا آمَنَّا بِالسُّنْتِنَا

پس در رسیدند آنچه آرزو داشتند و ما ایمان آوردیم بر سنت ما را خود

قُلُوبِنَا لِتَعْفُو عَنَّا فَادْرِكْ بِنَا مَا آمَلْنَا وَتَبَّتْ

دلهای ما بخود ما عفو نماید از ما پس در رسد بر ما آنچه آرزو داشتیم و فزاید گزیدان

وَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا وَلَا تَبْرَحْ قُلُوبِنَا بَعْدَ

پس بخورد از سینه های ما و برسان دلهای ما را هرگز

إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ

آنکه هدایت نمودی ما را و بخش بار بار از نزد خودت رحمتی بد ما که خود

أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوْعَزْتُكَ لِيُؤْتِنِي مَا بَرِحْتَ

تو بخشنده ای پس بپرست تو را که بر ما هرگز قطع

مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتَ عَنِ تَمْلِيْقِكَ يَا أَلْهَم

از درگاه خود و باز نه ایست از جا بوسی تو که جدا نشد از دست

قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَ وَمِكْرِكَ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ لِي

دل من از معرفت بکرم تو و مکر تو که رحمت تو دلوی

مَنْ يَذْهَبَ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ وَإِلَىٰ مَنْ

که شود از دست سنده که بوی آن می خورد و بوی که

يَلْتَجِئُ الْخَلْقُ إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ اللَّهُ لَوْ قَرَّبْتَنِي

نه و نه از نزدیک من که بوی خالقش که ای از نزدیکی مرا

بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهُادِ

بزرگوارا و باز داری مرا علی خود در میان حاضران

وَدَلَلْتَنِي عَلَىٰ فِضَائِحِ عِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَنِي

و ظاهر سازی بر منی مرا در نظر بندگان و امر کنی مرا

إِلَىٰ النَّارِ وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ

بوی آتش و حاصل نمی میان من و میان سگواران که قطع بین من

رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتَ وَجْهَ قَائِمِي لِلْعَفْوِ

بسی خود را از تو و بر من که در نمی بر روی سپه داری خود را برای عفو

عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ عَنْ قَلْبِي أَنَا لَا أَسْتَيْ

در تو و در آن که از دوستی تو در دل من که هرگز نمی بگذرد

أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسَتَرَكَ عَلَيَّ فِي إِوَادِ الدُّنْيَا

بهر منی ترا نزد من و پرده پوشی تو بر من در هر ای دنیا

بِأَسِيدِي صَبَّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَآخِرُ

ای سید من که بر محمد و حمد و آخر

حُبِّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَىٰ

درستی دنیا را در دل من و جمع کن میان من و میان برگزیده

وَالهِ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتِمُ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٌ

فرا تو از خلق تو و آخر نبیان محمد

صَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي لِمَ رَجَعْتُ إِلَيْكَ

و که بر من و آل او و آل او و صلوات بر او باد که چرا مرا بر تو برگردان

لَا يَكُ وَأَعْيَنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي قَدْ أَقْبَلْتِ

لویانو در باره کن از اگر کسی بر حوزم و محتاجی فانی از دم

بِالسُّؤْفِ وَالْأَمَالِ عَمْرِي وَقَدْ نَزَلَتْ مِنْزِلَةً

نه خضر عاقل در مال عمر حوزم در زود آدم کامی

الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي مَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي

کسب ان از حوزم بس که باشد به حال تر از من

إِن أَنَا نَقَلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِ لَمَّ أَهْمِي

اگر نقل کرده بودم بر مثل حال من لوی نری که چه کرده باشم

لَوْ قَدَّرْتَنِي وَلَمْ أَفْرَسْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَضَمَّعْتَنِي

برای سوختن در زمین کرده بودم اگر با عمل صالح

وَمَا لِي لَا أَيْبِي وَلَا أَدْرِي لِي مَا يَكُونُ بَصِيرِي

و در حال است که چشمم در حدیتم لوی چه نیست بازگشت من

وَأَرَى نَفْسِي تَخَارِعُنِي وَأَيَّامِي تَخَاتِلُنِي وَقَدْ

و می بینم نفسم حوزم را که فریب میدهد مرا در روزگار من کوشم با من و احتیاجی

حَقَّقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْحَةَ الْمَوْتِ قَمَالِي لَا أَيْبِي

را هم حوزده نزد سر من؛ لای رکت بی صحت که می آید

أَيْبِي كَخُرُوجِ نَفْسِي أَيْبِي لظِلِّ قَبْرِي أَيْبِي لِضَيْقِ

بزم برای رون در سر جان که می آید از سایه قبرم بزم بر لعلت

لِحَدْيِ أَيْبِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَتَكْلِيهِ لِأَيَّامِي أَيْبِي

لحدم بزم برای سوال منکر و تکلیف مرا

كَخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَزَّ يَا نَادَ لَيْلًا حَايِلًا نَفْسِي عَلَى

رون رفتن من از قبرم عزان سوار بر اشته باشم بر حوزم

ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي

بشتم نظر کنم بیار بر طرف راست و بر طرف چپ

اِذَا خَلَا بِقِي فِي شَانِ غَيْرِ شَانِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

زیرا که صفاتی در کارهای باشند غیر کار من از برای هر مردی است

يَوْمَئِذٍ شَانُ بَعْضِهِمْ وَوَجْهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرٌ ضَاحِكٌ

در آنروز کارهای است که با بر سر دارد و در آنروز روزانی خدا را

مُسْتَشْفِرٌ وَوَجْهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهِمَا غَبْرَةٌ تَرْتَهْمُهَا

شده آن عیاره در او در آنروز بر آنهاست که در غم و اندوه زدند و در آنها

قَرَّةٌ وَذَلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعُوْلِي وَمَعْتَمِدِي

عین و عیار در روزی ای سید من بر او است که من و نهاد من

وَدَجَائِي وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي نَصْبِي

در سید من در آنروز من در رحمت توست چنانکه درون من بر من است

بِرَحْمَتِكَ مَزْنَتَانِي وَنَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مِنْ حَبْتِ

رحمت خود را تا آنکه بخوار می دهی منی که است خود از آنکه در روزی

فَلَكَ اَلْحَمْدُ عَلٰى مَا نَقِضْتَ مِنَ التَّيْرِكِ قَلْبِي وَكَلَّ

بک در رحمت توست بر من آن که در آنروز است دل مرا در رحمت

اَلْحَمْدُ عَلٰى لِسَانِي اَفِيْلَسَانِي هَذَا الْكَلَامِ

بسیار بر گوشت زبان من آن زبان من این زبان است

اَشْكُرُكَ اَمْ بَغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي اَرْضِيكَ

بسیار که در روزی با نهایت سعی من در آنروز من در این که شکر تو را

وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا

در هر چه است قدر زبان من ای پروردگار من در هر روزی شکر تو را

قَدَّرَ عَلَيَّ فِي جَنْبِ نِعْمَتِكَ وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ

قدر عمل من در هر روزی نعمت های تو در حسن تو بوی من

اِلَّا اَنْ جُوْدَكَ لَسَطُ اَمَلِي وَشُكْرُكَ قَبْلَ عَمَلِي

که است بخشش تو که در آنروز مرا و شکر تو که در عمل من

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَمِنْكَ رَهْبَتِي وَ

سید من بوی است رغبت من در تو است ترس من از

إِلَيْكَ تَأْمِينِي وَقَدْ سَأَقِي لِيكَ أَمَلِي وَ

بوی است آرزو نمودن من در اندام مرا بوی تو

عَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ هَيْبَتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ

رست ای یگانه خشم بساده است غم من در درگاه تو است

أَنْسَطْتُ رَغْبَتِي وَكَأَنَّكَ خَالِصٌ رَجَائِي وَ

در آرزو شده خواست من در تو است خالص

خَوْفِي وَبِكَ الْإِسْتِحْبَاتِي وَإِلَيْكَ الْقَبِيئَاتِي

ترس من و بنوی این است دوستی من و بوی تو انداخته ام

بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

دست خود را در رشته طاعت تو گسسته ام ترس خود را

يَا مَوْلَايَ بِيَدِكَ عَاشَ قَلْبِي وَمِنْهَا جَانَتِي

ای مولای من ما تو زندگانی کرده دل من در آنجا است

بَوَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مُوَدِّي

سوار کرده ام ترس خود را از خود ای رفای من ای مودت کننده

وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِ صَيْلٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَفِرَقِي

در ای منتهای سوال من رحمت است بر محمد و آل محمد و جدا شدن

بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي الْمُنَاجِعِ لِي مِنْ لَوْحِ طَاعَتِكَ

میان من و میان گنایان من که مانع است مرا از پیشه بودن در طاعت تو

فَإِنَّمَا أَسْتَلِكُ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَخَوْفِي

پس در پیشه طلب نمودم ز راهی ایستگ نمودن بسید من آرزو نمودن ترس من

لِلَّذِي وَعَظِيمِ الظَّمْعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ

بوی تو و بسیار است عطش از تو که در پیشه است

عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّافَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْأَمْرِ لَكَ

براست خودت از هرانی نمودن رحمت نمودن و امر ز دست

وَحَدِّكَ لَا شَرَّ بَكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِبَادُكَ

که نه تو نیست شری مرتا و خلق هر یک از اعمال تو اند

وَ فِي قَبْضَتِكَ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكَ

در قبضه تو است و هر چیزی در دست است و هر چیزی تو بزرگ است

تَارِبًا لِعَالَمِينَ إِلَهِي أَرْحَمَنِي إِذَا انْقَطَعَتْ

ای روزگار عالمیان ای که ای من رحمت کن مرا هرگاه قطع شود

حُجَّتِي وَ كُلٌّ عَن جَوَابِكَ لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ

حجت من دستم نوزده از جواب تو زبان من در غایت تو بود

سُؤَالِكَ إِنِّي لَبِيٌّ فَيَا عَظِيمُ أَنْتَ رَجَائِي وَ لَا

سوال کردن تو را عمل من پس ای بزرگ تو را امید من و

تَخَيَّبَنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقْتَبَلْتُ لَيْكَ وَ لَا تَوَدُّنِي

و شد من مراد من نیست شد جان من لوی نوزده در من مرا

لِيَجْهَلِي وَ لَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي عِطْفِي لِفَقْرِي

بند ای من وضع کن مرا برای کمی صبر من عطفت کن برای فقر من

وَ أَرْحَمَنِي لَصُغْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعْوَلِي وَ

در رحمت کن مرا برای ای بزرگ من ای سید من ای دوست ای غما من و

رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَ بِفَيْئَانِكَ

بستن و توکل کن و رحمت تو او گفتم من و بستن تو

أَحْطَرُ رَجُلِي وَ لِحُجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي وَ بِكَرَمِكَ

روزی آورم بار خود را و حجت تو قصد میکنم تو طلب از طلب خود را آورم که

أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحْ دُعَائِي وَ كَدِّكَ أَرْجُو فَاقْتَبِي

ای پروردگار من طلب کن بخدمت دعای خود را در تو تو امید دارم حاجت خود را

وَبِعِيَاكَ أَجْبِرُ عِيَالِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي

در نمازی نو بیست و سه مرتبه بخواند در هر بار عفو است بسیار کن

وَالِي جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَرِي وَإِلَى

دلیوی جو تو دارم تو اسب درود در بخواند دلیوی

مَعْرِفَتِكَ أَدِيمُ نَظْرِي فَلَا تَحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ

مخوفی کردن تو هست در روز قضا در هر روز از هر کجا که باشی در نو

مَوْضِعِ أَمَلِي وَلَا تَسْكِبْنِي لَهَا وَتَبِّقْ فَأَنْتَ قَرِي

مکان امید من در آن کجاست در روز قضا بود در هر کجا که بودی

عَيْبِي يَا سَيِّدِي لَا تَكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ

در عهد ای سید من دروغ منی کان مرا احب ان خود

وَمَعْرِفَتِكَ فَأَنْتَ نَيْفَتِي وَرَجَائِي وَلَا تَحْرِقْنِي

و معرفت خود بی درستی تو را ستم کن در حق من و در عهد من مرا

تَوَابِكَ فَأَنْتَ الْعَارِفُ بَفِقْرِي إِلَهِي لَنْ كَانَ قَد

از تو است عوذ بی درستی تو است لعین آن که ایمان را میخورد

دَنِي أَجَلِي وَلَمْ يَقْرِبْنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ

در هر کجا که ای من در روز قضا تو را در روز من ای سخن که اگر می

الْاعْتِرَافُ بِدُنْيِي وَسَائِلُ عِيَالِي لِي أَنْ عَفُو

احرمت گناه خود را در سبهای غلغله ای خود بخوانی که باز در روز قضا

فَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَلَنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ

این است که از تو در عفو در هر خداست کسی که عیب

أَعْدَلَ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ إِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَمِي

عادلتر از تو در حکم رحمن در این دنیا مهربانی مرا

وَعَنْدَ الْمَوْتِ كَرِّبْنِي وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَ

در روز مرگ از خودم دور فرم نهادن مرا و

إِلَيْكَ

فِي اللَّاحِ وَخَشِيَّتِي إِذَا نَشَرْتُ لِلْحَسَابِ بَيْنَ

در لاله و خشیته را چون بر تخته شوم برای حساب
يَدَيْكَ ذَلَّ مَوْفِعِي وَأَعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ إِذَا

دوی تو خواری از دوش من بر او با دوز برای من که نهانست بری آدم
مِنْ عَمَلِي أَدِمْ لِي مَا بِيَهُ سَتَرْتَنِي وَأَرْحَمْنِي صَرِيحًا

از عمل من و در آن از برای من که پنهان شدی آن در در من حشوده
عَلَى الْفِرَاشِ ثَقَلْتَنِي بِدِي حَبْتِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ

بر من و سست کردی بر من از سستی من و فضل کن بر من
مَهْدًا وَعَلَى الْمَغْسَلِ بَغْسَلِي صَالِحِ جَبْرِي

در منده که نشسته در وقت غسل که بود مرا شایسته نگاه کن
وَخُنَّ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ

در خن کن بر من در صحن که رویش استند در صحن احب
جَنَازَتِي وَجَدَّ عَلَيَّ مَنَقُولًا قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَجِدًا

جنازه مرا و بخش کن بر من در صحن که در دوز آمده استم خوش بنما
فِي حَضْرَتِي وَأَرْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ عَزْمِي

در کوه دل من در من در این خانه تازه بخت مرا
حَقِّي لَا اسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي فَإِنَّكَ

نما استنم بگرم بغير تو ای سید کن بی بد استنم
إِنْ وَكَلْتَنِي لِي نَفْسِي مَلَكَتْ سَيِّدِي فَمَنْ

اگر داند داری مرا بوی من ملک بود ای سید کن بگرم
اسْتَعِثْتُ أَنْ لَوْ ثَقَلْتُ عَمْرِي وَوَلَّيْتُ مَا اسْتَرْعَانِ

استغاثتم اگر در غم من از غم من و ولوی که بناه بگرم در
فَقَدَّمْتُ عِنَايَتَكَ فِي حُجَّتِي إِلَى مَوْلَانِي

در بناه بگرم غایت ترا در خواجگاه من دوی که بناه بگرم

إِنَّ لَوْ تَنْفَسَ كَوْتِي سَيْدِي مَنْ لِي وَمَنْ بَرَحْنِي إِنْ

از طرف کجی اندوه را ای سید من است زای من و اگر من برادر

لَوْ تَرَحْنِي وَفَضْلٍ مَنْ أَوْقَلَ إِنْ عَدِمْتَ فَضْلَكَ

و محنت و اوجس آن که اندوه دارم که بیایم چه آن ترا

يَوْمَ فَاقْتِحْ إِلَى مِنَ الْفِئَارِ مِنَ الذَّنُوبِ إِذَا

روز است باج از دلو کسبت دار روزگاری آن بخت

انْقَضَى أَجَلَ سَيْدِي لَا تَعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ

معضی شود اجل من سید من عذاب کن مرا من بیدار در نما

اللَّهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ

چه اندوا نیست کردن ای سید من کردن وقت مرا به در سیرت

ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا الْعَفْوَكَ يَا سَيْدِي فَإِنَّا

گمان من ای سید در آن که عفو را ای سید من

أَسْأَلُكَ مَا لَا اسْتِحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى

سوال کنم ترا آنچه استادار نشد و تو استادار بر هر کاری

أَهْلُ الْغُفْرَةِ فَاعْفِرْ لِي وَالْبَسِيئَةَ مِنْ نَظْرِكَ

استادار از بخشش ای سید از اوستش آن مرا از نظر خودت

تَوْبًا يَعْطِي عَلَى الذَّنُوبِ وَالتَّبَعَاتِ وَتَعْفُرْ

عافه کوبند بر من گناه آن و عافه از منی آنها را

لِي وَلَا أَطَالُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مِنَّةٍ قَدِيمٍ وَصَفِي

مرا کجی در مطالتش با من از راه سیرت زنا ما است با خود هم از پیشش

عَظِيمٍ وَتَجَاوَزْ كَرِيمٍ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تَقْبِضُ

بزرگ و بگذرد بزرگ ای که زای من آنکه سیرت

سَبَبَكَ عَلَيَّ مِنْ لَيْسَ لَكَ وَعَلَى الْجَاهِدِينَ

عطا می خود را بر کس سبب ترا در ای کار بسته گان

بِرُّؤْيَا تِكْ فَكَيْفَ سَيِّدِي بَيْنَ سَسَلِكَ وَابْتِنِ

بر آوردن کار می تو پس چگونه باشد ای سید من بگو سوال نمود ترا و بعتی کن

أَنْ لَخَلَقَ لَكَ وَالْأَمْرَ لَتِيكَ تَنَارَكَتَ وَ

سند خلقی هرگز در زمان بپوی حالت بزرگمان تو

تَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي سَيِّدِي عَبْدُكَ

برازی ای در دگر عالمین آنچه ای من و سید من بنده من

بِيَا بِيكَ أَقَامَتْهُ الْخِصَاصَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ تَقَرُّعٌ

در گاه تو بت بر داشتی او را احسان در پیش روی تو بگو

بَابُ إِحْسَانِكَ بَدْعَايَهُ وَكَسَتْ عَطْفُ جَمِيلٍ

در احسان ترا دعا جویش و طلب بکنند من بکنان کردن

نَظْرِكَ بِمَكْنُونٍ رَجَائِمٌ فَلَا تَعْرِضْ بِي وَجْهَكَ

نظر کردن تو اسرار پس گردان ای خود را

الْكَرِيمِ عَنِّي وَأَقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتَنِي

که بنویسد از من و قبول کن از من آنچه گویم هفتی بگو از من ترا

بِهَذَا الدَّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي عَنِ

این دعا من بگو در دم بگو بر آورد ای در جواب ستانی

مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا

از من بپرسی خود در رحمت خود ای من لولا انما

يُحْفِكُ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا

تمام نمیشد خود را سوال کننده خود را که بگذرد از من ترا نه چنانکه

تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الظَّالِمُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي

بگو ای خداوندی از آنچه گویند مکاران خداوند بپسند

أَسْتَسْأَلُكَ حَسْبَ حَسْبِمْ وَأَفْرَجًا قَرِيبًا وَعَوَّلًا

سوال بکنم ترا بصورتی بگو در غمی نزدیک و کفایتی

صَادِقًا وَاجْرَ اعْظِمًا اسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ مِنْ

رب و از ای بزرگت سوال کنم ترا صادق ای درود کاوی

الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اسْأَلُكَ

خیر همه اش که بداند نام از آن دانم آنچه ندانم سوال کنم ترا

اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

صدا در از خیر آنچه سئوال کرده اند از ان سگانه صالحان

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ أَعْطِنِي سَوْطِي

ای بهترین کسی که سئوال کرده شد و در بخشش بزرگتر است از آن که سئوال کن

فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَوَالِدَتِي وَأَهْلِي

از خودم و اهل من و از پدرم و مادر و اهل

حُرَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَطْمِئِنِّ

جوان من و درازان من در راه تو و آرام کن زندگی من و اطمینان

مَرْوَتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَأَجْعَلْنِي يَمِينًا

دست راست من و اصلاح همه احوال من و درودان مرا در راست

أَطْلَقَ عَمْرَةَ وَحَسَنَتَ عَمَلِهِ وَأَمَّنْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ

در آزاد کردی امرا و در صلح با من کردی و در نام او ایمنی بر او نمودی

وَرَضَيْتَ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَبْوَةَ طَيْبَةٍ فِي

و پسندیدستی او را و زنده کردی او را در گدازدنی زندگانی او در

دَوْحِ السَّرُورِ وَأَسْبِغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشَ

در درخت شادمانی و در نام من را بشوی و تمام کن عیش

لَكَ تَفْعَلْ مَا نَشَاءُ وَلَا تَفْعَلْ مَا يَشَاءُ غَيْرَكَ

هر آنچه تو خواهی انجام دهی و آنچه غیر تو نخواهد

اللَّهُمَّ وَخَصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّتِكَ فَذَكَرَكَ وَلَا تَجْعَلْ

صدا در و مخصوص گردان مرا که خاصیت تو را ذکر کرده و گردان

شَيْئًا حَتَّىٰ أَتَقَرَّبَ بِهِ فِي نَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَفِ النَّهَارِ

چیزی را از آنکه نوبت بخورد اطراف شب و اطراف روز

رِثَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَسْرًا وَلَا بَطْرًا وَأَجْعَلْنِي

ریا در سبب از طغیان از کفران در دامن مرا

لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي السَّعَةَ فِي

برای خود روز خود مستعدگان خداوند در

الرِّزْقِ وَالْأَمْنِ فِي الْوَطَنِ وَقِرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْإِهْلِ

روزی و امنی در وطن و خوشحالی چشم در اهل

وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمَقَامِ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي

مال و فرزندان و مقام در نعمت تو نزد من

الصِّحَّةِ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ

صحبت در جسم و قوت در بدن و سلامتی

فِي الدِّينِ وَأَسْتَعِجِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ

در دین و عجل در اطاعت خود و اطاعت پیغمبر خود

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا

محمد و اهل بیت او رحمت خداوند بر او و آل او همیشه

مَا اسْتَعْرَضْتَنِي وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَ

مادام که عرض کردم از تو و از بهترین بندگانت خود در حضور خود

نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَنَزَلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

از هر چیزی که از هر یکی که از هر نعمتی که از هر نعمتی که از هر ماه رمضان

فِي كِلَيْهِ الْقُدْرُومَاتُ مِنْزَلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ

در هر چیز از هر قدرتی که از هر سال

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تَلْبَسُهَا وَبَلِيَّةٍ

از رحمتی که پهن میکند و از عافیتی که پوشش میدهد و از بلیتی

تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَجَاوِزُ

دوم کنی آنرا حسنات کنونی است که در هر سال که در سجده می
عَنْهَا وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا

از آن روزی که از حج خانه محترم خود در سال این
وَفِي كُلِّ عَامٍ وَأَرْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ

در هر سال روزی که از روزی که از تو
الْوَاسِعِ وَأَصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي لِأَسْوَأِ وَ

از بدترین روزی که از بدترین
اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظَّلَامَاتِ حَتَّى لَا آتَاذَنِي

از آن بدهی و بدهی مردم را تا ندانم
بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخَدِّ عَنِّي بِالسَّمَاعِ وَأَبْصَارِ عِبَادِي

چیزی از آن که در گوش و چشم و دیدن
وَحَسَادِي وَالْبَاغِبِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ

و حسادت آن که دشمنان من را بر من
وَأَقْرَبِي عَيْبِي وَحَقِّقْ ظَنِّي وَفَرِّجْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي

از نزدیکان من عیب و راستی را در دل من
مِنْ هَيْبَتِي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَدْوَانِي

از دواهای من که در دلم است و دواهای
بِشُورٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مَحْتِ فِدْحَتِي وَاقْبِنِي

بهری از همه خلق خود را در دند من و گنبد کن را
مَنْ الشَّيْطَانِ وَشَرِّ السَّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي

شهر شیطان و شر سلطان و بدیهای
طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاجْرِنِي مِنَ الشَّارِ

پاک کن مرا از گناهان همه آن و پناه ده مرا از

بِعَفْوِكَ وَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوَّجَنِي مِنْ

بغض خود در او را بپشت برکت خود در آن دو امر از

الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَالْحَقِيقِي يَا أَوْلِيَّائِكَ الصَّالِحِينَ

حور عین فضل خود در بر آن را در میان شایسته خود

فَخَمِدْ وَإِلَيْهِ الْأَبْرَارُ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

همه را ال ای که سید کاران با آن مخلوقان بر کزندگان

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ

رضای خدا بر ایشان در روحی ایشان و جسم ایشان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ وَسَّيِّدِي وَعِزَّتِي وَ

درست خدا در آنها ای از آنکه ای من از سید من عیسی استوار

جَلَالِكَ لَيْتَنِي ظَلَمْتُكَ لَيْتَنِي بَدَنُوكَ لَيْتَنِي لَأُطَاعِيكَ

بر کزوری تو در مطایبه ای از آنکه ان من در مطایبه نام تو

بِعَفْوِكَ وَلَيْتَنِي ظَلَمْتُكَ لَيْتَنِي بَدَنُوكَ لَيْتَنِي لَأُطَاعِيكَ

بغض تو در مطایبه ای از او در دردی من مطایبه نام تو بر من تو

وَلَيْتَنِي أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْرَجَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحَبِي

و اگر در آوری مرا از آتش بر من بخواهم اهل آتش را از آتش من بیرون

لَكَ اللَّهُمَّ سَيِّدِي إِنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَّائِكَ

مرا آنکه ای من از سید من اگر چنانکه هستی کوئی از منی که را که استوار خود

وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَىٰ مَنْ يَقْتَرِعُ الْمَذْنُونُونَ وَ

اهل طاعت خود ای کوی کسب هفتگانه کاران و

إِنْ كُنْتُ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبَيْنَ

اگر چنانکه کوی کسب هفتگانه ای از اهل وفاء تو پس کسب

لَيْتَنِي لَيْسَ لِي سَيِّدٌ إِلَّا اللَّهُ لِي أَنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَنُقِي

استوار شد به کاران آنکه ای من اگر در آوری مرا از آتش من و بر

ذَلِكَ سُرُورٌ وَعِدُّوكَ وَإِنِ ادْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَبِقِي

این خوشی را دوست داشتی و اگر در آوری مرا بهشت این زمین

ذَلِكَ سُرُورٌ وَرُبِّيَّتِكَ وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ

این خوشی را بهشت است و من بگذاشتم خدا را سسر

رُبِّيَّتِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورٍ وَعِدُّوكَ اللَّهُمَّ

بجز تو دوست تراست لوی تو از سسر و دشمن تو خداوند را

لَا بِنِي اسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً

مرا سسیدن بر آن سسند ترا سسند بر کسی دل مرا خدا سستی تو در سسیدن

مِنْكَ وَتَصَدِّقًا بِكَ يَا بَنِي بَنِي بَنِي بَنِي بَنِي بَنِي بَنِي

از تو و تصدیق نمودن بکتاب تو و ایمان آوردن تو به بهشت

مِنْكَ وَسُوقًا إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِيبِ

از حبیبت تو در سسیدن ای پسر لوی تو ای خداوند عظمت از روزگاری در سسیدن

إِلَى لِقَائِكَ وَأَحِبِّ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ

لوی من ملاقات خود را دوست از لقای مرا و بگردان از من ای پسر از ملاقات خود

الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ الْحَقِيقِي صَلِّ

رحمت و فرج و دلدارش را خداوند ای پسر از بخوان

مِنْ مَضِيٍّ وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِي مَنْ بَقِيَ وَخَدِّ

کس سسند گذشته اند که در آن مراد از دشمنان من سسند باقی اند و بگردد

بِي سَبِيلِ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي يَا تَعِينُ

مرا بر راه سسندگان دعاست کن مرا بهشت من ای خداوند تاعین

يَا صَالِحِينَ رَا بَرَقْتُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتَمَ عَلَيَّ بِأَحْسَنِهِمْ

ای صالحان را بر قضا بگذاشتن و ختم کن عمل مرا بر سسندگان و

اجْعَلْ تَوَالِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ

بگردان تو را از آن عمل بهشت را بر رحمت خود ای خداوند گردان

الغالبين

الْعَالَمِينَ وَاعْتَبِرْ عَلَى صَالِحِ مَا آعْطَيْتَنِي وَثَبِّتْنِي

عالمیان و اعانت کن مرا بر این است که آنچه عطا نمودی مرا از این است که مرا

يَارَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِقْدَاتِي مِنْهُ

ای پروردگار من در درگاه خودم در بدی که مراست می گردانی آن

اللَّهُمَّ لِمَا فِي أَسْئَلِكَ إِنَّمَا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ

حداوند ابرو بکن کن بوال سئمت ترا ایمانی که در این است مرا در پیش

لِقَائِكَ حَبْنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّقْنِي لِذَا

لفظی تو زنده در مرا در دم که زنده داری مرا بر آن و مرا در آن راهگاه

تَوَفَّقْتَنِي عَلَيْهِ وَانْعَشْنِي لِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَ

بهرانی مرا بر آن در ابرو مرا در راهگاه و بفرستی مرا بر آن و

أَبْرَأَ قَلْبِي مِنَ الرِّثَاءِ وَالشُّكِّ وَالسَّمْعَةِ فِي بَيْنِكَ

برای کن دل مرا از ریا و شک و سماع در بین خود

حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً

تا بوده باشد که در من خالص از برای تو خداوند اعط کن به

فِي بَيْنِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ وَ

در بین خود و فهما در حکم خود و فقهت در علم تو و

كِفَايَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجِرُنِي عَنْ مَعْصِيَتِكَ

دوره از رحمت خود و ورعی که نگاه در راه از عصیت تو

وَتَبَيُّضَ وَجْهِهِ بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رِعْبَتِي فِيمَا

در روشن کردن روی مرا بنور خود و بگردان بوی من در راه که در آن

عِنْدَكَ وَتَوَفَّقْنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مَلِكِي وَرَبِّي

تر در پیش و بهرانی مرا در راه خود و برعت در سل خود

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَاللَّهُمَّ لِمَا لَقِيَ عَوْنُكَ مِنْ

رحمت است که خدا را در آن او خداوند ابرو است بر من که بگویم تو را

الْكسَلِ وَالْفَقْرِ وَالْفَشْلِ وَالْهَمِّ وَالْجَبْنِ وَالْبخلِ

سستی و فقر و انداختن و اندوه و ترس و بخل
وَالْعَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالذَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَ

و بختی و تنگدستی و روزاری و کشتن
الْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ كُلِّهَا

فقر و فتنه و هر چه
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا

آنچه ظاهر باشد از آن و آنچه باطن است و در روز قیامت بنویز از نفسی که
تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَتَشَبَعُ وَدَعَاءٍ

خاتم بود شکلی که سیر شود و دل که حیرت نماید و دعا که
لَا يَسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَصَلْوَةٍ لَا تَرْفَعُ وَأَعُوذُ

نشد و عملی که سود ندارد بجز بالا نبرد و دعا که
بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَوَلَدِي وَدِينِي وَمَالِي

من ای رو در دکان من بر من از منم و دینم و مال من
عَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ

ای که روزی داری بر از شیطان رانده شده و در شکرت
أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ لِمَنْ لَا يَجِيئُ مِنْكَ

از تو شنیده و دانایند
أَحَدٌ وَلَا أَحَدٌ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ

احدی و یکی با هم از غیر تو بنمایم پس هر که از تو
نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي بِهَيْلِكَ

عزت بر از چیزی از عذاب تو و بر گردان مرا به عذاب
وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ إِلِيمِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَعَمَلِي

و بر گردان مرا بجز با دردناک خدا و ما انجمن کن از من و عمل من

ذِكْرِي وَارْتَقِ دَرَجَتِي وَحَظَّ وَزُرِّي وَلَا

درین دعا بار بار بگویند هر روز یک بار در

تَذَكُّرِي بِخَطِيئَتِي وَأَجْعَلَ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ

بزرگن هر مجلسی من و در میان ثواب سخن مرا و ثواب

مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعْطِنِي

دوای دعا مرا بخشندی خود داشت و عطا کن مرا

يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ

ای درودگار من همه آنچه سوال کرده ام ترا و زیاد کن مرا از فضل خود

إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ

پرستش من بوی تو خواهم نمودم ای درودگار عالمیان خداوند بزرگوار تو

أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْعَفْوَ وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُو عَنِ

تو فرمودی در کتاب خود عفو را و امر نمودی ما را ای خداوند بزرگوار که

ظُلْمَنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَى

است کرد ما را و مست کردی بر گناههای خود پس عفو کن از ما پس تو اولی

بِذَلِكَ مِثْلًا وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا تَرُدَّ سَأَلَنَا عَنْ ثَوَابِ

باین از ما و امر نمودی ما را ای خداوند که سالی را از درگاه ما

وَقَدْ جِئْتُكَ سَأَلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ

و آمدم بدین تو سوال کرده ام پس بر گردان مرا اگر چه بود و آن

حَاجَتِي وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ

عالم خود را امر نمودی ما را ای خداوند بوی آنچه مملکت

أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعِيقْ رِقَابَنَا مِنَ الشَّرِّ

دستی ما و ما نیز سزاگران پس از تو ای خداوند ما را از شرستی

يَا مَقْرَعِي عِنْدَ كَرْبَتِي وَيَا عَوْنِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای کوبنده من نزد اذنه من ای خداوند کس من نزد کجی من

إِلَيْكَ فَزَعَتْ وَبِكَ اسْتَعْتُ وَلَذْتُ لَا

بوی تو پناه آوردم و بنویس تا روزم و بچشمم

أَلُوذِي سِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْقَرْحَ إِلَّا مِنْكَ

منجا شدم بجز تو و طلب میکنم فرج را مگر از تو

فَأَغِيثِي فِي فَرْحِ عَيْتِي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْبَسِيرَ وَيَعْفُو

ای خداوند بزرگوار من ای که قبول میکنی احوال مسکین را و دردی نگذارد

عَنِ الْكَثِيرِ لَا قَبْلَ مِنْكَ الْبَسِيرَ وَأَعْفُ عَنِ

از گناه بزرگ من و در ازین عمل بزرگ و در گذر از

الْكَثِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ إِنِّي

گناه بزرگ مرا شکستند و چون از گناه مدافعه میگردانم

اسْتَسْلِكُ بِهَا نَفْسِي وَبِقَبْلِ صَادِقًا

مرا که بگریزم از او که محفوظ کنی جانم و بچشمی درست و درست

حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يَصِيبَنِي لِأَمَا كَتَبْتَ لِي وَ

تا دردم که بنویسد مرا که آنچه نوشته اند برای من و

رَحْمَتِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحمت خود را از عیش من بگو قسمت کرده اند برای من ای مهربانترین مهربانان

وَمَنْ مَرَّ بِهَا بِعَيْنَيْهِ عَيْنًا كَرِيمًا وَ

و کسی که از او بگذرد با چشمی بزرگوار و

يَا عَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي إِلَيْكَ فَزَعَتْ وَبِكَ

ای خداوند بزرگوار من تو را زحمتی من بوی تو پناه آوردم و بنویس

اسْتَعْتُ وَبِكَ لَذْتُ لَا أَلُوذِي سِوَاكَ وَلَا

منجا شدم بجز تو و بنویس تا روزم و بچشمم بجز تو و

أَطْلُبُ الْقَرْحَ إِلَّا مِنْكَ فَأَغِيثِي فِي فَرْحِ عَيْتِي

طلب میکنم فرج را مگر از تو پس خداوند بزرگوار من

يَا مَنْ يَقْبَلُ الْبَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ لِمَ قَبِلَ

ای آنکه قبول میکند از آنکه بسیار بزرگوار است

مِنْ الْبَسِيرِ وَأَعْفُو عَنِّي الْكَثِيرَ لِمَ أَنْتَ تَعْفُو

از من عمل آنکه بزرگوار کرد از آنکه بسیار در گناه بزرگوار

الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا نَأْتِيهِ بِهِ

ای رحیم خداوند من را میسئال که مرا از آنکه میسئال که

قَلْبُكَ بِحَقِّ مَا حَقَّ عَلَمُ أَنْ لَنْ يَصِلَ بِي إِلَّا مَا

دل مرا از حقش که به او که میسئال که

كُتِبَتْ لِي وَرَضِيتُ مِنَ الْعَالَمِينَ مَا قَسَمْتَ لِي يَا

نوشته از برای من و خوشتر و ما نیز از آنکه

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَدِيْبِي كَرِيْبِي وَيَا صَاحِبِي

محب من از آنکه خوشتر از آنکه ای دشمن من از آنکه دوست من از آنکه صاحب من از آنکه

سَيِّدِي وَيَا وَابِي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايِبِي فِي رِغْبَتِي

سختی من ای صاحب من از آنکه در نعمت من ای غایبی من از آنکه در رغبت من

أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي وَالْأَمِينُ رَوْعِي وَالْمَقْبَلُ

تو ای سائری پشت من ای ایمن من از آنکه در روع من و در آنکه

عَثْرَتِي فَأَعْفُ رِيْ خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از آنکه در عثر من ای ایمن من از آنکه در خطیئت من ای ایمن من از آنکه

وَأَمَّا عَظَايُ هَرَّ وَرَمَاهُ مِبَارِكُ رَمَضَانَ لَسْتُمْ

معتبر منقولات که حضرت امام زین العابدین و امام

مُحَمَّدٌ بِأَقْرَبِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا دَرَّ هَرَّ وَرَمَاهُ اللَّهُمَّ هَذَا

ماه مبارک رمضان این دعا میخواهند صد اوستا

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ هَذَا

ماه رمضان که در آنکه نازل شد قرآن در آن ماه

لِلثَّائِرِ وَبَيْنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَهَذَا

برای مردان در سخاوت روزگار از بهشت و حدیث که از بهشت درین

شَهْرُ الصِّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهَذَا شَهْرُ

ماه روزه است و این ماه ایستادن است و این ماه

الْإِنَابَةِ وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهَذَا شَهْرُ

بازگشت است و این ماه توبه است و این ماه

الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ

از آتش درگت است و این ماه از دوزخ شدن از آتش

وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَهَذَا شَهْرُ فِيهِ لَبْنَةُ الْقَدَرِ

در سنگاری بهشت و این ماه است که در آن است شهر

الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ

که آن بهتر است از هزار ماه صد آرزوی من است بر

مُحَمَّدٍ وَالْأَنْبِيَاءِ وَأَعِنِّي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَ

محمد و انبیا و در روزها و نمازها و در این ماه و در این ماه

سَلِّ لِي وَسَلِّ لِي فِيهِ وَأَعِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ

س که در آن روز ایمن و سلامت در روز در آن و در آن روز ایمن

عَوْنِكَ وَوَقْفِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ

برای خود از منی خود را در آن برای طاعت خود و طاعت

رَسُولِكَ وَأَوْلِيَايَكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَقَوِّفِي

بمن خود در آن روز و صلواتی خدا بر شما و ایستادگی در آن

فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَذُنُوبِكَ وَقَالَ أَوْ كَمَا يَكُ وَ

در آن برای من که خود را دعا می خواند و در آن روز که

عَظَّمَ لِي فِيهِ الْبِرَّكَتَ وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ

بزرگ گردان برای من در آن بزرگت در روز بزرگ گردان که ایمنی را از آن

وَاصِحِّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَارْشِعْ فِيهِ رِزْقِي وَارْكَفْنِي

در سجده در برای من در آن بدن را دوست ده در آن روزی را در کف من کن

فِيهِ مَا أَهْتَنِي وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي

در آن آنچه را که از من بگریزد و در او استجاب گردان در آن دعای مرا در برسان مرا

فِيهِ رَجَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در آن برسان صلوات خداوند را بر من و بر محمد و آل محمد

وَأَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ

و بریزد از من در آن خواب سستی و کسلی و دلت

وَالْفِتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْعَقْلَةَ وَالغَيْرَةَ وَجَنِّبْنِي

و سستی و بحث را و عفت و فتنه و دور گردان مرا

فِيهِ الْعَيْلَ وَالْأَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْآخِرَانَ

در آن از عیلت و بیماریها و اندوهها و آخرت

وَالْأَغْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذَّنُوبَ

و حواشی و در صفتها و خطاها و گناهان

وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ

و گردان از من در آن بدی و کدورت و دشمنی

وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

و بلاها و سستی و درنگی و کوفتی در شنیدن تو را مستجرب دعا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْ فِيهِ مِنَ

خداوند از رحمت زینت بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا در آن روز

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمِيزَهُ وَلِيزَهُ وَتَفِيهِهِ وَتَفِيهِهِ

شیطان را زنده شده و عیب جو را و کلام او را در میان او

وَوَسْوَسِهِ وَتَلْبِطِهِ وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَ

و وسوسه او و کالی کردن او و اخط کردن او و حیل او و

مَكْرَهُ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَأَمَانِيَّتِهِ وَغُرُوبِهِ

نگار و دام او دروغهای او دروغهای او و فریبهای او و فریبهای او

وَفَيْتِهِ وَشُرَكَائِهِ وَأَحْزَابِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ

و دشمنان او و یاران او و شرکهای او و یاران او و دشمنان او و دشمنان او

وَأَوْلِيَانِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَايِدِ اللَّهِ

و دوستان او و دشمنان او و همه کلاههای او و همه کلاههای او

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ

صلوات بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را در روز قیامت و روز قیامت

وَبَلُوغِ الْأَيْلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالِهَا

و رسیدن ما را به روز قیامت و در رسیدن ما را به روز قیامت

بِرُضِيكَ عَنِّي حَبِيراً وَاحْتِسَاباً وَإِيمَاناً وَقَبِيحاً

برضایت من از تو به خاطر اعتماد و ایمان و بدی

لَمْ تَقْبَلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْإِضْعَافِ الْكَثِيرِ وَالْأَجْرِ

که تو نپذیرفتی آن را از من به خاطر بسیار و پاداش

الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بزرگ ای درودگار جهانان خداوند صلوات بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْجِدَّةَ

و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره و سفر

الْإِحْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

کوشش نمودن و توانایی و سعی و بازگشت و توبه

وَالْتَوْفِيقَ وَالْفَرِيَةَ وَالْحَبْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ

و توفیق و فریاد و کاتب پذیرفته شده و فریب

وَالرَّغْبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالتَّخَوُّعَ وَالتَّوْبَةَ

و رغبت و تواضع و خوارگی و توبه

النِّسَةَ الصَّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ

عزیز در است و زبان راست و دست در است از تو

وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ

ایستاد استن بر تو و توکل بر تو و اعتماد بر تو

وَالْوَرَعَ عَنِ حَادِيكَ مَعَ صَلَاحِ القَوْلِ وَ

در پرهیز کردن از حادیت تو با صلاح کلام

مَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ العَمَلِ وَمَسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ

و کس پذیرفته شده در عمل بر او بسته شده و دعای او پذیرفته شده

وَالْاِخْلَافَ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ يَعْزِضُ وَلَا

و حاصل می شود میان من و میان چیزی از این کارش در

مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سَقَمٍ وَلَا عَقْلَهُ وَلَا

بیماری و نگرانی و غم و بیماری و عقل او را

لِسَانِي بَلِّ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحْقِظِ لَكَ وَفِيكَ

لسان من را بکس با تعهد و توجه کردن به تو

وَالرِّعَايَةَ لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءَ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ

و رعایت کردن حق تو را و وفای به پیمان تو و وعده تو

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

پرست تو ای مهربانترین مهربانان خداوند رحمت بخش

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي فِيهِ اَفْضَلَ مَا نَقِصُهُ

محمد و آل محمد و قسم کن به من در آن بهتر از آنست که من کم کنم

لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاعْطِنِي فِيهِ اَفْضَلَ مَا

از عبادان صالحان تو را و عطا کن به من از آن بهتر از آنست

تَعْطِي اَوْلِيَاءَكَ الْمُقْرَبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

عطا می کن به اولیای تو که نزدیکان تو از رحمت و مغفرت

وَالْحَمْدُ وَالِإِجَابَةُ وَالْعَفْوُ وَالْمَغْفِرَةُ الدَّائِمَةُ وَ

وَعَفْوَانِي دَرَمَقُش *دعوت در هر شش روزی*
الْعَافِيَةُ وَالْمَعَاوَاتُ وَالْعَيْقُ مِنَ الشَّارِ وَالْقَوْزُ

عَافِيَت *درمانت* و *درد دمی از پیش در کجاری*
بِالْحَيَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ لِبَيْتِكَ وَاصْلًا

وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي

فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَدُعَائِي فِيهِ

مَغْفُورًا حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْكَبِيرُ وَحِجَّتِي

فِيهِ الْآوْفَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلْيَسِيلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ

تَحْتِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَانِكَ وَ

رِضَايَاكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ

شَهْرٍ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ رِزْقَتِ أَحَدَا

مَا *در روزی که ما در آن بهتر از هر روزی دردی اهدی*

دعوت در هر شش روزی

درمانت *درد دمی از پیش در کجاری*

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

دعوت در هر شش روزی

مِنْ بَلَاغَتِهِ اِيَاهَا وَاكْرَمَتِهِ بِهَا وَاَجْعَلْنِي فِيهَا

روزگاری که بر بندگی او را و گرامی داشته باشی او را ایمان و درود آن مراد آن

مِنْ عَمَلَاتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطَلْقًا نَكَّ مِنْ النَّارِ

روزگاری که از شدگان خود از روزگاری در آسودگان خود از آتش

وَسَعْدًا خَلَقَكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا

و در نیکی خلق خود را که در بخشش خود و در خوشنودی خود ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

محمد و آل محمد که در روزگار رحمت بر همه اول

مُحَمَّدٍ وَاَرْزُقْنَا فِي شَهْرِ نَاهُنَا الْجِدَّ وَالْاجْتِهَادَ

محمد و روزگاری که در راه او این راه جد و کوشش

وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا يَحِبُّ وَتَرَضَى اللَّهُمَّ

و توانی دست داری در آنچه دوست داری و بر بندگی خود درود

رَبِّ الْفَجْرِ وَالْيَا لْاِثْنَيْ عَشَرَ وَالشُّعْبِ وَالْوَتْرِ وَ

روزگاری که در شبهای ده گانه و شصت و هفت روز و

رَبِّ شَهْرِ مَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ

روزگاری که ماه رمضان و آنچه نازل کردی در آن روزگار

وَرَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَائِيلَ وَجَمِيعِ

روزگاری که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و در همه

الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

و در میان مقربان و روزگاری که در اسحاق و اسمعیل

وَالشُّعْبِ وَبِشْرَافِ بْنِ وَرَبِّ مُوسَى وَعِيسَى وَ

و در شعیب و در روزگاری که در موسی و عیسی

جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالرُّسُلِينَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

در همه ان پیامبران و در روزگاری که در روزگاری محمد است

الْبَتِّينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ

بیتان صفای تو بر او در پیش آن باد همه و

اسْتَلَكْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَيَحِقُّكَ الْعَظِيمُ عَلَيْهِمْ

سوال بگویم ترا بحق آن بر تو و بحق تو که بزرگ است بر آن

لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَوَالِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ

گفتی در وقت سستی بر او و والد او در پیش آن همه و

نَظَرْتَ إِلَى نَظْرَةِ رَحْمَةٍ تَرْضَى بِهَا عَفْوٌ ضَا

نظر کنی بوی آن نظر با عفت رحمتی دوستی آن را کنی بخوشی

لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَ امْتِنَانٍ وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي

را نه سخطی بر من بعد از آن که اعتماد کردی بر من تمام آنچه بخواهم

وَرَغِيْبَتِي وَأَمْنِيَّتِي وَإِزَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي

و خواسته های من و آرزوی من و حضور من و کمالاتی از من

مَا أَكْرَهَ وَأَحْذَرُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا

آنچه ناخوش دارم و بیم دارم و در تنم بر تنم و آنچه

لَا أَخَافُ وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَ

در تنم و از اهل من و مال من و برادران من و

أَخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ لَا تَكُنْ فَرْدًا مِنْ

فرزندان من و از فرزندان من خداوند الهوی تو که بگفته از

ذُرِّيَّتِنَا وَأَنَا تَائِبِينَ وَتَبَّ عَلَيْنَا مُتَعَفِّينَ

که آن که ما را عاف کرده ای حال از ما نیستیم چون توبه کنیم آن را تو در نزد ما عاف کرده ای که ما را عاف کرده ای

وَاعْفُ لَنَا مُتَعَوِّدِينَ وَأَعْدْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَ

و عاف کن ما را حال از ما نیستیم بنا به عفو کردن ما و ما را عاف کن همه را حال از ما نیستیم بنا به عفو کردن ما

أَجْرًا مُسْتَلِيمِينَ وَلَا تَخْذَلْنَا زَاهِبِينَ وَأَمَّا

و عاف کن ما را حال از ما نیستیم که آن در روز قیامت ما را عاف کن همه را حال از ما نیستیم که آن در روز قیامت ما را عاف کن همه را

دین

قَاتَنَ لِأَيِّمَلِكهَا غَبْرَكَ وَأَعْفَ عَنِّي وَأَغْفِرْ لِي

بسم برکتی که من از او بزرگوارم و در گذر آن بزرگوارم و در گذر آن بزرگوارم

كَلَّمَا سَلَفَ مِن ذُنُوبِي وَأَعْصَمْتَنِي بِهَا بَقِيَّةً مِن

بزرگوارم که گذشته از آن است و آنچه در گذر آن بزرگوارم از

عَمْرِي وَأَسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّْ وَوَلَدِي وَ

عمرم و پسران من و پدرم و مادرم و فرزندانم

قَرَابَتِي وَأَهْلَ حُرَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ

خون من و اهل حرم من و آنکه از من است

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ

مردانان من و زنان من در دنیا و آخرت هر که

ذَلِكَ كَلِمَةٌ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْغَفْرِ فَلَا

این کلمه است در دست تو و تو وسیع بخشش هستی

تُحِبُّنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تُرَدِّدْ عَنِّي وَلَا تُرَدِّدْ

تو مرا دوست داری ای سرور من و مرا برنگردان و مرا برنگردان

إِلَى خَيْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ

برای خیر من تا آنکه آنرا بکنی در حق من و جواب دهی برای من

مَا سَأَلْتُكَ وَتُوَيْدَنِي مِن فَضْلِكَ يَا فَائِزَ عَلَيَّ

آنچه از تو خواهم که در حق من از فضل خود است ای برنده من

كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَتَحْفَظْ لِي نَفْسَكَ رَاغِبُونَ إِلَيْكَ

هر چیزی توانایی و نگاه داری برای من و تو را دوست دارند

تِلْكَ لِأَسْمَاءَ الْحُسَيْنِيِّ وَالْإِمْتِثَالَ الْعُلِيَّ وَالْكَافِي

این است برای اسماء حسینی و امتثال علی و کافی

وَالْإِسْلَامَ أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و اسلام را از تو می خواهم ای سرور من بسم الله الرحمن الرحيم

انکه

لَا كُنْتُ قَضَيْتُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ

کرده بمنشور که حکم کرده است و منی است

وَالرُّوحِ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

در آن است که بر من و منی از آل محمد صلوات کند

تَصَلَّى بِسْمِي فِي السُّعْدَاءِ وَرُوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

که در آن است که در روز قیامت من را با شهدا این

وَأَحْسَابِي فِي عِلْيَيْنَ وَالسَّاعِي مَغْفُورًا وَأَنْ

و منی را در عیبن و در ساعی غمناز و منی را

أَنْ تَهْتَبَ لِي بِقِيَامَتِي بِرَبِّ قَلْبِي وَأَيْمَانًا لَا

است که در روز قیامت بر من است که در روز قیامت بر من

يُسَوِّبُ سَلَامًا وَرِضًا بِمَا قَسَمْتُ لَنْ وَأَتَيْتُ فِي

و منی را در روز قیامت و منی را در روز قیامت

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَبْنِي عِنْدَكَ

و منی را در دنیا و منی را در آخرت و منی را در آخرت

التَّارُوتَ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ

است که در روز قیامت که در روز قیامت که در روز قیامت

الْمَلَائِكَةِ لِمَا لَرُوحِ فِيهَا فَأَخْرَجَنِي إِلَى ذَلِكَ وَأَزْرَعِي

در روز قیامت که در روز قیامت که در روز قیامت

فِيهَا ذِكْرَكَ وَسُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحَسَنَ

در روز قیامت که در روز قیامت که در روز قیامت

عِبَادَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ

در روز قیامت که در روز قیامت که در روز قیامت

صَلَوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدَ يَا أَحَدَ

در روز قیامت که در روز قیامت که در روز قیامت

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِعَضْبِ الْيَوْمِ مُحَمَّدٍ وَ

لَا بُرَّاءَ غَيْرِهِ وَاقْتُلْ أَعْدَاءَهُمْ بَدَدًا وَاسْتَبْرَأْ

عَدُوَّهُ وَلَا تَدْعُ عَلَى ظَهْرٍ الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا

وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا يَا حَسَنَ الصَّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ

النَّبِيِّنَّ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيَّ الْيَدِيَّ

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَاللَّيْلُ لِمَنْ قَبُرَ الْغَائِقُ وَالْحَيُّ

الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلُّ يَوْمٍ فِي سَائِرِ أَنْتَ

خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاطِقُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ اسْأَلُكَ

أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ مَنْ أَمَامُ

بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ

عَلَيْهِمْ اعْطِفْ عَلَيْهِمْ تَنْصُرَكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ أَنْتَ

يَحْيَى الْإِلَهِاتِ أَنْتَ سَيِّدُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ

وَأَعْيَانُ

وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ

وگردان مراد آن در دنیا و آخرت و گردان

طَوْتَهُ آمُرِي إِلَىٰ عَفْوَكَ يَا أَرْحَمَ

عالم است ای ارحم الراحمین خود و خود خود ای خدایا

الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ لَسَبَتْ نَفْسُكَ يَا سَيِّدِي

کس نشدگان و مجنون ناسده ذات خود ای سید

يَا لَطِيفُ بَلِيغُ نَفْسِكَ لَطِيفُ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

مهری ای در شکوه تو از هر جان ارادت بر محمد

بِأَنَّ مُحَمَّدًا وَالطُّفُّ بِأَنَّكَ لَطِيفُ يَا أَسْتَأْذِنُ

ای محمد و مهری کنی برای آن در شکوه تو از هر جان با کجای خود ای

لِلَّهِمْ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ وَأَرْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْ

صد از تو رحمت بر محمد و دل محمد در دوزخ کن ای محمد

عُمْرَةَ فِي عَائِلَتِنَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَتَقُولُ

عمره در سال ای سال دور هر سال ای جهان کن

عَلَىٰ جَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسَبْعِينَ

برین همه حوائج کن که هر زمانه داغرت است

أَسْتَغْفِرُكَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا رَبِّي قَرِيبُ

صلوات بر تو ای خدا در روزگارم و بازگشت من به تو ای خدا در روزگارم

حَبِيبُ اسْتَغْفِرُكَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا رَبِّي

ای خدا در روزگارم و بازگشت من به تو ای خدا در روزگارم

رَبِّي رَجِيمٌ وَدُونَكَ اسْتَغْفِرُكَ رَبِّي وَأَتُوبُ

در روزگار من گردان است ای خدا در روزگارم و بازگشت من

إِلَيْكَ يَا رَبِّي إِنَّكَ لَأَعْلَمُ بِمَا فِي سِرِّ قَلْبِي يَا رَبِّي

لوی داد در شکوه تو ای خدا در روزگارم و بازگشت من

اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَلَيْتُ سَوْءًا وَظَلَمْتُ

کسی بدتر از من نیست خداوندی که در روز قیامت مرا از همه گناهان خود برادرتر بداند
فَقَبِيحًا عَفِّرْ لِي لِقَاءَهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا

بهر قسم من با او زودتر از هر کس که از او بزرگوارتر است
اَنْتَ اَسْتَغْفِرُ لَكَ لَآ اِلَهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ

تو طلب می کنی از من استغفار من خدا می که روز زنده
الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ الْعَفَّارُ

با سنده برادر بزرگ دادا بزرگوار آورنده
لِلَّذَنْبِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ يَا رَبِّ اَسْتَغْفِرُ لَكَ اِنْ

چه ای که استغفار بزرگ و بزرگترین گناه من است
اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا اَسْتَبْدَأُكَ اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

خداوند مرا که از تو استغفار کنم
اَنْ تَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ لِي مَقْضِي

بسی که از تو بخواهم که بر من و آل محمد و بر من و آل محمد کنی
وَقَضَاءً مِنَ الْاَمْرِ الْعَظِيمِ الْمُتَوَكِّلُ فِي كِتَابَةِ الْقَدَرِ

بسی که از تو بخواهم که بر من و آل محمد کنی
مِنْ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدُلُ اَنْ تَكْتَبَنِي

از جحش که را کرده شود و بدو کرده شود
مِنْ حَاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبَرَّكِ وَجَمْعِ الْمَشُورِ

از حاجان خانه محترم خود که در قرآن است و جمع است
سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمَلْفُورِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

گوشش ایشان را روز زنده است گناهان ایشان را ناپاک است گناهان ایشان را
وَاَنْ تَجْعَلَ لِي مَقْضِي وَقَضَاءً اَنْ تَصِلَ عَلَيَّ

وَتَوْسِيعَ فِي رِزْقِي وَتَوَدُّي عَنِّي أَمَانِي وَدِينِي يَا

دوست در راه دینی من . و او آن زدن امانت من دین ای

رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا

در روزگار عالمان خداوند اگر دلان از برای من گشاید و راه نجات

وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ حَلَيْتَ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتِجُ

در روزی من را از جای که گمان میکنم و از جایی که گمان ندارم

وَأَحْتَرِسُ مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لَا

دنگاه با من گمان از آنجا که نگاه میکنم و از آنجا که

أَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ بَيْنَ

گمان میکنم در حق خدا را محمد و آل محمد در روز قیامت

وَأَيْنَ تَسْبِيحَاتٍ نَبِيَّ لَسِنْدٍ مُعْتَمِرًا حَضَرَتْ صَادِقٌ

علیه السلام منقولست که در هر روز اینها بخوانند

أُولَى سُبْحَانَ اللَّهِ يَا وَيُّهُمُ اللَّهُمَّ سُبْحَانَ اللَّهِ الْخَبِيرِ

یا ایست خدا میداورنده هر چه است یا ایست خدا کفایت معرفت

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ

یا ایست خدا میداورنده هر چه است یا ایست خدا کفایت معرفت

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالْحَمْدُ

میداورنده تاریکیها و روشنی یا ایست خدا بخشنده روز

وَالْتَوَاتِي سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

دوست یا ایست خدا میداورنده هر چیزی یا ایست خدا

خَالِقِ مَا بَرَى وَمَا لَا يَبْرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَرْتُمْ

آفرنده آنچه بود و آنچه نماند یا ایست خدا شمار کلمات این

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ

یا ایست خدا در روزگار عالمان یا ایست خدا شنوایی

الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ لِيَسْمَعَ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

که مرت چیزی شنوا از او می شنود از بالای عرش خود

مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتٍ

آنچه در زیر هفت زمین است درمی شنود آنچه در تاریکیهای

الْبُيُوتِ وَالْبَحْرِ وَيَسْمَعُ الْإِنْبَاءَ وَالشُّكُوفَ وَيَسْمَعُ

میان دریا درمی شنود نامه در کجاست درمی شنود

السِّرَّ وَأَخْفَى وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ وَلَا

هر از روی در میان نه درمی شنود از اندیشه های سینه ها و

يَسْمَعُ سَمْعَهُ صَوْتٌ ^{دقی} سَمْعُهُمَا ^{دقی} اللَّهُ يَا رُبَّ السَّمْعِ

می شنود از شنیدنی او در او در دنیا باکت خدا بدو از شنیدنی او در دنیا

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَوْجُودِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

باکت حمد انکار از صورت باکت خدا بدو از شنیدنی او در دنیا

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ النُّورِ سُبْحَانَ

همه آن باکت خدا بدو از شنیدنی او در دنیا در روشنی باکت

اللَّهِ فَالِقِ الحِمِّ وَالتَّوْبَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ

خدا بدو از شنیدنی او در دنیا باکت خدا بدو از شنیدنی او در دنیا

شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ

چیزی باکت خدا از همه آنچه می بیند و آنچه در دیده نمی بیند باکت

اللَّهِ مِمَّا دَخَلَتْ فِيهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

خدا بدو از شنیدنی او در دنیا باکت خدا بدو از شنیدنی او در دنیا

اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ يُبْصِرُ مِنْ

خدا بدو از شنیدنی او در دنیا که مرت چیزی شنوا از او در دنیا می شنود از او

فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيُبْصِرُ مَا

بالای عرش او آنچه در زیر هفت زمین است درمی بیند آنچه

فِي ظِلْمَاتٍ لَبِزٍ وَالْبَحْرِ لَا تَذُرُكَ الْأَبْصَارُ وَهُوَ

از راههای میان دریا و دریا با هم دور بود با و او

بَذْرُكِ الْأَبْصَارِ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا تَقْشُرُ

در چرمی با و او را او است هر آن آگاه نمی آید

بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلَا يَسْتَرُ مِنْهُ لَيْسَ وَكَابُورِي

دیده از راهی در چشمه نور از راهی است که از راهی است

مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا نَجْرٌ وَلَا

از راه دوری و نهان است از راهی است در راه

يَكْزِمُهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ وَلَا قَلْبٌ مَا فِي

در کشته است از راهی است در اصل او است در راهی است

وَلَا حَبٌّ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يَسْتَرُ مِنْهُ صَغِيرٌ

در راهی است در راهی است در راهی است از راهی است

وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا

از راهی است در کشته است از راهی است در راهی است

فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يَصُورُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ

از راهی است از راهی است در راهی است در راهی است

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ

من خدا را جز او غالب در است از راهی است

بَارِئٌ الشَّمْسِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَوْجُودِ سُبْحَانَ اللَّهِ

بر راهی است از راهی است از راهی است از راهی است

خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

از کشته است مخلوقات هر آن با کشته است در راهی است

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ

در کشته است با کشته است خاصه در راهی است با کشته است

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَ

خدا از همه چیزها را میسازد سُبْحَانَ خدایا از همه چیزها که میسازد

مَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَّلَا إِنَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ

آنکه دیده نمیشود سُبْحَانَ خدایا از همه چیزها که میسازد

وَعِبَادُ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَشِئُ السَّحَابَ

و بندگان عالمین سُبْحَانَ خدایا آنکه میسازد ابرها را

الْيَقَالَ وَيَسْجِعُ الرِّعْدَ مَجْدًا وَالْمَلَائِكَةَ مِنْ

گواهی میدهد و بر بادها را میسازد و فرشته را از او میسازد

خَيْفَةٍ وَرُسُلَ الصَّوَائِقِ فَيَصِيبُ بِهَا مَنْ

سختی و فرستاده بادها را میسازد و بفرستاده بادها را میسازد

يَشَاءُ وَرُسُلَ الرِّيحِ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

سختی و فرستاده بادها را میسازد و فرستاده بادها را میسازد

وَرُسُلَ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَكْبِتُهُ وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ

و فرستاده آب را میسازد و کشتی و میسازد گیاهان را

بِقُدْرَتِهِ وَيَسْقِطُ الْوَرَقَ بَعْلَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

بفرستاده برگها را میسازد و میسازد برگها را میسازد

لَا يَغْرِبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا

در زمین هیچ چیز از او میسازد و در زمین هیچ چیز از او میسازد

فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا

در آسمان هیچ چیز از او میسازد و در آسمان هیچ چیز از او میسازد

فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ

در کتابی روشن ۝ سُبْحَانَ خدایا از همه چیزها که میسازد

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

سُبْحَانَ خدایا از همه چیزها که میسازد سُبْحَانَ خدایا از همه چیزها که میسازد

كَلِمَاتِ سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

اللَّهِ فَالِقِ الْوَجْدِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ

شئ سبوح است و نور است و خدا را در روزی هزار بار سبوح است

شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

اللَّهِ جِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدا را در روزی هزار بار سبوح است و خدا را در روزی هزار بار سبوح است

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْتَلُ كُلُّ أَنْفَىٰ وَمَا

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

تَغْيِضُ الْأَرْحَامَ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلِّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُنْتَعَالِ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلِ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مَعْقِبَاتُ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي مَتَّعَ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَىٰ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

وَيَعْلَمُ مَا تُقْبَضُ الْأَرْضُ وَمَا يُقْبَضُ فِي الْأَرْحَامِ

بهر آن است که خدا را در روزی هزار بار سبوح است

مَا يَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ه سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئٌ

اگر بخواند قدرت نام برده شده است خدا را در روز قیامت

الْتَمَّ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

روحی است خدا که از ماده و صورت است پس در روز قیامت

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ و

از زوج مخلوقات است پس در روز قیامت

النُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْإِحْزَابِ التَّوْحَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ

روشن کننده است خدا که صفت داده اند از تاریکی است

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا

ایستادنده هر چیزی است پس در روز قیامت

لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَاكُنَّا بِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ

دیدنیست از آنکه ما در آنجا بودیم خدا را

رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا لِكَ الْمَلِكِ تَوْحَىٰ

پادشاه عالمین است خدا که در روز قیامت

مَلِكٍ مِّنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكِ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ

پادشاهی را بر آنکه خواهد و بر آنکه خواهد از آنکه خواهد

تَعْرِضُ مِمَّنْ تَشَاءُ وَيَذُلُّ مِمَّنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

هر چه خواهد از آنکه خواهد و فرو می‌گذارد از آنکه خواهد در روز قیامت

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَوْحَىٰ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ

در روز قیامت تو بر هر چیزی توانایی در روزی است در روز

وَتَوْحَىٰ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَتَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

در روز قیامت تو در روزی است و در روزی است و در روز قیامت

وَتَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مِمَّنْ تَشَاءُ بِعَمْرِ

در روز قیامت تو در روزی است و در روز قیامت

حِسَابِ سُبْحَانَ اللَّهِ نَارِيَّ النَّسِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ

حسب *این* *مذاهب* *آوردند* *هر* *زنی* *روی* *آیا* *حسب* *این*

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ

کفایت *مهرت* *این* *حسب* *ایم* *در* *آوردند* *الوان* *مخزومات* *این*

اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقَ

هذا *المرتب* *تا* *رنگها* *در* *شمال* *با* *کذا* *بکفته*

الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ

این *دسته* *این* *حسب* *این* *آوردند* *هر* *زنی* *این*

اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَهُ

حسب *المرتب* *که* *آوردند* *مژده* *مژده* *این* *حسب* *این*

كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ

کلمات *آوردند* *کذا* *بر* *آوردند* *عالمین* *با* *کذا*

الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ

مژده *دست* *کلمه* *ای* *غیب* *کند* *از* *آوردند*

وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مَا تَشْقَىٰ مِنَ الذَّكَاةِ

بسی *اند* *که* *در* *بال* *دور* *است* *در* *بسی* *بسی*

يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ

بسی *اند* *از* *آوردند* *در* *رنگها* *کلی* *در* *زنی*

وَلَا يَأْسِرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّمِّينَ لَا سُبْحَانَ اللَّهِ

در *حسب* *مژده* *کلی* *است* *بسی* *بسی* *این* *حسب* *این*

نَارِيَّ النَّسِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ

مذاهب *هر* *زنی* *روی* *با* *کذا* *این* *مهرت* *این* *حسب* *این*

خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

المرتب *الوان* *کلمات* *سبحانها* *این* *حسب* *ایم* *در* *آوردند* *بسی*

وَالْتَوْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقَ الْوَجْدِ التَّوْحِيدِ سُبْحَانَ

درود ششم باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى و

سند احمد در زنده هر روزی باک خدا در روز شنبه از زنده احمد و زنده احمد

مَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَاكَلَهَا تَهْ سُبْحَانَ

اگر دیده شود باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَجْهَى

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْهَى بِالْآلَةِ الشَّاكِرُونَ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

وَالْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَتَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يَحْطُونَ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

شَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ تَارِيحِ السَّمِ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَرْوَاحِ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ

سند احمد در روز شنبه باک خدا سگفتند در روز شنبه باک

سجده

سُبْحَانَ اللَّهِ فَاتَوَلَّحَبِّبْ وَالتَّوَلَّى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

بکست حدیث است که در این است بکست خداوند

كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ

در چیزی بکست خدا را در همه آنچه دیده شود و آنچه ندیده شود بکست

اللَّهِ مِمَّا دَاكَلِكَايَةِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

حدیث است که در این است بکست خدا را در همه عالمیان بکست

اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِيحُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا

بکست خدا را در آنچه در زمین است و آنچه در آسمان است

نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا وَلَا يَسْغُلُهُ

بکست خدا را در آنچه از آسمان نازل است و آنچه در زمین است

مَا يَلِيحُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

بکست خدا را در آنچه در زمین است و آنچه در آسمان نازل است

وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا وَلَا يَسْغُلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

بکست خدا را در آنچه از آسمان نازل است و آنچه در زمین است

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَلِيحُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا

بکست خدا را در آنچه در زمین است و آنچه در آسمان نازل است

وَلَا يَسْغُلُهُ عَمَّا يَخْرُجُ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَسْغُلُهُ

بکست خدا را در آنچه از علم چیزی است و آنچه از علم چیزی است

خَلْقِ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا يَحْفَظُ شَيْءٌ عَنْ حِفْظِ

بکست خدا را در آنچه از خلق چیزی است و آنچه از خلق چیزی است

شَيْءٍ وَلَا يَسْأَلُ شَيْءٌ وَلَا يَبْعُدُ لَهُ شَيْءٌ لَيْسَ

بکست خدا را در آنچه از پرسش چیزی است و آنچه از پرسش چیزی است

كَيْفَ لَهُ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۙ سُبْحَانَ اللَّهِ

بکست خدا را در همه چیزها و او شنیدار است و داناست بکست خدا را

بَارِئِ الشَّمْسِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَوْجُودِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

برید آورنده هر چیزی از می بگفت سبحان الخالق صورت بگفت خداوند

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ

از نواع مخلوقات بران بگفت خدا بر آورنده تاریکی و روشنایی

سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ لِحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

بگفت خدا شکافته دانه است بگفت خدا اختر

كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا بَرَى وَمَا لَا بَرَى

هر چیزی بگفت خدا اورد آورنده آنچه دیده نمود هر که دیده نبود

سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بگفت خدا از کلمات خود بگفت خدا در دو کلمه عالمیان

سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكُوتِ

بگفت خدا اورد آورنده است اینها در زمین از همه کان زمین

رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَةٍ مِثْنَى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ

رسلان صحابان بالها دودر اسب و چهار چهار کلمه

فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا

در از پیش آنچه بخواهد در استند خدا بر هر چیزی توانا است

يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا

بگفت خدا از برای مردان از رحمت بگفت بگفت باز آورنده مردان را

مُمْسِكَ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ

بگفت خدا در هر چیزی است برنده هر از را هر از او را است غالب

الْحَكِيمُ ۱۰ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ الشَّمْسِ سُبْحَانَ اللَّهِ

درست گردار بگفت خدا بر آورنده هر چیزی را بگفت خدا

الْمَوْجُودِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا

بگفت خدا از همه مخلوقات بران بگفت خدا از همه مخلوقات بران بگفت خدا

اللَّهُ جَاعِلُ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

هذا ورد في سورة النور في آياتها 16 و 17 و 18 و 19 و 20 و 21 و 22 و 23 و 24 و 25 و 26 و 27 و 28 و 29 و 30 و 31 و 32 و 33 و 34 و 35 و 36 و 37 و 38 و 39 و 40 و 41 و 42 و 43 و 44 و 45 و 46 و 47 و 48 و 49 و 50 و 51 و 52 و 53 و 54 و 55 و 56 و 57 و 58 و 59 و 60 و 61 و 62 و 63 و 64 و 65 و 66 و 67 و 68 و 69 و 70 و 71 و 72 و 73 و 74 و 75 و 76 و 77 و 78 و 79 و 80 و 81 و 82 و 83 و 84 و 85 و 86 و 87 و 88 و 89 و 90 و 91 و 92 و 93 و 94 و 95 و 96 و 97 و 98 و 99 و 100

الْحَقِّ النَّوِيِّ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

داوود نهمه باکت خدا اوست در هر چیزی باکت خدا

خَالِقِ مَا بَرَى وَمَا لَا بَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ دِكْرَانِهِ

اوست که هر چه بخواهد برآورد و هر چه نخواهد برآورد باکت خدا

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ يَعْلَمُ مَا

باکت خدا او در عالمین باکت خدا

فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ شَيْءٍ

در آسمانها و آنچه در زمین است نیست در خلق

ثَلَاثَةٌ إِلَّا هُوَ رَاعِيَهُمْ وَرِجْوَاهُمْ إِلَّا هُوَ

سه است یعنی کوراه و راعی و راجع است و در هر چیزی

سَادِسُهُمْ وَلَا آدَنِي مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا

ششم است از آنست و در کمتر از این است

هُوَ مَعَهُمْ إِنَّمَا كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَمْعَلُونَ

او با ایشان است هر چه می کنند پس اگر کار در این است او را که در روز جزا

الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَإِذَا سَجَدْتَ

وقت در سجده خدا هر چیزی را دانست که این صلوات در

ذُرِّيَّتِهِ ذُرِّيَّةَ مَبَارَكٍ وَذُرِّيَّةَ نِعْمَةٍ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ

جمعه در تمام سال بخوانند در سجده او در آسمانها

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا

بر او هر چه در هر روز و در هر روز ای ای که ایمان آورده اند هر چه در

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسَلِّمُوا لَكُمْ يَا رَبِّ وَ

11 و در روز سبت و در روز اربعه ای که اسلم بر او ای تو ای در هر روز

سَعَدَ بِكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

یا کونو حیدر ایزد ارشدت بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ

محمد در بركت ده بر محمد و آل محمد بخ کبریا رحمت و برساند

بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

برکت در ادبی بر ابراهیم و آل ابراهیم باریکستند تو سزاوارده

مُحَمَّدٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ عَلَى

بارگوار خداوند ارحم کن محمد و آل محمد را بخ کبریا رحمت و برساند

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُحَمَّدٌ اللَّهُمَّ

ابراهیم و آل ابراهیم باریکستند تو سزاوارده بر خود رحمت و برساند

سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي

رحمت است بر محمد و آل محمد بخ کبریا در روز و فرستادی او نوح را در

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ آمِنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

عالمیان خداوند امان بخشیدن بر محمد و آل محمد بخ کبریا

مَنْنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مخترش موسی بر موسی و هارون خداوند رحمت است بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

محمد و آل محمد بخ کبریا رحمت است بر ابراهیم و آل ابراهیم باریکستند تو سزاوارده

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُحَمَّدٌ اللَّهُمَّ

ابراهیم و آل ابراهیم باریکستند تو سزاوارده بر خود رحمت و برساند

الْأُولَئِكَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ

در اول محمد و آل محمد و در آخر او را در تمامی سزاوارده رحمت و برساند

مَشَانِ دَلِيلِ نُوَّارِ دُرُودِ

مشان در کتب او را در تمامی سزاوارده رحمت و برساند

كُنَّا طَلَعَتْ شَمْسُ وَأَغْرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

برگاه بر آمد آفتاب با غروب کند بر محمد و آل او بود

السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفْتَ عَيْنَ أَوْ بَرَقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

درود هرگاه هرگاه ۱۰۰ بار زنده بماند چشم بر محمد و آل او

السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفْتَ عَيْنَ أَوْ ذَرَفْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ

درود هرگاه بر هر روز ۱۰۰ بار یک روز بر محمد

وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

دال آنکه درود هرگاه ذکر کرده شود درود با او بر محمد و آل او

السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلَكًا أَوْ قَدَسَهُ السَّلَامُ

درود هرگاه سبوح که خدا فرستد یا تزیینت داده درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي لَيْلٍ أَوْ لَيْلِنِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بر محمد دال او با در شبان درود بر محمد و آل او

فِي الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا

در شبان درود بر محمد و آل او در دنیا

وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

در آخرت درود بر محمد و آل او رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبِلَدِ الْحَرَامِ وَرَبِّ لَيْلِي

در برکتها می او خداوند است درود کار عمل درود کار عمل

وَالْمَقَامِ وَرَبِّ الْحَيْلِ وَالْحَرَامِ أَيْلُغْ بَيْتَكَ

و مقام درود کار عمل درود برسان برکت منم خود را

مُحَمَّدًا وَآلَهُ عَنَّا السَّلَامُ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا مِنِّي

محمد دال او از جانب او درود بر او از جانب او

الْبَهَاءَ وَالسَّرُورَ وَالنُّصْرَةَ وَالْكَرَامَةَ وَالْعِظَمَ

در سید درود و در بزرگی و در عظمت

وَالْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقَامَ وَالشَّرِيفَ

در وسیله در منزل در مقام در شرف

الرَّفْعَةِ وَالسَّقَاةِ عِنْدَكَ بِوَجْهِ الْقَبْرِ أَفْضَلُ

رفعت از صفعت زود تو در روز قیامت بهتر است

مَا تُعْطَى أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطَى مُحَمَّدًا تَوْفَقًا

عطا کنی احدی از خلق خود را و عطا کن محمد را مالا

مَا تُعْطَى الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَبْرِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا

آنچه عطاردی مخلوق را از خبر اضعاف بسیار

حُصْبًا غَيْرَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

که انبار دانه عزت تو حسد انبار کثرت است بر محمد و آل محمد

أَطْيَبَ وَأَظْهَرَ وَأَزْكَى وَأَمْنَى وَأَفْضَلَ مَا

بکست زودتر از آن و ظاهرتر از آن و پاکتر از آن و امنتر از آن و افضلتر از آن

صَلَّيْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى

محمد و ساداتی احدی از ایشان اول و آخر ایشان و بر

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ

احدی از خلق تو ای مهربانتر از همه مهربانان خداوند را

عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِيٍّ مِنْ وَالِيهِ وَ

بر علی امیر مؤمنان و دوست داران او از دوستداران او

عَادِيٍّ مِنْ عَادِيهِ وَضَاعِفٍ لِعَنَابِ عَلِيٍّ مِنْ

دشمنان او از دشمنان او و درازان او از درازان او و درازان او از درازان او

شِرْكٍ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بَيْتِ

شریک در خون او خداوند را در خانه فاطمه و در خانه فاطمه

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَالْإِسْلَامُ وَالْعَيْنِ مِنْ

پیغمبر تو محمد بر او و در اسلام و در چشم او از چشم او

أَذَى بَيْتِكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ

که از زودترین خود او در باره از خداوند زودتر است بر حسن و

الْحَسَيْنِ إِمَامِي الْمُسْلِمِينَ وَوَالِيٍّ مِنْ وَالِيهِمَا

سین دو برائی مسلمانان دوست دارانگه دوست داران را

وَعَادٍ مِنْ عَادِهِمَا وَضَاعِفٍ لِعَذَابِ عَلِيِّ بْنِ

دوستش دارانگه دشمنان داران را دشمنان برادران عذاب را برادرانگه

شَرِكٍ فِي دِيْمِهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

شخص برادران آن دو خداوند رحمت است بر علی و حسین

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِيٍّ مِنْ وَالِيهِمَا وَعَادٍ مِنْ عَادِهِ

بروای مسلمانان دوست دارانگه دوست داران را دشمنان برادرانگه

وَضَاعِفٍ لِعَذَابِ عَلِيٍّ مِنْ ظِلَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

و حسین برادران عذاب را بر او صلوات کند خداوند رحمت است

عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِيٍّ مِنْ وَالِيهِمَا

بروای حسین مسلمانان دوست دارانگه دوست داران را

وَعَادٍ مِنْ عَادِهِمَا وَضَاعِفٍ لِعَذَابِ عَلِيِّ بْنِ

دوستش برادرانگه دشمنان دارانگه دشمنان برادران عذاب را بر او صلوات کند

ظِلَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ

سین که برادر خداوند رحمت است بر جعفر بروای

الْمُسْلِمِينَ وَوَالِيٍّ مِنْ وَالِيهِمَا وَعَادٍ مِنْ عَادِهِمَا

مسلمانان دوست دارانگه دوست داران را دشمنان برادرانگه

وَضَاعِفٍ لِعَذَابِ عَلِيٍّ مِنْ ظِلَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

و حسین برادران عذاب را بر او صلوات کند خداوند رحمت است

عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِيٍّ

بروای موسی بر جعفر بروای مسلمانان دوست دارانگه

مِنْ وَالِيهِمَا وَعَادٍ مِنْ عَادِهِمَا وَضَاعِفٍ لِعَذَابِ

انگه دوست داران را دشمنان دارانگه دشمنان برادران عذاب را

وَأَشَدُّ تَنكِيلًا وَدَرَأِبَالٍ وَبَعْضِي زَنْخَاهِي
بسم الله الرحمن الرحيم دیکر از حضرت علی بن الحسین ثانی
حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام بجای علی
من ظلم جنین است علی من شکرک فی دمہ **وَأَجْلُهُ**
دُعَاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائیست که
سید بن طاووس قضیلت بسیار جہت آن روایت
کرده است و در ایستجابت دعوات **وَدُعَا**
تجربیت و بر مضامین غالبه مشتملت **أَبْنَت**
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي

هذه اذا بدت بغيره من سجدة او ركعة او غيرها من الامور التي امر الله بها

كَمَا وَعَدْتَنِي بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

جمله ركعة وادبى استغناء بِيَهَاتِكَ يَا بَهَاءَ وَكُلَّ بَهَائِكَ هِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي

سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك مِنْ جَلَالِكَ بِجَلَالِكَ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِجَمَالِكَ وَكُلِّ جَمَالِكَ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك جَمِيلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ

من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك من كل ما سئلتك اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

و يقول حداد از ابراهیم بن محمد از ترا چنانکه امر نمودی مرا

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حداد از ابراهیم بن محمد از ترا چنانکه وعده دادی مرا بگویند حداد از ابراهیم بن محمد

أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلِّ

عَظَمَتِكَ عَظَمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ

بِزَكَاتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِزَكَاتِكَ

بِرَأْسِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَأْسِكَ

بِأَنْفِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنْفِكَ

بِأُذُنِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأُذُنِكَ

بِعَيْنِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَيْنِكَ

بِلِسَانِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلِسَانِكَ

بِحَنَاءِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَنَاءِكَ

بِأَعْيُنِ النَّاسِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَعْيُنِ النَّاسِ

بِأَعْيُنِ الْمَلَائِكَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَعْيُنِ الْمَلَائِكَةِ

بِأَعْيُنِ جِبْرِائِيلَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَعْيُنِ جِبْرِائِيلَ

بِأَعْيُنِ إِبْرَاهِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَعْيُنِ إِبْرَاهِيمَ

كَلِمَةُ اللَّهِ لِي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَيْمَانِكُمْ

در این حدیث از امام حسین سوال میکنید از کلمات تو نماز کن

وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ فَأَمَّا اللَّهُ إِنْ أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ

در کلمات تو نامت خداوند در سئوالاتی که از حق تعالی

كَلِمَاتِكَ لِي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ

در این حدیث از امام حسین سوال میکنید از اسماهای حق تعالی

بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ اللَّهُمَّ لِي

بزرگترین آن در حق تعالی تو بزرگترین حدیث از امام حسین

أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كَلِمَاتِكَ بِسْمِ اللَّهِ

سوال میکنید از اسماهای حق تعالی بگو بعد خداوند

لِي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْجِدُ لِي كَمَا

در سجد کردن چنانچه امر نمودی مرا پس سجد در آرای حق تعالی

وَعَدْتَنِي لَيْسَ اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ مِنْ غَيْرِكَ

وعدود ای حق تعالی بگو بعد خداوند در سئوالاتی که از غیرت تو

بِأَعْيُنِهَا وَكُلِّ غَيْرِكَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ

با چشمهای آن در غیرت تو از غیرت خداوند در سئوالاتی که از غیرت تو

بِغَيْرِكَ كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ لِي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيئَتِكَ

بگو بعد از آن در خواستش تو در کسرت حق تعالی

بِمَضَاهَا وَكُلِّ مَشِيئَتِكَ مَا صَدَقَهُ اللَّهُ

در سئوالاتی که از خواست حق تعالی خداوند در سئوالاتی که از خواست حق تعالی

لِي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ لِي أَسْأَلُكَ بِمَا

سوال میکنید از قدرت حق تعالی تو که اسئد با شکر حق تعالی

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ قَدْرَتِكَ مُسْتَبِيلَةً اللَّهُمَّ

یا پروردگاری که بر هر چیزی و هر قدرتی تو سزاوار است خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا بِرِسْمِهِ

در اسمت که بر هر قدرتی تو سزاوار است و بر هر رسمت که بر هر چیزی تو سزاوار است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي

خدایا من تو را میخوانم همانگونه که مرا امر کردی پس مرا ایجاب کن ای خدایا

كَمَا وَعَدْتَنِي لَيْسَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

آنچه که وعده دادی ای بگویند خداوند مرا در اسمت که بر هر چیزی تو سزاوار است

عَلَيْكَ بِاتَّقَنَهُ وَكُلِّ عَلَيْكَ نَافِعًا اللَّهُمَّ

دوستم باش بر او آن که بر او استوار باشی و هر آنچه که بر او نافع است خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَمَلِكَ كَلِمَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در اسمت که بر هر عملی تو سزاوار است و بر هر کلمه ای که بر هر چیزی تو سزاوار است

مِنْ قَوْلِكَ بِارِضَاءِهِ وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِيَ اللَّهُمَّ

از هر کلمه ای که تو در رضایت و هر کلمه ای که تو در رضایت خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كَلِمَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در اسمت که بر هر کلمه ای تو سزاوار است و بر هر کلمه ای که بر هر چیزی تو سزاوار است

مِنْ مَسَائِلِكَ بِاجْتِهَادِي إِلَيْكَ وَكُلِّ مَسَائِلِكَ

از هر مسأله ای که تو در اجتهاد من برای تو و هر مسأله ای که تو در اجتهاد من برای تو

جِيئَةً إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ

در اسمت که بر هر مسأله ای تو سزاوار است و بر هر مسأله ای که بر هر چیزی تو سزاوار است

كُلِّهَا بِرِسْمِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

در اسمت که بر هر رسمت که بر هر چیزی تو سزاوار است

أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي لَيْسَ اللَّهُمَّ

ای پروردگاری که بر هر چیزی تو سزاوار است و بر هر وعده ای که بر هر چیزی تو سزاوار است

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كَمَا وَعَدْتَنِي لَيْسَ اللَّهُمَّ

در اسمت که بر هر مسأله ای تو سزاوار است و بر هر مسأله ای که بر هر چیزی تو سزاوار است

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كَمَا وَعَدْتَنِي لَيْسَ اللَّهُمَّ

در اسمت که بر هر مسأله ای تو سزاوار است و بر هر مسأله ای که بر هر چیزی تو سزاوار است

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ شَرَفِكَ يَا شَرِيفٍ وَكُلُّ شَرِيفٍ

در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

شَرِيفُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كَلِمَةً

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ يَا دَوِّيمَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

وَكُلُّ سُلْطَانٍ يَا دَائِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

بِسُلْطَانِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَمْلُوكِكَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

بِأَفْرِيحِهِ وَكُلِّ مَمْلُوكٍ فَأَخِرُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

عَمَلِكَ كَلِمَةً بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلَاقَتِكَ يَا عِلَاقَةَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

وَكُلِّ عِلَاقَةٍ غَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

بِعِلَاقَتِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

مَنْبَتِكَ يَا قَدِيمَ وَكُلِّ مَنْبَتٍ قَدِيمٍ اللَّهُمَّ إِنِّي

روزی که در سنن ابی یوسف از ابو سعید خدری روایت کرده اند از آن که در روزی که

أَسْأَلُكَ مِنْ مَمْلُوكِكَ كَلِمَةً

السنة

أَسْأَلُكَ بِمَنِكَ كَلِمَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال بیکمرا با تمام نوبه ان خداوند در پیشین بر همه حال بیکمرا

إِنْفَاتِكَ بِأَجْمَعِهَا وَكُلَّ آيَاتِكَ عَجْمِيَةَ اللَّهُمَّ

اینها می نویسد که در همه بر آن در هر ایتمی اولی است از همه است هر از او

إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا فَاتِكَ كُلِّهَا بِسْمِ اللَّهِ

در است که سوال بسم ترا با تمام نوبه ان مرتبه بگوید خداوند

إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي خَيْرًا وَعَدِّي

در پیشین که خواهم ترا چنان که امر تو می در این است هر از او می کن خیر و عدوی

بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِ

بگوید من انرا در پیشین سوال بیکمرا از فضل تو با فضل این

وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاصِلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در فضل تو از فضل است خداوند در پیشین سوال بیکمرا

بِفَضْلِكَ كَلِمَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِ

بفضل تو بر ان خداوند در پیشین سوال بیکمرا از رزق

بِأَعْيَمِهِ وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بهر از همه بر آن در هر روزی و از رزق است خداوند در پیشین سوال بیکمرا

بِرِزْقِكَ كَلِمَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَا

بر رزق تو بر آن خداوند در پیشین سوال بیکمرا از عطای

كَأَسْمَاءٍ وَكَأَعْطَايِكَ هَبْنِي اللَّهُمَّ إِذَا أَسْأَلُكَ

که در روزی بر آن در هر پیش تو که در است خداوند در پیشین سوال بیکمرا

عَطَايَكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ

بفضل تو بر آن خداوند در پیشین سوال بیکمرا از خیر

بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ خَيْرِكَ فَاجْعَلْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

باین است از همه بر آن در هر پیش تو با از همه است خداوند در پیشین سوال بیکمرا

بِحَبْرِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ

سختی تو بر آن خداوندی که من را از ستمت از زمین پاک کند

بِأَحْسَنِهِ وَكُلِّ إِحْسَانِكَ حَسَنُ اللَّهُمَّ إِنِّي

بر ستمت از آن دور میگردانم ستمت خداوندی که

أَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

سوال بگویم ترا بخوبی تو بر آن خداوندی که مرا از ستمت دور کند

بِمَا تَجِبَنِي حِينَ أَدْعُوكَ فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ نَعْمَ

اگر حاجت منی را هنگامی که تو مرا از ستمت دور کن مرا بخیر آوری

وَدَعْوَتِكَ يَا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ

خداوندم ترا آنچه خداوندی که ستمت را از ستمت دور کند

فِيهِ مِنَ الشُّعُورِ وَالْجَبْرُوتِ اللَّهُمَّ إِنِّي

در آن روز کارها و برزگوارای خداوندی که مرا از ستمت دور کند

سَأَلُكَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَجِبْرُوتِ اللَّهُمَّ إِنِّي

سوال بگویم ترا به هر کاری و برزگوارای خداوندی که مرا از ستمت دور کند

أَسْأَلُكَ بِسَيِّئَاتِكَ وَجِبْرُوتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

سوال بگویم ترا به کارهای تو و برزگوارای تو همه آن ستمت از آن

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تَجِبَنِي حِينَ أَسْأَلُكَ

در ستمت از آن ستمت را که حاجت منی را بخوبی بکنی سوال بگویم ترا

بِهِ فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

به آن روزی که منی را بخوبی بکنی دعا کن بر محمد و آل محمد و آل محمد

بَطْلِبُ وَبِكُفَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندی که مرا از ستمت دور کند دعا کن بر محمد و آل محمد و آل محمد

إِلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَى الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَبْدِينِ

در آن روزی که منی را بخوبی بکنی دعا کن بر امام زین العابدین

وَأَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّعُورِ وَالْجَبْرُوتِ

و ستمت را که منی را بخوبی بکنی دعا کن بر امام زین العابدین

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّعُورِ وَالْجَبْرُوتِ

اللهم انی ستمت را که منی را بخوبی بکنی دعا کن بر امام زین العابدین

روید

وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

دوره این سال صد از هزار گزشت

مُحَمَّدٍ وَأَقْسِمُ لِي مِنْ كُلِّ سُورَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ

دست دوه هزار و شصت و نهمی دارم

وَمِنْ كُلِّ اسْتِقامَةٍ وَمِنْ كُلِّ قُرْآنٍ وَمِنْ كُلِّ

دوره این سه ساله دارم

عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ

دوره این صد و بیست و نه ساله دارم

كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ

دوره این صد و بیست و نه ساله دارم

كُلِّ حَسَنَةٍ تَنْزَلُ مِنْ السَّمَاءِ إِلَى

دوره این صد و بیست و نه ساله دارم

الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ

دوره این ساعت و دوره این شب و

فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ فِي هَذِهِ

دوره این روز و دوره این ماه و دوره این

السَّنَةِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ

دوره این سال صد از هزار گزشت

وَأَجْرِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَ

دوره این هزار تو و حال من در میان تو و

عَبَّرَتْ خَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ

دوره این صد سال هزار تو و من پرسش من بر خال من از تو

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَتُوجِّهْ حَبِيبَكَ

دوره این هزار تو که از آن نرفته بود و گویا داشت تو

مُحَمَّدًا الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ

محمد برزیده است که سنده نبی است انسان تو

الَّذِينَ أَنْجَبْتَهُمْ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

که بر آید ای آن که رحمت است بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَعْفِرَ لِي وَلِوَالِدِي وَمَا وَلَدْنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

و ایست که ما از می اولاد بر ما در ما در کفایت و از اولادان بر ما در

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَمَا تَوَالَدُوا وَذُنُوبَنَا كُلَّهَا صَغِيرًا

و ذنوبان بر ما در و ایست که ما از اولادان بر ما در

وَكَبِيرًا هَذَا وَإِنْ نَحْنُمْ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَإِنْ

در روزگار این در است که ما از صالحان بر ما در

تَقْضَى لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمَهْمَاتِ وَصَالِحِ الدُّعَاءِ

را از می برای حاجات و کارهای سخت و صالح دعا

وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ

و ایست که ما از اولاد بر ما در و ایست که ما از اولاد بر ما در

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ آمِينَ آمِينَ مَا نَشَاءُ

در روزگار بر محمد و آل او ایست که ما از اولاد بر ما در

اللَّهُ كَانَ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُبْحَانَ

خدا جمود است هر چه از توانا است که ما از اولاد بر ما در

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى

در روزگار بر تو که رحمت است از آنچه می شناسند در سلام بر

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ

در سنده گان ایست که ما از اولاد بر ما در و ایست که ما از اولاد بر ما در

بِحَقِّ سَنَاءِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَرِيمٍ نَبِيِّكَ

در سنده گان ایست که ما از اولاد بر ما در و ایست که ما از اولاد بر ما در

وَأَنْ تَعْفِرَ لِي وَلِوَالِدِي وَمَا وَلَدْنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

و ایست که ما از اولاد بر ما در و ایست که ما از اولاد بر ما در

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَمَا تَوَالَدُوا وَذُنُوبَنَا كُلَّهَا صَغِيرًا

و ذنوبان بر ما در و ایست که ما از اولادان بر ما در

وَكَبِيرًا هَذَا وَإِنْ نَحْنُمْ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَإِنْ

در روزگار این در است که ما از صالحان بر ما در

پس يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ

بگوید ای آنکه هستی خدا مگر تو سوال میکنی از این که

حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سَأَلْتُكَ

حق او بر تو بزرگ است یا اله ای آنکه هستی سوال میکنی

بِجَهَائِ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ

بسبب که لا اله الا انت ای آنکه هستی خدا مگر تو

أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا

سوال میکنم ترا بزرگی لا اله الا انت ای آنکه هستی خدا

أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِحَالِ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ

تو سوال میکنم ترا بحال یا اله الا انت ای آنکه هستی خدا

إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِنُورِ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا

تر است سوال میکنم ترا بنور لا اله الا انت ای آنکه هستی خدا

لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ لَإِلَٰهَ إِلَّا

آنکه هستی خدا مگر تو سوال میکنم ترا بکل لا اله الا انت

أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعِزِّ لَإِلَٰهَ

تر است ای آنکه هستی خدا مگر تو سوال میکنم ترا بعزت لا اله الا انت

إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعَظَمِ

الا انت ای آنکه هستی خدا مگر تو سوال میکنم ترا ب عظمت

لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ

یا اله الا انت ای آنکه هستی خدا مگر تو سوال میکنی

بِقَوْلِ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ

بفرد لا اله الا انت ای آنکه هستی خدا مگر تو

أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ لَإِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَإِلَٰهَ

سوال میکنم ترا ب شرف لا اله الا انت ای آنکه هستی خدا

اَلَا اَنْتَ اَسْتَلِكُ بَعْلًا وَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ يَا

الا انت سوال سبزه زار مندي لا اله الا انت اي

اَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَلِكُ بِلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ

لا اله الا انت سوال سبزه زار طاهر الا انت

يَا لَ اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ اَنْتَ

اي دگر من خدا من اي زودگار اي زودگار اي زودگار بگويد

كَمْ يَكْفُرُونَ فَا كُنْدُ لَيْسَ يَكُوْبِدُ بَرْهَمَانِ خَالَتِي كَمْ يُوْدُ

كردن كج كرده بسوي دوشرچ استلك باسدي

لَيْسَ يَكُوْبِدُ يَا اِلَهَ يَا رَبَّاهُ اَنْتَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ

كج بگويد يا الله يا رباه انت يا سيده يا مولا

يَا غِيَاثَاهُ يَا مُلْجَاةَ يَامُنْتَهَى غَايَةَ رَغْبَتَاهُ

يا ايازس ان اي نجاهن اي منتهي حواس من

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَسْتَلِكُ بِكَ فَلَيْسَ كَيْفِكَ

اي كج از من استلك سوال سبزه زار بگويد و منندو

شَقِ اَسْتَلِكُ بِكَ لَدَعْوَةٍ مُسْتَحَامَةٍ دَعَاكَ

بجز اي سوال سبزه زار دعای برزخ كج خواندند

بِحَابِئِي مُرْسَلٍ اَوْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ اَوْ عَبْدٍ مَوْجُوْبٍ

ان بنو مرسل يا زنده مغرب يا سنده بسوي

اَمْحَسَّتْ قَلْبَهُ لِلْاِيْمَانِ وَاسْتَجَبَتْ دَعْوَتَهُ

كج زنده دل دورا براي ايمان و مرشد دعای دورا

مِنْهُ وَاتَّوَجَّهَ اِلَيْكَ بِحَدِّ نَبِيِّكَ نَبِيَّ

از ان و روی آورم بسوي تو بحد نبوت تو

الرَّحْمَةِ وَاقْدَمَ بَيْنَ يَدَيْ حَواجِييَ يَامُحَمَّدَ يَا

رحمت و پیش میدادم در پیش حاجات خود اي محمد اي

رَسُولَ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّكَ وَأُحْيِ اتَّوَجَّهَ بِكَ إِلَى

رسول خدا ای فرزندان آدم که ای تو یاد رومی از دم بنویس

رَبِّكَ وَرَبِّي وَأَقْدَمُكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَوالِي يَا

دردگار خود را در گردن و پیش قدم از پیش حاجات خود ای

رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ اسْأَلُكَ بِكَ فَلْبَسَ كَيْفَ

دردگار ای دردگار سوال بکنم ز اهل سنت است نه

شَيْءٍ وَأَتُوَجَّهُ إِلَيْكَ مُحَمَّدٌ جَدِيدُكَ وَبِعْتَمِدُ

چیزی در روی از دم بوی تو بکنم هر اوست تو در پیش

الْهَادِيَةَ وَأَقْدَمُكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوالِي وَأَسْأَلُكَ

که راه را و صد اوست ای حاجات خود سوال بکنم ز ا

اللَّهُمَّ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا مَمُوتَ وَبِنُورِ وَجْهِكَ

خداوند ای که میزند در پیش در وقت اوست تو

الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ

که هرگز نماند و برون تو که میخوابد

اسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ

سوال بکنم ترا بحق آنکه حق در تو بزرگ است بکنم

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَتَعْبُدُ

عزیز منی ای و اهل طریقت پیش از هر چیزی و بعد از

كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدُ كُلِّ شَيْءٍ وَزِقَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلا

در هر چیزی و شماره هر چیزی و وزن هر چیزی و پوری

كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ إِنْ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

هر چیزی خداوند ای که بکنم سوال بکنم ز خداوند

مُحَمَّدَ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى

محمد بنده تو که برگزیده است و رسول تو که برگزیده است

اَمِينِكَ الْمُصْطَفَى وَخِيْبِكَ دُوْرَ خَلْقِكَ وَ

ببین بر کرده تو در پندار کرده شده از خلق تو و

حَبِيْبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ بِجَمْعٍ لَذِيْرٍ

دوست تو در کرده تو از خلق تو به جمع شده

الْبَشِيْرِ السِّرَاجِ الْمُنِيْرِ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ

مژده بر شده چراغ روشن در خانواده پاکان او

الطَّيْبِيْنَ الْمُطَهَّرِيْنَ الْاَخْيَارِ الْاَبْرَارِ وَعَلَى

پاکان پاکان پاکان در

مَلِكِكَ الَّذِيْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

در سخنان تو از کس خالص کردی ایشان را برای خود

وَعَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَى اَنْبِيَاؤِكَ الَّذِيْنَ

دارد استیسا از راز خلق خود در پسران تو از کس

يَنْبُؤْنَ بِالْحَقِّ عَنكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ

چهره بر حقیقت از تو در بندگان تو صالحان

الَّذِيْنَ اَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْاَئِمَّةَ الْمُهْتَدِيْنَ

از کس در راه هدایت آن را در رحمت خود میزبان راه و سخنان

الرُّوْاسِدِيْنَ الْمُطَهَّرِيْنَ وَعَلَى جِبْرِيْلَ وَمِيْكَائِيْلَ

دوست بال کرده شده کسان در جبرئیل و میکائیل

وَإِسْرَافِيْلَ وَمَلِكَ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ خَازِنَ

دوست قبل و درشت ملک در رضوان خازن دار

الْحَيَاةِ وَمَالِكَ خَازِنَ النَّارِ وَالرُّوْحَ الْقُدُسَ

دوست مالک خازن آتش و روح پاکیزه

وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ وَمُنْكَرَ وَنَكِيْرَ وَقُلُوبَ الْاَكْبَرِيْنَ

و حاملان عرش و منکر و نکیر و دلها بزرگوار

الْحَافِظِينَ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تَحِبُّ أَنْ تَصَلِّيَ

که بکنند بر حفظ اعمال من بر منی که دوست میداری بکن هر روز نماز که

بِهَا عَلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ كَثِيرَةٍ طَيِّبَةٍ مَبَارَكَةٍ ذَكِيَّةٍ

آن را بر من از منی که بسیار بارک است پاکیزه

فَاهِيَةٍ ظَاهِرَةٍ شَرِيفَةٍ فَاضِلَةٍ تَبَيَّنُ بِهَا

ظاهر بارهفت بزرگ که ظاهر است در زمان

فَضْلُهُمْ عَلَيَّ لِأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

زبانم را از اولین در پیشش آن انسان خداوند را بگویند

أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتَجِيبَ دَعْوَتِي وَ

سوال میکنم ترا بگویش که از تو عرض و حاجت نامرغای مرا و

تَعْفِرَ ذُنُوبِي وَتَتَّخِجَ خَلِيبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَاتِي

ماورزی کن آن را در پیش تو بگویش که بطلب ترا در روزی حاجت مرا

وَتَقْبِلَ قِصْبَتِي وَتَجِزِّيَ مَا وَعَدْتَنِي وَتَقْبِلَنِي

قبول کنی حاجت مرا در روزی از آن که وعده کرده ای من در روزی

عِزِّي وَتُحَاوِرَ عَن خَلِيبَتِي وَتَضَعِ عَن ظَلَمِي

از پیش من دور کنی از آن که من دور کنی بر من کردن کن

تَعْفُو عَن جُرْحِي وَتَقْبِلَ عَلَيَّ وَلَا تَعْرِضْ عَنِّي

دور کنی از آن که من دور کنی بر من دور کنی از آن که

وَرَوْحَتِي وَلَا تَعْزِزْ بِي وَتَعَاْفِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي

و روح من را در عذاب من مرا بگوشی و در عیب من را در آن مرا

وَتَرْزُقْنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ وَأَهْنَاهُ

و روزی مرا از بهترین روزی و فراوانترین آن را که در روزی

وَأَمْرَاهُ وَأَسْبَعَهُ وَأَكْثَرَهُ وَلَا تَحْزِنْنِي بِأَرْبَابِ

دوگانه از آن که در آن و بسیار از آن و خودم کردن مرا ای پروردگار من

الطهر

النظر لي وجهك الكريم والفوز بالجنة و

کریستن مذات کرامی تو در ستکاری بهشت و

العتيق من النار واقض عني يارب ديني واماني

درازی اوست دادن ازین ای بودگار منم او در

وضع عني وزري ولا تخلفني ما لا طاقه لي

و که از من بار گناه بار من مرا او که منت تو زلی مرا

به يا مولاي و ادخلني في كل خير ادخلت فيه

ای ای نهی من و در در راه در بهشت که در دوری دوران

محمد و آل محمد و اخرجني من كل سوء اخرجتهم

محمد دال محمد دوران او هم از هر بدی که در اول دوری

منه و لا تقرق بيني وبينهم طرفه عين بئنا

از این و جدا من از سان کن و ما بهت ان اقدار هر دن

في الدنيا و الآخرة يس سبنا اللهم اني اعوذ

در دنیا و آخرت بگو بید خداوند که هر که

كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني يس اللهم

چنانکه امر نمودی مرا این سب را از برای من چنانکه وعده دادی بگو بید خداوند

اني استسلك قلبا من كثير مع حاجتي في

در این سب که من بگویم ترا از آنکه از سب ما رسدی من

الك عظيمه و غناك عنه قدیم و هو عني

بوی تو بزرگ است و بی نیازی تو از آن در نیست و آن نزد من

كثير و هو عليك سهل يسبر فامن به على

بسیار است و آن بر تو سهل است پس بر من کن یمن

لائك على كل شئ قدیر اللهم برحمتك

در استی تو بر هر چیزی تو را در رحمت تو

الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عَلِيِّ بْنِ فَأَرْزَعْنَا وَ

ش کینه کان پس در اور مار اودر علمین و پس بسند کن مار او

يَكَايِسُ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلَسِبِيلٍ فَأَسْقِنَا

یکایمی از سبیل از چشمه سبیل بهشت مار او

وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ

دور ز حور بان کت ده چشم بهشت حور یکی زن زده مار او از

وَلَذَانِ تَخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلُوهُمْ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا

کو کما ان چاودمان کو کما ایشان در در در مکنون و از هم فادمان مار او

وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَنَحْوِهَا الطَّيْرَ فَأَطْعِمْنَا وَ

دور ز میوه ای بهشت و کوشه درختان پس کوزان مار او

مِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَبِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ

از چا میوه ای دمای از کت و در شمشیری و چای اسطر و

فَأَلْبَسْنَا وَلِكَلَّةِ الْقَدْرِ وَحُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

پس بهشت ان مار او دست زده و حج خانه محراب تو مار او

وَمَثَلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوْضُوكُنَا وَ

و مثله شان از راه تو با دوست خود پس فوضی تو مار او

صَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَافِي

ش کینه دعا سوال کردن پس سینه در زاری ای اوسته و

اسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَهُمُ الْآوَلِينَ

بیت و بهیروز زاری و چون در هم آوری ایشان

وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَرْحَمْنَا وَبَرَّاعَةَ مَن

دلسنان در روز قیامت پس رحمان مار او برات زاری از

التَّائِبِينَ وَأَمَّا نَا مِنَ الْعَذَابِ فَأَلْتَبْ لَنَا وَفِي

ایشان و اینی از عذاب پس نویسی از زاری و دور

جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ وَلَا

درد از این مردان دارد یا دیوان در آتش بی

تَقَرَّرْنَا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تَقْلِبْنَا

آب در دریا دور جوی خود و عذاب خود را بر مردان ندارد

وَمِنَ الزُّقُومِ وَالضَّرْبِ بَعِ فَلَا تَطْغِمْنَا وَفِي النَّارِ

درد زقوم و ضربه در دریا بی گزافان دارد در آتش

عَلَى وَجْهِهَا فَلَا تَكْتَبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ

بر روی ای بی کتب دارد در چاههای آتش

سَرَابِيلِ الْقَطْرِ انْ فَلَا تَلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سَوْءٍ

بر آبهای سس که ریخته بر چوبان دارد از هر دری

يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَقِي لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجَنِّبْنَا

ای انجمن خدا مکنو بجز خدا که است بگفت بجا

اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسَلِّ مِثْلَكَ وَأَنْتَ

خدا او را در سبب من سوال میکنم و سوال کرده باشی مانند او در سبب من

إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبِ إِلَيْكَ مِثْلِكَ يَا رَبِّ أَنْتَ

بوی مانده در غمت کرده شد بوی کاشد تو ای درو کاشن تو

مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةٍ

مزارگاه سوال سوال کنندگان و نهایت چویش

الرَّاعِينَ إِنِّي أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَفْضَلِ أَسْمَائِكَ

چویش بدان سوال محکم تر از خداوند بهترین اسمهای تو

كُلِّهَا وَأَنْجِحْهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ وَيَا سَمِيكَ الْخَيْرُونَ

بر همه در ذر ذرین آنها که از ای کشته عیب و گناهان و شرک

الْمَصُونِ الْأَعْيُنِ لِأَجْلِ الْأَعْظَمِ الَّذِي حُبِّهِ

نگاه در پیش شده از چشم بزرگتر از آنچه که دوست میداری آنرا

وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ

بجزای این سوخته و تویی از آنکه بگذرد ترا این دعاست تا ای ملک
دُعَاةُ وَحَقُّ عِلْمِكَ يَا رَبِّ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَلَامَتَكَ

دعای دور او ای پند بر تو ای رودگار که بجز خودت از آن دور
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ دَعَاكَ

خداوند از هر اسمی که سوال میکنم ترا بهر نامی که آن برای است بخدا ترا
بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ حَبْلٍ

ای سنده که در ایست در میان دریا و زمین کوه و راه و هموار
أَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سَمَائِكَ

یا نزد خانه محترم تو یا در چیزی از راههای تو
فَادْعُوكَ يَا رَبِّ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اسْتَدَّتْ فَاقَتَهُ

یا بخواند ترا ای رودگار من خواندن که بخواند شده چه چاره
وَعَظَمَ جُرْمُهُ وَضَعَفَ كَيْدُهُ وَأَشْرَفَتْ عَلَى

دینش شد بزرگتر و پندش دروغ شد و او شرف شده بر
الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ وَكَهْنُ يَثْبُقُ لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ

پلک نفس او را غمناک کرده باشد که ای رودگار خود
يَجِدْ لِي أَلْهُوفِي سَادًا أَوْ لَالِذَنبِي غَافِرًا

یا پند باشد از آنکه دور است از رنده دین برای آن خود آنز رنده و
لَا عِزَّتِي مُقْبِلًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّدًا

یا برای آنکه خود دور کرده عزت تو کرده بودی تو مانده رود
بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَكْبِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ

تو پند شده بر ترا نه عار در رنده از عبادت و نه کبر و نه
وَلَا مُسْتَحْسِرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَطِّفٍ بَلْ بَاسِرٍ

دنه حاجب از آنکه از تو بگریزد و نه از تو پند شده آنچه می باشد

فیض

فَقَبْرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ اسْئَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

زبان این جوینده سوال میکنم ترا ای که ای محبت بنده

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا

ای حیران ای ای پروردارنده استیها در زمین ای صاحب

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

عظمت در نورانی سینه رحمت رسانی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مَبَارَكَةً نَامِيَةً زَالِيَةً

محمد رحمت بسیار پاکیزه بارگه زایل شدت و آنگاه

شَرِيفَةً اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِ

بنده ایاب سوال میکنم ترا ای که در ماه ای که با زنی اولاد ماه کن

هَذَا وَتَرْحَمَنِي وَتَغْفِرَ لِي مِنْ النَّارِ وَ

این ماه درم ای بارور و بارور گردانی کردن در روز آتش و

تَعْطِينِي خَيْرَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

در ای مرا بهتر آنچه در ای اهدی از خلقی خود را

وَخَيْرَ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ

و بهتر آنچه عطا کنده اولاد کردن از او آخر ماه

رَمَضَانَ صُمَّتُهُ لَكَ مِنْذُ اسْتَلْتَنِي أَرْضَكَ

رمضان که روزی که نام از از انبوی آنوقت که ساقی گردانی بر او در حق

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا

تو روز کن این روز که بگردان از زمین تا زمین آن در زمین و

الْحَمْدُ لَكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

فرا گرفته زمین تا زمین در عاقبت دو صبح زمین در روزی و

أَهْنَأُ اللَّهُمَّ لِي أَعُوذُ بِكَ وَيُوجِّهْ لِي

کوار زمین آن خدا را ای که سینه کن با او بگویم خود را است بر نور او

وَمَلِكًا الْعَظِيمَ أَنْ تَخْرِبَ الشَّمْسُ مِنْ بَوْحِي

واری است ای زکریا که برکت است بندگان است و صاب از روزی

هَذَا أَوْ تَنْقُضِي بَقِيَّةَ هَذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ

این روز یا ما این رسد بقیه این روز یا طلوع کند

الْقَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذَا أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرَ

صبح است من این شب یا در این ماه

لَكَ قَبْلِي تَبِعَهُ أَوْ ذَنْبًا وَخَطِيئَةً تَرْتَدُّ

مرا از آنست که بر آن من که ای یا خطی است که بخورد ای است

أَنْ تَقَابِلَنِي بِهَا أَوْ تَوَاحِدَنِي بِهَا أَوْ تَوْفِقَنِي بِهَا

مواضعی می برابران یا مواضعه ای بر آن با تو می ای برابران

مَوْفِقَ خَيْرِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَوْ تُعَذِّبَنِي

در جایگاه خیر من در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا

يَوْمَ الْفِتَنِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

در روز فتنه ملاقات کنم تو ای رحیمترین رحیمندگان خداوند ارحم الراحمین

أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يَفْزَحُ جُرْعَتُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا

کودان ترا بخیر می گویند ما را از عجز تو و بینه دینی که

تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكُرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ

بهر رسد که بر من و عجز تو ای که اعلی است زانو از تو و

وَلِرَغْبَةٍ لَا تَبْلُغُ إِلَّا بِكَ وَالْحَاجَةُ لَا تَقْبَلُ

و بینه خواهشی که بر من رسد که بر من و کسب حاجتی که در او در برود

دُونَكَ إِلَهِي فَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي

که بر من خداوند ای چنانکه کرده باش از کار تو که خداوند ای مرا

بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ وَرَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ

ای از سوال کردن تو در هر روزی برابران از ذکر تو

نیل

فَلْيَكُنْ مِنْ سَأَلِكِ الْإِسْتِجَابَةَ لِي فِيهَا وَعَوَّلَكَ

این برایش از کار تو بر من از برای من در آنچه خواهم ترا

بِهِ وَالنَّجَاةَ لِي فِيهَا فَزَعَمْتَ إِنَّكَ مِنْهُ أَيَّامَلِي

این در کارهای برای من در آنچه استغفار تو روزم بگوی تو از آن ای روزها

الْحَدِيدَ لِنَاوْدَانِي كَأَشْفَا لِكُرْبِ الْعِظَامِ

این برای دادود ای زایل کننده اندوه برکت

عَنْ أَيُّوبَ وَمُفِجِ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنْفِرِ كُرْبِ

از ایوب دشمن غم یعقوب در زایل کننده اندوه

يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِأَفْعَلِ بِي مَا

یعقوب صلوات بر محمد و حمد دین من آنچه

أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْغَفْرِ

تو ایستادگان ای در سبک تو ایستادگان بر کارهای و برادران

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبٍ وَرَجَائِي فِي

خدایا تو اعتماد من در هر اندوهی و پند من در

كُلِّ سَيْئَةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ امْرُؤٍ لِي ثِقَةٌ وَ

هر شیئی و تو ایستادگی من در هر مردی از من اعتماد و

عَدْوٌ كَرِيمٌ كُرْبٍ يَضَعُ مِنْهُ الْفَوَادُ وَيَقِيلُ

دشمنه بر کسی از اندوه که توان شود از آن دل و آنکس میزد

فِيهِ الْجَمِيلَةَ وَيُجَدِّدُ فِيهِ الصَّدِيقَ وَلَيْسَتْ

در آن حلد و بخیزد در آن دوست و دوست او شود

فِيهِ الْعَدْوُ أَنْزَلَتْهُ بِكَ وَسَكُوتُهُ لِبَابِكَ

در آن دشمنی در زود آورد از این و سکوتش که در از برای تو

رَغْبَةٌ مَعْنَى فِيهِ إِنَّكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَصَبْرٌ

خواستندگی از من در آن بگوی تو از آنم بگو ایستادگی من از برای تو

وَكشَفَتْهُ وَكَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبِ

درد را که روی آنرا دروغ گوئی آنرا اس تو را صد از هر نعمت و صاحب

كُلِّ حَسَنَةٍ وَمَنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ اَعُوذُ بِكَ بِكَ

هر نیکی و تمنای هر خواهش بنا و بگویم بگفت

اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ اَللَّهُمَّ

خداوند که نام در کمال اغاز شد آنچه از همه از چیزی خداوند

عَافِي فِي بَوْمِي هَذَا حَتَّى اُصْبِيَ اَللَّهُمَّ اِنِّي

عافیت در روز روز من این روز تا صبحم خداوند امیر است

اَسْئَلُكَ بِرُكْعَةِ بَوْمِي هَذَا وَمَا نَزَلَ فِيهِ مِنْ

سجده ای که در این روز و آنچه نازل شده در این روز

عَافِيَةٍ وَسِعْفِيَّةٍ وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ وَرِزْقٍ

عافیت و دروغش رحمت و خوشنودی در روزی

وَاسِعٍ حَلَالٍ تَسْطُرُهُ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَ

راستی حلال که چینی آنرا بر من در روز در من و

وَالِدَيَّ وَاهْلِي وَعَمَّالِي اَهْلَ حُرَّتِي وَمَنْ

روز من و اهل و عاقلم و کس منم حوار با من و من

اَحْبَبْتُ وَاَحْبَبَنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اَللَّهُمَّ

درست دارم او را دوست دارم او را دوست دارم از همه خداوند

اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشَّرِكِ وَالْحَسَدِ

با من است که بنا بگویم بتو از شک و شریک و حسد

وَالْبَغْيِ وَالْهَيْبَةِ وَالْغَضَبِ اَللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَوَاتِ

راستی و هیبت و غضب خداوند آرزوی هر کسی است

السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ

هفتگانه زمین و آرزوی هر کسی از زمینهای هفتگانه و آنچه در میان آنهاست

وَمَا يَدِينُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

دا که در شان الهی است در درگاه عرش بزرگ رحمت است بر من

وَالهِ وَالْكَفَى الْمُهَيَّمِ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتِ

وال او که خاستن از امرم از هر چه بخواهی

وَكَيفَ شِئْتِ بِنِجْوَانِ سُؤْتِ مُحَمَّدٍ وَآيَةِ اللَّهِ

و هر روش که خواهی الکرسی را و بگوی

لِإِنَّكَ قَلْبَتْ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ

بر کسی که قلبه است بر من خود را رحمت است بر من و آل او

سَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اللَّهُ أَلَمْ يَأْتِ

اینکه روزی که عطا کند از او درگاه رحمت است بر من و آل او

رَسُولٌ تَوْحِيْدًا لِكُلِّ قَوْمٍ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ

در رسول تو در دوست تو و بر کرم تو از خلق تو

لَا يُرْضَى بِإِنْ تَعَذَّبَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ ذَاتَكَ

در منی بگردد عذاب کسی احد از امت او بوسه کند

بِمُؤَالَاةٍ وَمُؤَالَاةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَإِنْ

در دوست داشتن او دوست داشتن بر او از اهل بیت او در

كَانَ مَذْنِبًا خَاطِئًا فَا جَرْنِي يَا رَبِّ

باشد که من خطا کار در پیش تو ای پروردگار در راهی در

مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابُهَا وَهَبْنِي لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

از دوزخ و عذاب آن و بکن بر برای محمد و آل محمد

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعًا بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ

ای بخشنده ترین بخشنده کان ای در راهی در میان اهل بهشت

عَلَى تَأْلُفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ

بر آمیختن از دلها و شدتی دوستی

نازع الغل من صدورهم و جاعلهم اخوانا

در خنده گنجا از سینه ای است که در دستش بر او است

على سرر متقابلين با جامعابين اهل طاعته

بر سر برنا او هم و از بزرگان ای ای از هم دورتره جان اهل طاعت بود

و بين من خلقها له و يا مفرج حزن كل محزون

و میان آنکه حزن بخورد از برای خود ای دور ای زایل کننده اندوه هر اندوهگانه

و يا منهل كل غريب با راحي في غميتي و في

و ای استخیز هر یک ای در غم گشته که در غمیت من دور

كل احوالي بحسن الحفظ و الكلاوة لي يا مفرج

هر احوالی من بحسن حفظ و نگه داری از برای من ای مفرج

مالي من الضيق و الخوف صل على محمد و آل

ای که با من است از تنگی و خوف بر محمد و آل

محمد و اجمع بيني و بين احبتي و سادتي و

محمد و جمع کن میان من و میان دوستان خود و عزیزگان و

قادتي و هدائي و موالي يا مؤلفا بين لا خيب

بشر دان من و ما و مان کن و دوستان من ای است یمنده جان دوست

صل على محمد و آل محمد و لا تقبطني باقطار

بر محمد و آل محمد و هر دو ما و مرا با قطار

رؤيتي محمد و آل محمد عني و لا باقطار رؤيتي

رؤیت محمد و آل محمد از من و از من بر من و رؤیت

عنهم في كل مسألتك يا رب دعوك ال الهی

از من در هر مسأله ای تو ای در دعوت من چون نامم از آنکه از من

فاستجب عابثا لياك يا ارحم الراحمين اللهم

بجز اجابت من دعای مرا تو ای که بگذری من بخوان صد بار

لَاقِي اسْتَلِكْ بِانْقِطَاعِ حُجَّتِي وَجُوبِ حُجَّتِكَ اَنْ

در سینه کن بر حال منتهی است هر دو را دلیل کن و لازم نمودن محبت بر او

تَغْفِرْ لِي اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ غَزِي يَوْمِ الْحَشْرِ

با غزوی چرا خدا را در سینه کن باه بگیرم ترا از روز اول مردن

وَمِنْ شَرِّ مَا بَقِيَ مِنَ الدَّهْرِ وَمِنْ شَرِّ الِاعْتَاءِ وَ

روز سحر که باقی نمانده از زمانه از سینه دشمنان و

صَغِيرِ الْقَتْلِ وَعَضَالِ الدَّاءِ وَحِمَةِ الرَّجَاءِ

سستی خوردن آورد و با غایت سستی و از گزند شدن ببرد

وَرِوَالِ النِّعْمَةِ وَنَحَاءَةِ النِّقْمَةِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي

در زایل شدن ببرد و با گناه رسیدن عذاب خدا بر من در آن برای من

قَلْبًا يَخْشَاكَ كَاثِرًا اِيْرَاكَ اِلَى الْيَوْمِ بَلَقَالَتْ

دعا که هر است در روزی با روی من بر ترا امروز که با قاف است کن

وَدُورِ نَيْتٍ كَرْدَرِ اَرْقَاتٍ دَبْكِرْ هَرَكْلَه سِيدَتِي رُو

وَهْدِيَا حَاجَتِ صَرُورِي بَاسْتَدَايْتُدْ عَارِ اَتَوَانِ خَوَانِد

فصل ششم در اغمال مختصره شبها و روزهای

مختصه و اینها مبارکت در **در خطابی** و در دست است

که انجیل حضرت عیسی در سیم اینها نازل شده

در روایت دیگر در ستم و بر روایت معتبر دیگر در

دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که

در روز ستم اینها مأمون خابن ماعون با حضرت

امام رضا صلوات الله علیه بیعت کرد و در روایت

است که هر که در آن روز دو رکعت نماز بگذارد در
 هر رکعت بعد از حمد بیست و پنجم مرتبه سوره قل هو
 الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق انحضرت
 را اذکرده باشد و بر وایت معجزان حضرت صادق
 منقولست که هر که در شب سیزدهم دو رکعت نماز
 بگذارد در هر رکعت بعد از حمد سوره لیس و تبارک
 الذی بید الملک و قل هو الله احد و در شب چهارم
 چهار رکعت بدو سلام با این صفت و در شب پانزدهم
 شش رکعت بیه سلام بهمین کیفیت حق تعالی جمیع
 گناهانش را بیامزد بغیر از شرک بخدا و شیطان و دهم
 از کالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت نام
 حسین مستحبست در آن چنانچه مذکور شد و در
 حدیث معجزان حضرت صادق علیه السلام منقولست
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
 در شب نهم ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگذرد
 یعنی هر دو رکعت بیاض سلام و در هر رکعت بعد
 از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی
 ده ملک را فرستد بسوی او که دفع کنند از او
 ضرر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام

مَرَكِ اَوْ سَيِّ مَلَكٍ بِفِرْسَتِكَ اَوْ اِبْشَارَتِكَ دِهَنْدِ بِي
 بَهْشْتِ وَسَيِّ مَلَكٍ كِه اَوْ اِيْمِيْن كِرْدَانْد اَز جَهَنَّم
وَ اَيْضًا اَز اِنْخَضْرَتِ مَقُولَتِ كِه هَر كِه دَر شَبِ نَضِيْفِ
 مَاهِ رَمَضَانَ زِيَارَتِ خَضْرَتِ اِمَامِ حَسَنِ بَكُنْد وَ بَعْدِ
 اَز نَمَازِ عَشَادَه رَكَعَتِ نَمَازِ نَزْدِ قَبْرِ خَضْرَتِ بَكُنْد وَ
 هَر رَكَعَتِي سُوْرَتِ حَمْدِ وَ دَهْ مَرْتَبَه قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ
 بِنُوَانْد نَمِيْزَد اَدْر خَوَابِ بَه بِيْنْد مَلَكِي چِنْد رَا كِه بَشَارَتِ
 دِهَنْد اَوْ رَا بَه بَهْشْتِ وَ مَلَكِي چِنْد كِه اَوْ اِيْمِيْن كِرْدَانْد
 اَز جَهَنَّم وَ شَبِ هَفْدَهْمِ نَهْزِ شَبِ بَسِيَارِ مُبَارَكِيَّتِ
 وَ دَر اَنْ شَبِ شُكْرِ خَضْرَتِ رَسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ
 بِالْشُكْرِ كَفَّارِ مَلَاقَاتِ كِرْدَنْد دَر بَدْر وَ دَر رُوْزِش
 جَنَكِ بَدْرِ وَاَقَعِ شَدَّ وَ حَقِّ تَعَالَى شُكْرِ اِنْخَضْرَتِ اَبْرَاكَوْرِ
 لَقَفْرِ دَاوَانَ عَظْمِ فَوْحَاتِ اِسْلَامِ نَجْوَدِ وَ غَسْلِ وَ
 عِبَادَتِ دَر اَنْ شَبِ نَضِيْلَتِ عَظْمِ دَاوَدِ وَ شَبِ نُوْرِيْمِ
 اَوَّلِ شَبْهَايِ قَدْرِ اَسْتِ وَ حَقِّ تَعَالَى اِيْمِيْن مَآبِدِ اَنَا اَتْلُوْنَا
 فِي كِسْلَةِ الْقَدْرِ بَعْنِي مَا فِرْسَتِ اَدِيْمِ فِرَانِ دَاوَدِ شَبِ
 قَدْرِ بَعْنِي شَبِي كِه تَرُوْحُو تَعَالَى قَدْرِ وَ مَنْرَكَتِ عَظْمِ
 دَاوَدِ اَيْتَقْدِرِ اَمُوْرِ سَالِ دَر اَيْنِ شَبِ مِيْشُوْدِ يَا زَمِيْنِ
 تَنَّاكِ مِيْشُوْدِ اَرِ بَسِيَارِي تَرُوْلِ مَلَكِي وَ مَا اَدْرِيَاكِ

ما كَيْلَةُ الْقَدْرِ وَجْهٌ بِشَيْءٍ عَلَامٌ كَرِهَةٌ أَسْتُ كَمَا جَاءَ فِي
 آيَةِ شَبِّ قَدْرِ كَيْلَةُ الْقَدْرِ وَجْهٌ فِي الْعَبَادَةِ شَهْرٌ شَبَّ
 قَدْرٌ بِهَيْتَرٍ أَسْتُ زَهْرًا مَاهُ يَعْنِي عِبَادَتَهُ دَرَانُ
 بِهَيْتَرٍ أَسْتُ زَعْبَادَتَهُ دَرُهُنَّ مَاهُ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ
 الرُّوحُ فِيهَا فِرْوَجِي آيَتُهُ مَلَكُهُ وَرُوحٌ كَمَا فِي هَيْتَرٍ مَلَكُهُ
 اعْظَمُ أَسْتُ دَرَانِ شَبِّ بَادِنِ وَتَاهُمُ بِرُحْصَتِ بِرُورِ وَكَلِ
 ايشان من كل امرئ بسبب تقدر بر هر امری حادث
 بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در این شب
 بر امام زمان نازل میشود و آنچه از برای هر کس در این
 شب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام
 هر حقیقه مطلع الفجر سلامت این شب از جمیع بدیها
 تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مؤمنان
 که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان
 شب و شب جمعه در شب قدر خلافت بعضی از شیعیان
 گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول
 بود و بعد از حضرت بر طرف شد و اکثر ایشان گفته
 اند که تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند در
 تمام سال پنهانست و در همه شبها عبادت باید
 کرد تا فضیلت شب قدر را در یاد آورد و بعضی گفته اند

پیوسته با خیل و اهل و حشم و خدام خود در انبساط خیل
مدتیه می‌نشد و چون صبح می‌شد بر می‌گشت و از بعضی
آحادینت ظاهر می‌شود که هر شب شب قدر اندر شب
تقدیر امور می‌نمود و در شب و نیم بکثرت دعا و عبادت
مکمل است که بعضی تغییر پیدا بد و در شب سیم حتم می‌شود و تغییر
نمی‌آید یا بسیار که تغییر می‌آید بلا تشبیه مانند آرام
باد شاهان که اول تعلیق می‌شود و تغییرش ساعت
بعد از آن بدت فایز می‌شود تغییرش شوار تر است اما تا به
سهر مهر اثار مزیّن نکردند باز ممکن است که تغییر پیدا بد و
چون به مهر اشرف رسیدند بمنزله حتم است و تغییرش در
غایت صحویت و خوشحالی و احکامها در اینها بعضی
مورد هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشبیه
است و نماز و سوطی که بهترین نمازهاست و ساعت
استجاب دعاست و هر شب و روز جمعه و عمل مقبول
در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در اینها بود
اینها است که بر همه اسماء مقدسه الهی مؤظفت نمایند
و اهتمام در همه نماز بکنند و در همه ساعات شب روز
جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی
مقبول گردد و هم چنین در شب قدر شبهای که

احتمال آن دارد همه را اجبا کنند و حکمت دیگر در بعضی
 اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم الهی را همه کس بدانند
 کلاه باشد که بعضی از نفوس شریره آنرا وسیله حصول مطالب
 دنییه خود کنند چنانچه از بلغم نقل کرده اند و همچنین
 شب قدر و ساعت استجابت دعا اگر مخصوص آنها را
 بدانند ممکنست که امور غیر مشرفه با ضررهای عظیم
 نسبت ببعض از مسلمانان استدعا کنند و اگر مخصوص
 دانشند باید البته مستجاب گردد و دیگر آنکه مقرر و باعمال
 خود نکردهند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله
 کجایش ذکر آنها ندارد پس باید مؤمن این سه شب اجبا
 کند و اهتمام در عبادت و دعا کند تا فضیلت شب قدر
 را در زیادت و در شب اهتمام بیشتر باید بکند و در
 بیست و سیم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن
 وارد شده است که در شب قدر سعی بکنند و فواید
 عبادت شب قدر بسیار است از جمله آنکه چون عبادت
 شب قدر را در زیادت بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت
 هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر
 میفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات امور از عمر و مال
 و فرزند و عرت و صحت و توفیق و اعمال خیر و سایر

امور خیر در این شب مینشود اصلاح **الاول** تمام سال
 خود را در این شب کرده خواهد بود و **ثانی** آنست که نام او را
 در دیوان اشقیان نوشته باشند و در این شب تغییر
 یابد و در زمهره بنام دندان نوشته شود چنانچه این
 مضمون در اکثر کتب آمده و احادیث معتبره وارد شده است
 دیگر آنکه چون **تکلیف** صاحب الامر در تمام شب با
 ملئکه مقربین مشغول است و فوج فوج بخدمت او می
 آیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او
 و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سر او را نیت
 که در چنین شبی تا برای تمام خود نکند و بغفلت بسر آورد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
 چون شب قدر میشود فرود می آیند ملئکه که در سینه
 المنتهی ساکنند و از جمله ایشان چیز پیل است که با خود
 علمهای نورانی آورد و یک علم را بر قبر من نصب میکنند
 و یکی را در بدت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در
 طور سیناء و بنکذرد مردم مؤمن و زن مؤمنه را مگر
 آنکه سلام بر او میکنند **و ایشا** از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله منقولست که بهشت را هزار سال از برای اهل
 شدین ماه مبارک رمضان بدت میکنند و چون شب اول

در
 صورت

ماه میشود ^{بسیار} در عرش میفرودد که انرا مسپر میگویند
 و بصدامی ^{از} درختها و حلقههای قرمزهای بهشت را
 پس نغمه از آنها بشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوش
 آیند تر نغمه نشنیده اند پس خوردن از غرفههای بهشت
 بیرون می آید و ندای میکنند که آیا کعبه هست که ما را
 خواستگاری کند از خدا با اعمال ^{خود} پس از رضوان
 خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان
 میگوید که این شب قدر است و چون شب قدر میشود
 حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بر زمین می آید بال شکر
 عظیمی از ملک و با خود علم تیزی می آورد و بالای
 کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و بالتر
 را نمیکشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر آن
 دو بال را میکشاید از مغرب و مشرق میگذرد و همین میکند
 جبرئیل آن ملائکه را در این شب اطراف زمین ^{پس}
 میکند برهنه نشسته و ایستاده که مشغول نماز و ذکر
 پروردگار میباشند و با ایشان مصاحبه میکنند و چون
 ایشان دعا میکنند ملک امین میگویند و پیوسته
 مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طلوع میشود
 ندای میکنند جبرئیل که ای گروه ملکد روانه جانب آسمان

شود پس مثلشکه میگوید **بن جبرئیل** در خواب
مؤمنان از امت محمد **بن جبرئیل** میگوید **یا کاهان** همه
و امر زید مکر کسی که هفت شراب خود غاق پذیرد
مادر باشد یا **رحم کند** یا با مؤمنان عداوت کند
و چون شب عید **پشتود** و آنرا شب جزواتر میگویند
خدا می رسد **پشتند** کان ماه مبارک رمضان را
بیمانی چون نام **روز عید** میشود و تعالی مثلشکه بسا
در جمیع شهرها می **بند** که بزین می آید و کسرهاها و
کوچهها و بازارها **پشتند** و میگویند ای امت محمد پرورد
روید بسوی در **پروردگار** که می که عطا های بزرگ
می بخشد و کاهان عظیم ز امی **مزد** پس چون بمصلی
میرند برای نماز **عید** و تعالی بمثلشکه میگوید ای مثلشکه
بجزیب تجزای **پروردگار** عمل خود را بکنند مثلشکه
میگویند ای خداوند ما و افای ما جزای او **انت** که
مزدش تمام داده شود **حق** ما بفرماید ای مثلشکه من شما
را کواه میگویم که ثواب ایشان را از روز ماه رمضان
و عیادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان رضاشدم
و کاهان ایشان را **مزد** پس ندما بفرماید مؤمنان
را که در آن مجمع حاضر بوده اند که ای بندگان من هر چه

خواهد از من سؤال کنند بعزت و جلال خود سوگو کنند یاد
 میکنم که در آن مجمع شما مراجعت که برای اخوت و دنیای
 خود سؤال کنند البته عطا میکنم و عیبهای شما را بیوشانم
 تا از من روگردان مشوید و مردهای شما را مضاعف
 میدهم و شما در میان گناه کاران رسوا نمیکردم و بر گردید
 از مصیبتی مرزیده بد رستی که خوشنود گردانیدید مرا و خوش
 نود شدیم از شما پس ملک مسرور و شاد میشوند و بگردید
 مبارک باد میگویند باین حق تعالی بامت محمد عطا کرده
 و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که
 احب کند شب قدر را گناهان او از او ببرد شود هر چند بعد
 ستاره های آسمان و سنگینی کوهها و کبل در باها باشد
و اما اعمال این سه شب بر دو نوعست اول آنکه در هر
 سه شب بایست کرد دویم آنکه مخصوص است به شبی **اول**
 از حضرت صادق منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت
 نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو
 الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه
 استغفر الله و آتوب الیه بگوید از جای خود بر نخیزد
 تا حق تعالی او را ببرد و ماد را و را بیاورد و ملکی
 چند نفرند که حسنات برای او بنویسند تا سال

اینده و ملکی چند بفرستد بسوی بهشت که درختها برای
 او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و لهنها برای او
 جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده
 نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل
 این شبها از مقارن غروب آفتاب که در آن بستر است که نماز
 شام را با غسل بکند و مستحبست که در این شبها قرآن
 بچند و ایدست بگیرد و بکتابد و این دعا را بخواند
 اللَّهُمَّ لِي فِي اسْمِكَ بِكَلِمَاتِكَ الْمَنْزِلِ وَمَا فِيهِ

همه از او در است که سوال کبیر از کتاب روزگار شده بود که روزگار

و فِيهِ اسْمُكَ الْكَبِيرُ وَاسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَ

در این است نام بزرگ تو و نامهای مبارکی تو و

مَا يُخَافُ وَبُرْجِي أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عِتْقَائِكَ مِنْ

آنچه ترسیده بودم و بر جی آن که بخواهی مرا از بندگی تو رها کنی

النَّارِ وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسِخَانِكَ

آتش و بر آوری حاجات مرا کبیر دنیا و آخرت خود را از

حَوَائِجِي طَلَبِ نَمَائِدُكَ أَنْ تَنْشَأَ اللَّهُ بِرَأْوَدِهِ اسْتِوَابِ

دعا از حضرت امام محمد باقر امام جعفر صادق علیهما

السَّلَامِ مَقُولَتِ كَمَا مَضَى اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ

بیکر بر سر بکنار و بگوی همه از او بجای این قرآن

وَدَر بَعْضِي زَرَوَايَات مُعْتَبَرَةً وَاَرَد شُدَّ اسْتِ كَر بَه
هَفْتَمَرْتَبَه يَا بَجْمَرْتَبَه يَا سَمَرْتَبَه يَا كَمَرْتَبَه اَكْفَا
مِيَتَوَان مَمُود وَا حَادِيْث بَسِيَار دَر فَضِيْلَتِ ابْنِ صَدْر
نَمَاز وَا رُد شُدَّ اسْتِ وَا يَآئِد كَر ابْنِ صَدْر رَكَعَتْ غَيْر نَافِلَه
سَبَّ بُودَه بَاسْئِد وَا كَر ضَعْفُ شَمْتَه بَاسْئِد نَشْتَه سَم
مِيَتَوَان كَر دَر وَا بَهْتَرِيْنَ اَعْمَالِ دَر ابْنِ سَبَّهَا طَلَبِ مُرَشَقِ
دُعَا از بَرِيْ اِيْ مَطَالِبُ نَبَا وَا خَرِيْ خُوْدِ اسْتِ وَا بَدَر وَا دَر
وَا خُوِيْ بَنان وَا بَر اَوْرَانِ مَوْمِنِ زَنَدَه وَا مَرْهَه اَشَا وَا ذَا كَل
وَا صَلَوَاتِ بَر رَحْمَدِ وَا لِ مُحَمَّدِ بَخْرَه مَقْدُوْر شُوْد وَا دَر بَعْضِي
از رَوَايَاتِ وَا رُد شُدَّ اسْتِ كَر دُعَا يِ جُوْشَنِ كَبِيْر
دَر هَر يَكِ از ابْنِ سِيَه سَبَّ بَخُوَانَد **وَا مَّا** اَعْمَالِ سَبَّ نُوْرَه
اَلَسْتِ كَر صَدْر مَرْتَبَه بَكُوْبِدَ اسْتِ غَفِيْرُ اللّٰهِ رَبِّيْ وَا تُوْبُ
اَلَيْهِ وَا صَدْر مَرْتَبَه اللّٰهُمَّ الْعِن قَتْلَه اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ
بِسْ اِيْنِدَعَا اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِيْ وَ تَقْدِرُ
وَا بَخُوَانَد *از دَر وَا بَر اَوْرَانِ دَر اَسْمَاءِ حَكْمِ بَلْبِي وَا لِقَدْرِيْ*
مِيْنَ اَلْاِمْرِ اَلْمُحْتَوَمِ وَا فِيمَا تَقْرُقْ مِيْنَ اَلْاِمْرِ اَلْحَكِيْمِ
از دَر وَا بَر اَوْرَانِ دَر اَسْمَاءِ حَكْمِ بَلْبِي وَا لِقَدْرِيْ
فِي سَبْلَه اَلْقَدْرِ مِيْنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ
وَا بَرِيْ *از حَكْمِي كَر رُوْدَه نُوْدَه*
لَا يَسْتَدِلُّ اَنْ تَكْتَبِيْ مِيْنَ حُجَّاجِ بَلِيْتِكَ اَلْحَرَامِ
بَل كَر دَر نُوْرَه سَبَّ بَرِيْ اَوْرَانِ حَكْمِي *خَا نَمَزَم نُوْرَه*

رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز شب و نافله
صبح و تا صبح بیدار باش و مستحبست که مشغول نماز و
دعا و تضرع باشی بدرستی که امید شب قدر در یکی
از اینهاست و شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی طهر است
از عمل در هزار ماه و هزار می که در این سال واقع میشود
در شب قدر مقدر میگردد و دعاها و این شب در ضمن
دعاها هر چه از مرد کور خواهد شد انشاء الله تعالی
و شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکنند
بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنتست
یکی در اول شب یکی در آخر شب حضرت صادق فرمود
که شب بیست و سیم شب جمعه است و در آن شب جمیع
امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و مرگها و اجلها و
بلاها و روزنها و قضاها و آنچه در آن سال واقع
میشود تا شب قدر آیند پس خوشحال بنده که احیا
کنند آن شب و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد
و گاه در سجود و گاه همان خود را برابر دیدهای خود
مثال گرداند و بر آنها بگریزد چون چنین کند امیدوارم
که از فضیلت شب قدر محروم نگردد انشاء الله و فرمود
که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا کند در هر روز ماه

مبارک رمضان و هو که بشارت باد شما را ای بندگان
 من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و شفاعت شما
 را در حق یلدا بکر مستجاب گردانیدم مگر کسی که روزی
 را افطار کند بر مست کند یا کینه برادر مؤمنی را در
 دل داشته باشد **و بسند** معتبر از حضرت صادق
 منقولست که هر که سوخت روم و عنکبوت را در شب
 بیست و سیم ماه مبارک رمضان بخواند و الله که او از
 اهل بهشت است و استغنا نمیکند در آن حدیث را و نیز سیم
 که خدا در این سو کند بر من گاهی بنویسد و این دو سوخت
 را نزد خدا بیجا منزلت عظیم هست **و ایضا** از آنحضرت
 بسند معتبر منقولست که هر که در شب بیست و سیم
 ماه مبارک هزار مرتبه سوخت انا انزلناه بخواند هر چند
 صبح کند با یقین شدید و اعتراف با نچه مخصوص است
 از گزافها در این شب و سوخت هم در خان بنویسند
 که در این شب بخوانند **و از حضرت امام محمد تقی** منقولست
 که هر که زیارت کند حضرت امام حسین را در شب بیست
 و سیم که امشب شب قدر در آن هست مضافه کند با او
 ارواح صد و بیست چهار هزار پیغمبر که همه رخصت
 می یابند از پروردگار خود در زیارت آنحضرت و بسند

معتبرا حضرت امام محمد باقر در روایت کرده است که هر که
 آجا کند شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان را و صد
 رکعت نماز بکند حق تعالی و ذی و رافراخ کرد اند در دنیا
 و شرد شمشیر از او کفایت کند و پناه دهد او را از
 غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در کلو
 گرفتن و از شر درندگان و رفع کند از او هول منکر و
 نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نورانی باشد که روشنی
 بخشد اهل محشر را و فائز باشد از او است راست او دهند
 و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم را و کشته
 بر صراط را و عذاب قبر را و داخل بهشت شود بی حساب
 در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان
 و صالحان گردانند و بنکور رفیقانند ایشان و دعای این
 شب از جمله دعا های مهم است بخوانند و این دعا نیز بخوانند
 اللَّهُمَّ امِدُّ لِي فِي عَمْرِي وَ اَوْسِعْ لِي فِي
حسبنا الله ورضوانه *روزهای این روز*
 رزقی و اصح جبهی و بلعنی امکن و ان
روزهای این روز *روزهای این روز*
 کنت من الاشقیاء فامحني من الاشقیاء و
بسم الله الرحمن الرحيم *بسم الله الرحمن الرحيم*
 اکتبني من السعداء فانك قلت في كتابك
بسم الله الرحمن الرحيم *بسم الله الرحمن الرحيم*

الْمَنْزِلَ عَلَى بَيْتِكَ صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْوُوا

زودش در بر منم خود رهشای تو برادر مال او محب از

اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُبْتِغِ وَيَعْنِدُ أَمْ الْكُفَّاءُ بِيضًا

نه آنکه آید ز بخت که او در تو در دست هم آید ایند غار

بِحَوْلَانِدِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَقْرَبِ عِبَادِكَ نَصِيبًا

صدا آید ایوان از او از فرزندان من نور بهره

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ أَنْتَ

از هر یک که از تو است ای از او در این شب

مَنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا

در زنده از نور که راه نماید یا رحمتی که برین کمی آید

أَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْفِيهِ

یا روزی که بر نهایی آید یا مال که دفع نماید یا آزاری که در آن آید یا آرد

وَ أَكْتُبُ لِي مَا كُتِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ

و بنویس برای من آنچه نوشته اند برای دوستان من صالحان

الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ لِتُؤْتَبَ لَهُمْ وَ يُؤْتُوا

که استوار است از تو از با او است را و ایوان در دست

بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

بمهرش از تو از این روز تو عیب را ای بزرگواری از بزرگواری

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ لِي ذَلِكَ

بمهرش از تو ای محمد و آل محمد و ایوان بن آید

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَهُوَ مَقْدَارُ فَرْقَانَ

بمهرش از تو ای بخشنده تر از همه بخشندهان که ممکن باشد در

بِرِشْبَتِ بَحْوَانِدِ وَدُعَايِ حَمِيهِ كَامِلَةً وَبِحَوْلَانِدِ

خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه

وروزها و شبها را نیز باید حرمت داشت و عبادت
 و تلاوت و دعاست او روزی که در احادیث معتبره
 وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل
 شب قدر است و در شب بیست چهارم نیز مخصوص
 غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت
 است و احادیث معتبره در استحباب غسل در آن وارد
 شده است و منقولست که خدای عز و جل فرمود
 در آن شب بدبها و کناهان و همه انواع بلاها را از
 روئ در آن ماه رمضان و در شب بیست و هفتم نیز
 غسل مخصوص وارد شده است و منقولست که حضرت
 امام زین العابدین در این شب مکررا بنده عارمی
 خواندند از اول اللهم ارزقني التماسي عن دار

شب تا آخرت *سه روز از روزی که برای آن روز نفس استغفاری*

الغرور والآفة إلى دار الخلود والاستعداد
زین *دارت* *بومی* *ای عابد در همه شدن*

الموت قبل حلول القوت و در شب بیست و نهم
 برای مردن پیش از روز آمدن برکت نیز غسل مخصوص وارد
 شده است و هم چنین در شب آخر غسل سنت است
 و زیارت حضرت امام حسین نیز سنت است و در آن

ماه رمضان است مؤکد است برای اظهار آنکه روز و
 عبادات این ماه مبارک بر ما دشوار و کمران نبود و ما
 خواهان آن بودیم و از مفارقت او از زده و محزونیم و
 هر که لذت عبادت الهی یافته است و فواید فراوانی
 و عقاید انست است عاشق عبادت و بندگی می باشد
 پس باید این ماه و افر البرکات را بنوعی وداع کند که عزیز
 ترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند
 و معلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود خوشحال
 باشد و از ترک خدمت دلگرم باشد مثل غلامی نیست
 که از ترس خدمت کند و بان را ضعیف نباشد و دعای وداع
 در شب آخر سنت خواندن و اگر در روز آخر بخواند نیز
 خوب است و در حدیث است که اگر ماه مشتبه باشد
 در شب بیست و نهم احتیاطاً خواندن مناسب است و
 دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاهای وداع
 صحیفه کامله است و بیست و نه دعای معتبره بسیار از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم
 این دعا و دعا منقولست *بسم* *عذای کون بده*
 اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْتَزِلِ عَلَى لِسَانِ

عذای کون بده *مربسته نوکتر در کتاب خود فرزند شده بر زبان*

نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّوْا تَاكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَوْلِكَ

بیت نوح رساله شده رحمتی تو بر او اول از اولی تو

حَقُّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي نَزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

راست است ماه رمضان که در او نازل شد در آن قرآن

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

راه ما برای مردمان و بجزایات روشن از روشن و حدی است

وَهَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ آيَاتُهُ

و این ماه رمضان که بریده است آیات او نیز

وَلِيَايِهِ فَاسْأَلْكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ

و ایستادگی آن پس سوال کن بچهره کرامت برادر تو

كَلِمَاتِكَ الثَّمِينَةِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ

گفت نام آن اگر باشد که باقی بر من باشد

تَغْفِرَهُ لِي أَوْ تَرِيدَ أَنْ تَعَذِّبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تَقَالِبَنِي

یا فرموده ای که از من بخواهی یا بخواهی که عذاب کنی مرا بر این یا بخواهی

بِهِ أَوْ يَطَّلِعَ فَيَجْزِي هَذَا اللَّيْلَةَ أَوْ يَتَصَرَّمَ هَذَا

یا آن باطل کند صبح این شب یا بقطع کند این

الشَّهْرَ لِأَوْ قَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ماه که او غفرت کرد از من ای مهربانترین مهربانان

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَا جَاءَكَ مِنْهَا وَأَطَّأَ وَآخِرُهَا

خدایا بر تو بجزایات که از آنجا آمده است اول آن و آخر آن

مَا قَلَّتْ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَتْ لَكَ الْخَلَائِقُ

کمتر گفته برای ذات خود از آنجا و گفته اند خلق را علیه

الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعَدِّدُونَ الْمُؤْتِرُونَ

بجزایان که مشغولند بجزایات شمارنده گان برکنندگان

فِي ذِكْرِكَ وَالشُّكْرُ لَكَ لَذِينَ اعْتَمَرْنَا عَلَىٰ آذَانِهِ

در یاد کردن تو در سبب کسی که آری برای تو آواز دهد و در روی ایشان در راه او آید

حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَكِيَّةِ الْمَقَرَّبِينَ

حق تو از آن مصلحتی تو را در سببشان که سبقت بود

وَالنَّبِيِّينَ وَالرُّسُلِينَ وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ

وپیغمبران و درشت دکان و دردم ستمی گویان

الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَىٰ آتِكَ بِمَقَرَّبَاتِنَا

تسبیح کنندگان از عالم عالمیان هر چه که در سبب تو آید

شَهْرِ رَمَضَانَ وَعَلَيْسَا مِنْ نِعْمِكَ وَعِنْدَنَا مِنْ

ماه رمضان در برایت از نعمت دادان و تو ما هست نزد

جَزِيلٍ قِسْمِكَ وَأَحْسَانِكَ وَقَطَاهِرٍ مِثْلَانِكَ

بخششهای در سبب تو همان تو در دریا در آمدن و تنی تو

بِذَلِكَ لَكَ نَسْتَهَيِّجُ لِحَمْدِكَ الْخَالِدِ اللَّامِ الذَّاكِرِ الْخَالِدِ

با آن از سبب تو ثابت کند جاوده بگویند آنست که جاوده

السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْقُضُ طَوْلًا لِأَبَدٍ حَلَّ شَاوُكًا

همیشه آنکه بی پایان ببرد دشمنان و تمام بزرگوار است همیشه تو

أَعْتَدْنَا عَلَيْهِ حَتَّىٰ قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ

موردی را بر ما بر آن تا از کردی از ما روزی که دست از صیام او برداشتی

مِنَ صَلَاةٍ وَمَا كَانَ مِثْلَافِهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شَكْرٍ

از چیزی که از تو در سبب ما نیست و از آنکه از سبب ما بر کسی که از تو

أَوْ ذِكْرِكَ اللَّهُمَّ فَقَبِّلهَا مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَ

یاد کنی که خداوند ما را در سبب ما از آنکه بر تو گفتی را بخود و

تَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ وَ

در گذشتن تو از عفو تو از آن تو در در سببش تو در

حَقِيقَةُ رِضْوَانِكَ حَتَّى تُظْفِرَ نَافِيَهُ بِكُلِّ خَيْرٍ

عشتمدی است خود افزودنی ما را در آن لا محاله

مَطْلُوبٍ جَزِيلٍ عَظِيمٍ مَوْهُوبٍ تَوْمِنًا فِيهِ

طلب کرده است و در برای داد در چشمه است و در آن کرده ما را در آن

مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مَرْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوفٍ لِلَّهِ

از امر است شده و گناه که کرده است و خدا را

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ

ای است من سوال میکنم ترا بزرگ که سوال کرده است الهی از خلق خود

مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَخَزِيلِ تَنَائِبِكَ وَخَاصَّةِ

از گرامی اسمای تو در ذات و از تو در دعای

دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ وَإِنْ

خاص تو است که محمد است اللهم وائل محمد و دیگر

تَجْعَلَ شَهْرًا مِنْهَا أَعْظَمَ شَهْرٍ مِثْلَ مِثْلِ مِثْلِ مِثْلِ

کردی ماه را این راه بزرگ تر ماه رمضان که گزینش

عَلَيْنَا مِنْذُنْ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ

بر ما از پیش که از استادی ما الهی دنیا بنا داد شدن در عیصمه دنیا

دِينِي وَخَلَّاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتَشْفِئَتِي

از دین من و خلاصی هستی من در او در آن حاجت من در بدو من

فِي مَسَائِلِكَ تَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ

در مسائلی من تمام نعمت من و در بدو من بدی

عَنِّي وَبِإِسْرَاعِ الْعَافِيَةِ لِي وَإِنْ تَجْعَلَنِي مِنْ جَمَلِ

از من در پیش عافیت ترا و استند کردی برای من از بدی

مِنْ خَزَنَةِ كِتَابِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لِي خَيْرًا

از برای از بدی خردا و کردی بدی از برای از بدی

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَكْثَرِ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ الزَّخْرِ وَطَوَّلَ

از هزار ماه در بزرگترین مزد و در بهترین اجزه و در بزرگ

الْعُمْرِ وَحُسْنَ الشُّكْرِ وَدَوَامَ الْبِسْرِ اللَّهُمَّ وَ

دوام عمر و حسن شکر و دوام بستر اللهم و

أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَ

کرامت تو بزرگت تو و رحمت تو و در گداز تو و در گداز تو

تَعَاظِكَ وَجَلَالِكَ وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَأَمْنِيَّتِكَ

تو ایمنی تو در کرامت تو و در کرامت تو و در کرامت تو

أَنْ لَا يَجْعَلَ الْآخِرَ الْعَهْدِ مِثْلَ الشَّهْرِ رَمَضَانَ

بسیار کند که آنگاه آخر وقت از ماه روزه رمضان

حَتَّى تَسْلَخَنَا مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ تَعْرِفُنِي

تا بر من نماند از آن روزی که بر من نماند از آن روزی که

هَلَاكِهِ مَعَ الثَّائِبِينَ إِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّضِينَ لَهُ فِي

هلاک او با نماندگان بوی آن و نماندگان بوی آن

أَعْفُو عَافِيَتِكَ وَأَتِمَّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعَ رَحْمَتِكَ

بزرگت تو عافیت تو و نماندگان تو و وسیعتر رحمت تو

وَأَجْزَلَ قِسْمِكَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّي الَّذِي لَبَسْتُ رِزْقَكَ

و در بزرگترین قسمت تو خداوند ای پروردگار من که بستم بر تو

غَيْرَهُ لَأَيْبُكَ هَذَا الْوَدَاعُ مِثْلِي وَدَاعُ قَنَاءٍ وَ

بسیار است ایمنی تو در این وداع از من و در این وداع از من

لَا يَخْشَى مِنْ الْوَدَاعِ حَتَّى تَرْتَدِّيهِ مِنْ قَابِلٍ

که از او در وقت از طاعت تو که تا بر من نماند از آن روزی که

فِي سَبْعِ النِّعَمِ وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَأَنَا لَكَ عَلَى

در تمام نماندگان تو و بهترین امید و حال که من بستم بر تو

أَحْسَنَ لَوْفَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ اسْمِعْ

دُعَائِي وَأَرْحَمْ نَضْرَعِي وَقَدِّ لِي لَكَ وَأَسْتِكَافِي

لَكَ وَتَوَكَّلِي عَلَيْكَ وَأَنَا لَكَ مُسْلِمٌ لَا أَرْجُو نَجَا

وَلَا مُعَاوَاةً وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ

وَمِنْكَ فَا مَنُ عَلَيَّ حَلَّ شَأْؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ

أَسْمَاؤُكَ تَبْلِيغِي شَهْرِ مِضَانَ وَأَنَا مُعَاوَاةٌ مِّنْ

كُلِّ مَكْرُوهٍ وَتَحْذِيرٍ وَمِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي عَانَتْنَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ

حَتَّى بَلَّغْنَا الْآخِرَ لِبَلَاءِ مِينَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِأَحْسَنِ مَا دُعِيتَ بِهِ وَأَرْضَى مَا رَضِيتَ بِهِ

عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِي شَهْرَ مِضَانَ

مِنْ دَعَائِي

دَعَائِي

دَعَائِي

دَعَائِي

شکر روزگار در سینه توانا سوزده بها خداوند است

دعای برادر عمر بن ابی لؤلؤ از روزی نمودن مردی پس از روزی من در روزی نمودن

از او و اعتماد کردن من از او دین از او مقدم است خدا را در کفایت

در عاقبت را روزگار است را زنی در سینه بی را که توبه

در روز تو دین تمام کن بر آن بزرگ است شایسته خود توبه است

و آنچه بخانی بر سندان کن ماه رمضان دین بخشیدند در آن

هر چه خوشی درستی روز به سخنان باس و خدا را

آنکه در خود دارا بر روزی است این ماه در روز است

تا بر خدا را با هر چیزی از آن خداوند را در سینه من بر آن روز

در است از آن خواهی بان و بسند به هر چه کند می آنرا

از هر وقت بر سینه خدا بر او اول او بر سینه در سینه

در دال ج د کرد در روز ۱۶ ماه رمضان

دعای

دعای

دعای

دعای

وَدَاعِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعِ اِخْرَاجِي عِبَادَتِكَ

دواعی بران شدن کن از دنیا از دواعی اخراجت بود

فِيهِ اِخْرَاصُ مِثْلِكَ وَارْزُقْنِي الْعُودَ فِيهِ شَمُّ

در آن اخراصه که شمن کن مرزا در روزی کن مرا بر شمن در آن شمن

الْعُودَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَدَّيَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفَّقْنِي

باز شمن در آن بخت خود ای دوست کرده که کان مؤمنی در مرا

فِيهِ لِلْبَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ اَلْفِ

در آن برای شمن قدر در دوران استخار از برای کن بهتر از هزار

شَهْرٍ رَبِّ السَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْحَبَالِ وَالْبِحَارِ

ماه و اور در کارت در روز و در کوه و در دریا و در

الظَّلْمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِيَّ يَا

بارکم که در دستش است زمین و آسمان ای دوست باری

مَصُورٌ يَا حَتَّانُ يَا مَتَّانُ يَا اَللَّهَ يَا مَنْنُ يَا رَحِيْمٌ يَا

صورت کشنده ای حسان ای کشنده ای که از او کشنده ای هر چه را که

حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا بَدِيْعَ السَّمَاوَاتِ كَلِّكَ لَاسْمَاءُ

زنده ای بیست و نه ای برادر زنده ای که در دستش نام همه ای

الْحُسْنَى وَالْاَمْثَالَ الْعُلَبَاءِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْاَلَاءِ

بست و در دستش بیست و نه در روز در می در دستش

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَنْ يُصَلِّيَ

بر او ای که بر تو سب نام منادی کشنده هر چه را که در دستش

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ يَجْعَلَ سَمِيَّيْ فِي هَذِهِ

بر او ای که بر تو سب نام منادی کشنده هر چه را که در دستش

الْبَيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشَّهْدَاءِ وَ

ت در زنده کن همان در روز مرا، شهنده آن

إِحْسَانِي فِي عِلْيَيْنَ وَلَا سَاءَ تِي مَغْفُورٌ وَأَنْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *در می ۱۱* *کمزنده شده* *در این*

هَتَّيْ لِي يَقِينًا تَبَا شَرُّ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَتَوَبُّهُ

بیشتر مرا یقینی که است آن اول اول و ایمان که تا خود دارد

سَيِّئِكَ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تَوَيْبَتِي فِي

در این *در این* *در این* *در این*

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ يَقِينِي

در این *در این* *در این* *در این*

عَذَابِ النَّارِ الْحَرِيقِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

از عذاب آتش سوزان *عذاب آن که در آن در این علم است*

تَقْدَرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَوَجِّ وَفِيمَا تَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ

از آن که در آن *در این* *در این* *در این*

الْمُحْكِمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

در این *در این* *در این* *در این*

وَلَا يَدَّلُ وَلَا يُغَيِّرُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

در این *در این* *در این* *در این*

بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبْرُورِ حُجَّتِ السُّكُورِ سَعْبَهُمْ

خانه حرم خود که در آن *در این* *در این* *در این*

الْمَغْفُورِ ذَنبِهِمْ الْمَكْفُرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاجْعَلْ

در این *در این* *در این* *در این*

فِيمَا تَقْضِي تَقْدِرُ أَنْ تُظِلَّ عُمُرِي وَأَنْ تَعْبُقَ رَأْسِي

در این *در این* *در این* *در این*

عِزِّ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْلِكُ

از این *از این* *از این* *از این*

از این *از این* *از این* *از این*

وَلَسَّئِلُ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُودًا وَكَرَمًا وَارْعَبُ
إِلَيْكَ وَكَمْ يُرْعَبُ مِثْلَكَ أَنْتَ مُوَضِّعُ مَسْئَلَةٍ

سوال بزرگواران که آن مانند تو از روی بخشش بزرگواری از تو میترسند

السَّائِلِينَ وَنُتِمَتِي رَغْبَةً الرَّاغِبِينَ أَسْئَلُكَ
بِأَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كَلِمَاتًا وَقَضِيهَا وَأَنْجِيهَا الْبَقِي

سوال از تو و خواست من از تو مانند تو تو را از کارگاه سوال

بِأَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كَلِمَاتًا وَقَضِيهَا وَأَنْجِيهَا الْبَقِي
يَنْبِغِي لِلْعِبَادِ أَنْ يَسْأَلُوكَ بِهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

سوال از تو بزرگواران که در نهایت خواست خود از تو میترسند ان سوال است که

وَبِأَسْمَائِكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَبْنِيهَا
الْحُسْنَى فِي أَمْثَالِكَ الْعُلْبَاءِ وَيُنِجِمُكَ الْبَقِي لَا

سوال از تو بزرگواران که از تو سوال کنند از آنها آنچه که از تو میترسند

الْحُسْنَى فِي أَمْثَالِكَ الْعُلْبَاءِ وَيُنِجِمُكَ الْبَقِي لَا
تُحْصِي بِكَرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَأَجْمَلُهَا الْبَقِي

و با اسمهای تو آنچه دانستم از آنها و آنچه ندانم و آنچه از تو میترسد

تُحْصِي بِكَرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَأَجْمَلُهَا الْبَقِي
وَأَشْرَفُهَا عِنْدَكَ مَنزِلَةٌ وَأَقْرَبُهَا مِنْكَ وَسَيْلَةٌ

که بگویند در اسمهای من

وَأَشْرَفُهَا عِنْدَكَ مَنزِلَةٌ وَأَقْرَبُهَا مِنْكَ وَسَيْلَةٌ
وَأَجْرُهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعُهَا لَدَيْكَ اجَابَةٌ

سند من از تو از روی برتره درود من از آنها بزرگواری است

وَأَجْرُهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعُهَا لَدَيْكَ اجَابَةٌ
وَبِأَسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْخَيْرِ وَالْحَيِّ الْقِيَوْمِ الْإِكْبَرِ

در از تو ان از تو از روی بخشش و شکر من از تو از روی بخشش

وَبِأَسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْخَيْرِ وَالْحَيِّ الْقِيَوْمِ الْإِكْبَرِ
الْأَجَلِ الَّذِي يُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَا

و با نام تو که پنهان است زنده با من در روز قیامت

الْأَجَلِ الَّذِي يُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَا
بزرگواری که دوست داری آنرا و آنچه میترسد از تو از روی بخشش از تو از روی بخشش

بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاةَهُ وَحَقَّ عَلَيْكَ الِاتِّخِيَابُ

این دعا حاجت مانی برای ادعای دورا و تاسیب و بلا زهرت بر تو میکند امید کردی

سَأْتِلُكَ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْحِيدِ

سائل خود را سوال کنم ترا بهر نامی که آن بر تو در توحید

وَالْإِسْمِئِيلَ وَالزُّبَيْرَ وَالْفِرْقَانَ وَبِكُلِّ اسْمٍ دُعَاةٌ

در اسمی از زبور و زفان و هر نامی که خواند ترا

بِهِ حَمَلَةٌ عَرَشِيَّةٌ وَمَلَائِكَةٌ سَمَوَاتِكَ وَجَمِيعِ

این حاملان عرش تو و فرشتگان آسمانی تو و هر

الْأَصْنَافِ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيِّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ

بندم از خلق خود از نبی یا صدیقی یا

شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّغِيبِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْفَرَقِيِّ مِنْكَ

شهادی و بحق پسران ابوی تو از سادات کان از تو

السُّعُودِيِّ بْنِ بَكٍّ وَبِحَقِّ حُجْرِ بْنِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

بنام کنز کان بنو بحق اب بکان خانه محرم تو

حُجْرًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْجَاهِدِينَ

حال آمدن شده حج گران و عمره گران زهر گران و جهاد گران

فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ

در راه تو و بحق هر بنده پرستنده من را در میان

أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ حَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ

یا دریا یا بحور یا هر کس که بخواند ترا دعا کند بخیر

اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ

سخت شده حاجت او بزرگ شده گناه او و بزرگ شده گناه او

وَصَعَفَتْ كَفِّهُ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادًا

دست شده کفش او از آن که که نیابد برای نفس خود پادشاه

وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّبًا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ

دو کلمه نوای خود نوشت دهنده در از برای که خود را زنده عزیز تو

هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ

کرمه بوی تو ازنا تو

مُسْتَكْبِرًا وَلَا مُسْتَكْبِفًا خَائِفًا بِأَسَاقِفِهِ بِسَجْمِهِ

تو کرامت در عار دهنده کرامت تو امید می رخ عار چونده

بِكَ اسْتَلْكُ بِعِزَّتِكَ وَجِبرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ

تو کرامت کبریا عزت تو در زود می تو و سلطه تو

وَمُلْكِكَ وَبِهَائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِالْأَمَانَةِ

و بادت می تو در شکایت تو در کشت تو در زود می تو و سستی تو

وَحُسْنِكَ وَجَمَالِكَ وَيَقْوَتِكَ عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ

و حسن تو و جملو تو و جود تو

مِنْ خَلْقِكَ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ خَوْفًا وَطَعْمًا وَرَبِيَّةً

از حق خود و کرامت تو ای زود کار من از برای تو دهنده

وَرَغْبَةً وَرَحْمَةً وَخَشَعًا وَتَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا وَتَضَلُّعًا

و سستی و رغبتی و دوستی و زاری نمودن

إِلْحَاقًا وَإِلْحَاقًا خَاضِعًا لِلْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

ای ح بودن حال نه دینی است به امت خدا که تو بگانه تو

لَا شَرِيكَ لَكَ يَا قَدُّوسُ يَا قَدُّوسُ يَا قَدُّوسُ

بنت شری تو ای ستره ای ستره ای ستره

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده

يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

ای رحمان ای رحمان ای رحمان ای زود کار من ای زود کار من ای زود کار من

بِكَ يَا اللَّهُ الْوَاحِدَ الْوَاحِدَ الصَّمَدَ الْوَتَرُ الْمُنْتَكِبَ

تو ایگانه ای یگانه یکتا یگانه است ان یکتا بزرگوار و خدای

الْمُتَعَالِ وَأَسْأَلُكَ جَمِيعَ مَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَبِاسْمِ

مقدس تو دروالم سبک ترا بگویم آنچه خودم ترا دعا نمودم و با اسمی

الَّتِي تَمَلَّأَ أَرْكَانَكَ كُلِّهَا أَنْ تَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ

که پر کرده ارکان ترا هر آن است که می رسد بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي فِي نَبِيِّ أَرْحَمَنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ

محمد و ما را از ایمن کن که مرا از گن مرا در دست ده بر کن

مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ

از بخشش خود که بزرگ است و بپذیر از من ماه رمضان

وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَقَرْضَهُ وَتَوَافُلَهُ وَاعْفِرْ لِي

در روز روزه استن ان در استن ان در جهات ان بهجت ان و ما را زود

وَأَرْحَمَنِي وَاعْفِرْ عَنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرٍ رَمَضَانَ

در حق مرا در روز روزه در ان آنرا از ماه رمضان

صَمْتَهُ لَكَ وَعَبْدُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ وَدَا

که روز هفتاد شتم از ای تو در ستم ترا در ان و گردان دروغ مرا

لِإِنِّي أَسْأَلُكَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِي

ماه رمضان را در دوای بران شدن من از دنیا صدقه او در گردان ای

مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَحَسْبَتِكَ

از رحمت خود و ما را بخشش خود و دستوری خود در سندان از تو

أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِمَّنْ عَبَدَكَ فِيهِ اللَّهُمَّ

بهر آنچه عطا کردی احدی از آنکه بر بندگی ترا در ان صدقه او را

لَا تَجْعَلْنِي حَسْرَةً مِنْ سَأَلِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي

گردان مرا زنده نگذار که حسرتی مال کرد ترا در ان و گردان مرا

مِنْ أَعْتَقْتَهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ

از آنکه آزاد کرده او را در این ماه از آتش و عمر زنی او را

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَوْحَيْتَ لَهُ الْفَضْلَ

آنکه پیش رفت از آن که او را آنچه باز پس مانده و در حق کسی از آن که او بهتر

مَا رَزَقَكَ وَأَمَلْ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

آنکه میداد داشته ترا داد از آنکه در روز تو ای محبت من از آنکه من گناهان خدا را

ارْزُقْنِي الْعُودَ فِي صِيَامِكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي

روز می کن مرا از آنکه در روز تو از آنکه من از آنکه او را در حق تو در آن و

اجْعَلْنِي مِنْ كَتَبْتَهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنْ حَاجِجِ

برو آن مرا از آنکه نوشته او را در این ماه از حج است آن

بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبَرَّورِ حَجَّهِمُ الْمُغْفُورِ لَهُمْ ذُنُوبُهُمْ

خانه محترم حوز میفرستد شده حج ایشان از آنکه بر آنکه این است

الْمُقْتَبِلِ عِلْمُهُمُ امِينُ امِينِ امِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

میفرستد که در آنکه این است بر سینه بر سینه ای بر روزگار عالمیان

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِيهِ ذَنْبًا إِلَّا اغْفِرْهُ وَلَا

خداوند آنکه هر روز از آنکه در آن که ای دیگر ما زنی آنرا و نه

حَظِيئَةً إِلَّا اخْوَتْهَا وَلَا عَثْرَةً إِلَّا اقْلَنْتَهَا وَلَا

حظ منم آنکه خود را ای آنرا و نه گزینی که در روزی آنرا و نه

ذَنْبًا إِلَّا اقْضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً إِلَّا اغْنَيْتَهَا وَلَا

زنی که او را ای آنرا و نه در دینی که او را ای آنرا و نه

هَمًّا إِلَّا افْرَجْتَهُ وَلَا نَاقَةً إِلَّا اسَدَدْتُهَا وَلَا

اندوهی که در آنکه روزی آنرا و نه غم که بر سینه ای آنرا و نه

عُرْبًا إِلَّا اكْسَوْتُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا اشْفَيْتَهُ وَلَا ذَا

بر آنکه که بر سینه ای آنرا و نه بیماری که بر سینه ای او را و نه زوری

عُرْبًا إِلَّا اكْسَوْتُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا اشْفَيْتَهُ وَلَا ذَا

بر آنکه که بر سینه ای آنرا و نه بیماری که بر سینه ای او را و نه زوری

عُرْبًا إِلَّا اكْسَوْتُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا اشْفَيْتَهُ وَلَا ذَا

بر آنکه که بر سینه ای آنرا و نه بیماری که بر سینه ای او را و نه زوری

عُرْبًا إِلَّا اكْسَوْتُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا اشْفَيْتَهُ وَلَا ذَا

بر آنکه که بر سینه ای آنرا و نه بیماری که بر سینه ای او را و نه زوری

عُرْبًا إِلَّا اكْسَوْتُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا اشْفَيْتَهُ وَلَا ذَا

بر آنکه که بر سینه ای آنرا و نه بیماری که بر سینه ای او را و نه زوری

عُرْبًا إِلَّا اكْسَوْتُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا اشْفَيْتَهُ وَلَا ذَا

بر آنکه که بر سینه ای آنرا و نه بیماری که بر سینه ای او را و نه زوری

إِلَّا أَذْهَبَتْهُ وَلَا حَاجَةَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ

مگر برای آنرا و نه حاجتی از حاجات دنیا و

الْآخِرَةِ إِلَّا لِأَقْصَىٰهَا عَلَىٰ أَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي

آخرت مگر برای آنرا بر بهترین امید من و رجای من

بِنِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا

در راه تو ای محبت کننده من ای بخوان صدقانه ایمان الهی ما را

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تَذَلِّ لَنَا بَعْدَ إِذْ غَرَّبْتَنَا

بعد از آنکه هدایت ما را و حوض گردان ما را بعد از آنکه غروب کردی

وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ إِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تَهْتِكْ بَعْدَ إِذْ

دست من ما را بعد از آنکه بلند کردی ما را و حوض گردان ما را بعد از آنکه

كَرَّمْتَنَا وَلَا تَقْرُبْنَا بَعْدَ إِذْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَلَا تَمْنَحْنَا

کرامی کنی ما را و محبت گردان ما را بعد از آنکه انعام بدینا کردی پسندیدنی ما را و مصلحت ما را

بَعْدَ إِذْ أَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا

بعد از آنکه بخشیدنی ما را و محروم من ما را بعد از آنکه روزی ما را

وَلَا تَغْيِرْ سُبْحَانَكَ مِنْ نِعْمِكَ عَلَيْنَا وَإِحْسَانِكَ

و نه تغییر ده چیزی از لعنت خود بر ما و احسان خود

إِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَانِ

تو ای برای چیزی که باعث شده از آن ما و نه آنچه آنچه باشد

مِثْلًا فَإِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً

از ما ای در بخشندگی در بزرگواری تو در گذشتن تو در بخشش تو در گذشتن

لِغَفِيرَةٍ مِنْ ذُنُوبِنَا فَاعْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا

برای در گذشتن کن از ما ای بی با مرز ما را و در گذر روز ما

تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اكْرُمْنِي

عزیزت کن ما را بر آن ای بخشنده من بخشندگان صدقانه الاهی در راه ما

فِي جَلْبِي هَذَا كَرَامَةً لَا لَهَيْتِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَأَعَزَّنِي

در کسب کن این مجلس از دست کوه خوار گردانی و الهوز آن هرگز و عجز را می آرد

عَزًّا لَا تَذَلَّنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَغَافِنِي غَافِيَةً لَا

عززا کوه خوار گردانی و الهوز آن هرگز و غافن غافل منی که

تَبْتَلِينِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعْنِي

تبتل منی از الهوز آن هرگز و بلند گردان مرا بمندی از دست منی

بَعْدَهَا أَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ

لهوز آن هرگز و دور گردان از من شر همه شیطان

مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ

را اندر شود شر همه استوار و شر همه نزدیک با

بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ ذَمِيمٍ أَنْتَ

دوری و شر همه جزوی با هر نزد و شر همه خنده که تو

أَخَذَ بِنِاصِيئَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

فرانده سوی پیش من ادر ادر پیش من ادر ادر کن بر راه راست

اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَيْءٍ أَوْ رِبِيَةٍ أَوْ

هزاران آنچه در من است از کفر یا کمانه یا

جُودٍ أَوْ قَنُوطٍ أَوْ فَرَجٍ أَوْ مَرَجٍ أَوْ بَطْرٍ أَوْ بَدْحٍ

انصاری یا برستی یا ساری یا زادگاه یا خرمی یا چرند

أَوْ خِيَلَاءٍ أَوْ رُفَاءٍ أَوْ سَمْعَةٍ أَوْ شِفَاقٍ أَوْ فِاقٍ

یا کفر یا ربا یا سمع یا شکوه یا دوری

أَوْ كَفْرٍ أَوْ فَسُوقٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا يَحِبُّ

یا کفر یا فزانی یا عصیان یا سبب چیز که دوست ندارد

عَلَيْهِ وَلِيَّا لَكَ فَاسْئَلْكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بر آن درستی از ترا ای کربلایم ترا از همه رحمت منی بر محمد

وَالْحَمْدُ وَأَنْ تَحْوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتَبَدَّلْنِي مَكَانَهُ

دال بر محمد و است محمد درانی از انزل کن و بدل دوری از کالی کن
إِنَّمَا نَأْبُو عِدَّكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ

ایمان آوردن تو بکده بود و دوستی لغضای تو و وفا کردن برمان تو
وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً

در شدن از تو و با عفتی از دنیا و خواهشندی
فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطَمَئِينَةً لِابْنِكَ

در آنچه تو دوست و عهد نمودن من و اطمینان بوی تو
تَوْتَهُ تَضَوْحًا لِابْنِكَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَا

بازگشت خالص بوی تو خداوند اگر بخواهی اگر بخواهی
وَالْأَلَا فَأَغْرِبْنَا أَجَالَنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تَبْلُغَنَا

دگر بوی من تا بر زمین از ما اهل بدی ما را ارسال بکنده تا برس ما و در آن
فِي سِرِّ مَنَّا وَعَافِيَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى

درست ما از خود دعا است ای خداوند بکنندگان در هر روز
اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ كَثِيرًا وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبِرَّكَانَهُ

خدا بر محمد دال او رحمت بسیار در رحمت خدا در کلمات او
عَلَيْهِمْ وَدَرَجَةً آخِرِينَ وَدَاعٍ جَمْعَهُمَا بَدَيْتُ وَ

برین از جابر بن عبد الله انصاری منقولست که
كُنْتُ رَفِيقَ مُحَمَّدٍ حَضَرَتْ رَسُولَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر انحضرت بر من افتاد
فَرِحْتُ بِكَ أَيُّ جَابِرِ بْنِ جَمْعَةَ آخِرِ مَنَّا مَبَارِكِ اللَّهُمَّ لَا

در مصائبت پس ترا و داع کن و بگوی خداوند
تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِبْيَانِنَا لِأَنَّهُ قَدْ جَعَلْتَهُ

مردمان آخر العهد می از روزگار استن ما آخر ای اگر بخواهی از ما

فَاَجْعَلْنِي مَرْجُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا مَا زَبَرَكَ مَرَّةً

این کردار از خشیه هشتاد و دو کردار از امام است این دعا را در

این روز بخواند بیکی از دو خصلت نکو و ظفر می یابد یا

برسیدن ماه رمضان اینده یا با مرزش خدا و رحمت

بی شتها و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که هر که در شب آخر اللهم لا تجعله اخر

ماه مبارك رمضان این دعا بخواند *مد روزها مردان از اول*

العقدین صیاحی شهر رمضان آعوذ بیکان

در وقت از روزه در پیش آن کراه رمضان سه موم بود

يَطْلُعُ الْقَمَرُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتُ لِي

طریق است این است هر دو موم که از روزه

حَقًّا بِشَرِّ صَبْحٍ أَوْ رَأْيًا مَزِيدٍ وَأَوْ رَأْيًا قَلِيلٍ وَأَنَا

رَبُّوهُ كُنْتُ وَأَيْضًا سَمِعْتُ أَنَّ كَلِمَةَ عَزَّ وَجَلَّ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَجْبَ مَا دُعَيْتَ بِهِ وَ

مذکور است در سنن ابوالسنین در وقت تنگ که خوانند آن و

أَرْضَى مَا رَضَيْتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِ

سنن در آن کلمه سندی آنرا از محمد و اهل بیت

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ

محمد برود در این دعا در وقت این است که در وقت نماز برود

وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هَذَا وَدَاعَ

در وقت آن دو کردار در دعا ماه مرا این ماه در دعا

خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ الْآخِرِ عِبَادَتِكَ

برون شدن از دنیا در دعا آخر عبادت خود

وَوَقَفْنِي فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا

در وقت ده مرد در آن راهی برانستند نیز در آن ایام از راهی کن بهر

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْأَجْرِ وَالْإِجَابَةِ وَ

از هزار ماه تا صد ضعف شدن مرد و ایام است کردن و

الْحَقِيقَةِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ وَأَنْ جَعَلَهُ خَيْرًا

در راستی از گناه بخوشنوی پروردگار که سستست در

شَبَّخَ إِزَادَةً بِنَدَاهَا سَبَّخَ زَبْرًا كَيْ سَبَّخَتْ كَيْ تَحَى

بِنَدَاهَا بِسَبَّخَ إِزَادَةً جَهَنَّمَ إِزَادَةً مَكْرَمًا نَدَاهَا بِنَدَاهَا بِضَعِيفٍ

فَرَوَاهُ بِبِنَدَاهَا كَانُ خَوْذًا مِنْ قَدْرِ رَقَبَتِ إِزَادَةً نَدَاهَا

مِنْ دَهَسَتْ كَيْ قَادِرِي زَوَالِ بَانَ وَسُعَتْ وَكَالِ أَوْ

زَا إِزَادَةً جَهَنَّمَ إِزَادَةً نَدَاهَا وَأَمَّ أَوْ إِزَادَةً عَابِلٍ

تَحَى نَدَاهَا بِجَنَابَةِ مَقُولِ كَيْ حَضَرَتْ مَامَ زَبْرًا عَابِلٍ

بِنَدَاهَا كَيْ دَرَعِضِ سَالِ حَصِيلِ مَبْنُودَةٍ نَدَاهَا بِسَبَّخَتْ

نَقَرِ وَزَادَهُ وَكَمْ دَرَسِبَ إِزَادَةً رَمَضَانَ إِزَادَةً مَبْنُودَةٍ

وَمَبْنُودَةٍ كَيْ شَاهَا إِزَادَةً مَبْنُودَةٍ نَدَاهَا بِسَبَّخَتْ

رَحِيمِ إِزَادَةً مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ

إِزَادَةً مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ

بِأَيْشَانِ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ

كَيْ دَرَسِبَ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ

دَرَسِبَ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ مَبْنُودَةٍ

وهذه آيات شهر رمضان قد انقضت ولياليه

درست روزهای ماه رمضان *تفصیح که بیان رسید و بیشتر است*

قد نصرتنا وقد صرنا يا انا لله منه الى ما

تفصیح *و محقق که مردم* *تفصیح که از آن گوید*

انت اعلم به مني واحصني لعددي من الخلق

تو دانایتری از من *و لحاظ آنست که فرما سازد از آن خلق*

اجمعين فاستأجبتك بما سألك به ملكتك

بگو *پس ای الهی* *تو که کمال کردی از آن فرستادگان*

المقربون وأنبأوك المرسلون وعيادك

مقربان تو *و پیغمبران تو* *فرستاده شده بندگان*

الصالحون أن نصلي على محمد وآل محمد

ما گفته تو *ایستادیم بر محمد* *و آل محمد*

وإن تغف ربقتي من النار وتدخلني الجنة

ایستاد از او گویی *کردن مرا از آتش* *در راهی که از او است*

برحمتك وأن تفضل علي بالأمن يوم النوف

بر رحمت خود *ایستاد* *بخش ناما بر من* *ایمنی در روز قیامت*

من كل هول أعدتته ليوم القيمة الهي وأعوذ

از هر چه *شده که آماده کردی* *از برای روز قیامت* *ایمنی که از او است*

بوجهيك الكريم وبجلا لك العظيم أن تقصني

بجای تو *ایستاد* *و بجزای تو* *ایستاد* *بزرگوار* *ایستاد* *تو که بزرگوار است* *بزرگوار*

أيام شهر رمضان ولياليه ولك قبلته

روزهای ماه رمضان *و شبهای آن* *و جهت تو* *بزرگوار*

أودنبت توأخذني به أو خطيبته تريد أن تقصني

بگفته ای *که مرا افروزد* *بگویی* *بزرگوار* *بخطیب تو* *ایستاد* *تو که بزرگوار است*

دَهْرًا خَرَيْنِ اعْوَدْ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ

دعا را بخوانند ماه سیم ماهات برزگوار نو

يَنْقُضِي عَمِّي شَهْرَ مِصْرَانَ اَوْ تَطْلُعَ الْقَمَرُ مِنْ

سه آید ازین ماه رمضان با طهارت و صیوم

لَيْلَتِي هَذَا وَيَبْقَى لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ

بسیار است و باقی باقی ماندن از تو نزد من عطا و پاک می

تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَسْمَةَ هَيْ مَعْتَبِر

که عذاب است که در آن روز که ملاقات کنم ترا در هر شب از ده

اِخْرَدُ عَايَ مَخْصُوصِي اِنْ حَضَرْتَ صَادِقٌ وَاِذَا رُدِّدَتْ

است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است

شَبِّ بِلَيْسَتٍ يَا مَوْجِجَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَيَا مَوْجِجَ

ای دراز آرزوست در روز بزرگوار آرزوست

النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمَخْرِجَ الْحَيِّ مِنْ أَلْمِيَّتِ وَمَخْرِجَ

روز ازین درون آرزوست زنده آرزوست درون آرزوست

أَلْمِيَّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ لَيْسَ بِأَبْعِيْرٍ حِسَابِ

مرده آرزوست ای روزی است که هر که خواهد صاحب

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا رَجِيْمُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ

اگر ای محبت بنده اگر ای عزیز اگر ای عزیز اگر ای عزیز

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ

اگر ای عزیز اگر ای عزیز اگر ای عزیز اگر ای عزیز اگر ای عزیز

وَالْاَمْثَالَ الْعُلْبَاءِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْاِلاٰءِ

درست بنا کا مینند در روزگاری دلخواه

اَسْتَلِكُ اَنْ تَصِلَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَاَنْ تَجْعَلَ

در آن سبزه از جمله رحمت و سخاوت بر من دال هم در سبزه از آن

اسمی

وَمَنْتَهَى كُلَّ رَغْبَةٍ وَقَالَ كُلِّ تَعْمَةٍ يَا اللَّهُ يَا

و منهای هر خواهش و موجب هر لذت ای کنایه ای

رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قَدُوسُ يَا أَحَدٌ يَا وَاحِدٌ يَا قَرِيبٌ

مختص برنده کنایه ای منزله ای که بخواهد ای کنایه ای یکتا ای یگانه

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ

ای کنایه ای کنایه کنایه مرتبت نهایی منکر

الْأَمْثَالُ الْعُلَمَاءُ يَخْوَانُونَكَ يَا نَجْمُ دُرِّ شَيْبِ بَيْتِ وَبِكَ

در پناه نهایی بیت مذکور شد یعقوب تا علیه و علیه السلام

مَثَبِ بَيْتِ يَا رَبِّ لَيْلَةَ الْقَدَرِ وَجَاعِلَهَا

و سیمتی ای از روزگار شب قدر و گرد آورنده آن

خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ قَدَرِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْحَيَاةِ

بسیار از هزار ماه از روزگار شب قدر و روز و شبها

وَالْبَحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

در دریاها و تاریکیها و روشناییها و زمین و آسمان

يَا بَارِيُّ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا

ای پروردگاره ای مبرخوشش ای مختص برنده ای جبرئیل کنایه ای

رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا

مختص برنده کنایه ای پادار برنده کنایه ای پروردگاره ای کنایه ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى تَا لَفْظِ عَلَيْهِ

حدا کنایه مرتبت نهایی منکر و علیه السلام

مَثَبِ بَيْتِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ

و چهارم ای مختص برنده بیت و ای گرد آورنده آن

سَكَاةً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حَسْبَانَا يَا غَنِيًّا يَا عَلِيمًا

موجب آرامش در شب و ماه و دستیار ای غلب ای دانای

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَ

ای خداوند ایام و جان و توانا و منزلت و بخشش

الْإِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

رحمت درون ایگذا و بزرگواری ایگذا

يَا اللَّهُ يَا فَتْرُ يَا وَتْرُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ

ایگذا ای بین ای گمان ای گمان ای ظاهر ای باطن ای زنده

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى تَالْفَرْقِ عَلَيْهِ

بنت خدا و جبرئیل رحمت رحمت رحمت و علم الهی

مَثَبُ بِلَيْتٍ يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِيَأْسَاءَ وَالنَّهَارِ لِيَسْأَاءَ

و بخت ای گردیده است برشت روز و دین رحمت

وَالْأَرْضِ سِهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا يَا اللَّهُ يَا فَاهِرُ

در زمین را سر می نزنده و تو بهارا بخت ای عیب

يَا اللَّهُ يَا جِبَارُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ

ایگذا ای جبار ایگذا ای شنوا ای نزدیک

يَا اللَّهُ يَا حَبِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ

ایگذا ای ایستاده ایگذا ایگذا ایگذا ایگذا ای حبی

الْحُسْنَى تَا بِنْتِ دَرْ شَبِّ بِلَيْتٍ وَيَكْمُ لَكَ الْوَرْدُ شَبِّ بِلَيْتٍ

سک شد یعنی تالفت تخدا و ال محمد علیه و آله و سلم

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتِينَ يَا مَنْ حَيُّ آيَةُ

ای گردیده است روز و دین ز ای ایگذا روزت

اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا أَفْضَلَ

بنت روز و گردیده است ز روز زار و شننا بخت روزت

مِنْهُ وَرِضْوَانًا يَا مُفَضَّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَقْصِيلًا يَا

ز زار و خوشتردی ای افزون بر همه هر چیزی افزون دادی ای

الْاِيَاذِيهِ وَحَايَسِهَمَا اَنْ تَزُولَا يَا عَلِيْمُ يَا عَظِيْمُ

کره خوان اود از زلزله ان است که نازل شود ای درگاه ای بزرگ

يَا غَفُوْرُ يَا ذَا اِيْمٍ يَا اِلَهَ يَا اَوْثَرَ يَا نَاعِثَ مَنْ فِي

ای ای بزرگ ای دایم ای بزرگ ای بزرگتر ای بزرگتر ای بزرگتر ای بزرگتر

الْقُبُوْرُ يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ لَكَ اَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

يُجَاوِدُ تَالْفِظِ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدَ ثَبِيْلِيَّتٍ يَا مُلُوْكَ وَاللَّيْلِ

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَطَهْرِهِمُ اِي دوردورد

عَلَى النَّهَارِ وَمُلُوْكَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا حَكِيْمُ يَا عَلِيْمُ

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

يَا رَبَّ اَلْاَرْبَابِ وَسَيِّدَ السَّادَاتِ لَا اِلَهَ اِلَّا

ای ای دوردورد دوردورد دوردورد دوردورد دوردورد دوردورد دوردورد دوردورد

اَنْتَ يَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ يَا اِلَهَ

تو ای ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

يَا اِلَهَ يَا اِلَهَ لَكَ اَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُجَاوِدُ تَالْفِظِ

ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

شَيْبِ سَمِيْعِ اَلْمُحَمَّدِ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيْكَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

اَنَا اعطيتُكَ الكوثر **دوازدهم** هشت رکعت در هر رکعت
 حمد و سی مرتبه انا انزلناه **نیم** چهار رکعت در
 هر رکعت حمد و بیست پنج مرتبه توحید **چهاردهم** شش
 رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه **دوازدهم**
 چهار رکعت در هر رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و
 دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید **شانزدهم** دوازده رکعت
 در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه اللهم انزلنا
هفتم دو رکعت در هر رکعت اول حمد و هر سو که
 خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و
 بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله **هجدهم** چهار
 رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطيتُكَ
 الكوثر **نوزدهم** پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه انا انزلناه
 و گویا مراد این باشد که هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که
 مشکل است در یک شب دو هزار یا صد مرتبه انا انزلناه
 خواندن **بیستم** **دویم** **یک** **بلیت** **دویم** **بلیت** **دویم** **بلیت** **دویم**
 رکعت هر سو که میسر شود **بیت** **هشت** رکعت در
 هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید **بیت** **هشت** رکعت
 در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید **بیت** **هفتم** چهار
 رکعت در هر رکعت حمد و تبارک و اگر نتواند **بیت**

فِيهِ إِلَىٰ مَرْضَاتِكَ وَجِئْتَنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ

از درگاه ارادان مراد از آنجا که می خواستند نزدی خود در گردان مراد از آنجا که در سخط

وَقَمَاتِكَ وَوَقَفْتَنِي فِيهِ لِقِرَائَةِ مَا تَأْتِكَ بِرَحْمَتِكَ

وعدای خود که تو حق به مراد از آنجا که برای وادار است خود که خود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **رُؤْسِ** اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ

ای که نیکو تر از آن است که نیکو است خداوند از روی آن مراد از آنجا که در

وَالتَّبِيهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَ

درگاه از آنجا که در گردان مراد از آنجا که از آنجا که در

التَّبْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَنْزِلُ فِيهِ

خوبتر از آنجا که در گردان از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

بِحُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ **رُؤْسِ** اللَّهُمَّ قَوِّنِي

محکمتر از آنجا که در گردان از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

فِيهِ عَلَىٰ لِقَاءَةِ أَمْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ

در آنجا که در هر باره که در هر چیزی که از آنجا که در

وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي

در هر چیزی که در هر باره که برای که در آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسَيِّرْكَ يَا أَبْصَرَ النَّاسِ طَيْرِينَ

در هر باره که در هر چیزی که از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

رُؤْسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَخْفِرِينَ

بهر آنجا که در هر باره که از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

وَاجْعَلْنِي فِيهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ

در گردان مراد از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

أَوْلِيَايَاكَ الْمَقْرَبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در هر باره که در هر چیزی که از آنجا که در هر چیزی که از آنجا که در

رُفِئَ اللَّهُمَّ لِاتِّخَاذِنِي فِيهِ لِتَعْرِضَ مَعْصِيَتِكَ

هشتمی خداوند خود را در روز مردار ماه از برای برایش آردن از برای

وَلَا تَصْرِفْ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِغَمَّتِكَ وَزَخْرَجْنِي فِيهِ مِنْ

دوران مرا تا زمان بنای عذاب خود و دور کردن مرا از راه کار

مَوْجِبَاتِ تَخْطِئِكَ بَيْنِكَ وَأَيَادِيكَ يَا مُشْتَمِي

جزا بیدوستی سخط خود بگوش خود و چشم خود ای مشتای

رَغْبَةِ الرَّاعِيْنَ **رُفِئَ اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ صِيَامِي**

چو پیشان هفتی خداوند مرا در صیام مرا

وَقِيَامِي وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ هَفْوَاتِهِ وَأَثَامِهِ وَأَزْفِقِي

دوران آن دور کردن مرا از لغزشهای آن و ثواب آن دور کردن

ذِكْرَكَ بَدْوَايِمَ بَتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمَضِلِّينَ

در خود بجزای خود ای راههای گمرازان

رُفِئَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْإِيْتَامِ وَ

هشتمی خداوند مرا روزی که از راه گناه همه بانی بماند

لَطْعَامَ الطَّعَامِ وَأَنْشَاءَ السَّلَامِ وَضَحَّةَ الْكَلَامِ

چو بندگان طعام و طایر سخن سلام و صحت سخن کلام

بِطَوْلِكَ يَا مُلِمَّ الْإِمْلِينَ **رُفِئَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ**

بچرا خود ای که همه دوران طعمها خداوند مرا در آن

لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ لَوْ أَسِعَتْ وَأَهْدِنِي

برای آن دوران بره روزگارت خود که از گناه است دور کن مرا

فِيهِ لِي بِرَأْسِيكَ السَّاطِعَةِ وَخَذِّبْنَا صَيْتِي لِي

در ایامه ببلال منند خود *دگر بر سر من سر از برای*

مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةَ بِحَبْرَتِكَ يَا أَمَلَ الشَّافِقِينَ

و گشته در پهای آرام از زنده خود بدو گشته خود ای بر سر کاره از زنده در آن

بُرْمَنِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ

دهم در آن برادران برادران از راه از توکل مکان بر تو

وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي

دگر در آن برادران از راه از سرکار آن بر تو دگر در آن مرا

فِيهِ مِنَ الْمُقْرَبِينَ إِلَيْكَ يَا حَسْبُكَ يَا غَايَةَ

در آن از مغربان بر تو خود از آن خود ای نهایت

الطَّالِبِينَ **بُرْمَنِ** اللَّهُمَّ حَبِّبْ لِي قَبِيلَةَ الْأَحْسَنِ

عبد شمس یا زدهم صد از اوست در آن کوئی از راه

وَكَرَّةً لِي فِيهِ الْفُسُوقُ وَالْعِصْيَانُ وَحَرَمٌ

در سن کردن بر تو از راه بکار می و با فرقی زده حرم کردن

عَلَيْهِ السَّخَطُ وَالنَّبْرَانُ يَعْوَنُكَ يَا غِيَاثَ

بر آن در راه عفت در شمارا بیاری خود ای زاری

الْمُسْتَعِينِينَ **بُرْمَنِ** وَذَا اللَّهُمَّ رَبِّي فِيهِ بِالْإِسْتِ

زاد خوان *دهم* عذر از اوست در آن بر تو است

رَاعِ وَالْعَفَافِ وَأَسْتَرْبِي فِيهِ بِلْيَاسِ الْقَنُوعِ وَ

در بر نه کاری *دهم* در آن بر تو از راه بیاس قنوع و

الْكَفَافِ وَاجْعَلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ

کفایت *دهم* در آن بر تو از راه بر عدالت و انصاف

وَأَتَقِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بَعْضُكُمْ يَا عِصْمَةَ

در آن بر تو از راه از هر آنچه ترسم عفت خود از آن گناه در آن

الْخَائِفِينَ **بُرْمَنِ** اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ اللَّذَنِ

بزن مکان *دهم* عذر از اوست در آن بر تو از راه از لذت

وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَثَائِبِ الْأَقْدَارِ

در آن زودیت *دهم* در آن بر تو از راه بر تقدیرات کثرت است

فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ **رُفِعَ** اللَّهُمَّ بَنِي فِيهِ

در سینه های عالمیان بجهت همه عبادت خداوند این آیه را در

لَبْرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَتَوَرِّفِهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِ وَ

برای و بهای اسحار از دور شدن از دنیا و اول بر او دست می در سینه های آن در

خَذِيكُلِ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ نُبُورِكَ يَا

کبر در اعضای مرا بویا روی کردن لب سینه های آن در سینه های

مَتَوَرِّ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ **رُفِعَ** اللَّهُمَّ وَقَرِّفِهِ

در سینه های متواریان تا نزد او هم صد از او در سینه های

خَطِيءٍ مِنْ بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا

بهر در از بر تبه های آن در سینه های آن در در او بوی سینه های خود

تَحْرِمْ نِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ إِهَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

محرمانی را قبول از حسنات آن ای در او بویا می در سینه های

رُفِعَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ

بلستهم صد از این آیه ای که در آن در ای است

وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ وَوَقِّفْ فِيهِ

در سینه های من در ای است در ای است در ای است در ای است

لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ

برای تلاوت قرآن ای در سینه های در ای است در ای است

الْمُؤْمِنِينَ **رُفِعَ** اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى

قرآن بلستهم بکسر صد از این آیه ای که در ای است در ای است

تَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ

خوشتر و خوشتره ای در در این آیه ای که در ای است در ای است

عَلَى سَبِيلِي وَاجْعَلْ لِي مَنزِلًا وَمَعْتَدًا

این در ای است در ای است در ای است در ای است در ای است

قُلُوبِ الْبَشَرِ بِسْمِ اللّٰهِ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ

دعا ای عزیز این ششمی صد مرتبه از آن گوشت برادران

مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا

صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار و در روز دوشنبه

وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا يَا سَمِيعَ السَّامِعِينَ بِسْمِ

دعا ای عزیز این هفتمی ای سوادگان سوادگان هفتمی

اللّٰهِ اَرْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَبَنَةِ الْقَدْرِ وَصَيْرًا

صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار و در روز دوشنبه

اَمْوَرِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْبُسْرِ وَاَقْبَلَ

کارهای برادران این ماه از روزهای ماهی در روز

مَعَاذِ بَرِيٍّ وَحَطَّ عَنِّي الْوِزْرَ يَا رُفَّاعَ عِبَادِهِ

دعا ای عزیز این هجدهم ای رفیعان رفیعان

الصَّالِحِينَ بِسْمِ اللّٰهِ وَفَرَّحْنِي فِيهِ مِنَ التَّوَلُّبِ

ششمین صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار

وَاصْرِفْنِي فِيهِ بِاحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ

دعا ای دارم از آن گوشت برادران هر روز سه بار

فِيهِ وَسَبِّحْنِي بِكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا

در آن ماه و صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار

يَسْغَلُهُ الْخَاحُ الْمَلْحَمِ بِسْمِ اللّٰهِ غَشِيَتِي

صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار

فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ

در آن ماه و صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار

وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ لَهْمَتِهِ يَا رَجْمًا عِبَادِهِ

صد مرتبه از آن گوشت برادران هر روز سه بار

المؤمنين

المؤمنين روزهی الله اجعل صیامی فیہ

که سومان آنرا خداوند اگر دوران روزه در سن کن در ماه

بالشکر والقبول علی ما ترضاه وبرضاه الرسول

بسیار کردی و قبول را که سینه یا از او سینه از رسول

مخکه فروعہ بالاصول بحق سیدنا محمد وآلہ

محمد است فروعی آن با صلبا کن سید و آل

الطاهرتن والحمد لله رب العالمین مولف

که امکان از دین و فداست در روز که عالم کنی بند

که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبادات هر یک در

کتاب عواف مختلف ذکر کرده اند و چون روایتش

را معتبر ندانستم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز

بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده

و موافق مذهب شعبه در روز بیست و سیم خواندن

دور بیست که السبب باشد والله یعلم

باب چهارم در اعمال ایام متبرک و ذی القعدة

از جمله ایام متبرک که ماه شوال روز عید فطر است و

شبش از جمله لیلالی شریفه است و در فضیلت و

ثواب عبادت و احیاء ان احادیث بسیار است و

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که

هر که احیا کند شب عید فطر یا نهمی دل او در روز

مؤمنین روزهی الله اجعل صیامی فیہ
بالشکر والقبول علی ما ترضاه وبرضاه الرسول
مخکه فروعہ بالاصول بحق سیدنا محمد وآلہ
الطاهرتن والحمد لله رب العالمین مولف
که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبادات هر یک در
کتاب عواف مختلف ذکر کرده اند و چون روایتش
را معتبر ندانستم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز
بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده
و موافق مذهب شعبه در روز بیست و سیم خواندن
دور بیست که السبب باشد والله یعلم
باب چهارم در اعمال ایام متبرک و ذی القعدة
از جمله ایام متبرک که ماه شوال روز عید فطر است و
شبش از جمله لیلالی شریفه است و در فضیلت و
ثواب عبادت و احیاء ان احادیث بسیار است و
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که
هر که احیا کند شب عید فطر یا نهمی دل او در روز

که دها از ترس مرده باشد و از حضرت امام محمد باقر
 مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید ز احیا
 میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در سجده میماند و
 میگفت ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل
 در این شب سنت است شخصی بخدمت حضرت صادق
 عرض کرد که مردم میگویند که امرش نازل میشود بر کسی
 که روزی دارد ماه رمضان حضرت فرمود که کارگر مردش
 را میدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در
 شب عید است راوی گفت چه کار ساز او است
 که در آن شب بکنم فرمود که چون افتاب غروب کند
 غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آور
 دستها بسوی آسمان یا ذا المین و الطویل یا ذا الجود
 بلند کن و بگویی *ای خداوند عالم در آن روز*
 یا مصلحی محمد و ناصی و صلی علی محمد و آل
 محمد و اغفر لی کل ذنب حصیده و هو
در روز عید که در آن شب عید است
 عندک فی کتاب مبین پس سجود برود و صد
 مرتبه در سجده بگوید
 انوب الی الله پس هر حاجت که داری از حق تعالی

طبع

طلب کن که الشاء الله برآورده است و بسند معتبر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین در شب عبد فطر
دو رکعت نماز میکرد و در رکعت اول بعد از حمد هزار
مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم یک مرتبه
میخواندند پس بر کوع و سجود می رفتند و بعد از سلام
سجده می رفتند و صد مرتبه می گفتند اَتُوبُ اِلَى اللَّهِ
پس می یا ذا الِیْمِنِ وَالْجُودِ یا ذَا الِیْمِنِ وَالطَّوْلِ یا

گفتند *یکصد مرتبه ای می خوانند*

مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى

یکصد مرتبه ای می خوانند

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند

در رکعت دوم پس ستر از سجده بر می داشتند و می فرمودند

بِحَقِّ خدایوندی که جانم بدست قدرت اوست که

هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد

البته او را عطا میکند و اگر بعد از بکهای بنیابان

کناه داشته باشد خدا او را بار میزد و بعد از نماز

سنتت که این یا الله یا الله یا الله یا الرحمن یا

دُعَا را بخواند *یکصد مرتبه ای می خوانند*

اللَّهُ یا مَلِکُ یا اللَّهُ یا قَدُوسُ یا اللَّهُ یا سَلَامُ

صد مرتبه ای می خوانند

محمد باقر
عبد الحیا
بی مانند
بیت و غسل
صافق
شهری بر کسی
کارگزار
روان دند
زوار است
پس بکند
از سجده
یا ذا الجود
الذکر
محمد و آل
و هو
بر و صد
سجده بگوید
حق تعالی

يا الله يا مفرج يا الله يا مهيمن يا الله يا عزيز

اگر ای ان بنده اگر ای همان اگر ای ارشد

يا الله يا حار يا الله يا متكبر يا الله يا خالق

اگر ای خستگار اگر ای زودتر از آن که ای اراده

يا الله يا نارحيم يا الله يا مصور يا الله يا عالم

اگر ای درازنده اگر ای صورت بخش اگر ای دراز

يا الله يا عظيم يا الله يا كريم يا الله يا قريب

اگر ای بزرگ اگر ای زودتر اگر ای نزدیک

يا الله يا مجيب يا الله يا جواد يا الله يا واحد

اگر ای حاضر کننده اگر ای تنه اگر ای گانه

يا الله يا ولي يا الله يا وفي يا الله يا مولى

اگر ای صاحب بخار اگر ای داننده اگر ای صاحب

يا الله يا قاضي يا الله يا سريع يا الله يا شديد

اگر ای صاحب استد اگر ای تند اگر ای سخت

يا الله يا روف يا الله يا قريب يا الله يا مجيب

اگر ای مهربان اگر ای همان اگر ای حاضر

يا الله يا جواد يا الله يا ماحود يا الله يا علي يا

اگر ای خشنده اگر ای زودتر اگر ای مندرک

الله يا حفيظ يا الله يا محيط يا الله يا سيد

حدا ای همان اگر ای حاضر کننده اگر ای بزرگ

السادات يا الله يا اول يا الله يا اخر يا الله

بزرگان اگر ای اول ای خدا ای اخر اگر

يا ظاهر يا الله يا باطن يا الله يا باخر يا الله

ای ظاهر ای خدا ای باطن اگر ای خشنده اگر

يا قاهرنا الله يا رباة يا الله يا رباة يا الله يا رباة

اگر چه ای سرور که ای سرور که ای سرور که ای سرور که ای سرور که

يا الله يا رباة يا الله يا رباة يا الله يا رباة يا الله يا رباة

اگر چه ای سرور که ای سرور که ای سرور که ای سرور که ای سرور که

يا نور يا الله يا دافع يا الله يا مانع يا الله يا فاسخ

اگر چه ای نور که ای دافع که ای مانع که ای فاسخ که ای فاسخ

يا الله يا نفاع يا الله يا جليل يا الله يا جميل

اگر چه ای نافع که ای جلیل که ای جمیل که ای جمیل که ای جمیل

يا الله يا شهيد يا الله يا شاهد يا الله يا حبيب

اگر چه ای شهادت که ای شاهد که ای حبیب که ای حبیب که ای حبیب

يا الله يا قاطر يا الله يا مطهر يا الله يا مالك

اگر چه ای قاطر که ای مطهر که ای مالک که ای مالک که ای مالک

يا الله يا مقتدر يا الله يا قابض يا الله يا باسط

اگر چه ای مقتدر که ای قابض که ای باسط که ای باسط که ای باسط

يا الله يا محي يا الله يا مميت يا الله يا مجيب

اگر چه ای محی که ای ممیت که ای مجیب که ای مجیب که ای مجیب

يا الله يا ناعث يا الله يا معطي يا الله يا مفضل

اگر چه ای ناعث که ای معطی که ای مفضل که ای مفضل که ای مفضل

يا الله يا منعم يا الله يا حق يا الله يا مبين يا

اگر چه ای منعم که ای حق که ای مبین که ای مبین که ای مبین

الله يا طيب يا الله يا محسن يا الله يا مبدئ

اگر چه ای طیب که ای محسن که ای مبدئ که ای مبدئ که ای مبدئ

يا الله يا معيد يا الله يا باري يا الله يا بدع

اگر چه ای معید که ای باری که ای بدع که ای بدع که ای بدع

اگر چه ای سرور که ای سرور که ای سرور که ای سرور که ای سرور که

يا الله يا هادي يا الله يا كافي يا الله يا شافي

اگر ای هدایت کننده اگر ای کافی کننده اگر ای شفا دهنده

يا الله يا علي يا الله يا حسان يا الله يا ميثان يا

اگر ای علی مرتضیٰ اگر ای حسان اگر ای ميثان

الله يا ذا الطول يا الله يا متعالي يا الله يا عدل

صدا ای صاف در تمام اگر ای بزرگ اگر ای در درجه

يا الله يا ذا المعارج يا الله يا صادق يا الله

اگر ای صاف در عروق اگر ای راست گان اگر ای راست گو

يا ديان يا الله يا باقي يا الله يا ذا الجلال يا

ای خاص کننده اگر ای باقی اگر ای صاحب عظمت ای

الله يا ذا الاكرام يا الله يا معبود يا الله يا

صدا اگر ای بزرگ است اگر ای استغناء کننده ای

محمود يا الله يا صانع يا الله يا معين يا الله

سزده شده اگر ای از همه کار اگر ای اعانت کننده

يا مكيون يا الله يا فعال يا الله يا لطيف يا الله

ای اگر ای بسنده اگر ای مهربان اگر ای

يا جليل يا الله يا غفور يا الله يا شكور يا

ای بزرگوار اگر ای آمرزنده اگر ای سپاسگزارنده

الله يا نور يا الله يا حسان يا الله يا قدوس

صدا ای نور خدا ای مهربان ای خدا را می ستود

يا الله يا رباة يا الله يا رباة يا الله يا رباة يا

اگر ای درودگار اگر ای درودگار ای خدا ای درودگار ای

الله يا رباة يا الله يا رباة يا الله يا رباة يا الله

صدا ای درودگار اگر ای درودگار اگر ای درودگار اگر ای

صدا ای درودگار اگر ای درودگار

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْبَلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَتَكْتُبَنِي

همه در این ماه از من ماه رمضان و بر من بر

فِي لَوْافِدِ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَى بَيْتِ الْحَرَامِ وَتَصْفَحَ لِي عَنِ

بر او در سینه گان بومی خانه محمد در کفر و کفر از او

الدُّنُوبِ الْعِظَامِ وَتَسْتَخْرِجَ يَا رَبِّ كَنُوزَكَ

کنایان بزرگ در این اوست ای درودگار من بخوان

يَا رَحْمَنُ وَدَرِّدْ وَابْتُ دِيكَرُ جَايِ هَرَا مَرْتَبَهٗ قَلْبِ هُو

راکت خدا لله صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا

سَمْتٌ مُؤَكَّدٌ اسْتُ كِهٖ بَعْدَ زَنَازِ شَامِ وَخَفْتَنِ وَصَبَحِ

شب عید و نماز عید این تکبیر ترا بخوانند

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

سه بار بزرگ است که از بزرگ است برت هذا ما فرموده و هذا بزرگ است

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَيْتَنَا

در حدیث براس خدا بزرگ است بر اگر چه است بزرگ است

وَقِنُوتٌ مَّخْصُوصَةٌ لِمَا عِبَادَتِهِ

وَنَمَازِ عِبَادَةٍ دُوْرَكَعَاتٍ اسْتُ وَدَرِّدْ رَكَعَاتٍ أَوَّلَ بَعْدِ

از قنوت پنج مرتبه تکبیر میگویند و بعد از هر تکبیر یک

قنوت میخوانند و در رکعت دوم بعد از قنوت

چهار تکبیر میگویند و چهار قنوت میخوانند و قنوت

مخصوصی رد و اگر کسی نخواند آنچه در قنوت نماز

دیگر میخواند بخواند و قنوت مخصوص نماز عبادت

Peterson O. 100.

MAGYAR TUDOMÁNYOS AKADÉMIA
KÖNYVTÁRA
* KELETI-KÖNYVTÁR *
BIBLIOTHECA ACADEMIAE
SCIENTIARUM HUNGARICAE

1955.

10 sz.

Pens. 0.100

Digitized by the Library and Information
Centre of the Hungarian Academy of
Sciences



Perzsa

O. 100.

